

زندگی منضبط

آموزش شاگردی برای رهبران

جلد دوم

زندگی منضبط

آموزش شاگردی برای رهبران

جلد دوم

نوشته ایوری تی ویلیس
مترجمین کشیش نینوس مقدس نیا
ماریت میکائیلان
ادوارد عیسی بک
هنریک شاهنظری

ویراستار: آرمان رشدی

مقدمه

شخصی گفته است: «بلوغ یعنی توانایی انجام کاری، چه نظارتی در کار باشد، چه نباشد؛ بلوغ یعنی به پایان رساندن کاری که شروع کرده‌ایم؛ یعنی حمل پول بدون خرج کردن آن؛ و سرانجام، یعنی تحمل ظلم و بی‌عدالتی بدون میل به انتقام.»

به جلد دوم «زندگی منضبط» و فرایند رشد آن خوش آمدید!

به هنگام مطالعه این جلد، به همان فرم آشنا یعنی «زندگی من با خداوند در این هفته» و اطلاعات لازم برای انجام تکالیف برخواید خورد. اما به تدریج متوجه برخی تفاوتها خواهید شد. در جلد دوم، تأکید و کانون توجه بر اینست شما بعنوان یک رهبر و مسؤول رشد کنید، نقشه و برنامه خاص خدا برای زندگی خود را کشف کنید، و شخصاً خدمات گوناگون را تجربه نمایید.

در جلد اول، تأکید و توجه بر این بود که شما شاگرد شوید. عیسی شاگردان را برگزید تا «همراه او» باشند. سپس ایشان را «فرستاد». ما همین واقعیت را با استفاده از تشبیه «ماندن در مسیح» برای «ثمرآوردن» بیان کردیم. میان بودن با مسیح و فرستاده شدن بعنوان نمایندگان او، فرایندی برای آماده سازی و شکل‌گیری وجود دارد. ما قبلاً دوره انتقال را آغاز کرده‌ایم و شما در چند هفته آینده بسوی سطح بالاتری از رشد و بلوغ حرکت خواهید کرد.

در جلد اول «زندگی منضبط» هدف ما شکل‌گیری برخی خصوصیات، ارزشها، اصول، عادات خصوصاً مربوط به حالات درونی‌مان بود. به همین علت، از چارچوبهای معینی استفاده کردیم؛ به این ترتیب که از شما کارهایی خواستیم و گفتیم که چگونه آنها را انجام دهید؛ سپس کنترل کردیم تا ببینیم آن تکالیف را انجام داده‌اید یا نه. شاید شما تا به این اندازه به راهنمایی و کنترل نیاز نداشتید، اما بعضی نیاز دارند تا بتوانند عاداتی نادرست را اصلاح کنند و تحت انضباط و نظم در آیند. بیشتر این کنترلها از بیرون از ما اعمال می‌شد تا به حداقل معیار رفتاری مطلوب به عنوان شاگرد دست یابیم. این امر باعث شد که بتوانیم دیسیپلین و انضباط لازم را در زندگی خود برای رسیدن به مرحله ثمردهی پیاده کنیم.

اما اکنون در حال حرکت و انتقال از مرحله «شاگردان تحت کنترل» به مرحله «رهبران مسلط بر خود» می‌باشیم. در جلد دوم «زندگی منضبط» به کشف اراده مخصوص خدا و عطایایی که او به هر یک از ما داده است، خواهیم پرداخت. هیچیک از ما شبیه دیگری نیست و هیچیک از ما مسیح را با روشی واحد خدمت نخواهد کرد. هر یک از ما دارای عطایا، استعدادها، تجربیات، دانش و مهارتهایی است که ما را برای خدمتی خاص و مشخص آماده می‌سازد. بنابراین، یکدیگر را یاری خواهیم داد که مؤثرترین راه را برای خدمت به مسیح بیابیم. در جلد اول، هدفمان این بود که همگی بطور یکسان به یک همشکلی استاندارد برسیم. اما در جلد دوم، برخلاف جلد اول، به یکدیگر کمک خواهیم کرد که هر کس روش خاص خود را برای انجام خدمت خاص خود در بدن مسیح بیابد.

در جلد دوم «زندگی منضبط» تعیین خواهید کرد که برای حفظ ثبات و انسجام مورد نظرتان، به چه کمکی از سوی دیگران نیاز دارید. تکالیف و آیات حفظی اغلب در جلسات گروهی چک نخواهد شد. اگر به حمایت و تشویق نیاز داشتید، به همسر یا همسنگر دعا یا یکی از اعضای گروه یا مسؤول گروهتان مراجعه کنید. از فرم «زندگی من با خداوند در این هفته» برای تنظیم پیشرفت خود استفاده کنید. از شما خواهیم خواست که در انتخاب تکالیف، تعیین اهداف زندگی، انجام خدمات و غیره ابتکار عمل بیشتری داشته باشید.

در طی هفته‌های چهارده تا نوزدهم، روابط خود را با اعضای خانواده و با دیگران اعتلاء خواهید بخشید. معنی و هدف زندگی خود را نیز ارزیابی خواهید کرد. همچنین، برنامه دعای خود را توسعه خواهید داد. جلسه هجدهم را به دعا اختصاص خواهیم داد که طی آن حدود نصف روز را به تماس و ارتباط با خداوند خواهید گذراند.

در هفته‌های هیجده تا بیست و ششم، در زمینه شهادت دادن تسلط کافی خواهید یافت و در مورد خدماتی که خدا شما را برای آن آماده می‌سازد، تفکر خواهید کرد. در جلسه بیست و ششم با کشف عطایای روحانی خود، دوره را به اوج و به پایان خواهید رساند. در این مرحله، گروه یا مرخص خواهد شد و یا طی چهار تا هشت جلسه با استفاده از نشریه «عطایای روحانی خود را کشف کنید» به یکدیگر کمک خواهند کرد تا هر یک عطای روحانی خود را دیده و آن را در خدمت خود بکار گیرند. شما رهبری خواهید شد که با دادن آموزش به دیگران، خدمت خود را توسعه و تکامل بخشید.

از همسنگر دعای خود بخوانید که با شما در دعا برای کشف اراده خدا برای آینده خدمتتان بعنوان بخشی از بدن مسیح، سهم گردد. از او بخوانید دعا کند تا شما همان شخصی بشوید که خدا می‌خواهد و کاری را بکنید که او در نظر گرفته است.

در ضمن مطالعه جلد دوم «زندگی منضبط»، می‌توانید از مقوای جدا کننده موجود در جلد اول برای منظم کردن موضوعات مختلف استفاده کنید.

وقتی با خداوند

خدمت و پشتکار در عبادت شخص

میزان متوسط یا کیفیت ع

«زندگی منضبط»

ی در کلام

نمل صحیح آیات مربوط به خدمت

* نوشتن روابط اشتباه - متی

* عطایای روحانی - اول پطرس

* توانایی خدا - افسسیان ۳:

* جستجوی خدا برای خادم

* خدمت خدمتگزاری - دوم

* خدمت بشارت - یوحنا ۱۰

* خدمت تعلیم / موعظه - د

* خدمت خوراک دهی - کول

* خدمت دعا - اول یوحنا ۵

* توسعه خدمت - دوم تیموت

* شاگردی کلی - متی ۲۸: ۸

نمل صحیح آیات مربوط به خبر

* هدف خدا: حیات ابدی

* هدف خدا: هدیه نجات

* هدف خدا: زندگی وافر و

* هدف خدا: آسمان - یوح

* نیاز ما: همه گناه کرده

* نیاز ما: نمی توانیم خ

* نیاز ما: مستحق هلاک

* تدارک خدا: تجسم - یوح

[illegible]

امضاء	تاریخ

۲- تکمیل «جدول ارتباط» با اعضای خانواده ام

۳- رهبری عبادت خانوادگی برای لااقل هفته روز متوالی، یا در صورت تجرد، داشتن وقت دعا با یک دوست به مدت هفت روز متوالی

۴- تربیت احتمالی شاگرد(ان) و هدایت او (آنها) به لااقل یک بار شهادت دادن

شهادت به دیگران

۱- استفاده از شیوه شهادت شخصی در شهادت دادن

۲- بشارت به یک غیرایماندار جدید

۳- شرکت در ملاقاتهای بشارتی یا شهادتی لااقل برای ۵ بار

۴- بازگو کردن شخصی انجیل به یک غیرایماندار

خدمت به دیگران

۱- ارائه صحیح «اسلحه روحانی» به زبان خود، براساس افسسیان ۶: ۱۰-۱۸

۲- ارائه صحیح «معرفی انجیل» به زبان خود با استفاده از کتاب مقدس

۳- توضیح اندیشه های کلی «طفل روحانی»، با استفاده از جزوه «به خانواده خدا خوش آمدید»

۴- توضیح «معمار دانا» به زبان خود، شامل همه نکات مهم به کمک دیاگرام

۵- تشخیص خدماتی که خدا برای من در نظر گرفته است

۶- تشخیص آموزشهای اضافی مورد نیاز برای خدمتم

امضاء	تاریخ

۷- اتخاذ تصمیم درباره اقدامات لازم در زمینه خدمت
در شاگردسازی، کلام، خوراک دهی، بشارت، شفاعت / خدمتگزاری

۸- شرکت عملی در خدمات زیر:

- * خدمتگزاری
- * بشارت
- * تعلیم / موعظه
- * خوراک دهی
- * شاگرد سازی
- * شفاعت

امضاء

امضاء	تاریخ

شاگرد کسی است که عیسیای مسیح را سرور زندگی خود بسازد.

اصلاح روابط ناردست

مسیحیان مانند یک خانواده با محبت عمل می‌کنند، در این خانواده درست مانند هر خانواده‌ای سؤ تفاهمات و رنجشهایی پیش می‌آید. این درس به شما کمک خواهد کرد تا بدانید وقتی بین مسیحیان مسئله‌ای ایجاد می‌شود چکار کنید.

در پایان این درس خواهد توانست:

- * برای لزوم بهبود سریع روابط سه دلیل ذکر کنید.
- * توضیح دهید که در صورت مقصر بودن باید چه اقداماتی به عمل آورید.
- * در صورتی که کسی نسبت به شما خطایی کرده باشد، شش قدمی را که باید بردارید، ذکر کنید.
- * نقش یک آشتی دهنده را شرح دهید.

سؤالات زیر را مطالعه کنید و به آنها پاسخ دهید. سپس جوابهای خود را با جوابهای آخر درس مقایسه نمایید.

۱- مشارکت بین مسیحیان از مهم‌ترین تجربیات زندگی مسیحایی ما است. رابطه ما با خدا از طریق مسیح ما را به عنوان بدن مسیح به یکدیگر می‌پیوندد.

مرگ مسیح بر صلیب کفاره گناهان ما را پرداخت و رابطه گسسته ما و خدا را اصلاح کرد (رومان ۵: ۱). بعلاوه ایجاد رابطه صحیح بین فرزندان خدا را هم ممکن ساخت. یوحنا می‌گوید که میزان محبت ما با یکدیگر نمایانگر محبت ما به خدا است (اول یوحنا ۴: ۲۱).

اول یوحنا ۳: ۱۴ را بخوانید و جمله زیر را کامل کنید: «ما می‌دانیم که از _____ گذشته داخل _____ گشته‌ایم از اینکه برادران را _____».

۲- باید برادران و خواهران مسیحی خود را در کلام و در عمل محبت نماییم (اول یوحنا ۳: ۱۸). معهذاً، گناه هنوز هم باعث از هم پاشیدن روابط مسیحیان می‌شود. زیر گناهایی که زمانی باعث بروز مشکلاتی در روابط شما با دیگر مسیحیان شده‌اند، خط بکشید.

تلخی	طمع	حسادت
بی‌صبری	بی‌تفاوتی	غرور
بی‌نزاکتی	سخن‌چینی	خشم
حرص	فخر	سؤ تفاهم

۳- اختلاف نظرها، برخوردهای شخصیتی و کشمکش برای بدست آوردن قدرت هم روابط محبت‌آمیز مسیحیان را تیره می‌گردانند. شاگردان مسیح می‌بایست علی‌رغم گناهکار بودن بشر تلاش می‌کردند که یکدیگر را محبت کنند.

متی ۲۰: ۲۰-۲۴ را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف . شاگردان از چه کسی عصبانی شدند؟

ب . چرا عصبانی بودند؟

۴- خوشبختانه، رابطه ما با مسیح، بهبود روابط با مردم را ممکن می‌سازد. بوسیله عذرخواهی می‌توانیم با خدا و با یکدیگر مصالحه کنیم.

اول یوحنا ۷:۱ را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

- الف . منشأ مشارک مسیحی چیست؟
ب . چه چیزی این مشارک را پاک می‌سازد (یا بهبود می‌بخشد)؟

۵- هرگاه متوجه شدیم که مشکلی در روابط وجود دارد باید فوراً برای اصلاح آن اقدام کنیم. این کار به سه دلیل واجب است. اول اینکه روابط نادرست با برادران و خواهران مسیحی بر رابطه ما با خدا تأثیر می‌گذارد. آیات زیر را خلاصه کنید.

الف . اول یوحنا ۴:۲۰ و ۲۱

ب . متی ۶:۱۴ و ۱۵

۶- دوم اینکه به ما دستور داده شده است که روابط را اصلاح کنیم و بهبود بخشیم. در جلوی هر یک از عبارات زیر، درست یا غلط بودن آن را مشخص کنید.

- الف . به ما امر شده است که در اصلاح و بهبود روابط بکوشیم، خواه خود مقصر باشیم، خواه نباشیم. (متی ۵:۲۳ و ۲۴). باید یکدیگر را بیشتر از هفتاد و هفت مرتبه ببخشیم (متی ۱۸:۲۲).
ب . از ما انتظار نمی‌رود که همانگونه که خدا ما را محبت نمود ما نیز یکدیگر را محبت نماییم (یوحنا ۱۵:۱۲)

۷- سوم اینکه، باید روابط صحیحی با یکدیگر داشته باشیم تا برای دنیای بی‌ایمان شاهدان خوبی باشیم. مسیح به شاگردان گفت که مردم آنها را به راحتی خواهند شناخت. یوحنا ۱۳:۳۴ و ۳۵ را بخوانید و جلوی نشانه یک ایماندار واقعی علامت بگذارید:

☐ الف - لهجه جلیلی

☐ ب - محبت به یکدیگر

☐ ج - علامت ماهی

اگر نسبت به برادران و خواهران ایمانی خود بی‌محبت باشیم، چگونه می‌توانیم در مورد محبت خدا نسبت به دیگران صحبت کنیم؟ همانگونه که خدا بوسیله مسیح دنیا را با خود مصالحه می‌داد، خدمت مصالحه به ما نیز سپرده شده است (دوم قرنتیان ۵:۱۸).

۸- برای اینکه روابط غلط خود را اصلاح کنیم باید خودمان پیشقدم باشیم. باید مایل باشیم که کار را شروع کنیم. ممکن است وسوسه شویم که شروع کار را به تعویق بیندازیم و با دلائلی از قبیل «اگر صبر کنیم آنها از آسیاب خواهند افتاد» و یا «باید صبر کنیم تا اوضاع مساعدتر شود» کار خود را توجیه کنیم.

نویسنده عبرانیان خطر حل نکردن سریع مشکلات را شرح می‌دهد. عبرانیان ۱۲:۱۵ را بخوانید و در این جملات زیر خطر خط بکشید:

الف . شخص ممکن است آن را فراموش کند.

ب . ممکن است تصمیم بگیرید او را نبخشید.

ج . سبب می‌شود ریشه مرارت نمو کند.

۹- در متی ۲۳:۵ و ۲۴:۱ مسیح شاگردی را توصیف می‌کند که متوجه شده باید با برادری صلح نماید و رابطه تیره‌ای را اصلاح کند. شاگرد فوق در چه جایی متوجه لزوم انجام این کار می‌شود؟

در حضور خدا متوجه می‌شویم که روابطمان احتیاج به اصلاح دارد و چه مشکلاتی داریم. وقتی قلب خود را برای روح القدس بگشاییم او قلبمان را تفتیش می‌کند و ما را به گناه ملزم می‌سازد و به ما نشان می‌دهد که اراده‌اش در مورد اعمال و رفتارمان چیست.

۱۰- متی ۲۳:۵ و ۲۴:۱ مراحل اصلاح و بهبود روابط تیره را شرح می‌دهد. این آیات مشخص نمی‌کنند که شخصی که به قربانگاه رفته است خود مقصر است یا خیر.

اگر شما مقصر باشید طبق اول یوحنا ۹:۱ باید چه کنید؟

۱۱- اعتراف در حضور خدا آمرزش خدا را به همراه دارد. نباید نسبت به آمرزش خدا شک کنیم. باید نزد دیگران نیز اعتراف کنیم. باید گناه خود را به زبان بیاوریم و سپس معذرت بخواهیم.

با گذاردن علامتی، بهترین برخورد را مشخص کنید.

☐ الف - «من اشتباه کردم اما اگر تو»

☐ ب - «اگر اشتباه کردم مرا ببخش.»

☐ ج - «از اینکه باعث عصبانیت شما شدم معذرت می‌خواهم.»

☐ د - «من در مورد ... اشتباه کردم. لطفاً مرا ببخش.»

۱۲- پس از عذرخواهی شاید لازم باشد که اشتباه خود را جبران کنید. زکی پس از اعتراف قول داد چهار برابر آنچه را که ناحق گرفته بود برگرداند (لوقا ۱۹:۸).

مشخص کنید که کدامیک از روشهای زیر برای جبران اشتباهات مناسب است. زیر روش صحیح خط بکشید.

الف . حاضر باشید به کسانی که مسأله ایجاد شده به نحوی به آنها مربوط می‌شود، بگویید که اشتباه کرده‌اید.

ب . علناً بدگویی‌ها، تهمت‌ها و دروغهای خود را اعتراف کنید.

ج . اموال مسروقه را برگردانید.

د . خسارتهای وارده را جبران کنید.

ه . برای کمک در برنامه‌ها و یا کارهای روزمره اظهار آمادگی کنید.

۱۳- اگر یک مسیحی نسبت به شما خطایی کرد، ممکن است وسوسه شوید و صبر کنید که خودش برای حل مسأله پیشقدم شود. با وجود این، در متی ۱۸:۱۵-۱۷ مسیح از شخصی که به او بدی شده، می‌خواهد که قدم اول را بردارد. آیات فوق را بخوانید و قدمهای زیر را به ترتیب صحیح مرتب کنید:

— الف . اگر حضور شاهدان باعث مصالحه نمی‌شود، مسأله را به کلیسا بگویید.

— ب . پیش کسی که به شما بدی کرده بروید و سعی کنید اختلافات را رفع نمایید.

— ج . اگر با هم توافق کردید رابطه شما اصلاح شده است.

— د . یک برادر مسیحی نسبت به شما بدی می‌کند.

— ه . اگر شخص تقصیر کار حاضر نیست با شما آشتی کند، دو یا چند دوست مسیحی دیگر را برای مصالحه با خود ببرید.

— و . اگر شخص خاطی توصیه کلیسا را نپذیرفت همچون گناهکاری با او رفتار کنید.

۱۴- اگر تمام کوششها به شکست منتهی شد و آن برادر نخواست در مورد اختلافاتی که با شما دارد به توافق برسد، کتابمقدس می‌فرماید که باید رابطه شما با او همچون رابطه‌تان با گناهکاران باشد. دقت کنید که کتابمقدس نمی‌گوید شخص مزبور دیگر در مسیح برادر شما نیست. همچنین در نظر داشته باشید که کتابمقدس نمی‌گوید شخصی که نسبت به او خطایی شده و یا کلیسا حق دارند با تلخی، کینه‌جویی، انتقامجویی و بیزاری با فرد مقصر رفتار کنند. به خاطر داشته باشید که همگی ما گناهکاریم. رفتار شخصی که نسبت به او خطایی شده، با مقصر باید محبت‌آمیز و توأم با علاقه باشد. رابطه ما با او تغییر می‌کند، نه رفتارمان.

۱۵- عاقلانه‌تر است که هنگام رودرو شدن با یکدیگر خوشبین باشیم. مایل باشید که تقصیر خود را در ایجاد مسئله بپذیرید، و یا پرسید که آیا اشتباهی مرتکب شده‌اید که در ایجاد مسئله نقشی داشته است. مشکلات در روابط باعث ایجاد مشکلات روحانی می‌شود. دعا یک وسیله روحانی است که راه حل‌های روحانی بوجود می‌آورد. چگونه دعا در حل اختلافات کمک می‌کند؟ —

۱۶- در متی ۱۸:۱۵-۱۷ می‌بینیم که برای تأیید و کمک به کوششهایی که در جهت ایجاد مصالحه انجام می‌دهید، شاهدانی لازم است. در چنین مواردی شخص سوم چه نقشی دارد؟ جواب صحیح را با علامتی مشخص کنید.

الف . نشان می‌دهد که چه کسی اشتباه می‌کند.

ب . پیشنهاداتی برای جبران ارائه می‌دهد.

ج . یادداشت‌هایی برمی‌دارد تا به دقت به دیگران گزارش دهد.

د . شاهد کوششهای شما برای اصلاح روابط است.

۱۷- شاهد یا آشتی دهنده باید یک مسیحی بالغ و واقع بین باشد که توسط روح القدس هدایت می‌شود. غلاطیان ۶:۱ را بخوانید و به زبان خودتان بنویسید که نصیحت پولس به یک آشتی دهنده چیست؟

۱۸- وقتی روابط اصلاح شد، و یا وقتی تمام راههای ممکن را امتحان کردید اما به نتیجه نرسیدید، دیگر شما پاک و عاری از خطا هستید. بخشش خدا کامل است، بخشش شما هم باید کامل باشد. فرد مقابل و همچنین خود را به بی‌قید و شرط ببخشید.

در متی ۵:۲۳ و ۲۴ کار مصالحه یک مسیحی در کجا به پایان می‌رسد؟

در همان جایی که کار را شروع کردید به پایان برسانید، یعنی در حضور خدا در موقع پرستش.

۱۹- از خدا بخواهید که به شما نشان دهد که نسبت به چه کسانی بدی و خطا کرده‌اید و یا چه کسی نسبت به شما خطایی کرده طوری که نمی‌توانید با صلح و صفا عبادت کنید. بنویسید که برای اصلاح و بهبود روابط، قصد دارید چه قدمهایی را بردارید. —

پاسخها

۱- موت، حیات، محبت می‌نمایم.

۲- پاسخ شخصی

۳- الف - یعقوب و یوحنا ب - می‌خواستند در ملکوت مسیح مقام والایی داشته باشند.

۴- الف - رابطه ما با خداوند بوسیله مسیح ب - خون عیسی

۵- الف - اگر برادر خود را دوست نداشته باشید، نمی‌توانید ادعا کنید که خدا را دوست دارید. ب - اگر خطاهای دیگران را نبخشید، خدا هم شما را نخواهد بخشید.

۶- الف - درست ب - غلط

۷- ب

۸- ج

۹- در قربانگاه

۱۰- معذرت بخواهید.

۱۱- د

۱۲- باید زیر تمام عبارات بجز ه خط بکشید. انجام کارهای نامربوط بیشتر شبیه مجازات است تا جبران اشتباه.

۱۳- د، ب، ج، ه، الف، و

۱۵- دعا کمک می‌کند که گناه خود را ببینیم و بتوانیم ببخشیم.

۱۶- د

۱۷- آن عده‌ای از شما که روحانی هستید باید به خطاکار کمک کنند تا بتواند اشتباه خود را ببیند. اما این کار باید با تواضع و ملایمت انجام گیرد.

۱۸- در قربانگاه

۱۹- پاسخ شخصی

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «مشارکت با ایمانداران» قرار دهید.

اسلحه روحانی

می‌دانید که به عنوان یک شاگرد، در جنگ هستیم. حتماً کشمکشهای روحانی را که بین نیروهای نیکویی و نیروهای شریر در درون شما انجام می‌گیرد، تجربه کرده‌اید. متوجه شده‌اید که علی‌رغم پیروزی شما، شیطان مجدداً باز می‌گردد تا باز یکروز دیگر بجنگد. آنچه را که باید به خاطر بسپارید این است که جنگ شما یک جنگ شخصی نیست. شما بخشی از لشکر خدا هستید که برای شکست دادن شیطان و نیروهای شریر خوانده شده است. ما همگی پشت خطوط دشمن زندگی می‌کنیم، و جنگ روحانی مدام در اطراف ما در دنیا رخ می‌دهد.

خدا مسیحیان را برای پیروزی در جنگ مجهز می‌کند (افسیان ۶: ۱۰-۲۰ را بخوانید). او می‌خواهد که هر ایماندار در جنگ روحانی در مقابل شیطان و مکرهای او بایستد (آیه ۱۱). او می‌خواهد که ما در روز شریر مقاومت کنیم و در آخر پیروز شویم و وقتی جنگ خاتمه می‌یابد، همچنان ایستاده باشیم (آیه ۳). او به ما هشدار می‌دهد که جنگ ما با خون و جسم نیست بلکه با قدرتهای شیطانی و نیروهای ظلمت و فوجهای روحانی شرارت است (آیه ۱۲). راه پیروزی بر نیروهای شرارت استفاده از اسلحه روحانی است که در آیات فوق مذکور می‌باشد، یعنی راستی، عدالت، انجیل سلامتی، ایمان نجات و کلام خدا. پولس هر یک از این خصوصیات یا منابع شخصیتی را با بخشی از اسلحه سرباز رومی مقایسه کرده است. احتمالاً او تمام انواع اسلحه‌ها را خوب می‌شناخت زیرا با زنجیر به یک سرباز رومی بسته شده بود.

نکته قابل توجه این است که پولس فهرست خصوصیات مزبور را با تشویق ایمانداران به دعا خاتمه می‌دهد: «با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام بجهت همه مقدسین بیدار باشید. یک مبارز روحانی جنگ را بر روی زانوهای خود آغاز می‌کند. وی قبل از اینکه برای رویارویی با دشمن خارج شود، توسط دعا اسلحه تام روحانی را می‌پوشد.

آیه ۱۸ بر دعا به عنوان یک میدان خاص مبارزه می‌نگرد و بر نکات زیر تأکید می‌کند:

- * پیوسته دعا کردن
- * انواع مختلف دعا بخصوص التماس
- * بیداری
- * اصرار یا مداومت
- * تمام مقدسین

جنگهای روحانی با دعا شروع می‌شوند. اگر چنین جنگی شروع شده باشد، باید با سرعت به دعا پردازیم. دعا یکی از وسائلی است که خدا توسط آن شما را با قدرت عظیم خود نیرومند می‌گرداند. وقتی که اسلحه روحانی را بپوشید، می‌توانید از طریق دعا خود را پیروزمند بشمارید. سپس می‌توانید خارج شوید تا جواب این دعاها را در میدان نبرد این دنیا مشاهده کنید.

دستیابی به پیروزی در دعا قبل از ورود به میدان جنگ توسط داستانی در عهد عتیق نشان داده شده است. سه پادشاه برای حمله به یهو شافاط آماده شده بودند (دوم تواریخ ۲۰: ۱-۲۵). او تمام قوم را به دعا دعوت کرد. بعد از اینکه مدتی دعا کردند، روزه گرفتند. خداوند آنان را مطمئن ساخته، گفت: «جنگ از آن شما نیست، بلکه از آن خدا است ... بر شما نخواهد بود که جنگ نمایید. بایستید و

نجات خداوند را که با شما خواهد بود مشاهده نمایید» (دوم تواریخ ۱۵:۲۰-۱۷). صبح روز بعد یهوشافاط مردم را تشویق کرد تا به خدا ایمان آورند. وی گروه سرایندگان را در جلوی سپاه که به میدان جنگ می‌رفت قرار داد. چه نیروی تهاجمی عجیبی! چه ایمان نیرومندی! قبل از آنکه به میدان جنگ برسند، خدا ترتیبی داده بود که سه دشمن بر علیه یکدیگر برخاسته و یکدیگر را نابود سازند. اسرائیل تنها وارد میدان جنگ شد و غنائم را برداشت.

رمز پیروزی این است که ابتدا در دعا جنگ را فتح کنیم؛ سپس می‌توانیم به دشمن حمله کنیم و پیروزی را که خداوند قبلاً مهیا کرده است عملی سازیم. گاهی ممکن است تنها وارد میدان جنگ شدن کافی نباشد، اما مطمئن باشید که در این صورت هم خدا پیروزی شما را تضمین کرده است.

در اینجا می‌خواهم توضیح دهم که چگونه در دعا، هر بخش از اسلحه روحانی را بطور سمبولیک به تن کنید. سلاحها را به ترتیبی ذکر خواهم کرد که به خاطر سپردن آنها برای شما آسان باشد.

خود نجات

خود نجاتی را تصور کنید که وقتی مسیح شما را نجات داد، دریافت کردید. بگذارید این سمبل به شما یادآوری کند که:

۱- برای فرزند خدا بودن او را شکر کنید. «او که در شما است بزرگتر است از آنکه در جهان است» (اول یوحنا ۴:۴) به خاطر نجات خود خداوند را سپاس گوید.

۲- برای حیات جاودانی خدا را شکر کنید. خدا از شما همیشه و در هر جنگی محافظت می‌کند. خدا را به خاطر آن شکر گوید.

۳- فکر خداوند را داشته باشید (اول قرنتیان ۱۶:۲). این امر جزئی از نجات است.

کتاب مقدس می‌فرماید: «زیرا هر چند در جسم رفتار می‌کنیم ولی به قانون جسمی جنگ نمی‌نماییم، زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه‌ها، که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می‌افزاید به زیر می‌افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم» (دوم قرنتیان ۱۰:۳-۵). این آیات را با صدای بلند بخوانید.

جوشن عدالت

جوشن عدالتی را که مسیح به شما داده است مجسم کنید. جوشنی که زندگی شما را از عدالت مملو ساخته است. آن را نشانه‌ای بدانید که از قبل یا اراده شما محافظت می‌کند. بگذارید این نشانه به شما یادآوری کند که:

۱- از خداوند بخواهید تا قلب شما را تفتیش کند و ببیند آیا در شما راه فساد هست (مزمور ۱۳۹:۲۳ و ۲۴).

۲- تمام گناهانتان را اعتراف کنید (اول یوحنا ۹:۱).

۳- عدالت خداوند را طلب کنید تا گناهانتان را بپوشاند و شما را در خود مستحکم سازد (دوم قرنتیان ۵:۲۱). بوسیله درستکاری و عدالت، جوشن عدالت را محکم بر تن داشته باشید.

کتاب مقدس می‌فرماید: «اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتی خداوند مرا نمی‌شنید» (مزمور ۶۶:۱۸). این آیه را با صدای بلند بخوانید.

کمر بند راستی

کمر بند راستی را که سایر اسلحه‌ها را در جای خودشان نگه می‌دارد، مجسم کنید. در این آیات راستی به معنی صداقت و درستی اخلاقی است. بگذارید این نشانه به شما یادآوری کند که:

۱- به هنگام دعا و یا جنگ روحانی، با خود و با خدای خود صادق باشید.

۲- به حقیقت متمسک شوید. شیطان پدر دروغها است و می‌خواهد شما را فریب دهد.

۳- بر احساسات خود تسلط داشته باشید. حقیقت باید راهنمای احساسات شما باشد نه نفس و شیطان. کتاب مقدس قسمتی از بدن را که با کمر بند راستی پوشانده شده است «احشاء» (یا قسمت درونی شکم) می‌نامد که مرکز احساسات یا خود احساسات است. کمر بند راستی به شما کمک می‌کند که احساسات خود را کنترل کنید و تسلیم آن نشوید. اگر کمر بند راستی در جای خود نباشد، نباید انتظار داشته باشید که خداوند به دعاهایتان جواب دهد.

کتاب مقدس می‌گوید: «سؤال می‌کنید و نمی‌یابید از این رو که به نیت بد سؤال می‌کنید تا در لذات خود صرف نمایید» (يعقوب ۳: ۴) این آیه را با صدای بلند بخوانید.

نعلین استعداد انجیل سلامتی

مجسم کنید که کفشهای یک سرباز را پوشیده‌اید. استعداد انجیل سلامتی یعنی آمادگی برای جنگ. بگذارید این انجیل سلامتی به شما یادآوری کند که:

۱- آماده باشید. باید قبل از شروع جنگ آماده شوید. دعا کنید که خدا برای هر موقعیتی شما را آماده سازد.

۲- انجیل را به همه برسانید. استعداد انجیل سلامتی یعنی آمادگی برای انتشار انجیل. از خداوند بخواهید شما را آماده سازد تا شاهد او باشید.

۳- برای گم‌شدگان شفاعت کنید. شما آماده هستید تا از طریق دعا یا شهادت به دشمن حمله کنید. شهادت پولس مؤثر بود زیرا برای گم‌شدگان دعا می‌کرد (رومیان ۱۰: ۱). از روی لیست خود برای دوستان گم شده دعا کنید. کشورهای جهان و میلیونها نفر مردم گم شده آنها را به نظر بیاورید و برای آنها دعا کنید.

کتاب مقدس می‌فرماید: «پس از همه چیز اول سفارش می‌کنم که صلوات و دعاها و مناجات و شکرها را برای جمیع مردم بجا آورند. زیرا که این نیکو و پسندیده است در حضور نجات دهنده ما خدا که می‌خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند» (اول تیموتائوس ۲: ۱ و ۳ و ۴). این آیات را با صدای بلند بخوانید.

شمشیر روح

شمشیر روح، یعنی کلام خدا را در دست راست خود مجسم کنید. کلام در اینجا به معنی «سخنان خدا» است و نشان می‌دهد که خدا در مورد موقعیتهای خاص با شما صحبت می‌کند. بگذارید شمشیر داستان به شما یادآوری کند که:

۱- به کلام متمسک شوید. کلام خدا یک سلاح تهاجمی است و «زننده و مقتدر و برنده تر است از هر شمشیر دودم و فرورونده تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را و ممیز افکار و نیتهای قلب است» (عبرانیان ۴: ۱۲). این اسلحه را بکار ببرید، خواه دشمن آن را «کلام خدا» بداند و خواه نداند.

۲- بگذارید که روح القدس کلام را بکار برد. کلام شمشیر اوست.

۳- براساس کلام دعا کنید. روح القدس توسط کلام ارده خدا را برای شما مکشوف خواهد کرد و نشان خواهد داد که در مورد چه چیزی دعا کنید (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵)، و چه کارهایی انجام دهید.

کتابمقدس می‌گوید که مسیح چهل روز روزه گرفت و دعا کرد، اما وقتی وسوسه شد، کلام خدا شیطان را فراری داد (متی ۴: ۱-۱۰).

سپر ایمان

مجسم کنید که گذشته از تمام سلاحهای مذکور، سپر ایمان را نیز در دست دیگر خود دارید. سپر سربازان رومی یک تکه چوب بلند و مستطیل شکل بود. وقتی تیرهای آتشین دشمن به آن اصابت می‌کرد، در آن فرو می‌رفت و خاموش می‌شد. بنابراین، چون تیرهای شریر به سوی شما پرتاب می‌شوند، با سپر ایمان پیش بروید و تیرهای آتشین شریر را خاموش سازید. بگذارید سپر ایمان به شما یادآوری کند که:

۱- پیروزی را از آن خود بدانید. ایمان پیروزی است که دنیا را مغلوب می‌سازد (اول یوحنا ۴: ۵).

۲- با ایمان جلو بروید. ایمان بدون عمل باطل است (یعقوب ۲: ۲۰). باید دعاها را عملی سازیم.

۳- تمام تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید.

کتابمقدس می‌فرماید: «بنابراین به شما می‌گویم آنچه در عبادت سؤال می‌کنید یقین بدانید آن را یافته‌اید و به شما عطا خواهد شد (مرقس ۱۱: ۲۴). این آیه را با صدای بلند بخوانید.

دعا

اکنون اسلحه روحانی دفاعی را برتن دارید. فکر شما توسط خود نجات محافظت می‌شود و قلب یا اراده شما توسط جوشن عدالت، و احساسات شما بوسیله کمر بند راستی. با نعلین استعداد انجیل سلامتی پیش می‌روید. در یک دست شمشیر روح، یعنی کلام خدا را دارید، بعلاوه سپر ایمان نیز در دست دیگران قرار دارد. این سلاحها حداقل در سه مورد بسیار مفیدند.

۱- وقتی می‌خواهید از سلطه شیطان بر قسمتی از زندگی‌تان خلاص شوید.

۲- وقتی مورد حمله شیطان قرار می‌گیرید.

۳- وقتی به شیطان حمله می‌کنید. وقتی به شیطان حمله می‌کنید که وارد قلمرو او می‌شوید تا از طریق شفاعت یا شهادت، افرادی را که به اسارت گرفته است نجات دهید. طبق اول یوحنا ۵: ۱۹ «می‌دانیم که از خدا هستیم و تمام دنیا در شریر خوابیده است.» گم‌شدگان و دورشدگان از ایمان زیر سلطه شیطان هستند و او برای نگه داشتن آنها در اسارت می‌جنگد.

نبرد توسط دعا

اسلحه روحانی، شما را برای شفاعت دیگران آماده می‌سازد. اکنون شما در موقعیتی هستید که می‌توانید برای دیگران دعا کنید و منتظر جواب باشید. آخرین آیه مربوط به اسلحه تام خداوند چنین است: «با دعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید و برای همین به اصرار و التماس تمام به جهت همه مقدسین بیدار باشید» (افسیسیان ۶: ۱۸). جنگ ادامه دارد. با اسلحه تام خداوند پیشروی

کنید. به شفاعت خود ادامه دهید تا پیروز شوید و با فیض الهی در پیروزی پایدار باشید. دعا کنید که نقشه خداوند اجرا گردد و انجیل با دلیری اعلام شود (افسیان ۶: ۱۹ و ۲۰).

این چنین دعایی بیش از پنج دقیقه طول می‌کشد. جنگ روحانی یعنی کشتی گرفتن با دشمن، ممکن است یک ساعت، یک روز، یک هفته و یا حتی بیشتر طول بکشد. خدا سربازان و مبارزانی را می‌خواهد که دعا کنند و برای نبرد مسلح باشند. پیشرفت ملکوت خدا به دعای مقدسین بستگی دارد. خدا در برقراری ملکوت خویش شما را شریک خود کرده است و به همین دلیل به شما دستور می‌دهد که اسلحه روحانی را توسط دعا بر تن کنید. سپس وارد میدان نبرد روحانی شوید.

هر مسیحی علاوه بر دعای معمولی باید ساعاتی را به نبرد در دعا اختصاص دهد. می‌توانید با یک ساعت دعا در هفته شروع کنید و کم‌کم وقت اینگونه دعا را افزایش دهید و یک روز در هفته را به دعا و روزه اختصاص دهید. وظیفه سربازی که توسط دعا می‌جنگد این نیست که تنها برای «مقدسین سالخورده» که دیگر نمی‌توانند در میدان نبرد فعال باشند، دعا کند. خداوند می‌خواهد که تمام ایمانداران همیشه «با دعا و التماس تمام» دعا کنند. وقتی خدا می‌خواهد در این دنیا کاری انجام دهد، مردم را ترغیب می‌کند که برای آن هدف دعا کنند. جنگیدن در لشکر خدا برای کسانی که توسط شریر به اسارت رفته‌اند، بزرگترین امتیازی است که خدا به ما ارزانی داشته است.

نبرد در دعا شما را برای نبرد در این دنیا آماده می‌سازد. اگر دعا نکنید، بدون بر تن داشتن اسلحه تام خدا وارد جنگ خواهید شد. وقتی وارد خطوط دشمن می‌شوید، از سلاحهای روحانی استفاده کنید. دعاها را خود را عملی سازید.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «دعای با ایمان» قرار دهید.

خود نجات

- * برای فرزند خدا بودن او را شکر کنید.
- * برای حیات جاودانی خدا را شکر کنید.
- * فکر خداوند را داشته باشید.

جوشن عدالت

- * از خداوند بخواهید تا قلب شما را تفتیش کند.
- * تمام گناهانتان را اعتراف کنید.
- * عدالت خداوند را طلب کنید.

کمر بند راستی

- * صادق باشید.
- * به حقیقت متمسک شوید.
- * بر احساسات خود تسلط داشته باشید.

سپر ایمان

- * پیروزی را از آن خود بدانید.
- * با ایمان جلو بروید.
- * تمام تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید.

شمشیر روح

- * به کلام متمسک شوید.
- * بگذارید که روح القدس کلام مرا بکار برد.
- * بر اساس کلام دعا کنید.

نعلین استعداد انجیل سلامتی

- * آماده باشید.
- * انجیل را به همه برسانید.
- * برای گم شدگان شفاعت کنید.



روش استفاده از فرم ارزیابی روابط

در صفحه ۲۲ فرمی ارائه شده که نام آن «فرم ارزیابی رابطه من» است. به کمک این فرم می‌توانید با اعضای خانواده و دوستان نزدیک خود در مورد روابط فیما بین بحث کنید و چگونگی روابط موجود را بهتر دریابید و برای بهبود آن رهایی پیدا کنید. نباید این فرم را همزمان در مورد بیش از یک نفر بکار ببرید. در این جزوه دو نسخه از فرم مذکور در اختیار شما قرار گرفته است. در صورت نیاز به نسخ بیشتر، راهنمای شما آنها را در اختیارتان قرار خواهد داد.

۱- فرم ارزیابی روابط در صفحه ۲۲ را مطالعه کنید. دقت نمایید که در این فرم رابطه بین دو نفر از هفت جنبه یعنی (سهیم ساختن، گوش دادن، پرورش دادن و غیره) مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر یک از جوانب دارای دو حد نهایی هستند. مثلاً در حد نهایی در سهیم ساختن عبارتند از «نامستعد» و «مستعد» و یا در گوش دادن عبارتند از «گوش نمی‌دهد» و «گوش می‌دهد». برای نشان دادن میزان «نامستعد» یا «مستعد» بودن فرد یا «گوش ندادن» و «گوش دادن» و غیره در هر مورد بین این دو حد نهایی خطی وجود دارد که به هفت قسمت تقسیم شده است و میزان را نشان می‌دهد. کلمه «او» در بالای خط و «من» در زیر خط نشان می‌دهند که باید نظر خود را در مورد شخصی مقابل در بالا و خط مشخص کنید. ارزیابی خودتان را در زیر خط نشان دهید.

الف . میزان سهیم ساختن به این معنی است که آیا احساسات و افکار خود را برای فرد مقابل بازگو می‌کنید یا نه؟ آیا یکی از شما باید اغلب حدس بزند که دیگری چه احساسی دارد؟

ب . میزان گوش دادن به این معنی است که آیا با دقت به فرد مقابل گوش می‌دهید و او را درک می‌کنید یا اینکه به او توجهی ندارید؟ آیا پاسخهای شما تنها از روی عادت و بدون فکر کردن است و یا کاملاً دقت می‌کنید که که علت گفته‌های او را هم بفهمید؟

ج . میزان بناکردن به این معنی است که آیا فرد مقابل را حمایت و تشویق و کمک می‌کنید و آیا او را تسلی می‌دهید و نسبت به او وفادار هستید یا اینکه یکی از شما نسبت به دیگری بی‌اعتنایی و بی‌توجهی می‌کند و او را می‌آزارد و تنها می‌گذارد؟ آیا مطمئن هستید که فرد مقابل پیوسته طالب نفع شما است؟

د . میزان تأیید یکدیگر به این معنی است که آیا با تمجید و تحسین از طرف مقابل در نزد او و نزد دیگران یکدیگر را تأیید می‌نمایید یا اینکه یکی از شما عادت دارد از دیگری انتقاد کند و مدام او را تحقیر، سرزنش و توبیخ و یا محکوم نماید؟
هـ . میزان مشارکت روحانی به این معنی است که آیا تجربیات روحانی خود را صمیمانه با یکدیگر در میان می‌گذارید و آیا آزادانه در مورد رابطه خود با خدا با یکدیگر صحبت می‌کنید و کشمکشها و پیروزیها و رویاهای خود را برای یکدیگر بیان می‌کنید؟ آیا از یکدیگر فاصله می‌گیرید و آماده نیستید تا در مورد وضعیت روحانی خود صحبت کنید؟

و . میزان رشد به این معنی است که آیا به فرد مقابل کمک می‌کنید تا آزادانه و مطابق آنچه که خداوند برایش در نظر دارد رشد کند و یا یکی از شما دیگری را تحت نفوذ خود قرار داده، او را محدود می‌سازد و با مهارت او را وادار می‌سازد تا مطابق دلخواه وی رفتار و زندگی کند.

ز . میزان روابط فیزیکی به این معنی است که آیا از لحاظ فیزیکی با فرد مقابل مهربان هستید و رابطه خوبی با وی دارید و یا یکی از شما نسبت به دیگری بی‌توجه و بی‌علاقه است و رفتار بسیار سردی دارد.

۲- برای ارزیابی رابطه خود با هر یک از اعضای خانواده یا دوستان از فرم جداگانه‌ای استفاده کنید. شما و فرد مقابل باید دو فرم مجزا را جداگانه و بدون دیدن پاسخهای یکدیگر پر کنید. هر دو شما باید مطابق دستورات زیر عمل کنید:

- الف . در بالای هر خط با گذاردن علامتی چگونگی رابطه فرد مقابل با خودتان را مشخص کنید.
- ب . در پایین هر خط با گذاردن علامتی چگونگی رابطه خود را با فرد مقابل مشخص سازید.

۳- پس از اینکه شما و فرد مقابل فرمهای مذکور را پر کردید، ارزیابی‌های خود را با یکدیگر مقایسه کنید. در مورد علل تفاوت‌هایی که بین ارزیابی شما و فرد مقابل وجود دارد بحث کنید. به علت این تفاوت‌ها توجه خاصی مبذول دارید. علت این تفاوت‌ها به اندازه خود تفاوت‌ها دارای اهمیت می‌باشند.

۴- هنگام بحث در مورد هر یک از جوانب رابطه خود با فرد مقابل از وی بپرسید که برای بهبود رابطه در آن زمینه چه پیشنهاداتی دارد. مهم‌ترین کاری که باید در این تست انجام دهید، «گوش دادن» است. باید منظور فرد مقابل را کاملاً درک کنید. سعی نکنید از خودتان دفاع کنید.

حالت تدافعی به خود نگیرید و بخاطر ارزیابی که فرد مقابل از شما کرده، با او مشاجره نکنید. ممکن است جوابها باب میل شما نباشد، اما نتیجه ارزیابی صادقانه فرد مقابل است. او را سرزنش یا محکوم نکنید. ممکن است طرف مقابل برای اولین بار مسئله‌ای را مطرح ساخته باشد. مخالفت شما مانع برقراری ارتباط می‌شود. در مواردی که ارزیابی شما از فرد مقابل بالاتر از ارزیابی او از خودش باشد، می‌توانید با آوردن دلائلی برای صحت ارزیابی خود او را تشویق کنید. بعضی از نتایج حاصله از ارزیابی باعث تعجب و خوشحالی شما خواهد گردید.

۵- به آن قسمت از ارزیابی که در آن خودتان را ضعیف تشخیص داده‌اید، توجه مخصوص بنمایید. تصمیم بگیرید که برای بهبود آن موارد چه قدم‌هایی را بردارید. در مورد کارهایی که می‌توانید برای بهبود روابط انجام دهید با یکدیگر صحبت کنید.

۶- مشخص کنید که برای اصلاح کدام جنبه از روابط بیش از همه به کمک احتیاج دارید و برای بهبود آن جنبه از روابط برنامه‌ریزی کنید. هر علامتی که در سمت راست خط عمودی وسط قرار می‌گیرد نشانگر ضعف مشخصی در آن مورد بخصوص است. اگر متوجه شدید که در موردی خاص ضعیف هستید، از فرد مقابل بخواهید تا به شما کمک کند. حتی ممکن است دلیل ضعیف بودن نتیجه ارزیابی فرد مقابل از خود، نحوه برخورد شما با او باشد. مثلاً ممکن است فرد مقابل در زمینه سهیم ساختن، خود را نامستعد ارزیابی کرده باشد تنها به خاطر اینکه نمی‌داند اگر عقاید و افکارش را با شما در میان بگذارد چه عکس‌العملی نشان خواهید داد.

۷- هدف از فرم مزبور ارزیابی روابط به گونه‌ای حرفه‌ای و تخصصی نیست، بلکه این فرم وسیله‌ای است برای شروع صحبت در مورد روابط فی‌مابین. بعلاوه شما باید در مورد روابط خود دعا کنید. شاید برای حل مشکلاتی که با آنها مواجه می‌شوید نیاز به کمک داشته باشید. به یکدیگر قول بدهید که در بهبود و توسعه هر چه بیشتر روابط با یکدیگر همکاری کنید.

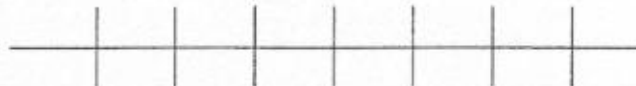
پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «مشارکت با ایمانداران» قرار دهید.

فرم ارزیابی روابط من

با _____

میزان سهیم ساختن
او

مستعد

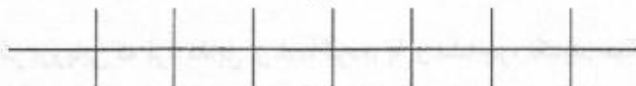


نا مستعد

من

میزان گوش دادن
او

گوش می دهد

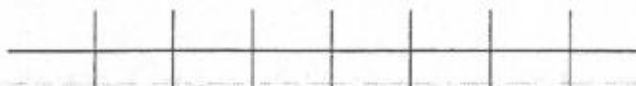


گوش نمی دهد

من

میزان بنا کردن
او

حمایت می کند

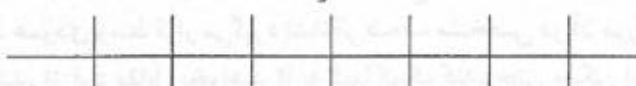


بی توجه است

من

میزان تأیید یکدیگر
او

تحمید می کند

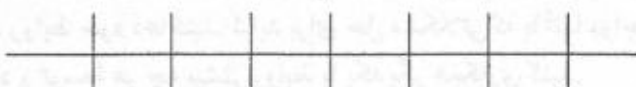


انتقاد می کند

من

میزان مشارکت روحانی
او

صمیمی

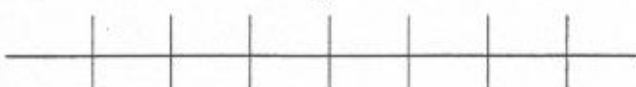


غیر صمیمی

من

میزان رشد
او

آزاد می گذارد

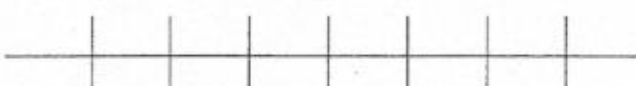


نفوذ می کند

من

میزان روابط فیزیکی
او

مهربان



بی توجه

من

فرم ارزیابی روابط من

با _____

میزان سهیم ساختن
او

مستعد

نا مستعد

من

میزان گوش دادن
او

گوش می دهد

گوش نمی دهد

من

میزان بنا کردن
او

حمایت می کند

بی توجه است

من

میزان تأیید یکدیگر
او

تمجید می کند

انتقاد می کند

من

میزان مشارکت روحانی
او

صمیمی

غیر صمیمی

من

میزان رشد
او

آزاد می گذارد

نفوذ می کند

من

میزان روابط فیزیکی
او

مهربان

بی توجه

من

فرم ارزیابی روابط من

با _____

میزان سهم ساختن
او

مستعد



نا مستعد

میزان گوش دادن
او

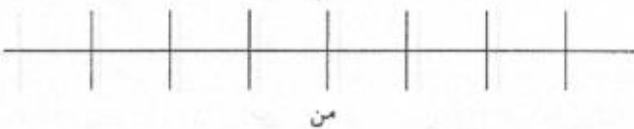
گوش می دهد



گوش نمی دهد

میزان بنا کردن
او

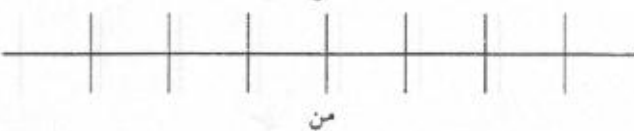
حمایت می کند



بی توجه است

میزان تأیید یکدیگر
او

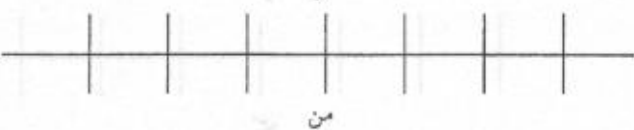
تمجید می کند



انتقاد می کند

میزان مشارکت روحانی
او

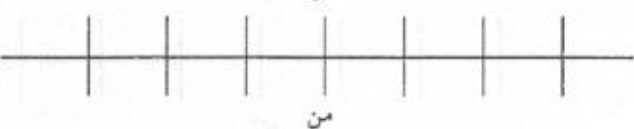
صمیمی



غیر صمیمی

میزان رشد
او

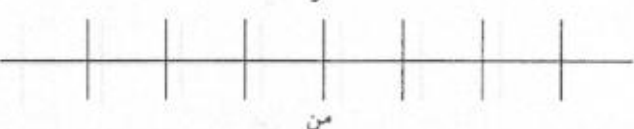
آزاد می گذارد



نفرذ می کند

میزان روابط فیزیکی
او

مهربان



بی توجه

فرم ارزیابی روابط من

با _____

میزان سهیم ساختن
او

مستعد

نا مستعد

من

میزان گوش دادن
او

گوش می دهد

گوش نمی دهد

من

میزان بنا کردن
او

حمایت می کند

بی توجه است

من

میزان تأیید یکدیگر
او

تحمید می کند

انتقاد می کند

من

میزان مشارکت روحانی
او

صبمی

غیر صبمی

من

میزان رشد
او

آزاد می گذارد

نفوذ می کند

من

میزان روابط فیزیکی
او

مهربان

بی توجه

من

روش قدردانی از تفاوتها

بقلم پل و نلی تورنیه

دکتر تورنیه: ما معتقدیم که خدا برای هر کسی نقشه‌ای دارد و مفهوم زندگی این است که اراده خدا را برای اجرای این نقشه پیدا کنیم.

اگر خدا برای من و برای نلی نقشه‌ای دارد، این به آن معنی است که برای هر دو ما نقشه دارد. اما بدیهی است که هر یک از ما خدا را از نقطه نظر خود می‌بیند و بنابراین در پی خدا بودن می‌تواند عاملی برای ایجاد هماهنگی واقعی بین ما باشد.

این امر آسان نیست. بعضی از مسیحیان می‌گویند: «فقط کافی است که ایمان داشته باشی، همه مشکلات حل خواهد شد.» معهذاً، ما به این نتیجه نرسیده‌ایم و در واقع احساس می‌کنیم که تلاش در راه جستجوی خدا و مشکلاتی که در این راه وجود دارد باعث رشد ما می‌گردد.

دانستن اراده خدا آسان نیست. وحشتناکترین جنگها، جنگهای مذهبی بوده‌اند، تنها به این دلیل که هر دو طرف یقین داشتند که خدا با آنهاست. من شاهد جنگهای مذهبی در خانواده‌ها نیز بوده‌ام. چقدر غم‌انگیز است که انسان شاهد رفتار ظالمانه ایمانداران نسبت به همسرش باشد! کشیشی که زن بیمار خود را نزد من آورده بود، می‌گفت: «آقای دکتر، من روح القدس را دارم ولی همسر من ندارد.» من بلافاصله فکر کردم که این طرز فکر، خود برای مریض ساختن همسر وی کافی است! و اینکه اگر او روح القدس را می‌داشت روح می‌توانست به او بگوید که در مورد طرز فکرش تجدید نظر کند.

ممکن است ما به چنین مثال افراطی بخندیم، اما همگی ما فکر می‌کنیم که خدا با نظر ما موافق است نه با نظر همسایه‌مان. من بتدریج یاد گرفته‌ام که خدا با همه، اعم از مرد و زن، کودک و بزرگسال، سیاه‌پوست و سفید پوست، ثروتمند و فقیر، صحبت می‌کند. برای درک اراده خدا باید به صدای او در تمام انسانها گوش فرادهیم. البته ترجیح می‌دهم که خدا مستقیماً با من صحبت کند، تا اینکه توسط همسر من اراده‌اش را به من نشان دهد، اما با وجود این وقتی حقیقتاً در پی درک اراده خدا هستم، باید متقاعد شوم به همان اندازه‌ای که خداوند از طریق من و با من صحبت می‌کند از طریق همسر من و با او نیز صحبت می‌کند.

پس صدای خدا نه صدای من است و نه صدای همسر من بلکه صدایی که می‌تواند هر دو ما را متحد سازد. من و همسر من هیچیک مالک خدا نیستیم. ما با یکدیگر در پی او هستیم و برای این کار باید یگانگی داشته باشیم. مشارکت زناشویی، حتی در بهترین ازدواجها نیز کار دشواری است.

هنوز هم پس از گذشت بیش از چهل سال از ازدواجمان، از همسر من ترس دارم. ترس بزرگترین مانع در راه برقراری ارتباط بین انسانهاست. در حال حاضر من مشغول نوشتن کتابی هستم و وقتی نلی می‌گوید: «نمی‌خواهی قسمتی از آن را برایم بخوانی؟» گرفتار ترس می‌شوم. برای من خواندن کتاب مزبور برای هزاران نفر آسانتر از خواندن فقط یک پاراگراف از آن برای همسر من است. چقدر مهم است که در حضور یکدیگر آزاد باشیم و احساس راحتی کنیم.

خانم تورنیه: پیشنهاد ازدواج شوهرم برای من خیلی غیر منتظره بود! او متفکر بزرگی بود و من حتی یک دانشجوی خوب هم نبودم. در طول دوران جوانی‌ام دکتر تورنیه را خیلی بالاتر از دیگران می‌دانستم و یقیناً هیچگاه خود را با او برابر نمی‌دانستم.

دکتر تورنیه: من سعی کردم با دلائل روانشناسی و الهیاتی و فلسفی و غیره او را متقاعد سازم که با یکدیگر برابر هستیم. هرچقدر بیشتر دلیل می‌آوردم، او بیشتر احساس حقارت می‌کرد. حتی در مورد ایمان نیز با همین مشکل مواجه بودیم. می‌خواستیم یک خانواده مسیحی تشکیل دهیم و بهمین دلیل گاهی من از کتاب مقدس برای هردو مان می‌خواندم. بعد قسمتی را که خوانده بودم تفسیر می‌کردم و همسر من ساکت بود و تنها گوش می‌داد. عبادت ما بی‌روح بود و اغلب از انجام آن منصرف می‌شدیم.

بعد می‌گفتم: «نه، ما باید با یکدیگر عبادت کنیم.» و باز به همان شکل سابق عبادت می‌کردیم. من واعظ می‌شدم و نلی جماعت من.

خانم تورنیه: من بوضوح احساس کردم که اگر بتوانم فقط یک بار در حضور شوهرم دعا کنم، از احساس حقارت آزاد خواهم شد. بالاخره همین کار را کردم و برای این کار سرودی انتخاب نمودم و کلمات آن را به صورت دعا تکرار کردم. بعدها توانستم با کلمات خودم دعا کنم.

دکتر تورنیه: برای یک زوج واقعی بودن راه درازی در پیش داشتیم. من در دنیای تفکر سیر می‌کردم اما او ایمانی ساده داشت. کم کم توانستیم افکار پیچیده من و سادگی او را تلفیق نماییم و یگانگی ایجاد کنیم. این تلفیق و یگانگی بسیار مهم است، چرا که سادگی بدون تفکر یک حالت احساساتی خواهد بود در حالیکه تفکر مذهبی بدون داشتن سادگی ایمان، الهیاتی توخالی است.

واقعۀ مهمی که در زندگی ما روی داد، عبارت بود از کشف اهمیت سکوت. در سال ۱۹۳۲ با مردی ملاقات کردم که می‌گفت تفکر در سکوت چه نقش مهمی در زندگی او داشته است. روز بعد سعی کردم یک ساعتی را با تفکر در حضور خدا بگذرانم. در همان زمان، بدون اینکه من بدانم، همسر من نیز همین کار را انجام می‌داد.

هیچیک از ما جرأت نداشت تجربیات خود را برای دیگری تعریف کند. وقتی بالاخره مسأله را فهمیدیم، شروع کردیم که با یکدیگر در سکوت منتظر خدا باشیم.

هر دو کاملاً احساس راحتی می‌کردیم. در طی این ساعات تفکر برای من آسان بود که به روش سابق خود یعنی تفکر محض برگردم اما چنین مسأله‌ای پیش نیامد زیرا که در مورد زندگی خود و اینکه خدا در اینباره به من چه می‌گوید فکر می‌کردم. از آنجایی که صحبت کردن همیشه مانعی بین من و نلی بود پس سکوت مشکل گشای ما می‌شد.

خانم تورنیه: یکبار وقتی آنچه را که در طی این ساعت سکوت مشترک احساس کرده بودم به شوهرم گفتم، او سعی کرد گفته‌های مرا بسط دهد و با تفصیل بیشتری بیان کند. من جرأت پیدا کرده و گفتم: «من در مورد آنچه که احساس می‌کنم خدا می‌خواهد به ما نشان دهد صحبت می‌کنم؛ دیگر لازم نیست به آن شاخ و برگ بدهی.»

دکتر تورنیه: اخلاق ما تفاوت زیادی با یکدیگر دارد و کار زیادی لازم بود تا عقاید ما به یکدیگر نزدیک شود. این کار، کاری است که خدا در ازدواج ما انجام می‌دهد.

من خوشبین هستم اما همسر من بدبین است. او در مورد تمام مشکلات و بدبختی‌ها و مصیبت‌هایی فکر می‌کند که ممکن است رخ دهد و من نمی‌توانم او را مطمئن سازم که این چیزها اتفاق نخواهد افتاد. اما خدا نه خوشبین است و نه بدبین. وقتی شخصی در پی خداوند است، شخصیت و اخلاقش تعدیل می‌شود و دیگر نه بدبین است و نه خوشبین.

تفاوت دیگر ما این است که من سعی دارم خود را ترس نشان دهم درحالیکه نلی تا حدی ترسو است. یک شب پسرمان با ماشین بیرون رفته بود و سراساعت مقرر برنگشت. هر دو نگران بودیم. من ناگهان به نلی گفتم: «من هم به اندازه تو ناراحتم، اما سعی می‌کنم نشان ندهم.»

او پاسخ داد: «این حرف تو باعث دلگرمی من است.» زیرا احساس می‌کرد کس دیگری در این ترس و نگرانی با او سهیم است. زن و شوهر سعی دارند حالت تعادل ایجاد کنند. اگر یکی از آنها می‌ترسد، دیگری ترس خود را نشان نمی‌دهد. اما در واقع ترس و شجاعت در همگی ما وجود دارد. جدایی و مرز، بین زن و شوهر نیست بلکه در داخل همه ما.

تفاوت دیگر ما در نقطه نظرمان نسبت به پول بود. من پول درآوردن را دوست ندارم اما دوست دارم خرج کنم. همسر من پول درآوردن را خوشحال است ولی پول خرج کردن را دوست ندارد. باز لازم بود سعی کنیم که عقاید خود را به هم نزدیک سازیم و وجه مشترکی بیابیم.

خانم تورنیه: شوهرم یتیم بود و عمویش از او مراقبت کرده است. یک روز عمویش پیش من آمد و گفت: «خانواده تورنیه همیشه هر چه را که داشته خرج کرده است. اما می‌دانم که خانواده شما به شما یاد داده که حسابگر باشید. می‌خواهم خواهش کنم که امور مالی این خانه را شما اداره کنید.»

برای من مشکل بود چنین پیشنهادی به شوهرم بکنم. اما در ساعات تفکر در سکوت توانستم این مسأله را مطرح سازم. بعد از آن او تمام پولی را که بدست می‌آورد به من می‌داد و با هم تصمیم می‌گرفتیم که آن را چگونه خرج کنیم.

دکتر تورنیه: همسر من در مورد بچه‌ها نسبتاً سخت گیر بود، اما من درست برعکس او بودم. ما در واقع عکس یکدیگر عمل می‌کردیم. یک روز در طی ساعات تفکر این فکر به مغزم خطور کرد که من واقعاً تمام بار را بردوش همسر من نهاده‌ام. باید بیشتر احساس مسئولیت کنم و نسبت به کودکانم سخت‌گیرتر باشم. همسر من با شنیدن تصمیم جدید من گفت: «پس من می‌توانم در مورد بچه‌ها کمتر سخت‌گیر باشم.»

حال از تجربیات سخت زندگی بگویم.

در سال ۱۹۳۶ ما با اتومبیل تصادف کردیم. من رانندگی می‌کردم و در این حادثه عموی من، یعنی کسی که مرا بزرگ کرده بود در گذشت. من بلافاصله فهمیدم که حادثه‌ای وحشتناک و علاج‌ناپذیر رخ داده است. هیچ کاری از دست من برنمی‌آمد. تنها کاری که می‌توانستم بکنم این بود که رنج و عذاب خود را به پای صلیب ببرم و در آنجا بخشیده شوم. جرم قانونی نداشتم، اما احساس گناه می‌کردم تا اینکه دعا کردم و همه چیز را به دستهای خدا سپردم.

خانم تورنیه: در این تصادف من مجروح و در بیمارستان بستری شدم. در دوران نقاهت و حتی تا چندین ماه پس از حادثه، از این فکر که همسر من عمویش را کشته است رنج می‌بردم، البته در این حادثه او مقصر نبود اما در هر حال مرگ عمویش حقیقت داشت. بالاخره پیش شبان کلیسا رفتم، کسی که در طی تمام این سختیها در کنار من بود. او هر قدر که می‌توانست سعی کرد با حرفهایش به من دلداری دهد، اما هیچیک از سخنان وی نیاز مرا برطرف نمی‌کرد. تنها وقتی می‌خواستم اتاقش را ترک کنم گفت: «آیا مسیح فقط برای چند چیز مصلوب شد یا برای همه چیز؟»

چند شب قبل از کریسمس، شب از خواب پریدم و کلمه «همه چیز» را شنیدم. من آزاد شده بودم. وقتی در مورد تصادف فکر

می‌کردم دیگر عذاب نمی‌کشیدم.

دکتر تورنیه: اگر خدا حقیقتاً برای ما نقشه‌ای دارد، پس باید در زندگی ما نقاط عطفی هم وجود داشته باشد یعنی لحظه‌هایی که باید در جهتی که او نشان می‌دهد قدم بگذاریم.

در سال ۱۹۳۶ ما به یک چنین نقطه عطفی رسیدیم. بنظرم رسید که خدا می‌خواهد تا کار پزشکی را رهاکنم و کار بشارت را پیش گیرم. علاقه‌ام نسبت به طبابت کمتر شد و زندگی یک مبشر در نظرم خیلی جالبتر از زندگی یک پزشک می‌نمود. برای این دورنمای جدید اشتیاق شدیدی داشتم، اما نلی اصلاً قانع نمی‌شد. باز تفاوت اخلاقی در این امر دخیل بود: من شخص ماجراجویی هستم اما او محتاط است.

وقتی یک زن و شوهر می‌خواهند از اراده خدا پیروی کنند، اما در مورد اراده او به توافق نمی‌رسند، چه باید بکنند؟ تنها کار ممکن این است که صبر کنند تا خدا اراده‌اش را روشنتر سازد.

تا چند ماه وضع بسیار سختی داشتیم. یک روز وقتی از بحثهای پایان ناپذیر خود خسته شده بودیم من واقعاً احساس یأس کردم. اما باز صبر کردیم و امید خود را از دست ندادیم.

این مسأله دارای جنبه مالی هم بود. ترک کردن شغل پزشکی مساوی بود با از دست دادن تأمین شغلی.

خانم تورنیه: دوستان «خوب» من و حتی خویشاوندانم می‌گفتند: «اگر به همین ترتیب پیش بروید، دیگر روی ما حساب نکنید، از دست ما کمکی بر نمی‌آید.» اما پسر کوچک ما که در آن زمان هنوز ده ساله هم نبود، یک روز گفت: «مادر من بزودی می‌توانم کارکنم و پول در بیاورم.»

بالاخره واقعاً احساس کردم که شوهرم هدایت شده است که یک مبشر بشود، اما در عین حال به کار طبابت خود نیز ادامه دهد. بنابراین نزد شبان جوانی رفتم و در حضورش دعا کردم که بتوانم این دورنمای جدید را بپذیرم و قبول کنم که شوهرم طبق اراده خدا یک پزشک و مبشر بشود.

دکتر تورنیه: وقتی فهمیدم که خدا نمی‌خواهد از طبابت دست بکشم بلکه از ایمانم در آن کار استفاده کنم، دانستم که باید روش جدیدی را در علم پزشکی پایه‌گذاری کنم. توجه خود را بر یافتن این حقیقت معطوف کردم که زندگی روحانی انسان تا چه حد بر سلامتی وی تأثیر می‌گذارد. هیچیک از دوستان نزدیکم کارهای مرا درک نمی‌کرد. من تنها بودم و فقط همسرم مرا کاملاً درک می‌کرد.

چقدر مایل بودم که مستقیماً نظر خدا را بشنوم. اما تنها سه چیز به مغزم خطور می‌کرد: اول اینکه کتاب مشخصی را مجدداً بخوانم تا ببینم کتاب مزبور برای مسائلی که علم پزشکی قادر به پاسخگویی نیست جوابی دارد یا خیر. دوم اینکه مسائل را با شش تن از همکارانم در میان بگذارم. سوم اینکه به بیمارانم نامه بنویسم و برایشان توضیح دهم که پس از این می‌خواهم به بررسی تأثیرات زندگی روحانی بر سلامتی پردازم.

دو هفته به مرخصی رفتیم و هنوز منتظر دریافت الهامی از جانب خدا بودیم. اما خدا چیز جدیدی مکشوف نکرد و بالاخره فهمیدم که باید افکاری را که قبلاً داشتم عملی سازم و بعد از آن خدا افکار و ایده‌های دیگری به من خواهد داد.

در سالهای بعدی جهت و مسیر کارم در طی ساعات تفکر مشخص می‌شد. باید مسائل عملی را حل می‌کردم: مسائلی از قبیل اینکه

وقتم را چگونه برنامه‌ریزی کنم. چون بیماران زیادی را می‌دیدم، جلساتی داشتم، کتابهایی می‌نوشتم و سخنرانی‌هایی داشتم؛ پس همیشه این مسأله وجود داشت که چگونه وقتم را تنظیم کنم. چه دعوت‌هایی را بپذیرم، چه مقاله‌هایی را بنویسم و مسائلی از این قبیل. ما همیشه طی ساعاتی که به تفکر اختصاص می‌دادیم، با یکدیگر در مورد این مسائل فکر می‌کردیم.

اکنون که روبه پیری هستم و باید فعالیت‌هایم را کمتر کنم، مسائل جدیدی ایجاد می‌شود، و در هر مورد همکاری و توافق دو تن با اخلاقی متفاوت ضروری است. ما با یکدیگر در پی یافتن راه صحیح و اراده خدا هستیم.

برای هر کسی و هر زوجی راه متفاوتی وجود دارد. سعی نکنید از ما تقلید کنید بلکه راه خودتان را پیش گیرید. ممکن است برای شما صحبت کردن با یکدیگر مفیدتر از سکوت باشد. مسأله اصلی در پی خدا بودن است. گاهی پاسخ‌هایی از جانب خدا دریافت می‌کنید و می‌دانید که خدا دقیقاً می‌خواهد چکار کنید. اما اغلب جوابی نمی‌شنوید و با سکوت خدا مواجه می‌شوید. تنها بعد از یک مدت طولانی می‌فهمید که نقشه خدا انجام می‌شده، اگر چه شما از آن اطلاعی نداشتید و در واقع بدون آنکه متوجه شوید، خدا شما را هدایت کرده است.

من و همسرم برای طرز هدایت خدا و برای تمام آنچه که به ما داده است از او سپاسگزاریم. مسأله مهم این نیست که از خدا چه دستوراتی دریافت کرده‌ایم، زیرا اغلب در این مورد اشتباه می‌کنیم. بلکه مهم‌ترین مسأله این است که بیشتر با یکدیگر صمیمی شویم، به نحوی که صمیمیت ما به عنوان یک زوج بوسیله صمیمیت ما با خدا عمیق‌تر گردد.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «مشارکت با ایمانداران» قرار دهید.

ارزیابی رابطه شما با همسرتان

پس از مطالعه سخنان دکتر تورنیه و خانم ایشان، ارزیابی زیر را تکمیل نمایید:

مرحله اول

۱- رک‌گویی و بی‌آلایشی خانم و آقای تورنیه در مورد تفاوت‌هایشان باعث می‌شود احساس کنم که: (می‌توانید با گذاردن علامتی جلوی یک عبارت یا بیشتر پاسخ خود را مشخص کنید)

- الف . چطور می‌توانستند چنین موضوعاتی را اعتراف کنند؟
- ب . انتخاب آنها در ازدواج اشتباه بود اما مجبور بودند تا جایی که می‌توانند با یکدیگر بسازند.
- ج . درست مثل ما هستند.
- د . شاید با وجود این همه تفاوتی که بین ما وجود دارد برای ما نیز امیدی وجود داشته باشد. آنها با وجود تفاوت‌های زیاد با یکدیگر مشارکت عمیق داشتند.
- ه . اصلاً نمی‌بایست با یکدیگر ازدواج می‌کردند.

۲- خانم و آقای تورنیه در پنج زمینه با یکدیگر تفاوت داشتند. مشخص کنید که در این پنج زمینه چقدر با همسرتان تفاوت دارید. برای این کار حرف اول اسم همسرتان را در جای مناسبی بر روی هر یک از خطوط زیر بنویسید. سپس حرف اول اسم خود را بر روی همان خطوط و در جای مناسب خود بنویسید. در هر مورد ممکن است کاملاً با یکدیگر متفاوت باشید.

در مورد ایمان

متفکر _____ ساده

از لحاظ اخلاقی

خوشبین _____ بدبین

در مورد پول

ولخرج _____ حسابگر

در مورد فرزندان

آسان‌گیر _____ سخت‌گیر

در مورد شغل

ماجرای _____ محتاط

۳- با علامت گذاردن یکی از سه پاسخ الف، ب یا ج با توجه به تجربیات خود نظر خود را در مورد عبارت زیر بیان کنید.
 «زن و شوهر سعی دارند حالت تعادل ایجاد کنند. اگر یکی از آنها می ترسد، دیگری ترس خود را نشان نمی دهد. اما در واقع ترس و شجاعت در همگی ما وجود دارد. جدایی و مرز، بین زن و شوهر نیست بلکه در داخل همه ما.»
 الف . موافق هستم ب . مخالف هستم ج . نظری ندارم.
 چرا؟ _____

مرحله دوم

۱- فرم ارزیابی روابط به من دید روشنی داد زیرا کمک کرد تا متوجه شوم که _____

۲- فرم ارزیابی روابط باعث شد که بتوانم دوستم / همسرم را بهتر بشناسم زیرا متوجه شدم که _____

۳- بحث و گفتگو در مورد فرم ارزیابی روابط به ما کمک کرد تا رابطه بهتری داشته باشیم (رابطه ما را بدتر کرد) زیرا _____

۴- با ارزیابی کلی روابطمان متوجه شدم که بزرگترین ضعف من عبارتست از _____

بزرگترین مزیت و حسن من عبارتست از _____

۵- دوست من / همسرم در برطرف ساختن ضعفم به من کمک می کند به این ترتیب که _____

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قست «مشارکت با ایمانداران» قرار دهید.

زندگی من با خداوند در این هفته

برنامه تفکیک شده جلسات		تاریخ (های) شروع _____، _____	برنامه استاندارد
هفته اول	هفته دوم		
		صرف وقت با خداوند	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	هر روز مدتی را به عبادت شخصی اختصاص دهید. می‌توانید در این ساعات مقالات قسمتهای «زندگی در کلام» و «دعای با ایمان» را مطالعه نمایید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		برای تفتیش خود در حضور خدا درس «چگونه از اسلحه روحانی برای کمک به یک دوست استفاده کنیم» (صفحه ۳۶) را مطالعه کنید.	<input type="checkbox"/>
		زندگی در کلام	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کتابمقدس را بخوانید و برکات خود را در راهنمای مشارکت روزانه با خداوند یادداشت نمایید.	<input type="checkbox"/>
	<input type="checkbox"/>	درس «عطایای روحانی در بدن مسیح» (صفحه ۳۸) را مطالعه کنید و به سؤالات آن پاسخ دهید.	<input type="checkbox"/>
	<input type="checkbox"/>	اول پطرس ۱:۴ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		رومان ۲۳:۳ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آیات حفظی زندگی منضبط جلد اول را حداقل یک بار در هفته و آیات حفظی زندگی منضبط جلد دوم را هر روز مرور کنید.	<input type="checkbox"/>
		دعای با ایمان	
	<input type="checkbox"/>	در طول این هفته هر روز با دوست خود با صدای بلند دعا کنید. هر روز یکی از شما دیگری را در دعا هدایت کند.	<input type="checkbox"/>

☐☐☐☐

9

☐

درس «اسلحه روحانی» (صفحه ۱۴) را برای کسی که فکر می‌کنید برایش مفید است به بهترین نحو شرح دهید. یکی از روشهایی که کمک می‌کند دیگران به شما گوش کنند، این است که به آنها بگویید باید درستان را تمرین کنید. از آنها بپرسید که حاضر خواهند شد ده دقیقه به حرفهای شما گوش دهند. وقتی حرفهای خود را تمام کردید، از آنها بپرسید: «آیا توانستم درس را به طریقی واضح و روشن توضیح دهم؟ آیا سؤالی دارید؟» برای خدمت از هردی که خداوند باز می‌کند وارد شوید.

کلیسا باید براساس عطایای روحانی اعضا اداره شود.

چگونه از اسلحه روحانی برای کمک به یک دوست

استفاده کنیم.

درس «اسلحه روحانی» اولاً الگویی برای دعا و ثانیاً وسیله‌ای برای کمک به ایماندارانی که منازعات و کشمکشهایی دارند در اختیار شما قرار می‌دهد. برای کمک به دوستی که برای مشورت در مورد مسائل روحانی عمیقی نظیر مسائل زیر، به نزد شما می‌آید از «اسلحه روحانی» استفاده کنید. برای تعلیم دادن فرد مزبور از پیشنهاداتی که در صفحه ۱۴ در خصوص «اسلحه روحانی» داده شد، استفاده کنید.

خود نجات

۱- آیا می‌دانید که نجات یافته‌اید؟

۲- آیا در مورد نجات خود یا رابطه‌تان با خداوند مسأله‌ای دارید؟

۳- چه وقت تولد تازه یافتید؟

جوشن عدالت

۱- آیا به تمام گناهانتان، تا حدی که می‌دانید، اعتراف کرده‌اید؟

۲- آیا برای عادل شدن متکی به مسیح هستید؟

۳- آیا خود را برای گناهایی که خدا آنها را بخشیده است، بخشیده‌اید؟

۴- آیا با عدالت و درستی زندگی می‌کنید؟

کمربند حقیقت

۱- آیا در تمام سطوح زندگی خود مطابق حقیقت زندگی می‌کنید و همواره حقیقت را می‌گویید؟

۲- آیا الگویی از راستی هستید؟

۳- آیا دید معقولی نسبت به موقعیتهای مختلف دارید؟

۴- آیا آنچه می‌کنید راست، درست و عادلانه است؟

نعلین استعداد انجیل سلامتی

۱- آیا نماینده خوبی برای انجیل هستید؟

۲- آیا حاضرید در هر جنگ روحانی که خدا دستور دهد شرکت کنید؟

۳- آیا حاضرید مژده انجیل را به دیگران برسانید؟

۴- آیا به دیگران شهادت می‌دهید؟

شمشیر روح

۱- آیا در رویارویی با جهان، نفس و شیطان کلام خدا تنها راهنمای شما است؟

۲- آیا کلام را می‌شنوید، می‌خوانید، یاد می‌گیرید و آن را حفظ می‌نمایید؟

۳- آیا بر روی کلام خدا تفکر می‌کنید و بطور مداوم آن را بکار می‌گیرید؟

۴- آیا هنگام مواجهه با وسوسه‌ها و تجربه‌ها از کلام خدا استفاده می‌کنید؟

۵- آیا هنگام شهادت دادن از کلام خدا استفاده می‌کنید؟

۶- آیا صدای خداوند را می‌شنوید که با شما صحبت می‌کند؟

سپر ایمان

۱- آیا ایمان دارید که خدا همه احتیاجات شما را رفع خواهد کرد و در این مورد به او توکل دارید؟

۲- آیا پیوسته در ترس بسر می‌برید یا ایمان دارید؟ (دوم تیموتائوس ۷: ۱)

۳- آیا ایمان شما بر اساس کلام خدا قرار دارد؟

۴- آیا محک شما، شما را محدود می‌سازد؟

بخاطر داشته باشید که سه قسمت اول «اسلحه روحانی» یعنی نجات، عدالت و حقیقت، هر سه سلاحهای تدافعی هستند و سه اسلحه آخر یعنی انجیل، کلام و ایمان اساساً سلاحهای تهاجمی می‌باشند. باید نعلین خود را بپوشید، شمشیر و سپر را در دست بگیرید و در حالیکه پیوسته دعا می‌کنید، بجنگید.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

عطایای روحانی در بدن مسیح

وقتی مسیح از ما دعوت می‌کند تا شاگردان او شویم می‌خواهد هر آنچه را که هستیم و داریم وقف او نماییم. دعوت به نجات، دعوت به خدمت را نیز به همراه دارد. اما هر یک از ما چگونه می‌توانیم خدمت کنیم؟

این درس برای شما روشن خواهد ساخت که خدا چگونه ایمانداران را برای خدمت به خودش مجهز و آماده می‌کند. شما خواهید دانست که عطایای روحانی چه هستند، چه کسانی دارای این عطایا می‌باشند و در بدن مسیح چگونه عمل می‌کنند. مخصوصاً شما خواهید توانست:

* عطایای روحانی را تعریف کنید.

* تفاوت بین عطایای روحانی، میوه روح و استعدادها را تشخیص دهید.

* شرح دهید که عطایای روحانی چگونه عطا می‌شوند.

* شرح دهید که چگونه باید از عطایای روحانی در کلیسا استفاده کرد.

سؤالات زیر را مطالعه کنید و به آنها پاسخ دهید. سپس جوابهای خود را آخر درس مقایسه نمایید.

۱- اول قرنتیان ۱۲: ۴-۱۴ را بخوانید. کلمه «عطا» در آیه ۴ ترجمه واژه یونانی *charismata* است، یعنی عطا به حسب فیض. منظور از آن عطایی است که به محبت عطا دهنده بستگی دارد نه به شایستگی کسی که عطا را دریافت می‌کند.

در رومیان ۶: ۱۲ پولس چه چیزی را اساس دریافت عطایای روحانی می‌داند؟ (جواب صحیح را مشخص کنید).

☐ الف . نیازهای خدا

☐ ب . احتیاجات خدا

☐ ج . فیض خدا

۲- چون خدا می‌خواهد ما را برای خدمت خود مجهز سازد، پس عطایایی به ما داده است. می‌توان گفت که عطایای روحانی توانایی‌های روحانی هستند که به ایمانداران داده شده‌اند تا آنها را قادر به انجام کار خدا در جهان نمایند.

در آیات زیر چند عطای روحانی ذکر شده است؟ جواب را در جاهای خالی بنویسید.

_____ الف . رومیان ۶: ۱۲-۸ د . افسسیان ۴: ۱۱

_____ ب . اول قرنتیان ۱۲: ۸-۱۰ هـ . اول پطرس ۴: ۱۱

_____ ج . اول قرنتیان ۱۲: ۲۸-۳۰

۳- تعداد نام عطایای روحانی در هر یک از آیات متفاوت است. به کمک کلمات کلیدی زیر برای عطایای روحانی تعریفی بنویسید: توانایی‌ها، ایمانداران، قادر ساختن، کار خدا، جهان.

۴- عطایای روحانی با ثمره روح فرق دارند. ثمره روح در غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳ ذکر شده است. هر چند از هیچ مسیحی انتظار نمی‌رود که تمام عطایای روح را داشته باشد، اما هر مسیحی باید سعی کند که همه ثمره روح را در خود پرورش دهد و آن را متجلی سازد.

اول قرنتیان ۱۲: ۲۹ و ۳۰ را بخوانید و دور جوابی که پولس در نظر دارد خط بکشید. بلی خیر

۵- هر چه بیشتر خود را به روح القدس بسپاریم و تحت کنترل او باشیم، ثمره روح بیشتر در ما ظاهر می‌گردد. این خصوصیات مسیحایی باید خصائص زندگی ما باشد.

عطایای روحانی ما را قادر می‌سازند که در زندگی خود، خدا را خدمت کنیم. میوه روح نشان می‌دهد که چگونه فردی باید باشیم، حال آنکه عطایای روح تأکید می‌کنند که ما برای انجام چه کاری مجهز هستیم. دور ثمرات روح دایره بکشید و عطایای روح را با کشیدن خطی مشخص نمایید.

محببت کردن	موعظه کردن	مهربان بودن	آرامش داشتن
شفا دادن	شاد بودن	کمک کردن	وفادار بودن

۶- عطایای روحانی با استعدادها هم فرق دارند. استعدادهای خود را به هنگام تولد جسمانی دریافت می‌کنید و عطایای روحانی را به هنگام تولد روحانی دریافت می‌نمایید. عطا، قدرت روحانی است که تنها مسیحیان از آن بهره‌مندند. هم مسیحیان و هم غیرمسیحیان می‌توانند استعدادهایی داشته باشند. مثلاً، ایمان یک عطا است اما داشتن صدای خوب یک استعداد است. ما باید از استعدادهای خود برای خدمت به خدا استفاده کنیم. معه‌ذا باید بدانیم که کسانی هم که خود را به مسیح نسپردند دارای استعدادهایی می‌باشند.

در جلو هر یک از عبارات زیر مشخص کنید که کدامیک عطای روحانی، ثمره و یا استعداد را توصیف می‌کنند.

— الف . توانایی‌های روحانی

— ب . توانایی‌های ذاتی

— ج . خصوصیات روحانی

— د . به ایمانداران داده شده تا آنها را برای خدمت مجهز سازد.

— هـ . اگر خود را به روح القدس بسپاریم همه در ما ظاهر شود.

۷- به هر ایمانداري حداقل یک عطای روحانی داده شده است (اول پطرس ۴: ۱۰ و اول قرنتیان ۱۲: ۷). خدا بخشنده عطایای روحانی است. شما نمی‌توانید عطایایی را که بیشتر ترجیح می‌دهید انتخاب کنید. اول قرنتیان ۱۱: ۱۲ را بخوانید. شرح دهید که عطایای روحانی چگونه عطا می‌شوند.

۸- در اول قرنتیان ۱۲: ۱۴-۲۶ پولس شرح می‌دهد که ما نباید به عطایای دیگر ایمانداران غبطه بخوریم و عطایای خود را کوچک بشماریم. او اعضای بدن مسیح را با اعضای بدن انسان مقایسه می‌کند. در آیه ۲۰ چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟

۹- خدا می‌داند که هر یک از ما برای چه کاری خوب هستیم. او به ما عطایای روحانی می‌دهد. این عطایا ما را قادر می‌سازند که به بدن مسیح کمک کنیم تا بتواند عملکرد مؤثر و مفیدی داشته باشد. به کسی که می‌گوید عطای موعظه ارجح‌تر از عطای خدمت است، چه پاسخی می‌دهید؟

۱۰- آیا می‌دانید چه عطا یا عطایایی دارید؟ فهرست این عطایا را مجدداً در رومیان ۶:۱۲-۲۸، افسسیان ۱:۱۱-۴، اول پطرس ۴:۱۱ و اول قرنتیان ۱۲:۸-۱۰ و ۲۸-۳۰ بخوانید. عطا یا عطایای خود را بنویسید.

اگر نمی‌دانید که چه عطا یا عطایایی دارید، هم‌اکنون دعا کنید تا خداوند برای شما آشکار سازد. در پایان درس، افراد گروه چند ساعتی را برای کشف عطایای خود به کمک یکدیگر، صرف خواهند کرد.

۱۱- هر ایمانداری باید از عطا یا عطایای خود آگاه باشد و اجازه دهد تا روح‌القدس آنها را پرورش و ترقی دهد. اما هدف از وجود این عطایا در کلیسا چیست؟ آیا اینها تنها نشانه‌های شایستگی روحانی هستند که درازاء کارهای خوب داده می‌شوند؟ آیا برای استفاده و نفع شخصی است؟

طبق اول قرنتیان ۱۲:۱۴ چگونه باید از عطایای خود استفاده کنیم؟ (جواب صحیح را علامت بزنید).
☐ برای تسلط یافتن بر دیگران ☐ برای بنای کلیسا ☐ برای کسب مقام و منزلت

۱۲- «بنای» کلیسا یعنی تقویت کردن آن. عطایای روحانی برای بنا، بزرگتر کردن و قوی‌تر کردن بدن مسیح است. واژه «بنا» در افسسیان ۴:۱۱ و ۱۲ نیز بکار برده شده است. در این آیات چه کسانی باید کار خدمت و بنای کلیسا را انجام دهند؟

۱۳- مجهز کنندگان یا (تکمیل کنندگان - افسسیان ۴:۱۱) باید تمام ایمانداران را مجهز کنند که کار خدمت و بنای بدن مسیح را انجام دهند. در غیر این صورت، ما همچون کودکان نابالغی خواهیم بود که از باد هر تعلیم غلط رانده می‌شوند (افسسیان ۴:۱۴). معیاری که مسیح در افسسیان ۴:۱۳ برای رشد ما تعیین کرده است، چیست؟

۱۴- به کمک عطایای روحانی باید مواظب هر یک از اعضای بدن باشیم. اول قرنتیان ۱۲:۲۵ و ۲۶ را بخوانید. پولس رسول می‌فرماید که ما باید آنقدر با یکدیگر هماهنگ باشیم که وقتی عضوی دردمند می‌گردد همه ما با او همدرد باشیم و اگر عضوی شاد می‌شود، همه ما هم با او شادی نماییم.

آیا تاکنون با چکش به انگشت شست خود ضربه زده‌اید؟ ناگهان تمام بدنتان مانند شست شما به تپش می‌افتد و درد را کاملاً حس می‌کند. به همین ترتیب، ایمانداران باید مانند یک بدن عمل کنند و از هر یک از اعضاء و سلامتی آنها مطلع باشند.

ما نیازمند و وابسته به عطایای یکدیگر هستیم. این موضوع چه نتایجی دارد؟

۱۵- هدف خدا از دادن این عطایای متعدد و مختلف به ایمانداران این است که تمام مسیحیان را همچون بدنی بسازد که تمام اعضایش به یکدیگر متکی و وابسته هستند. به این ترتیب هر کسی می‌تواند به دیگری خدمت کند. افرادی که عطایای مشابهی دارند باید با صمیمیت با یکدیگر همکاری کنند نه اینکه به رقابت با یکدیگر بپردازند.

پولس رسول در دوم تیموتائوس ۱:۶ در مورد پرورش عطای روحانی به تیموتائوس چه می‌گوید؟

۱۶- متأسفانه، ممکن است عطایای روحانی گاهی مورد سواستفاده قرار گیرند و حتی کاذب باشند. در اول یوحنا ۱:۴ به ما هشدار داده شده است که روحها را بیازماییم. اما تنها به این دلیل که عده‌ای از عطایا سواستفاده می‌کنند نباید از روح القدس و عطایای او اجتناب کنیم.

مطابق اول قرنتیان ۱:۱۴ کسی که از عطایای روحانی خود به طرز معقولی استفاده می‌کند، باید در زندگی دارای چه چیزی باشد؟
(دور جواب صحیح دایره بکشید)

قدرت شهرت محبت هوش

۱۷- ایمانداران باید از محبت و انواع دیگر ثمرات روح پر شوند. پولس اول قرنتیان را برای کلیسایی نوشت که در مورد ارجحیت عطایا نسبت به یکدیگر بحث می‌کردند. او فصل عالی محبت را بین دو فصل مربوط به عطایای روحانی قرار داد. پولس محبت را «طریق افضلتر» می‌خواند، افضلتر از هر عطایی (اول قرنتیان ۱۲:۳۱).

چه چیزی بیانگر زندگی پر از روح است؟ (زیر جواب صحیح خط بکشید).
استعداد از موعظه کردن صحبت کرن به زبانها میوه روح

۱۸- در کلیسایی که ایمانداران آن از عطایای روحانی خود با محبت استفاده می‌کنند، اتحاد وجود دارد (افسیسیان ۱۶:۴ و اول قرنتیان ۱۲:۲۵). کلیسای خود را ارزیابی کنید و ببینید تا چه حد به صورت یک بدن واحد عمل می‌کند. مطابق اول قرنتیان ۱۲:۲۵ و ۲۶ شرح دهید که در این مورد چه کمکی می‌توانید انجام دهید.

پاسخها

۱- ج

۲- الف - ۷، ب - ۹، ج - ۹، د - ۴-۵، ه - ۲

۳- توانایی‌هایی که به ایمانداران داده شده است تا آنها را قادر سازد کار خدا را در جهان انجام دهند.

۴- خیر

۵- ثمره روح: محبت کردن، شاد بودن، مهربان بودن، آرامش داشتن، وفادار بودن.
عطایا: شفا دادن، موعظه کردن، کمک کردن.

۶- الف - ۴، ب - ۱، ج - ۳، د - ۵، ه - ۳

۷- خدا مطابق اراده خدا به هرکس عطا می‌فرماید.

۸- اعضاء مختلفند اما بدن یکی است.

- ۹- جواب شخصی
- ۱۰- جواب شخصی
- ۱۱- برای بنای کلیسا
- ۱۲- مقدسین، یعنی تمام مسیحیان نه فقط مجهز کنندگان مذکور در افسسیان ۴:۱۱.
- ۱۳- قامت پری مسیح.
- ۱۴- جواب شخصی. باید فروتنی ایجاد کند و اعضاء را به یکدیگر وابسته سازد و در آنها نسبت به عطایای افراد دیگر حس قدردانی ایجاد کند.
- ۱۵- پولس به او می‌گوید که به عنوان یک شبان و معلم عطای خویش را برافرازد.
- ۱۶- محبت.
- ۱۷- ثمره روح
- ۱۸- جواب شخصی

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

راه مصالحه

روح عدم بخشش احتمالاً زیانبارترین مانعی است که در کار خدا وجود دارد. این روح آرامش فرزندان خدا را از بین می‌برد و مانع آشتی و مصالحه می‌گردد. بسیاری از مسیحیان با ایمان، سالها این بارگران را بر دوش خود حمل کرده‌اند. اکنون وقت آزاد شدن از این بار رسیده است. این امر می‌تواند مهم‌ترین قدم در زندگی پیروزمندانه شما باشد و سبب نجات اطرافیاتان شود.

کتاب مقدس فرامین و دستورات واضحی برای نحوه مصالحه و آشتی با دیگران دارد. برای آشتی با دیگران نکات زیر را قدم به قدم اجراء کنید.

مسئولیت

- ۱- مسئولیت ما این است که با همه مردم با صلح و سازش رفتار کنیم. «در پی سلامتی با همه بکوشید» (عبرانیان ۱۲:۱۴).
- الف . سعی کنید با کسی که دوستش ندارید، کسی که نسبت به او خطایی کرده‌اید و یا کسی که او را نبخشیده‌اید آشتی کنید.
- ب . سعی کنید با کسی که علیه شما ادعایی دارد، آشتی و مصالحه کنید حتی اگر شما مقصر نباشید.
- ج . سعی کنید با کسی که نسبت به شما خطایی مرتکب شده، آشتی کنید.
- د . سعی کنید بین مسیحیان صلح و آرامش را حفظ نمایید.

- ۲- مسئولیت شما این است که پاک و مقدس باشید (عبرانیان ۱۲:۱۴ و ۱۵).
- الف . قبل از اینکه آشتی با دیگران را شروع کنید از خداوند بخواهید شما را پاک سازد.
- ب . با دیگران رابطه پاکی داشته باشید تا مبادا از فیض و بخشش خدا محروم شوند (عبرانیان ۱۲:۱۵).
- ج . به جای اینکه شایعه پراکنی کنید و از غیبت کردن لذت ببرید، پیوسته در پی فرصتهایی برای برقراری صلح باشید.

- ۳- مسئولیت شما این است که از ایجاد تلخی و رنجش جلوگیری کنید (عبرانیان ۱۲:۱۵).
- الف . در اثر یک گناه بخشیده نشده ریشه مرارت نمو می‌کند و ثمر شرارت ببار می‌آید و جمعی از آن آلوده می‌گردند (عبرانیان ۱۲:۱۵).
- ب . روابط اصلاح نشده باعث نمو ریشه مرارت شده و موجب می‌شود که روابط تدریجاً تیره‌تر گردد.

منابع

- ۱- بخشش خدا (متی ۲۱:۱۸-۳۵).
- الف . خدا گناه شما را بخشیده است، در حالیکه گناه شما از هر گناهی که فرد دیگری نسبت به شما مرتکب شده، بزرگتر است. گناه شما پسر خدا را مصلوب کرده است.
- ب . شما می‌توانید دیگران را ببخشید زیرا بخشیده شده‌اید. کسانی که فیض، محبت و شادی را که شما تجربه کرده‌اید نچشیده‌اند، نمی‌توانند ببخشند (متی ۲۳:۱۸-۲۵).

۲- مشارکت با خدا (اول یوحنا ۱)

- الف . همچون مسیح صادقانه و بی‌آلایش با خدا در نور راه روید. سعی کنید چیزی را از خدا پنهان ننمایید.
- ب . صادقانه و بی‌آلایش با دیگران در نور راه روید. یعنی در حضور خدا و همچنین نزد ایمانداران به گناهان خود اعتراف کنید (یعقوب ۵: ۱۶).
- ج . خداوند می‌خواهد که ما مشارکت کاملی با او و با ایمانداران داشته باشیم. اگر گناهان خود را نزد خدا اعتراف کنید، رابطه شما با خدا اصلاح خواهد شد. اگر گناهاتان را نزد دیگران اعتراف کنید رابطه شما با آنها اصلاح می‌شود.

۳- روح القدس شما را متوجه نیازی کرده است، پس می‌توانید مطمئن باشید که همان روح در فرد مقابل نیز کار می‌کند و یا اینکه می‌خواهد توسط شما فرد مزبور را ملزم سازد.

مصالحه

۱- در خلوت آشتی کنید، جایی را پیدا کنید که بتوانید به تنهایی و بدون مزاحمت با یکدیگر صحبت کنید.

۲- به کوتاهی‌های خود اعتراف کنید.

الف روش صحیح اعتراف:

— بگویید: «من در مورد روابطمان خیلی فکر کرده‌ام و خداوند مرا برای (برخورد اشتباه) ————— و (رفتار نادرست) ————— (اگر رفتار نادرستی داشته‌اید) که نسبت به شما داشته‌ام ملزم ساخته است.

— روح نبخشیدن، مرارت، تنفر، غرور، برخورد محکوم کننده و غیره، نمونه‌هایی از برخورد اشتباه هستند. کم‌محلی کردن، دوری کردن، غیبت، انتقاد، بحث کردن، خالی کردن زیرپای فرد مقابل، ناراحت کردن، سرسب‌گذاشتن، آزرده کردن، رنجاندن، وسوسه کردن و غیره مثالهایی از رفتار نادرست هستند.

سعی نکنید با استفاده از کلماتی نظیر «شاید من ...» و «اگر من ...» اشتباهات خود را کوچکتر نشان دهید. شما به گناهی اعتراف می‌کنید که روح القدس شما را به آن ملزم کرده است. پس نباید طوری اعتراف کنید که طرف مقابل سعی کند گناه شما را کوچکتر جلوه دهد و یا از آن چشم‌پوشی نماید. ممکن است فرد مقابل نسبت به شما خطایی کرده باشد، اما اگر در مقابل، شما هم برخورد یا رفتار نادرستی داشته‌اید، به گناهان خود اعتراف کنید و بگذارید که روح القدس فرد مقابل را به گناهانش ملزم سازد.

— اعتراف خود را اینطور ادامه دهید: «از خدا خواهش کرده‌ام تا مرا ببخشد و ایمان دارم که بخشیده است. حال از شما هم خواهش می‌کنم که مرا ببخشید.»

کلمه «بخشیدن» را بکار ببرید و از فرد مقابل هم بخواهید که اگر شما را بخشیده است این امر را بر زبان بیاورد. فرد مقابل اغلب به جای اینکه صریحاً بگوید که شما را می‌بخشد، سعی خواهد کرد خطای شما را کم اهمیت‌تر جلوه دهد. مثلاً می‌گوید: «اصلاً مسئله‌ای نیست» یا «من هم همین کار را کرده‌ام» و یا «مهم نیست».

شما در جواب بگویید: «خوب، من نمی‌دانم که مسأله به نظر شما چگونه است. اما برای من مهم است که بدانم شما مرا بخشیده‌اید و همین‌طور مهم است که از زبان‌تان بشنوم که مرا بخشیده‌اید. پس اگر می‌توانید مرا ببخشید، لطفاً بگویید: «اگر فرد مقابل نخواهد شما را ببخشد، اینطور بگویید: «از کاری که کرده‌ام معذرت می‌خواهم و امیدوارم که روزی

بتوانید مرا ببخشید.»

ب . روش غلط اعتراف : سرزنش کردن فرد مقابل یا کوچکتر جلوه دادن گناه خود با گفتن جملاتی نظیر :
— ظاهراً نمی توانم موضوع را به شما بفهمانم.

— من اشتباه کردم، اما شما هم فلان کارها را کردید و من ... (در حقیقت می خواهید نشان دهید که فرد مقابل اشتباه کرده است.)

تذکر : ممکن است اصلاً ملزم نشوید و ندانید که مسأله چیست. اگر روح القدس شما را به چیزی ملزم نکرد، بعد از قدم اول قدم سوم را اجرا کنید و از قدم دوم صرف نظر نمایید.

۳- از فرد مقابل بپرسید که آیا به نحوی در حق او خطایی مرتکب شده اید.

الف . اگر جواب او مثبت بود، از او بخواهید برایتان توضیح دهد. خوب گوش دهید. سعی کنید موقعیت را از دیدگاه فرد مقابل ببینید.

— اگر ادعای او درست بود، از او معذرت بخواهید.

— اگر حرفهای او درست نبود، حقیقت را هر چه روشتر برای او شرح دهید.

— اگر وقایعی که فرد مقابل شرح می دهد کاملاً صحیح است اما تفسیری که او از اعمال شما می کند اشتباه است، به او بگویید که هیچگاه چنین قصدی نداشته اید و اصلاً مسأله را با این دید نگاه نکرده اید. قول دهید در آینده بیشتر مواظب رفتارتان باشید. او را مطمئن سازید که انگیزه رفتارتان خوب است.

ب . اگر پاسخ شخص منفی باشد، از او بپرسید که به نظر او چرا روابط خیلی خوب نیست.

— ممکن است بعضی مسائل فاش نشده، آشکار شوند.

— ممکن است فرد مقابل احساس کند که هیچ مسأله ای وجود ندارد. اگر اینطور است، نظر او را قبول کنید و قول بدهید که یکدیگر را محبت نمایید و به همدیگر کمک کنید.

۴- اگر مسیحی دیگری نسبت به شما گناهی کرده باشد، با محبت احساس خود را برای او بیان کنید (متی ۱۸: ۱۵-۱۷ و غلاطیان ۶: ۱).

الف . مسأله را نادیده نگیرید. مردم غالباً مایلند از مسأله چشم پوشی کنند. اگر مسأله را نادیده بگیرید، این به آن معنی است که «مترصد نیستید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود» (عبرانیان ۱۲: ۱۵). مطرح کردن مسأله به فرد مقابل کمک می کند که از خداوند طلب بخشش کند. ممکن است او اصلاً از مسأله آگاه نباشد و یا نداند که فرد دیگری نیز از مسأله مطلع است.

ب . اگر درخواست خصوصی شما برای مصالحه مؤثر واقع نمی شود، از دو یا چند مسیحی فهمیده و بالغ و دلسوز دیگر بخواهید که در این کار به شما کمک کنند.

ج . اگر باز مسأله حل نشد، کلیسا می تواند در امر ایجاد مصالحه مداخله کند. حتی این کوشش نهایی هم ممکن است با شکست مواجه شود و فرد مقابل همچنان با شما بیگانه باشد و از شما دوری کند. لازم است که شما و کلیسا این واقعیت را بپذیرید که این شخص با برخورد خود و با نپذیرفتن پیشنهاد مطالعه، خود را از شما و از کلیسا منزوی کرده است. معذرت بخواهید بوضوح می گوید که برخورد شما نسبت به او باید باز توأم با علاقه و محبت باشد و همیشه میل به آشتی با او در شما وجود داشته باشد.

د . همیشه باید بخاطر داشته باشید که هدف شما آشتی کردن با طرف مقابل است نه تبرئه کردن خود یا دفاع از خود. روشی که فهرست وار ذکر شد تنها وقتی مؤثر خواهد بود که صادق و با محبت باشید و از صمیم قلب بخواهید مجدداً با برادر یا خواهر مسیحی خود مشارکت داشته باشید.

۵- با یکدیگر دعا کنید تا خدا به هردوی شما کمک کند که در نور او راه روید و درآینده رابطه خالص و بی‌ریایی داشته باشید.

۶- در دعا روابط خود را با تمام اطرافیان‌تان بررسی کنید.

— از اشخاصی که باید با آنها آشتی کنید فهرستی تهیه نمایید.

— از روش فوق‌الذکر ابتدا برای مصالحه با مشکل‌ترین فرد استفاده کنید. بهتر است از مشکل‌ترین مورد شروع و آن را

حل کنید و سپس به موارد بعدی که آسانتر هستند پردازید.

— عمل مصالحه را ادامه دهید تا این دستور خدا اجرا شود: «اگر ممکن است بقدر قوه خود با جمیع خلق به صلح

بکوشید» (رومان ۱۲: ۱۸).

یادآوری

مصالحه کنید «تا مبدا ... ریشه مرارت (تلخی) نموده اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند» (عبرانیان ۱۵: ۱۲).

درسی را که شاگردان اجراء نخواهند کرد تعلیم ندهید.

بینش در مورد مقاصد و اهداف زندگی

شخصی که هدفی ندارد معمولاً به هیچ هدفی هم نمی‌رسد. یا همانطور که کتاب مقدس می‌فرماید «جایی که رؤیا نیست قوم گردنکش می‌شوند» (امثال ۱۸:۲۹). کمال و فضیلت در انسانهایی دیده می‌شود که در زندگی بینشی دارند. خیلی مهم است که اهداف یک مسیحی بر مسیح متمرکز شده باشد.

این درس به شما کمک خواهد کرد تا مقاصد زندگی خود را تعیین کنید و برای زندگی خود اهدافی را در نظر بگیرید که با نقشه خدا برای زندگی شما مطابقت داشته باشد. در پایان این درس خواهید توانست:

- * رابطه بین مقاصد و اهداف زندگی را شرح دهید.
- * سه مقصدی را که در مرقس ۱۲:۲۹-۳۱ برای زندگی ذکر شده‌اند نام ببرید.
- * سه خصوصیت اهداف زندگی را ذکر کنید.
- * مقاصد و اهداف زندگی خود را ارزیابی کنید.

سؤالات زیر را مطالعه کنید و به آنها پاسخ دهید. جوابهای صحیح در آخر درس داده شده‌اند. می‌توانید پاسخهای خود را با پاسخهای آخر درس مقایسه کنید.

۱- یکی از برکات مسیحی بودن عبارتست از داشتن مقصدی برای زندگی. زندگی، بدون مسیح شبیه تصویری است که قطعه قطعه شده باشد. قطعات مناسب یکدیگر نیستند و تصویر کامل نیز در دسترس نیست.

برای یک ایماندار، تصویر کامل زندگی باید شبیه خود مسیح باشد. معنی زندگی، در مسیح برای ما آشکار می‌شود. مطابق یوحنا ۳۱:۴-۳۴ مقصد زندگی مسیح چه بود؟

۲- مقصد زندگی هدفی است که باید در زندگی به آن برسیم. مقصد زندگی به فعالیت‌های روزمره ما جهت می‌دهد و الویت‌های ما را مشخص می‌کند.

آیا زندگی شما مقصدی دارد؟ اگر جواب مثبت است آن را بنویسید.

۳- بعضی‌ها زندگی خود را صرف موفق شدن می‌کنند. بعضی دیگر در پی ثروت یا شهرت هستند. عده‌ای دیگر سعی بیهوده می‌کنند تا از طریق روابط انسانی به شادی و محبت و امنیت دست یابند.

نویسنده جامعه سعی کرد در تمام این چیزها معنی زندگی را بیابد. وی در جامعه ۱۲:۱۳ او نتیجه‌گیری نهایی خود را بیان می‌کند. این دو نتیجه را بنویسید:

الف .

ب .

۴- یکی از کاتبان از مسیح پرسید که مهم‌ترین حکم کدام است. جواب مسیح در مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱ نوشته شده است. آیات فوق را بخوانید.

مسیح توجه کاتب را به سه مقصد زندگی جلب کرد.

الف . خدا را با تمامی وجود محبت نما.

ب . دیگران را محبت نما.

ج . خود را محبت نما.

در موعظه سرکوه مسیح در مورد اولویت حکم اول تأکید کرد. متی ۲۳: ۳۳ را بخوانید. مطابق آیه فوق مسیح می‌خواهد چه چیز در زندگی ما الویت داشته باشد؟ (زیر جواب صحیح خط بکشید.)

امنیت

ملکوت خدا

سلامتی

چیزهای مادی

۵- آیا مقصد زندگی شما با حکم اول یعنی محبت خدا به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت مطابقت دارد؟ _____ در کودکی هنگامی که بزرگترها از شما می‌پرسیدند که می‌خواهید در آینده چکاره شوید، چه جوابی می‌دادید؟ _____

۶- ممکن است حالا که بزرگ شده‌اید جواب شما در نظرتان کودکانه باشد. یک بار دیگر به آینده نگاه کنید و به این سؤال پاسخ دهید که: می‌خواهید مردم چگونه از شما یاد کنند؟ مقصد زندگی خود را در ارتباط با خدا بنویسید. _____

۷- دومین حکم مسیح یعنی «همسایه خود را چون نفس خود محبت نما»، مقصد دیگری را برای زندگی تعیین می‌کند. محبت به همسایه بعد از محبت به خود قرار دارد. اگر اولین مقصد زندگی شما خشنود ساختن خدا باشد، دومین مقصد شما این خواهد بود که همسایه خود را با او آشنا سازید. در ارتباط با هموعان خود مقصدی برای زندگی بنویسید. _____

۸- سومین مقصد زندگی یعنی دوست داشتن خود، بطور ضمنی از سخنان مسیح استنباط می‌شود. مسیح دریافت که بین توانایی محبت به دیگران و توانایی محبت به خود به عنوان مخلوق خدا رابطه‌ای وجود دارد. افسسیان ۵: ۲۹ را بخوانید و در مقابل عبارتی که به بهترین نحوی افکار پولس در آیه فوق را بیان می‌کند «ص» بگذارید.

_____ الف . محبت به خود جزئی از انسان بودن است.

_____ ب . برای یک مسیحی متعهد علاقمند بودن به خود هدفی گناه‌آلود و ناشایسته است.

۹- داشتن محبت صحیح نسبت به خود باعث رشد کامل تمام توانایی‌های فرد می‌شود. رشد کامل همان هدفی است که خدا در موقع

خلق شما در نظر داشت. رومیان ۸: ۱۵-۱۷ را بخوانید. چه چیزی باعث می‌شود که شما احساس کنید ارزش دارید و می‌توانید خود را محبت کنید. در مقابل بهترین دلیل علامت بگذارید.

☐ الف . مقامی که در زندگی دارید.

☐ ب . دارایی‌هایی که می‌اندوزید.

☐ ج . اجدادی که داشته‌اید.

☐ د . شخصیتی که به عنوان فرزندان خدا دارید.

☐ هـ . استعدادهایی که دارید.

☐ و . تحسین‌های مردم.

۱۰- خدا فرزندان را دوست دارد و تنها این دلیل برای فرزند خدا کافی است تا خود را دوست داشته باشد. در ارتباط با دوست داشتن خود مقصدی برای زندگی بنویسید.

۱۱- خیلی‌ها در مورد کشف اراده خدا برای زندگی خود صحبت می‌کنند. خدا می‌گوید که اراده او این است که ما جهان را بسوی او هدایت کنیم. این امر شامل نجات تمام مردم (دوم پطرس ۳: ۹ و اول تیموتائوس ۲: ۴) و قدوسیت تمام کسانی که او را پذیرفته‌اند (اول تسالونیکیان ۳: ۴) می‌باشد. دیگر لازم نیست که شما اراده خدا را کشف کنید زیرا خودش آن را مکشوف ساخته است. مقاصد زندگی شما باید به نجات جهانیان و قدوسیت قوم خدا بستگی داشته باشد. بعد از اینکه مقاصد زندگی خود را تعیین کردید، می‌توانید به بهترین نحو اراده خدا را در مورد ازدواج، شغل و نظایر آن با توجه به هدفهای زندگی انجام دهید. عبارات زیر هر یک بیانگر تصمیمی هستند. آنها را بخوانید. بعضی از این تصمیمات به مقاصد زندگی مربوطند و بعضی دیگر قدمهایی هستند برای رسیدن به این مقاصد. دسته اول را با نوشتن «مقصد» و دسته دوم را با نوشتن «هدف» مشخصی سازید.

_____ الف . انتخاب شغلی خوب

_____ ب . ازدواج با یک مسیحی

_____ ج . زندگی کردن برای جلال خدا

_____ د . خدمت به محتاجان

_____ هـ . خانه خود را به عنوان پایگاهی برای خدمت مورد استفاده قرار دهم.

_____ و . خود را بپذیرم همانگونه که خدا مرا می‌پذیرد.

۱۲- مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱ مقاصد زندگی یک ایماندار را نشان می‌دهد. اگر خدا را محبت نمایید، حتماً می‌خواهید شبیه او شوید. می‌خواهید به مقاصدی که او در نظر دارد نائل آید.

اگر همسایگان خود را محبت نمایید، می‌خواهید اراده خدا در زندگی آنها کرده شود و آنها حیات جاودان پیدا کنند. اگر خود را محبت نمایید، می‌خواهید تمام توانایی‌های شما رشد پیدا کنند.

آیا می‌توانید سه مقصد کلی زندگی یک ایماندار را که در مرقس ۱۲: ۲۹-۳۱ ذکر شده است نام ببرید؟

_____ الف .

_____ ب .

_____ ج .

۱۳- این مقاصد مهم ترین مقاصدی هستند که می‌توانید در زندگی داشته باشید. لازمه رسیدن به مقاصد خدا داشتن اهدافی است که ما را بسوی هدف نهایی هدایت می‌کنند. هدفهای زندگی و اعتقادات در مورد خدا باعث می‌شوند که شما با ایمان و با کمک او مقاصد او را انجام دهید.

مقصد مسیح در زندگی این بود که نقشه خدا را برای رستگاری انسان عملی سازد. برای رسیدن به این مقصد در زندگی خود هدفهایی داشته نظیر (۱) تربیت شاگردان برای اجرای کار خود (۲) مرگ بر صلیب و (۳) قیام کردن در روز سوم.

رابطه بین مقاصد و اهداف زندگی را شرح دهید.

۱۴- اهدافی که مسیح برای زندگی خود انتخاب کرد دارای سه خصوصیت مهم بودند. (۱) خدا آنها را مکشوف کرده بود و از فکر انسان نبودند. (۲) بقدری مهم بودند که بدون قدرت خدا دسترسی به آنها امکان نداشت (۳) رسیدن به مقصد زندگی را ممکن می‌ساختند.

مرقس ۸: ۳۱-۳۳ را بخوانید. در جلوی هدفی که خدا مکشوف کرده است «خ» بنویسید و هدفی را که از فکر انسانی بوجود آمده با «ا» مشخص سازید.

— الف . عیسی زحمت خواهد کشید، کشته خواهد شد و بعد از سه روز برخواهد خواست.

— ب . عیسی نزد آنها خواهد ماند و یک پادشاه دنیوی خواهد شد.

۱۵- دومین خصوصیت اهداف شخصی این است که تنها با قدرت خدا قابل حصول هستند. پولس در کولسیان ۱: ۲۸ می‌فرماید که هدفش این است که هرکس را کامل در مسیح عیسی حاضر سازد. در آیه بعدی توضیح می‌دهد که چگونه این کار را انجام خواهد داد: «برای این نیز محنت می‌کشم و مجاهده می‌نمایم. بحسب عمل او که در من به قوت عمل می‌کند» (کولسیان ۱: ۲۹)

به نظر شما چرا خدا می‌خواهد که خودش منبع قدرت ما در حصول به مقاصد الهی باشد؟

۱۶- سومین خصوصیت این است که اهداف زندگی در حصول به مقاصد زندگی به ما کمک می‌کنند. اهداف زندگی در انتخاب الویتهای زندگی نقش بسزایی دارند. اغلب به جای اینکه مجبور باشیم بین خوب و بد یکی را انتخاب کنیم مجبور هستیم بین خوب و بهترین یکی را برگزینیم. شیطان مایل است شما را با چیزهای خوب قانع سازد تا نگذارد منتظر بهترین عطایای خدا باشید.

سه خصوصیت اهداف زندگی را نام ببرید.

— الف .

— ب .

— ج .

۱۷- وقتی در زندگی تصمیمات مهمی نظیر انتخاب شغل یا همسر آینده اتخاذ می‌کنید، باید از خود پرسید که: آیا این انتخاب در حصول به مقصدی که خدا برای زندگی‌ام دارد به من کمک می‌کند؟ اگر جواب مثبت باشد، شایسته است که برای رسیدن به آن سعی و کوشش نمایید. اگر قبل از مشخص کردن مقاصد زندگی خود، اهداف زندگی خود را تعیین نمایید، اغلب اهداف خود را جایگزین

مقاصد خدا خواهید کرد.

بنظر شما کدامیک از عبارات زیر فواید تعیین اهداف ارزشمند در زندگی را بیان می‌کند (با علامتی مشخص سازید).

- ☐ الف . در سنجش اعمال و رفتار تان به شما کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که آیا رفتار شما برای حصول به مقاصد خدا وسیله مناسبی هست یا مضر و بی‌فایده است.
- ☐ ب . مانع منحرف شدن شما از راه درست می‌شوند.
- ☐ ج . به شما کمک می‌کنند تا دید وسیعتری داشته باشید به جای اینکه فقط برای لحظه حاضر زندگی کنید.
- ☐ د . در کشمکشهای زندگی به شما صلح و آرامش می‌دهند و شما را استوار می‌گردانند.

۱۸- داستانی در عهد عتیق، اهمیت داشتن مقاصد و اهداف را در زندگی نشان می‌دهد. داستان فوق را در یوشع ۱۴:۶-۱۴ بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- الف . مقصد زندگی کالیب چه بود؟ (آیه ۸)
- ب . هدف خاص کالیب در زندگی چه بود؟ (آیه ۱۴)
- ج . از کجا می‌دانید که هدف زندگی او را خدا مقرر کرده بود؟ (آیات ۹ و ۱۰)
- د . آیا هدف او بدون کمک خدا غیر قابل حصول بود؟ (آیه ۱۲)
- هـ . هدف زندگی او چگونه با مقصد زندگی اش متناسب بود؟ (آیه ۱۴)

۱۹- کالیب در گرفتن جبرون خدا را به تمامی دل پیروی نمود. به چه دلیل مطمئن هستید که اهداف زندگی تان شما را به سوی مقصد نهایی زندگی هدایت خواهد کرد؟

پاسخها

۱- بجا آوردن اراده خدا و اتمام کار او.

۲- پاسخ شخصی

۳- الف - از خدا بترس (او را محترم شمار)، ب - اوامر او را نگاه دار.

۴- ملکوت خدا

۵- جواب شخصی

۶- جواب شخصی

۷- جواب شخصی، آیا در پاسخ خود اشاره کرده‌اید که باید به همسایه تان کمک کنید تا خدا را بشناسد؟

۸- الف

۹- د

۱۰- جواب شخصی، آیا در پاسخ خود اشاره کرده‌اید که باید از تمام توانایی‌های خود در زندگی استفاده کنید؟

۱۱- (ج) ، (د) و (و) مربوط به مقاصد زندگی هستند زیرا بوضوح مطابق اراده‌ی مکشوف شده‌ی الهی هستند. (الف) ، (ب) و (هـ) مربوطند به روشهای حصول (یا عدم حصول) به مقاصد زندگی و باید در جلی آنها اهداف نوشته شود.

۱۲- الف - محبت نمودن خدا، ب - محبت نمودن دیگران ، ج - محبت نمودن خود.

۱۳- اهداف شخصی کمک می‌کنند تا مقاصد زندگی تحقق یابند.

۱۴- الف - «خ» ب - «ا»

۱۵- خدا می‌خواهد که ما به او متکی باشیم. وقتی از طریق ماکار می‌کند خودش جلال می‌یابد. چون گناهکار و فانی هستیم بدون کمک خدا نمی‌توانیم کار او را انجام دهیم.

۱۶- الف - خدا آنها را مکشوف کرده و از فکر انسانی به وجود نیامده‌اند. ب - بقدری مهم هستند که بدون قدرت خدا غیرقابل حصول می‌باشند. ج - رسیدن به مقاصد زندگی را ممکن می‌سازند.

۱۷- تمام پاسخها فواید انتخاب اهداف ارزشمند را نشان می‌دهند.

۱۸- الف - پیروی از خدا به تمامی دل . ب - بدست آوردن مالکیت حبرون به عنوان ارث. ج - خدا از طریق موسی به او وعده داده بود. د - تنها به کمک خدا می‌توانست عناقیان را از آنجا بیرون کند. هـ - حبرون نشانه‌ای بود از اینکه کالیب به تمامی دل خدا را پیروی نموده است.

۱۹- جواب شخصی

پس از مطالعه این درس ، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

راهنمای دعای شفاعت

دستورات کتاب مقدس در مورد دعای شفاعت: اول تیموتائوس ۲: ۱-۸

پولس سفارش می نماید که دعا کنیم. در آیات فوق او به مسیحیان سفارش نمود که این کارها را انجام دهند:

۱- قبل از هر چیز شفاعت کنید (آیه ۱).

الف . کلمات «پیش از همه چیز، اول...» اهمیت و اولویت شفاعت را نسبت به خدمات دیگر نشان می دهد.

۲- در تمام انواع دعاها از دعای شفاعت استفاده کنید (آیه ۱).

الف . صلوات - از خدا درخواست کنیم که مطابق نیازهای ما کاری را انجام دهد.

ب . دعاها - مطابق صفات الهی از او تقاضایی بنماییم.

ج . مناجات - شفاعت کنیم و از خدا بخواهیم تا احتیاجات شخصی دیگری را رفع نماید.

د . شکرها - برای برکات یا جواب دعاها خدا را شکر کنیم.

۳- برای تمام مردم شفاعت کنید (آیات ۱ و ۲ و ۴).

الف . جمیع مردم (آیه ۱)

ب . جمیع صاحبان منصب (آیه ۲)

ج . جمیع گم شدگان (آیه ۴)

۴- برای مقاصد کلی شفاعت کنید (آیات ۲ و ۴)

الف . که جمیع مردم نجات یابند (آیه ۴)

ب . تا در صلح زندگی کنیم (آیه ۲)

ج . تا با دینداری زندگی کنیم (آیه ۲)

د . تا با وقار زندگی کنیم (آیه ۲)

۵- در همه جا شفاعت کنید (آیه ۸)

۶- با خلوص و پاکی کامل شفاعت کنید (آیه ۸)

الف . دستهای مقدس

ب . توافق و سازگاری در روابط - بدون غیظ و جدال

ج . امید - بدون شک کردن

۱- دعای شفاعت باید براساس شخصیت خدا انجام شود.

- الف . مهربانی خدا: «... آیا داور تمام جهان انصاف نخواهد کرد» (پیدایش ۱۸: ۲۵).
 ب . رحمت خدا: «... ای خداوند احسانات و رحمتهای خود را بیاد آور، چونکه آنها از ازل بوده است» (مزمور ۶: ۲۵).
 ج . نام خدا: «... تا جمیع ممالک جهان بدانند که تو تنها ای یهوه خدا هستی» (دوم پادشاهان ۱۹: ۱۹).
 د . وعدههای خدا: «بندگان خود ابراهیم و اسحاق و اسرائیل را بیاد آور که برای ایشان بذات خود قسم خوردهای...» (خروج ۱۳: ۳۲).

۲- به هنگام شفاعت باید به جای اشخاصی که برای آنها دعا می‌کنیم، در حضور خدا بایستیم.

- الف . موسی: «الان هرگاه گناه ایشان را می‌آمیزی و اگر نه مرا از دفتر که نوشته‌ای محو ساز» (خروج ۳۲: ۳۲).
 ب . پولس: «که مرا غمی عظیم و در دلم وجع دائمی است. زیرا راضی هم می‌بودم که خود از مسیح محروم شوم در راه برادرانم که بحسب جسم خویشان منند» (رومیان ۹: ۳ و ۲).
 ج . عیسی: «... ای پدر من اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد و آنچه اراده تست بشود» (متی ۲۶: ۴۲).
 «... جان خود را در راه گوسفندان می‌نهم» (یوحنا ۱۰: ۱۵).

۳- مداومت و پشتکار در شفاعت باعث پیروزی می‌شود.

- الف . اپفراس: پولس به مسیحیان کولسی فرمود: «اپفراس ... پیوسته برای شما در دعاهای خود جد و جهد می‌کند تا در تمامی اراده خدا کامل و متیقن شوید» (کولسیان ۴: ۱۲).
 ب . مثل دوست سمج (لوقا ۱۱: ۵-۱۰): «سؤال کنید ... بطلبید ... بگویید ...» (آیه ۹).
 ج . ابراهیم برای لوط شفاعت کرد تا خدا او را ببخشد و خدا نیز او را بخشید (پیدایش ۱۸: ۲۲ - ۱۹: ۱۲).

۴- خود خداوند هم در شفاعت ما شریک است.

- الف . عیسی: «... مسیح که مرد بلکه نیز برخاست آنکه بدست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت می‌کند» (رومیان ۸: ۳۴) یوحنا ۱۷ را نیز بخوانید.
 ب . روح القدس: «همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند. زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می‌باید نمی‌دانیم لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد ... زیرا که او برای مقدسین بر حسب اراده خدا شفاعت می‌کند» (رومیان ۸: ۲۶ و ۲۷).

۵- برای مستجاب شدن دعای شفاعت وعده‌های قاطع و مسلمی وجود دارد.

- الف . متی ۷: ۷: «... سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بگویید که برای شما باز کرده خواهد شد.»
 ب . یعقوب ۵: ۱۶: «... دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد.»

پس از مطالعه این درس، می‌توانید در دفترچه دعای خود آن را جزء مطالب مربوط به «منابع دعا» و یا پس از قسمت «دعای ایمان» قرار دهید.

طرز تهیه دفترچه دعای شخصی

هدف دفترچه دعای شخصی

۱- به زندگی و همچنین دعای شخصی شما نظم و ترتیب می‌دهد و کمک می‌کند تا مدت بیشتری را در دعا بگذرانید.

۲- شما را مجهز می‌سازد تا بتوانید از طریق دعا به جهان خدمت کنید.

۳- افراد و مسائلی را که ممکن است به یاد نداشته باشید به خاطر شما می‌آورد تا برای آنها دعا کنید.

۴- به رشد روحانی شما کمک می‌کند و شما را قادر می‌سازد که با خداوند راه روید.

مفهوم دفترچه دعای شخصی

۱- «شخصی» به این معنی است که شما باید این دفترچه را مطابق نیازها و متناسب به شخصیت خودتان تهیه نمایید. این دفترچه نباید شما را محدود و مقید سازد، بلکه شما باید در نحوه کاربرد آن آزاد و مختار باشید. شما اهداف و برنامه‌های خود را تعیین می‌کنید و خودتان را ارزیابی می‌نمایید.

۲- «دعا» نشان می‌دهد که تأکید بر روی ملاقات با مسیح در دعا قرار دارد و نباید دعا بصورت یک عادت معمولی در آید.

۳- «دفترچه» به این معنی است که باید راهنما و ثبت رابطه شما با خدا باشد.

تنظیم دفترچه دعای شخصی

۱- این موضوعات را در قسمت «دعای با ایمان» در کتابچه زندگی منضبط قرار دهید و یا اینکه دفترچه مخصوصی برای این کار اختصاصی دهید. دفترچه مزبور را به سه قسمت اصلی تقسیم کنید:

الف . منابع دعا

ب . فهرست‌های دعا

ج . هدایت‌های شخصی

۲- اولین قسمت اصلی «منابع دعا» است. مطالب زیر را از کتاب زندگی منضبط جلد اول و زندگی منضبط جلد دوم بردارید و آنها را در این قسمت قرار دهید (بعدها می‌توانید مطالب دیگری نیز به این قسمت اضافه نمایید).

الف . «صلیب شاگرد» (برای ارزیابی زندگی شاگردی خود) (زندگی منضبط - جداول صفحه ۳۳)

ب . فهرست موضوعات دعا (تا این تاریخ) (زندگی منضبط جلد اول - صفحه ۶۱)

- ج . «شخصیت شاگرد» (برای ارزیابی قبول خداوندی مسیح) (زندگی منضبط جلد اول صفحه ۹۹)
- د . «اصول دعای مکالمه‌ای» (زندگی منضبط جلد اول - صفحه ۱۲۵)
- هـ . درس کتاب مقدس: «حقیقت و ایمان» و «دعای باایمان» (زندگی منضبط جلد اول - صفحه ۱۳۰)
- و . دواير هم مرکز نفوذ (تأثیر): فهرست دعا برای گم‌شدگان
- ز . دواير هم مرکز نفوذ (تأثیر): فهرست اشخاصی که نیازمند آشتی با خدا هستند.
- ح . راهنمای دعای با ایمان (زندگی منضبط جلد اول - صفحه ۱۶۶)
- ط . «راهنمای ستایش خدا» (زندگی منضبط جلد اول - صفحه ۶۴)
- ی . «روش استفاده از راهنمای دعای با ایمان» (زندگی منضبط جلد اول - صفحه ۱۶۲)
- ک . «اسلحه روحانی» (زندگی منضبط جلد دوم - صفحه ۱۴)
- ل . «چگونه از اسلحه روحانی برای کمک به یک دوست استفاده کنیم» (زندگی منضبط جلد دوم - صفحه ۳۶)
- م . «راهنمای دعای شفاعت» (زندگی منضبط جلد دوم - صفحه ۵۵)
- ن . «راهنمای اعتراف و بخشش» (زندگی منضبط جلد دوم - صفحه ۷۷)

۳- دومین قسمت اصلی «فهرست‌های دعا» است. این قسمت را به دو قسمت فرعی «مباحث» و «تقویم» تقسیم کنید.

- الف . به هر یک از مباحث زیر، صفحات جداگانه‌ای اختصاص دهید و در این قسمت بایگانی کنید. می‌توانید مطابق نیازهای خود مباحث دیگری را نیز اضافه کنید. می‌توانید فرمها اضافی فهرست موضوعات دعا هم تهیه کنید. فراموش نکنید که برای مشخص کردن موضوعاتی که می‌خواهید زیر هر یک از مباحث یادداشت کنید، از فهرست معمولی موضوعات دعای خود و دواير هم مرکز نفوذ (تأثیر) خود استفاده کنید. مباحث پیشنهادی از این قرارند:

- اعضاء خانواده

- خویشاوندان

- دوستان نزدیک

- همکاران

- صاحب منصب

- مبشرین

- رهبران کلیسا

- شاگردان

- کشورهای جهان

- ب . شاید بعداً بخواهید مباحث را برحسب کثرت تکرار آنها در دعاهايتان طبقه‌بندی کنید. اگر اینطور باشد باید جای بعضی از مباحث قبلی را عوض کنید و یا مطابق تقسیم‌بندی زیر صفحاتی را به قسمت «تقویم» اضافه نمایید.

- فهرست دعای روزانه - شامل اشخاص یا موضوعاتی است که شما هر روزه برای آنها دعا می‌کنید نظیر نیازهای شخصی و خانوادگی، مسائلی که نیاز به دعای فوری دارند و غیره. از روی فهرست دعا در روز تولد هر یک از مبشرین داخل و خارج از کشور برای آنها دعا کنید. لازم نیست اسامی را بنویسید. می‌توانید از جزوه‌های چاپ شده‌ای که اسامی این خادمین را ذکر کرده‌اند استفاده نمایید. Royal Service , Baptist Adults , Open Windows .

Missions USA and , The Commission , World Missions Journal . نقشه جهان را نیز به این قسمت اضافه کنید.

- فهرست دعای هفتگی - در قسمتی که به «مباحث» اختصاص داده‌اید، فهرستی تهیه کنید تا بتوانید هر روز برای موضوعی دعا کنید. مثلاً روز دوشنبه برای مبشرین، روز سه‌شنبه برای شاگردان، روز چهارشنبه برای صاحبان منصب و به همین ترتیب می‌توانید بعضی از موضوعاتی را که الویت دارند در فهرست روزانه دعا بنویسید. اما برای بقیه موضوعات تنها هفته‌ای یک بار دعا خواهید کرد.

- فهرست ماهانه دعا - هر ماه نصف روز یا یک روز کامل را در دعا بگذرانید و فهرست‌های دعای خود را و همچنین جوابهایی را که از خدا دریافت کرده‌اید مرور کنید. برای هر ماه برنامه مشخصی تهیه کنید تا بدانید در آن روز چه

کارهایی انجام خواهید داد. از تقویم‌های دیگر هم مانند تقویم کلیسایی و تقویم مدارس و نظایر آن استفاده کنید. وقایع ماه گذشته را مرور کنید و پیروزی‌هایی را که خدا در ماه گذشته نصیب شما کرده یادداشت نمایید. ارزیابی کنید که تا چه حد در زندگی خود پیشرفت کرده‌اید و تا چه حد به هدف سالانه‌ای که برای خود تعیین کرده بودید نزدیک شده‌اید. اهداف ماه آینده و موضوعات دعا و درخواستهای خود را مشخص سازید.

- فهرست سالانه دعا - فهرستی از اهداف زندگی خود تهیه کنید. اهداف سالانه خود را مشخص سازید. برای تعیین اهداف در قسمتهای بعدی راهنمایی‌های لازم را خواهیم کرد. از موضوعاتی که تنها سالی یک بار برایشان دعا می‌کنید، فهرستی تهیه کنید نظیر وقایع کلیسایی یا تقویم فرقه‌ای مانند هفته دعا برای مبشرین خارج از کشور، برای وقایع خاص و برای کشورهای خاص.

۴- سومین قسمت اصلی «هدایت‌های شخصی» است. فهرستهای زیر را تهیه کنید و در این قسمت نگه دارید.

- الف . مقاصد زندگی
- ب . اهداف زندگی (در یک یا دو صفحه). به درس مربوطه در جلد دوم زندگی منضبط هفته هفدهم مراجعه کنید.
- ج . اهداف ماهانه : فهرست مزبور را در طی نصف روز یا یک روزی که هر ماه در دعا می‌گذرانید تهیه نمایید. اهداف ماهانه باید بخشی از اهداف سالانه شما باشند و به شما کمک کنند تا اهداف زندگی‌شان تحقق یابند.
- د . اهداف هفتگی : این فهرست را هر هفته در ساعتی که به برنامه‌ریزی هفتگی اختصاص می‌دهید، تهیه کنید. فهرست زیر نمونه‌ای از اهداف هفتگی است.
- هر روز ده دقیقه کتابمقدس بخوانم و زیر آیاتی که با من صحبت می‌کنند خط بکشم.
 - هر هفته دو آیه حفظی جدید حفظ کنم.
 - هفته‌ای سه بار ورزش کنم.
 - هفته‌ای یک ساعت مطالعه شخصی کتابمقدس داشته باشم.
 - هر هفته به یک نفر شهادت دهم.
 - هر هفته از یک موعظه یادداشت بردارم.
 - هر ماه نصف روز را در دعا بگذرانم.

فهرست اهداف خود را بصورت جدولی نظیر آنچه در آخر درس ارائه شده است تهیه نمایید. می‌توانید مقدار وقتی را که به هر یک از فعالیتهای فوق اختصاص داده‌اید، یادداشت نمایید و یا وقتی فعالیت مزبور را به پایان می‌رسانید، بدون قید وقت و ساعت فقط در قسمت مربوطه علامت بگذارید. هر خط را به یک روز اختصاص دهید و تاریخ آن روز را مشخص نمایید. در پایان هر روز یا صبح روز بعد در مقابل فعالیتهایی که انجام داده‌اید علامت بگذارید. البته دقت کنید که در قسمتی که مربوط به آن روز بوده علامت بگذارید. مثلاً وقتی نصف روز را در دعا گذرانید آنگاه بر روی جدول علامت بگذارید. اگر لازم باشد می‌توانید با توجه به موقعیت مخصوص خود تغییراتی در آن بدهید. مثلاً ممکن است بنظر شما تنها چند روز در هفته برای تفکر در سکوت کافی باشد. به خاطر داشته باشید که دفترچه دعای شخصی شما برای این است که در تحقق یافتن اهدافی که به کمک خداوند برای زندگی خود تعیین کرده‌اید، به شما کمک کند.

کاربرد «دفترچه دعای شخصی»

۱- در هر جایی که هستید از همانجا شروع کنید و سعی کنید برای خود دفترچه دعای شخصی تهیه نمایید. اگر هنوز اهداف زندگی خود را ننوشته‌اید از همین امروز کار را شروع کنید و حداقل فهرست‌های روزانه و هفتگی را تهیه نمایید. تصمیم بگیرید که در طی نصف روز یا یک روز کاملی که در ماه آینده در دعا خواهید گذراند اهداف زندگی خود را بنویسید. هر روز دفترچه دعای خود را کامل تر سازید.

۲- هر روز از دفترچه دعای شخصی خود استفاده کنید.

الف . برای اشخاصی که در فهرست روزانه دعای شما قید شده‌اند دعا کنید.

ب . برای مباحث خاصی که برایشان روز خاصی را مشخص کرده‌اید دعا کنید، نظیر رهبران کلیسا، مبشرین و غیره.

ج . فهرست هدایت شخصی را هر روز علامت بگذارید.

۳- هر ماه نصف روز را در دعا بگذرانید و برای این کار جایی انتخاب کنید که کسی مزاحمتان نشود.

۴- وقتی را به ارزیابی سالانه اختصاص دهید. می‌توانید نزدیک سال نو و یا در طی تعطیلات سالانه خود این کار را انجام دهید.

۵- به تکمیل دفترچه دعای شخصی خود ادامه دهید و آن را متناسب با نیازها و شخصیت خود تنظیم نمایید. دفترچه دعای اشخاص متفاوت از لحاظ اندازه و نحوه کاربرد و غیره با یکدیگر تفاوت دارند. این دفترچه را خود شما تهیه می‌کنید و هر چه بیشتر به آن اهمیت دهید همانقدر ارزش خواهد داشت. دفترچه شما می‌تواند مقیاسی باشد که نشان دهد تا چه حد از هدایتهای خدا پیروی می‌کنید و همچنین می‌تواند نسبت به اراده خدا دید تازه‌ای به شما بدهد.

فهرست مختصری از موضوعات دعا تهیه کنید تا همیشه در کتابمقدس خود نگه دارید

یک ورق ۲۰ در ۳۰ سانتی را تا بزنید. مجدداً، آن را در همان جهت تا کنید. آن را کوتاه کنید تا در کتابمقدس شما جا بگیرد و سپس آن را باز کنید. کاغذ شما به ۸ ستون بلند تقسیم شده است که چهار ستون آن در یک صفحه و چهار ستون آن در صفحه پشتی است. در بالای یکی از ستونها بنویسید «فهرست دعای روزانه» و در زیر آن موضوعاتی را که هر روز در مورد آنها دعا می‌کنید یادداشت نمایید. در بالای هفت ستون بعدی روزهای هفته را بنویسید. در زیر آنها موضوعات خاصی را که می‌خواهید در آن روز بخصوص برای آنها دعا کنید یادداشت نمایید. می‌توانید هر یک از مباحثی را که قبلاً برای هر روز خاصی انتخاب کرده‌اید، بنویسید. می‌توانید در زیر هر یک از روزهای هفته یکی از اهداف زندگی خود را ذکر نمایید. همچنین می‌توانید نام کشورها یا مبشرین مختلف را در زیر هر یک از روزهای هفته قید کنید.

این فهرست مختصر را همواره تجدید کنید و آن را در کتابمقدس خود بگذارید تا همیشه در دسترس شما باشد.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «دعای با ایمان» قرار دهید.

تاریخ							
یادداشت کردن یک موعظه							
خواندن کتاب مقدس ده دقیقه در روز							
مطالعه کتاب مقدس یک بار در هفته							
حفظ کردن دو آیه در هفته							
مرور دوازده آیه در روز							
دعا کردن ده دقیقه در روز							
شهادت دادن یک بار در هفته							
ورزش کردن سه بار در هفته							

چگونه به یکدیگر کمک کنیم که زندگی منضبطی داشته باشیم

اکثر مردم برای به نظم درآوردن زندگی خود محتاج کمک و حمایت دیگران هستند. دو نوع شخصیت که به حمایت و کمک متفاوتی احتیاج دارند عبارتند از افرادی که به اشخاص اهمیت می‌دهند و اشخاصی که به موفقیت خود اهمیت می‌دهند. در هر یک از ما یکی از این دو شخصیت قوی‌تر است. مشخص کنید که کدام روش برای حمایت شخصیت شما مناسب‌تر است. اگر برای به نظم درآوردن زندگی خود احتیاجی به کمک و حمایت دیگران ندارید، آماده باشید به کسی که محتاج این حمایت است کمک کنید.

۱- روش خودمانی

این روش برای افرادی مؤثر و مناسب است که دوست ندارند به تنهایی اهدافی را تعیین کرده و برای نیل به آنها سعی و کوشش نمایند. در این روش دو یا سه نفر یا بیشتر تصمیم می‌گیرند و متعهد می‌شوند که تا آنجایی که می‌توانند به یکدیگر کمک کنند تا هر یک به هدف خود برسند. آنها برای یکدیگر دعا می‌کنند، یکدیگر را تشویق می‌نمایند، پیشرفتهای همدیگر را ارزیابی می‌کنند. حتی وقتی یکی از آنها در رسیدن به هدف با مشکلی مواجه شود، دیگران به او کمک می‌کنند. هر یک از آنها پیشقدم می‌شوند (بدون اینکه احساس ریاست کنند یا ایرادهای بی‌مورد بگیرند) و مایلند مطمئن شوند که دوستانشان به خوبی به سوی هدف خود پیش می‌روند.

۲- روش اعلام وابستگی به یکدیگر

این روش برای شخصی مؤثر و مناسب است که برایش مشکل است قولی به خود بدهد و به آن وفا کند. بنابراین از یک یا دو نفر می‌خواهد که بر این امر نظارت کنند.

روش کار چنین است: شخص اهداف خود را برای یک یا چند نفر بیان می‌کند و از آنها می‌خواهد تا پیشرفت‌ها و فعالیت‌های او را تا حدی که خودش مشخص می‌کند، زیر نظر داشته باشند.

اگر این روش را انتخاب کنید باید مشخص سازید که تا چه حد می‌خواهید فرد مقابل کارهای شما را کنترل نماید. شاید بخواهید فقط گاه‌گاهی پیشرفت شما را جویا شود، یا شاید بخواهید هر هفته کار شما را کنترل کند و ببیند که آیا آن را خوب و درست انجام داده‌اید یا خیر. خود شما باید مشخص کنید که تا چه حد به کمک و حمایت دیگران نیازمندید. فرد مقابل تنها در حدی که شما مشخص کرده‌اید، در کار شما نظارت خواهد کرد. در این روش شما می‌خواهید که فردی به شما کمک کند و از شما حمایت نماید اما نمی‌خواهید که آزادانه در کارهای شما دخالت کند.

۳- روش کنترل شخصی

اگر احساس می‌کنید که بدون کمک دیگران می‌توانید اهداف خود را به تحقق برسانید، پس به تنهایی سعی کنید که زندگی خود را به نظم درآورید. اگر این روش را انتخاب کردید برای ایجاد انگیزه در خود می‌توانید از پیشنهادات زیر استفاده کنید:

- الف . با خودتان رقابت کنید. سعی کنید کار خود را بهتر از دفعات قبل انجام دهید. در نهایت به بهترین حد ممکن برسید.
- ب . بکوشید تا فکر منحصر به فردی انجام دهید. تصمیم بگیرید به مرحله‌ای برسید که هیچیک از اشخاص دیگری که در موقعیت شما هستند به آن نرسیده‌اند و آن کار را به گونه‌ای که شما انجام داده‌اید، انجام نداده‌اند.
- ج . با دیگران رقابت کنید. به کارهایی که دیگران انجام می‌دهند توجه کنید و تصمیم بگیرید که کارها را به خوبی آنها و یا

حتی بهتر از آنها انجام دهید.

د. طرحها و نقشه‌های درازمدت داشته باشید. انجام هر هدف با ارزشی نیاز به زمان دارد. سعی کنید برای برنامه‌ها و پیشرفتهای درازمدت نقشه بکشید.

- مجسم سازید که وقتی به هدفتان برسید چه خواهد شد. تصویر زنده‌ای از احساس خود در آن زمان در ذهن خود داشته باشید.

- مجسم سازید که اگر شکست بخورید چه خواهد شد. به ترس از شکست توجه نمایید و تا آنجایی که می‌توانید سعی کنید شکست نخورید.

- موانعی را که ممکن است در راه رسیدن به هدفتان ایجاد شوند پیش‌بینی کنید. ممکن است علت این موانع، طبیعت و ذات خود شما باشد و یا ممکن است مانعی خارجی سد راه هدفتان شود. بطور دقیق برنامه ریزی کنید تا بتوانید بر هر مانعی که سد راه هدفتان می‌شود فائق آید.

- هرگاه نیاز داشته باشید، تقاضای کمک کنید. به خاطر داشته باشید که گاهی یک فرد نمی‌تواند بدون کمک و راهنمایی افراد ماهر و وارد، کارها را به تنهایی انجام دهد. افرادی که در طول زندگی‌شان پیشرفتهای چشمگیری داشته‌اند، کسانی هستند که از محدودیتهای خود باخبر هستند و می‌دانند که به دقت باید از دیگران تقاضای کمک کنند.

دو نفر ممکن است از یک روش مشابه و یا دو روش مختلف برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. تنها تفاوت در این است که تا چه حد می‌خواهید فرد مقابل بر کارهای شما نظارت کند.

هر یک از روشهای فوق‌الذکر را هم که انتخاب کنید، باز باید بدانید که انگیزه واقعی از درون سرچشمه می‌گیرد. مسیح در شما زندگی می‌کند و شما را قادر می‌سازد تا اراده او را بجا آورید. شما هم همراه پولس بگویید: «قدرت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد» (فیلیپیان ۴:۱۳).

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «مشارکت با ایمانداران» قرار دهید.

<input type="checkbox"/>	آماده کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	قسمت «چگونه می توان وقتی طولانی با خداوند صرف نمود» را بخوانید. (صفحه ۷۲).	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	در طی وقت دعای انفرادی از «راهنمای اعتراف و بخشش» (صفحه ۷۷) استفاده کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	ضمن اینکه در وقت دعای انفرادی خود، اراده خدا را برای زندگی تان جستجو می کنید، از همراه و همسنگر دعای خود نیز بخواهید که برای شما دعا کند.	<input type="checkbox"/>
	مشارکت با ایمانداران	
<input type="checkbox"/>	مقداری از وقت خود را با یکی از اعضاء خانواده تان بگذرانید و به کاری که او علاقه دارد مشغول باشید. اگر با خانواده خود زندگی نمی کنید، می توانید برای انجام این فعالیت، یکی از دوستان را انتخاب کنید.	<input type="checkbox"/>
	شهادت به دیگران	
<input type="checkbox"/>	با یک یا چند تن از غیر مسیحیانی که نام آنها را بر روی لیست دعای دواير هم مرکز خود نوشته اید، ارتباط برقرار کنید. به آنها خدمتی بکنید، یا حقیقتی را با آنها در میان بگذارید. شهادت خود را بدهید و یا پیغام انجیل را به گوش آنها برسانید.	<input type="checkbox"/>
	خدمت به دیگران	
<input type="checkbox"/>	خود را برای دعای انفرادی آماده کنید. راهنمایی های صفحه ۷۲ را بخوانید و موضوعات مهم را بترتیب مرتب کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	درس «تعیین اهداف زندگی» (صفحه ۸۰) را بخوانید. توضیحات خود را در مورد اهداف و مقاصد زندگی تان بنویسید، و درباره آن دعا کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	در طی وقت دعای انفرادی خود، مبحث «آنها چگونه پیام را خواهند شنید؟» (صفحه ۸۵) را بخوانید و از نقشه بشارت جهانی استفاده نموده برای دیگران دعا کنید.	<input type="checkbox"/>

زندگی شما در دعا نشان دهنده ماهیت وجود شما است.

شاگردان، خادمان هستند

نجات، امری شخصی است، اما خصوصی نیست. هر شخص نجات یافته در قبال جامعه مسیحی و دنیای بی ایمان مسئول است. ما نجات یافته ایم تا خدمت کنیم.

- هدف این درس این است که شرح دهد یک مسیحی بعنوان خادم، چه خدمتی دارد. در خاتمه درس، شما قادر خواهید بود که:
- * معیار دنیا را در مورد بزرگی، با نظر مسیح درباره آن مقایسه کنید.
 - * سه علامت مشخصه خادم بودن را ذکر نمایید.
 - * سهم خود را در یک خدمت ارزیابی کنید.

تمرینات زیر را تکمیل کنید. پس از خاتمه، پاسخ های خود را با جواب های داده شده در آخر درس مقایسه نمایید.

بزرگی چیست؟

۱- از نظر دنیا، بزرگی یعنی قدرت و نفوذ. اگر بتوانید دیگران را به خدمت خود درآورید تا حدی به بزرگی دست یافته اید.

مرقس ۴۲:۱۰ را قرائت کنید. عیسی در مورد مردم زمانه خود که از نظر دنیا، بزرگ محسوب می شدند چه می گوید؟ پاسخ صحیح را با علامت، مشخص نمایید:

- الف . آنها از اقتدار خود برای حکومت کردن استفاده می کنند.
- ب . آنها فروتن و متواضع هستند.

۲- مردم می گویند کسی بزرگ است که همه به او خدمت کنند. علامت مشخصه اشخاص بزرگ در طول تاریخ، اقتدار و حکومت آنها بوده است. می توانید کسی را که امروزه از نظر دنیا، بزرگ است در نظر آورید؟ کدامیک از عبارات زیر در مورد شیوه زندگی او صدق می کند؟ زیر آن خط بکشید.

خدمت به دیگران خدمت شدن از سوی دیگران

۳- مسیح در طی خدمت زمینی خود قاعده جدیدی برای بزرگی وضع نمود. از آن پس به شاگردان خود فرمود که بزرگی در خادم بودن مفهوم می یابد.

شاگردان به خوبی با مفاهیم خادم بودن و غلامی آشنا بودند. بسیاری از اولین نوایمانان مسیحی، از طبقه غلامان بودند. هنگامی که عیسی آنها را تشویق می کرد تا همانند خادم یا غلام باشند، قصدش این نبود که فقط پیشنهادی داده باشد.

آیا خادم شخص دیگری بودن برای شما جذبه ای دارد؟ در مورد علت پاسخ مثبت یا منفی خود توضیح دهید.

۴- عنوان «خداوند» به رابطه میان یک ارباب و یک غلام اشاره دارد. خداوند قدرت خود را بر غلامش اعمال می‌کند. غلام همانند سایر اموال خداوند خود به او تعلق دارد و مرگ و زندگی او در دست خداوندش می‌باشد.

آیا مسیح، عنوان خداوند را برای خود پذیرفت؟ یوحنا ۱۳:۱۳ را بخوانید و بدور جواب صحیح، دایره بکشید.

بله خیر

۵- عیسی مفهوم جدیدی از خداوند بودن را به پیروانش نشان داد. او خداوند بود، با اینحال اقتدار خود را با روح محبت بکار می‌برد. او احتیاجات شاگردانش را برتر از نیازهای خود قرار می‌داد. در حقیقت، او خادم آنها بود.

عیسی در طول خدمتش سعی کرد نشان دهد که بزرگی حقیقی در خدمت به دیگران است. عبارات داده شده را با آیات زیر مربوط نمایید.

- | | |
|-----------------------|---|
| _____ الف . متی ۳۹:۱۰ | (۱) اگر می‌خواهید اول باشید، خادم همه شوید. |
| _____ ب . مرقس ۳۵:۹ | (۲) آخرین، اولین و اولین، آخرین خواهد شد. |
| _____ ج . لوقا ۳۰:۱۳ | (۳) شخص فروتن، سرافراز خواهد گشت. |
| _____ د . لوقا ۱۱:۱۴ | (۴) هر که جان خود را بخاطر من بدهد، آن را خواهد یافت. |

۶- مسیح رابطه خفت‌بار میان ارباب و غلام زمانه خود را تأیید نکرد. منظور او این نبود که غلامان باید در پای اعیان یهودی به خواری و ذلت افتند. بالعکس او این حقیقت را در نظر خود داشت که شاگرد راستین کسی است که با علاقه و محبت، نقش غلام را برای خود بپذیرد.

معیار دنیا را در مورد بزرگی، با نظر مسیح درباره آن مقایسه کنید.

خادم بودن چیست؟

در تصویری که مسیح از یک غلام ارائه می‌دهد سه علامت مشخصه وجود دارد: (۱) انگیزه خدمت، محبت است. (۲) روش رهبری، خادم بودن است. (۳) معیار داوری، خدمت است.

اولین علامت مشخصه خادم بودن، محبت است

۷- عیسی تا چه حد پیروان خود را محبت نمود؟ پاسخ را در یوحنا ۱۲:۱۵-۱۳ بیابید.

۸- همه زندگی مسیح، نمونه‌ای است از محبت. او پس از قیام خود، در کنار ساحل بر پطرس ظاهر گشت. گفتگوی آنان را در یوحنا ۱۵:۲۱-۱۷ مطالعه کنید. یکی از جملات زیر شرحی است در مورد آنچه که عیسی به پطرس می‌گفت. جمله فوق را با علامت، مشخص نمایید.

☐ الف . اگر مرا محبت کنی، یک شبان خواهی شد.

☐ ب . اگر مرا محبت کنی، گرسنه را سیر خواهی کرد.

☐ ج . اگر مرا محبت کنی، به نیاز دیگران توجه خواهی داشت.

۹- عیسی می‌دانست که بدون محبت، خدمت ما به دیگران عملی خودخواهانه خواهد بود که هدفمان از انجام آن تنها خودستایی است. منظور، از خدمت می‌تواند یا کمک به دیگران باشد و یا کسب اعتبار شخصی خودمان. عیسی می‌خواهد که خدمت، موجب نفع دیگران بشود. آیات زیر را بصورت خلاصه بنویسید.

الف . یوحنا ۳۴:۱۳

ب . یوحنا ۹:۱۵-۱۰

انگیزه و محرک خدمت چیست؟

دومین علامت مشخصه خادم بودن، مربوط به روش رهبری است

۱۰- در متی ۸:۲۳-۱۲ می‌خوانیم که عیسی به شاگردان فرمود تا از روش رهبران مذهبی زمانه خود پیروی نکنند. آن رهبران، مقام خود را براساس شأن و دارایی و تحصیلات می‌سنجیدند. یک مسیحی چگونه به مقام بالا می‌رسد؟ (آیه ۱۱)

۱۱- مسیح فرمود: اگر می‌خواهی رهبر باشی، خادم شو. او بزرگی را با فروتنی مربوط می‌دانست (متی ۲۳:۱۲). فیلیپیان ۷:۲-۸ را بخوانید و توضیح دهید که چگونه فروتنی در مسیح نشان داده شد.

۱۲- شاگردان به روش دنیوی رهبری، تمایل بیشتری داشتند. انتظار آنان از مسیح به وضوح این بود که بعنوان یک پادشاه زمینی، دشمنان خود را نابود ساخته به شیوه داود حکومت کند. اما مسیح موعود آنان، در عوض تعلیم داد که راه رسیدن به موفقیت، خادم بودن است. چگونه امکان داشت که خداوند آنها نیز یک خادم باشد؟

در یوحنا ۳:۱۳-۱۶ شاگردان عیسی با همین مسأله پیچیده روبرو شدند. قسمت فوق را قرائت کنید و مشخص کنید که کدامیک از جملات زیر، صحیح یا غلط می‌باشند.

الف . پس از شام، عیسی دستمال و لگنی برداشت و شروع به شستن پاهای شاگردان نمود.

ب . شاگردان از اینکه مسیح پاهای شان را می‌شست، خشنود بودند.

ج . پطرس آنقدر خوشحال بود که از عیسی خواست تا دستهایش را نیز بشوید.

د . عیسی از شاگردانش انتظار داشت همانطور که او به آنها خدمت کرده بود، یکدیگر را مشتاقانه خدمت کنند.

شستن پاها، عملی بود که بوسیله غلام خانه انجام می‌گرفت. هیچ ارباب محترمی، چنین کار خفت باری انجام نمی‌داد. مسیح با این کار خود، نشان داد که نمونه رهبری در ملکوت او، خادم بودن است.

سومین علامت مشخصه خادم بودن، معیاری است که با آن داوری می‌شود

در لوقا ۱۲:۱۴-۱۴ می‌خوانیم که در قیامت، بر زندگی و فعالیت مسیحیان برحسب اینکه چگونه به دیگران خدمت کرده‌اند داوری خواهد شد. به عبارت دیگر، معیار داوری، خدمت خواهد بود.

۱۳- غلاطیان ۵:۱۳ را بخوانید و جای خالی را در این جمله پر کنید: «به محبت، یکدیگر را _____ کنید.»

۱۴- در متی ۳۱:۲۵-۴۶ عیسی ماجرای تکان دهنده روز داوری نهایی را بیان می‌کند. او بزها و میش‌ها را برحسب رفتارشان نسبت به دیگران، از هم جدا می‌کند. اعمالی را که مطابق گفته مسیح باید شخص عادل در زندگی خود انجام دهد، ذیلاً بنویسید:

- _____ الف .
- _____ ب .
- _____ ج .
- _____ د .
- _____ هـ .
- _____ و .

۱۵- عیسی فرمود هر مهربانی که نسبت به دیگری کرده شود، بعنوان عملی که نسبت به خود خداوند انجام شده است محسوب خواهد شد. شرحی که او از اعمال یک عادل بیان می‌کند دقیقاً نقطه مقابل کارهایی است که شخص ناعادل انجام می‌دهد.

نیت خوب یا دلسوزی و توجه، هیچ یک کافی نیستند. ایمان ما باید بوسیله اعمالمان به ثبوت رسد. در یعقوب ۲:۱۵-۱۶ به ما گفته شده که اگر برادر یا خواهری را محتاج ببینیم چه باید کنیم. کدامیک از جملات زیر با نظر یعقوب مطابقت دارد؟

☐ الف . باید به او بگوییم: «خدا تو را برکت دهد.»

☐ ب . باید آنچه را که مورد احتیاج او است به او بدهیم.

خلاصه

۱۶- عیسی در طی دوره خدمت عمومی خود مثالهای متعددی بیان نمود. جالب است که دقت کنیم که در چند مورد از این مثالها، یک ایماندار بعنوان خادم نشان داده شده است (به متی بابهای ۱۸ و ۲۴ و ۲۵ مراجعه کنید). روشن است که مسیح می‌خواست پیروانش، خدمت کنند نه اینکه خدمت کرده شوند.

سه علامت مشخصه خادم بودن را بنویسید.

- _____ الف . محرک خادم بودن ، _____ است .
- _____ ب . نمونه و روش رهبری ، _____ است .
- _____ ج . معیار داوری ، _____ است .

۱۷- ضمن ارزیابی شیوه زندگی خود به این سؤالات پاسخ دهید: آیا خدمت کردن در زندگی من بچشم می‌خورد؟ دیگران مرا چگونه می‌شناسند، کسی که مایل است خدمت کند یا می‌خواهد دیگران به او خدمت کنند؟

مواردی که هم‌اکنون برای خدمت به دیگران بکار می‌برید ذکر کنید: _____

شما چگونه می‌توانید در خدمت به دیگران، فعال‌تر شوید: _____

آیا در کاری که در حال حاضر برای مسیح انجام می‌دهید، خادم بودن شما به چشم می‌خورد؟

۱۸- در مورد این سؤال فکر کنید: کلیسای من چه تفاوتی می‌کرد اگر:

- الف . انگیزه و محرک تمام اعضایش محبت می‌بود؟
- ب . رهبران، خود را خادمان محسوب می‌کردند؟
- ج . اعضاء برحسب خدمتشان نسبت به دیگران، سنجیده می‌شدند؟

پاسخ‌ها

۱- الف

۲- شما احتمالاً زیر جمله «خدمت شدن از سوی دیگران» خط کشیده‌اید.

۳- پاسخ شخصی

۴- بله

۵- الف - (۴) ، ب - (۱) ، ج - (۲) ، د - (۳)

۶- از نظر دنیا، بزرگی برابر است با قدرت، نفوذ و مقام. اما بزرگی مسیحی به خدمت او به دیگران بستگی دارد.

۷- عیسی، جان خود را برای آنان داد.

۸- ج کامل‌ترین جواب است.

۹- الف - ما باید همان‌گونه که مسیح ما را محبت نمود یکدیگر را محبت کنیم. در این صورت همه خواهند فهمید که ما شاگردان او هستیم. ب - همچنان که پدر، عیسی را محبت نمود، او نیز ما را محبت می‌کند. ما محبت خود را با اطاعت کردن نشان می‌دهیم. محبت، محرک خدمت است.

۱۰- از طریق خدمت به دیگران.

۱۱- منزلت آسمانی خود را ترک نمود تا به انسان خدمت کند.

۱۲- الف - صحیح ، ب - غلط ، ج - غلط ، د - صحیح.

۱۳- خدمت

۱۴- الف - غذا دادن به گرسنه . ب - آب دادن به تشنه . ج - جا دادن به غریبه . د - پوشانیدن برهنه . ه - عیادت کردن از

مریض. و - به دیدن زندانی رفتن.

۱۵- ب

۱۶- الف - محبت ، ب - خادم بودن ، ج - خدمت.

۱۷- پاسخ شخصی

۱۸- پاسخ شخصی

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت کردن به دیگران» قرار دهید.

چگونه می توان وقتی طولانی با خداوند صرف نمود

نمونه ما مسیح است

مسیح اغلب به دنبال اماکن خلوت بود تا وقت بیشتری را با پدر آسمانی خود بگذرانند. تمام زندگی و خدمت او مملو از دعا بود.

۱- هنگامی که مشغول بود. مسیح موقع مهمی را برای دعا کردن انتخاب می کرد. او بامدادان قبل از سپیده صبح برمی خاست تا دعا کند (مرقس ۱: ۳۵). شب قبل از آن تا دیروقت دچار ازدحام مردم بود و می دانست که آنها روز بعد نیز از صبح زود به دنبال او خواهند آمد. اما مسیح قبل از همه چیز به دعا پرداخت. او دریافته بود که قبل از مشارکت با مردم باید با خدای پدر مشارکت داشته باشد.

۲- هنگامی که خسته بود. عیسی، یک بار موقعی که تمام روز را خدمت کرده بود، در پایان از شاگردانش خواست که به آن طرف دریا بروند. سپس مردم را روانه نمود و بر بالای کوهی رفت تا دعا کند (متی ۱۴: ۲۳). او از کمی پیش از غروب آفتاب تا پاس چهارم شب (بین ساعت ۳ الی ۶ بامداد) در آنجا ماند. در ساعاتی که اگر ما بودیم بعلت خستگی زیاد دعا نمی کردیم، مسیح دعا کرد.

۳- هنگامی که باید تصمیم می گرفت. مسیح قبل از انتخاب رسولانش، تمام شب را در دعا گذرانید (لوقا ۱۲: ۶). اگر باید تصمیم مهمی بگیرید، پیش از آن با خدای پدر در مشارکت باشید.

۴- هنگامی که برای شروع خدمت جدیدش آماده می شد. مسیح پس از تعمید، بوسیله روح به بیابان برده شد تا چهل روز را در روزه و دعا بسر برد (لوقا ۴: ۲-۱). این مدت تقریباً برابر است با شش هفته! او به هدایت نیاز داشت تا اولویت ها را تشخیص داده، برای مقابله با تجربیاتی که بر سر راهش واقع می شدند، قوت یابد. ما نیز باید پیش از شروع خدمات گوناگون خود، وقت کافی را صرف دعا و مشارکت با خداوند نماییم.

۵- هنگامی که با صلیب مواجه بود. مسیح در جتیمانی، پیش از محاکمه و مصلوب شدن، سه ساعت را در دعا بسر برد (متی ۲۶: ۳۹-۴۴). قبل از آن نیز در دعای طولانی خود برای شاگردان شفاعت نموده بود (یوحنا ۱۷). وقتی که انجام خدمت نجات بخش، مستلزم این است که متحمل صلیب شوید، صرف وقت بیشتری در دعا به شما کمک خواهد نمود که از آزمایش ها سرافراز بیرون آیید.

۶- هنگامی که احساس می کرد نیازی دارد. چرا مسیح وقت بیشتری را با خدای پدر صرف می نمود؟ در بررسی مختصر خود دلایل متعددی می یابیم.

- او از مشارکت با پدر آسمانی لذت می برد (یوحنا ۱۷).
- او برای به انجام رسانیدن خدمتش به قوت نیاز داشت (لوقا ۴: ۱-۲ متی ۲۶: ۳۹-۴۴).
- او می خواست اراده خدای پدر را بداند (متی ۲۶: ۳۹-۴۴).
- او برای دیگران شفاعت می کرد (لوقا ۱۲: ۶ و یوحنا ۱۷).

خداوند، دعا کردن را به ما تعلیم خواهد داد

شاگردان عیسی پس از اینکه دعای او را شنیدند، به او گفتند: «خداوند! دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنانکه یحیی شاگردان خود را

بیاموخت» (لوقا ۱: ۱). آنها از او خواستند که «دعا کردن» را به آنان تعلیم دهد. بهترین راه آموختن دعا، دعا کردن است. کتابهایی که درباره دعا و روش آن نوشته شده‌اند مفیدند، اما هیچکس بدون دعا کردن، آن را یاد نمی‌گیرد.

مسیح وقت زیادی را به دعا اختصاص می‌داد. چرا به کاری که مسیح بسیار انجام می‌داد توجه کمی نشان می‌دهیم؟ این جمله مسیح خطاب به پطرس، برای بسیاری تکان دهنده است: «آیا همچنین نمی‌توانستید یک ساعت با من بیدار باشید» (متی ۲۶: ۴۰).

در طی چند ماه گذشته، شما صرف وقت بیشتر را با خداوند در دعا و شنیدن صدای او از طریق کلامش، آغاز نموده‌اید. آیا مانند مسیح این را احساس کرده‌اید که باید وقت طولانی‌تری را صرف مشارکت با خدای پدر بنمایید؟

چه موقعی باید دعا کنید؟

۱- موقعی که می‌خواهید خدا را جلال دهید و محبت خود را نسبت به او ابراز نمایید. این عالی‌ترین شکل دعا است. ستایش و شکرگزاری موجب جلال دادن خدا می‌شوند. محبت خود را به او نشان دهید. اگر برای شروع، مشکلی دارید از «راهنمای ستایش» (زندگی منضبط جلد اول، صفحه ۶۴) استفاده کنید.

۲- موقعی که به مشارکت با خداوند نیاز دارید. هر چه وقت بیشتری را با خداوند صرف کنید، تمایل زیادتری برای داشتن اوقات متوالی مشارکت با او خواهید داشت. همان طور که عشاق می‌خواهند که نزد یکدیگر باشند، قلب شما نیز مشتاق او خواهد بود.

۳- موقعی که محتاج هدایت هستید. صرف وقت طولانی در دعا موجب می‌شود که هر ایماندار دید الهی را در مشاهده امور کسب نماید. شما قادر خواهید بود تا ذهن خود را پاک نموده و قلب خود را برای دریافت کلام و هدایت الهی آماده نمایید.

۴- موقعی که محتاج قوت هستید. در بحران‌ها و تجربیات باید به سوی دعا کشیده شوید. اغلب، مسیحیان در چنین مواقعی اجازه می‌دهند که موانعی موجب دوری‌شان از دعا شوند. وقتی که ضعیف هستید، او قوت است (۲ قرنتیان ۱۲: ۹). اگر با ایمان به دعا در برابر مشکلات و فشارها، عکس‌العمل نشان دهید، همان زحمات، شما را به سوی مسیح رهنمون خواهند شد. اما اگر اجازه دهید که این فشارها حائل میان شما و مسیح شوند، از او دور خواهید ماند.

۵- موقعی که با دوره‌ای بحرانی یا جدید در خدمت خود مواجه هستید. صرف وقت بیشتر در دعا، در برنامه زندگی منضبط جلد دوم و هفته ۱۸ قرار داده شده است، یعنی زمانی که اعضاء گروه، خدمت خود را کشف کرده و مشغول به آن می‌شوند. این امر به شما فرصت می‌دهد که درباره نقشه و اهداف خدا برای زندگی‌تان تصمیم خود را بگیرید. اگر قبلاً در مورد آن اهداف اصلی تصمیم خود را گرفته‌اید، شاید خدا شما را نسبت به مرحله جدیدی در خدمت خود آگاه سازد و یا شاید شما را در مورد آنچه اکنون تعهد می‌کنید برای آینده مجهز نماید.

۶- موقعی که به بیداری روحانی نیاز دارید. خدا به قوم خود وعده داده است که سرزمین آنها را شفا خواهد داد و راه‌های شیرانه‌شان را خواهد آمرزید (۲ تورایخ ۷: ۱۴). این وعده شامل قوم خدا در حال حاضر نیز می‌شود. بیداری‌های شخصی، ملی و بین‌المللی متکی به دعاها و قوم خدا می‌باشند.

۷- موقعی که دیگران به دعای شما احتیاج دارند. شما به صرف وقت طولانی در دعا برای دیگران، در حقیقت وظیفه کهنات خود را در شفاعت کردن بجا خواهید آورد. اگر شما کسانی را که در احتیاج هستند محبت کنید، از صرف وقت در دعا برای آنها دریغ نخواهید نمود. دعای شفاعت شاید برای شما زحمتی داشته باشد اما برکات آن مافوق تصور شما است. تنها در آسمان، تمام اجر آن آشکار می‌شود. جهت مطالعه بیشتر به «راهنمای دعای شفاعت» (صفحه ۵۵) مراجعه کنید.

۸- موفقی که اراده خدا بر زمین کرده نمی شود. قلب خدا مشتاق است که همه بسوی معرفت نجات بخش راستی بیایند (یوحنا ۱۶:۳)
 ۱ تیموتائوس ۴:۲). مسیحیان باید دعا کنند که ملکوت او بیاید (متی ۱۰:۶).

۹- موفقی که عمله ها برای حصاد لازم اند. عیسی به ما فرمان داده است که دعا کنیم تا صاحب حصاد، عمله ها برای حصاد خود بفرستد (لوقا ۱۰:۲). کشتزارهای حصاد منتظرند که مسیحیان دعا کنند.

مزیت صرف وقت بیشتر با خداوند، الزاماً بخاطر طولانی بودن آن نیست. شما بخاطر زیاد گفتن، مستجاب نمی شوید (متی ۷:۶). همچنین مدت زمان دعا نباید موجب مباهات و فخر فروشی شود. اگر خدا را در نهان عبادت کنید او به شما آشکارا جزا خواهد داد. کتابمقدس نشان می دهد که مسیح وقت بسیاری را صرف دعای طولانی می کرد. او به شاگردانش گفت که مسائل مهم، بدون دعا حل نمی شوند (متی ۲۱:۱۷).

احتمالاً شما در مورد لزوم دعا نظر موافق دارید اما درباره جنبه های عملی صرف وقت بیشتر با خداوند سؤالاتی برای تان پیش می آید. در ادامه، سؤالاتی که از این نظر مطرح می باشند همراه با پاسخ شان آورده شده اند.

سؤال و جواب درباره صرف وقت بیشتر با خداوند

۱- چرا داشتن این وقت لازم است؟

- تا مشارکتی طولانی و بدون وقفه با خدا داشته باشید.
- تا دریابید که خدا در زندگی شما چه کرده و چگونه با شما سخن گفته است.
- تا خداوندی مسیح بر تمام جنبه های زندگی شما مسلط گردد.
- تا برای نقشه های مربوط به آینده و خدمات و غیره، هدایت الهی را بیابید.
- تا دعا را بر موضوعات مهم زندگی خود متمرکز نمایید.
- تا برای دیگران شفاعت کنید.

۲- چه وسایلی را باید به همراه داشته باشم؟

- کتابمقدس (ترجمه های متعدد آن، در صورت نیاز).
- کتابهای زندگی منضبط جلد اول و دوم.
- دفتر دعای شخصی شما، در صورتی که این دفتر بخشی از دفتر یادداشت زندگی منضبط شما نباشد.
- کاغذ یا دفتر برای یادداشت برداشتن و خودکار یا مداد.
- در مورد اهداف زندگی تا این تاریخ برنامه ریزی کنید.
- ظرف نهار (به خصوص اگر گردهمایی گروه دعای شما در بعدازظهر یکشنبه باشد و یا اینکه اعضا بخواهند پس از صرف نصف روز در دعای شخصی، وقتی نیز برای دعای گروهی داشته باشند).
- کارتهای آیه حفظی.

۳- برنامه چیست؟

- اعلانات: ۱۰ دقیقه
- وقت دعای شخصی: ۳ ساعت
- وقت مشترک: ۲۰ دقیقه
- دعای گروهی: ۲۵ دقیقه

۴- چگونه می توانم این قدر طولانی دعا کنم؟

الف - بیاد داشته باشید که دعا، صحبت کردن با خدا است. شما باید لااقل به همان اندازه که با او صحبت می کنید، به او گوش دهید.

ب - از مطالب دفتر دعای شخصی خود استفاده کنید. در انتخاب موضوعات و یا تعداد آنها، مطابق میل خود عمل کنید. شکی نیست که مایل خواهید بود تا همه اصول دعا را بکار برید. پس می توانید از راهنمای ستایش (زندگی منضبط جلد اول، صفحه ۶۴)، اعتراف (صفحه ۷۷)، دعای شفاعت (صفحه ۵۵)، دعای با ایمان (زندگی منضبط جلد اول صفحه ۱۳۹) و غیره استفاده نمایید. همچنین می توانید در دعای خود دروسی از قبیل «شخصیت شاگرد» (زندگی منضبط جلد اول، صفحه ۹۹) و «اسلحه روحانی» (صفحه ۱۴) را مورد استفاده قرار دهید.

ج - از فهرست دعای خود استفاده کنید و برای احتیاجات شخصی و یا نیاز دیگران دعا کنید.

د - از بخش راهنمای دفتر دعای شخصی خود استفاده کنید.

- بعضی صفحات راهنمای مشارکت روزانه با خداوند را مطالعه کنید. نکاتی را جستجو کنید که در آنها خدا با شما سخن گفته یا شما مطلبی را با او در میان گذاشته اید. این مورد را یادداشت نمایید: پاسخ خدا به دعاها، تان، شواهدی از رشد روحانی، مطالبی را که عمیقاً درک نموده اید و مفید می باشند، توجه و احساس تعهد نسبت به موضوعاتی که نیاز به دعا دارند.

ه - به مطالعه کتاب مقدس پردازید. به صدای خدا که با شما سخن می گوید گوش فرا دهید. بر آیات حفظی خود تفکر کنید. دروس کتاب مقدسی خود را دوره نموده، یادداشت هایی را که از موعظات برداشته اید، مرور کنید.

و - بیش از حد درون گرا و خودبین نشوید. از خدا بخواهید که قصور شما را ببخشد و سپس به دعا برای دیگران و سایر موضوعات پردازید.

۵- اول باید چکار کنم؟

الف - هر چه می خواهید. به موضوعات خود همچون سفره رنگین غذاها بنگرید. شما می توانید با هر چه که مایل هستید شروع کنید و نیز هر چند بار که بخواهید می توانید با همان، ادامه دهید.

ب - ترتیبات متعددی در دسترس شما هست، از قبیل:

- ترتیبی که در مورد الف پیشنهاد شد (سفره رنگین غذاها).

- «شخصیت شاگرد»

- راهنمای دعای با ایمان

- جنبه های مختلف دعا نظیر: پرستش - اعتراف - شکرگزاری - درخواست.

ج - می توانید با مطالعه کلام خدا و شنیدن صدای او، وقت خود را آغاز کنید.

۶- در حالیکه مشغول فکر کردن در مورد سایر مسائل هستم، چه می توانم انجام دهم؟

الف - برای هر چه که فکرتان می رسد دعا کنید. شاید آن موضوع از سوی خدا در فکر شما نهاده شده است و یا شاید او می خواهد که شما به نتیجه خاصی برسید.

ب - تمام کارهایی را که باید بعداً انجام دهید، بر روی «فهرست وظایف» بنویسید. بدین ترتیب دیگر لازم نخواهد بود که در آن لحظه راجع به آنها هم فکر کنید.

ج - موضوعاتی را که همچنان به فکر شما می رسند، یادداشت کنید. دلیل خطور آنها را به ذهن خود، از خدا بپرسید. لازم نیست در دعا، برای خدا سخنرانی کنید. دعای شما، مصاحبتی است با او، یعنی رابطه ذهن با ذهن، قلب با قلب روح با روح. شما در همان حالی که مشغول فکر کردن هستید، با او گفتگو می کنید.

۷- چگونه می توانم هشیار و بیدار باقی بمانم؟

الف - با صدای بلند دعا کنید.

ب - در کارهایی که انجام می دهید، تنوع ایجاد کنید. یعنی بطور متناوب مشغول ستایش، خواندن کلام خدا، تفکر و تعمق، بررسی و ارزیابی، دعا برای یافتن دید الهی و شفاعت باشید.

ج - حالت خود را تغییر دهید: نشستن، راه رفتن، ایستادن، زانو زدن.

د - دو شب پیش از موقعی که وقت دعای طولانی خواهید داشت، بقدر کافی بخوابید.

۸- چرا باید نصف روز را دعا کنیم؟

الف - این زمان طولانی تر از اوقاتی است که هر یک از ما به دعا اختصاص می دهیم. اما کسانی که در دوره زندگی منضبط تمرین داشته اند توانایی آن را دارند.

ب - این کار، شما را برای خدمت عظیم تر مهیا می سازد. عیسی پیش از شروع هر دوره خدمت خود، وقت زیادی را در دعا صرف نمود.

ج - این عمل، در بنای مداوم زندگی شما بعنوان یک شاگرد، سهمی اساسی دارد. شما باید هر ماه، وقت طولانی دعا داشته باشید.

۹- چگونه می توانم وقت دعای خود را با معنی و مفهوم بگذرانم؟

الف - از آنچه می کنید یادداشت بردارید. زمان شروع و خاتمه هر فعالیت خود را بنویسید.

ب - یادداشتهای خود را برای وقت طولانی و شخصی دعا در ماه آینده نگاه دارید. این امر به شما کمک خواهد کرد که وقت دعای خود را متعادل نمایید. بعنوان مثال، اگر شما بیشتر وقت را به دعا برای احتیاجات خود پرداخته اید، می توانید در ماه آینده وقت بیشتری را به دعا برای نیاز دیگران اختصاص دهید.

ج - در طی جلسه گزارش، به اعضاء گروه خود بگویید که چه کرده اید و این تجربه چه تأثیری بر شما داشته است.

پس از مطالعه این درس، می توانید آن را در قسمت «دعای با ایمان» قرار دهید.

راهنمای اعتراف و بخشش

آیا در این مورد که علت بی جواب ماندن دعا‌های تان، وجود گناه در زندگی شما است، دچار شک و تردید می‌باشید؟ آیا اغلب نسبت به گناهان خود هشیار و مواظب هستید؟ از طریق اعتراف می‌توانیم بخشش الهی و مشارکت با او را کسب نماییم. هرگاه احساس می‌کنید که مانعی بین شما و خدا وجود دارد، از این راهنما استفاده نمایید تا گناهی را که مانع رابطه شما با خدا می‌شود یافته، و آن را اعتراف کنید. خدا می‌خواهد که در نور سلوک کنید و با او و همچنین با سایر مسیحیان، مشارکت داشته باشید (اول یوحنا ۱: ۵-۱۰).

از روح القدس بخواهید که شما را نسبت به گناه، ملزم نماید

۱- سعی نکنید که با خود کوچک بینی بیمارگونه، بر خود حکم کنید.

۲- از خدا بخواهید که قلب و افکار و طریقه‌های شما را تفتیش نماید (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴).

۳- اجازه دهید که روح القدس بوسیله کتاب مقدس نشان دهد که خدا، قلب و افکار و طریقه‌های شما را چگونه می‌بیند (عبرانیان ۱۲: ۴ و ۱۳، رومیان ۸: ۲۶-۲۸).

الف . کتاب مقدس خود را هر روز بخوانید.

ب . مطابق نیاز خود، قسمتهای خاصی از کتاب مقدس را مطالعه نمایید.

- ده حکم، خروج باب ۲۰

- موعظه سرکوه، متی بابهای ۵ تا ۷

- رومیان بابهای ۳ و ۱۲، کولسیان باب ۴، افسسیان ۴: ۱۷-۳۲ و به همین ترتیب.

در مورد جدی بودن گناه خود، نظر خدا را بپذیرید

۱- اعتراف کردن یعنی توافق با خدا. کلمه اعتراف در خود، مفهوم «موافق بودن با» یا «قبول کردن» را دارد. سعی نکنید که برای رفتار خود بهانه‌ای بیاورید، بلکه آنچه را که از سوی خدا نسبت به آن ملزم می‌شوید، بپذیرید (اول یوحنا ۸: ۱-۱۰).

۲- اعتراف کردن یعنی سلوک در نور قدوسیت الهی (اول یوحنا ۱: ۷). سعی نکنید که با مقایسه خود با شخصی دیگر، در نور او سلوک کنید.

۳- اعتراف کردن یعنی صادق بودن با خدا (اول یوحنا ۸: ۱-۱۰). هیچ چیز را از خدا یا از خود مخفی نکنید.

مسیح را تنها شفیع و حامی خود بدانید (اول یوحنا ۲: ۱-۲)

۱- پشیمانی و توبه خود را به خدا اعلام کنید (مزمور ۵۱).

۲- بخشیده شدن ما بر خون مسیح استوار است که ما را از همه گناهانمان پاک می‌سازد. این بخشش را بطلبید (اول یوحنا ۷: ۱ و ۲: ۲). عدالت و اعمال شما در گذشته و یا خدمات آتی شما نمی‌توانند زیر بنای درخواست شما باشند (تیتس ۵: ۳).

۳- بار سنگین گناهان خود را به پای مسیح که شفیع شما است بنهید (اول یوحنا ۲: ۲). عبرانیان ۴: ۱۴ و ۷: ۲۵، ۲۴: ۹-۲۶، ۱۹: ۱۰ و ۲۲) و دیگر گناهان خود را بیاد نیاورید. آن گناهان را متعلق به گذشته دور محسوب نمایید چون خدا شما را بخشیده است.

با سلوک در نور با سایر مسیحیان مشارکت داشته باشید (اول یوحنا ۷: ۱)

۱- در مورد گناهان خود، با سایر مسیحیان، صادق و راستگو باشید. سلوک در نور بدین معنی است که شخص با درستکاری، چیزی را مخفی نکند (اول یوحنا ۷: ۱).

۲- گناهان خود را به دیگر مسیحیان بالغ و فهمیده اعتراف کنید. «نزد یکدیگر به گناهان خود اعراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید» (یعقوب ۵: ۱۶).

الف . اعتراف خود را در ضمن مشارکت و دعای گروهی بیان کنید. اجتماع ایمانداران را می‌توان به گروه کاهنان تشبیه نمود. با مشاهده حالت بخشیده شدن از سوی آنان، برای شما آسمان تر خواهد بود که درک کنید که خدا شما را بخشیده است. می‌توانید به هنگام دعای گروهی، اعتراف خود را اعلام نمایید.

ب . فقط خطاب به کسانی اعتراف کنید که می‌توانند با روح تواضع، بارهای سنگین شما را متحمل شوند (غلاطیان ۶: ۱). آنها باید کسانی باشند که اعتماد شما را جلب نموده، به شما در غلبه بر تجربیات کمک نمایند.

ج . فقط آنچه را که لازم است بگویید. در بعضی مواقع شما باید فقط اعتراف کنید که گناهی انجام داده‌اید و خدا شما را بخشیده است. در سایر مواقع می‌توانید گناه خود را بدون ذکر جزئیات اعتراف نمایید (اگر اعتراف شما با هرگونه ناپاکی جنسی ارتباط می‌یابد، از بیان جزئیات خودداری کنید. اگر لازم می‌بینید که جزئیات را هم شرح دهید، ابتدا در جلسه مشاوره، با شبان خود و یا مشاوره با تجربه، مشورت نمایید). اگر گناه شما برای کلیسا ضرری داشته و یا اعضاء کلیسا از آن مطلع‌اند، از آنها بخواهید همان گونه که خدا شما را آمرزیده است آنها نیز شما را ببخشند.

د . فقط گناه «خود» را اعتراف کنید، نه گناه دیگری را. در مورد گناه خود، هیچکس را مقصر ندانید، مسئولیت خود را در گناه خویش بپذیرید و دیگران را در آن درگیر نکنید. اجازه دهید که دیگران به مسئولیت خود در قبال آنچه که خود خواسته‌اند توجه نمایند.

۳- گناه خود را محکوم نمایید و چنانچه احساس می‌کنید لازم و ممکن است، آن را جبران نمایید (لوقا ۸: ۱۹). توجه داشته باشید که هرگونه جبران، موجب بخشش شما یا برطرف شدن گناهانتان نخواهد شد. این عمل را نباید به منظور رفع احساس گناه انجام دهید، چون مسیح قبلاً شما را بخشیده است. با اینحال، جبران کردن موجب می‌شود که هر چه را از دیگری گرفته‌اید به او پس دهید و شاید همین برای آن شخص، شهادتی باشد.

با مسیح در نور سلوک کنید (اول یوحنا ۷: ۱)

۱- اگر مجدداً گناه کردید، بلافاصله آن را اعتراف نموده و از خدا بخواهید که شما را ببخشد.

۲- در مقابل حملات پی در پی گناه، دست از مبارزه نکشید. شیطان سعی خواهد کرد که شما را متقاعد کند که خدا شما را برای ارتکاب مجدد همان گناه نخواهد بخشید. البته، توبه حقیقی و بازگشت از گناه لازم است تا شما بخشش الهی را بیابید. با اینحال گاهی برخلاف میل خود مجدداً گناه می‌کنید. اگر با توبه حقیقی در جستجوی بخشش باشید، خدا شما را باز هم خواهد بخشید. مطمئناً او به همان مقدار که مسیح از پطرس خواست که برادر خود را ببخشد، ما را خواهد بخشید: «هرگاه در روزی هفت کثرت به تو گناه کند و در روزی هفت مرتبه برگشته به تو گوید توبه می‌کنم، او را ببخش» (لوقا ۱۷: ۴).

الف . مواظب باشید مبادا این امر که بعداً بخشیده خواهید شد دلیلی برای گناه کردن شما بشود. خدا: بازیچه شما نیست. اگر شما عمداً گناه کنید، قربانی مسیح را برای خود خوار شمرده‌اید.

ب . اگر شما بطور مداوم انجام گناه خاصی را ادامه دهید و از سلطه آن آزاد نشوید، موضوع را با شبان خود و یا یک مشاور باتجربه مسیحی در میان بگذارید. مسیح قادر است بر هر گناهی فائق آید.

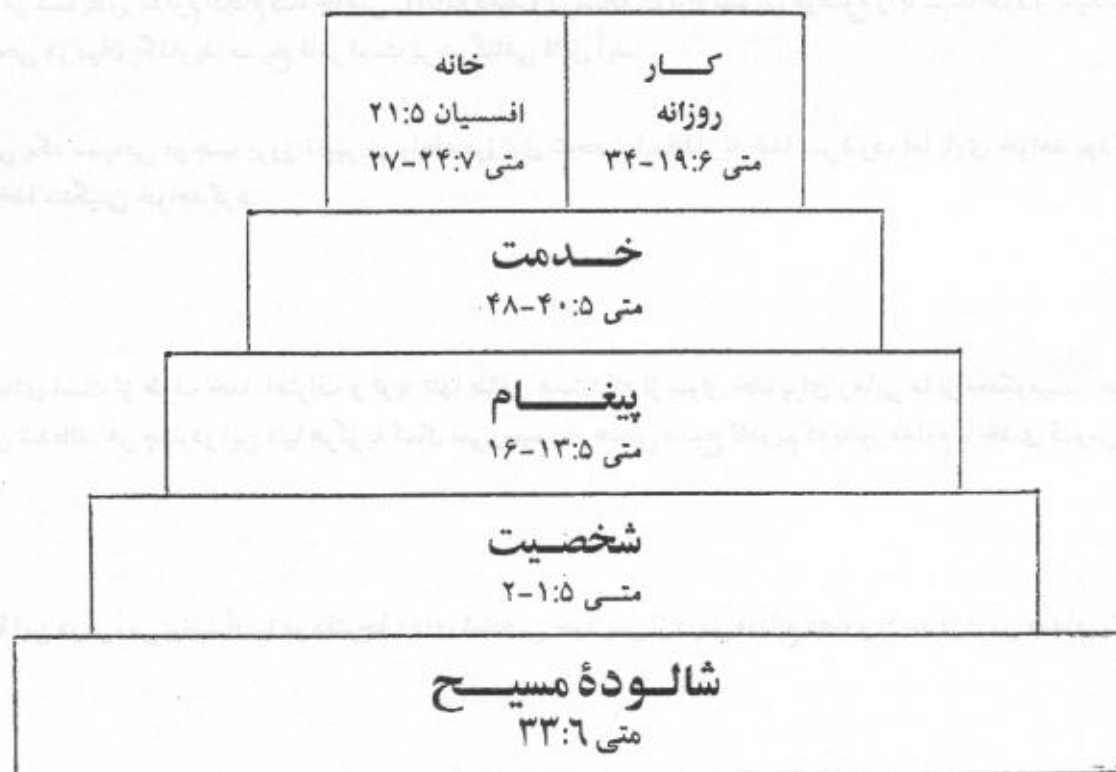
۳- گناه در زندگی یک مسیحی موجب بروز تغییر در رابطه فرزندی شخص ایماندار با خدا نمی‌شود، اما باری خواهد بود که بر مشارکت وی با خدا سنگینی خواهد کرد.

نتیجه

بخشش، هدیه‌ای است از طرف خدا. اعتراف و توبه تنها طُرُقی هستند که از سوی خدا برای رهایی ما از محکومیت، حضور و قدرت گناه، تعیین شده‌اند. هر چند در این دنیا هرگز به کمال نمی‌رسیم، در عیسی مسیح قادریم که بطور مداوم با خدای قدوس در نور سلوک کنیم.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در دفترچه دعای شخصی خود پس از درس «منابع دعا» و یا بعد از درس «دعای با ایمان» قرار دهید.

تعیین هدفهای زندگی



اگر هدفهای زندگی خود را به دقت تعیین کرده باشید و در انجام دادن این اهداف خود را کاملاً به مسیح سپرده باشید، آنگاه در ترتیب الویتهای زندگی با نظم خاصی پیش خواهید رفت. در زندگی خود همیشه در جهت اهداف برجسته‌ای چون محبت خدا، محبت به همسایه و محبت به خود حرکت خواهید کرد. هر تصمیمی، هر رابطهای، هر صرف وقت یا سرمایه‌گذاری را ابتدا با اهداف زندگی مطابقت خواهید کرد. اگر در مورد عمل خاصی شک دارید که آیا در جهت تکمیل یکی از اهداف زندگی شماست یا خیر، باید درباره آن تجدیدنظر کنید. فیلیپس (Phillips) رومیان ۲:۱۲ را چنین ترجمه می‌کند: «بگذارید جهان اطراف شما، شما را بفشارد و به شکل (قالب) خود درآورد، بلکه بگذارید خدا از درون به افکار شما شکل تازه‌ای دهد، تا اینکه در عمل ثابت کنید که نقشه خدا برای شما نیکو است، تمام خواستههای او را برآورده می‌کند و شما را بسوی هدف بلوغ واقعی رهنمون می‌سازد.» هدف خدا این است که در مسیر کمال باشید.

شاگرد در حال رشد هر روز بیشتر به فکر مسیح مسلح می‌شود (فیلیپان ۵:۲؛ اول قرتیان ۱۶:۲) و وضوح دید بیشتری پیدا می‌کند (کولسیان ۱:۳-۲). او می‌داند به کجا می‌رود. پولس افسسیان را ترغیب می‌کند که: «بنابراین با احساس مسئولیت زندگی کنید، نه مثل افرادی که مفهوم زندگی را نمی‌دانند بلکه مانند آنهایی که مفهوم آن را می‌دانند» (افسیان ۵:۵ فیلیپس). مهیج است بدانید که در

زندگی به کجا می‌روید.

کار بعدی شما این است که به کمک این احساس مسئولیت، برنامه‌ای برای پیشرفت در جهت تحقق اهداف زندگی خود طرح‌ریزی کنید. کار زیادی باید انجام دهید. به موارد زیادی باید توجه کنید. چگونه تصمیم می‌گیرید که چه چیزی در درجه اول قرار دارد؟ چگونه الویتها را مشخص می‌کنید؟

جدول ابتدای مقاله نشان می‌دهد که این الویتها چه چیزهایی باید باشند. خدا به کدام قسمت زندگی من بیشتر اهمیت می‌دهد؟ او چه چیزی را در زندگی من مقدم می‌داند؟ این جدول با اهداف اساسی زندگی سروکار دارد یعنی با آن موارد مهم که چارچوب زندگی مطابق طرح الهی را تشکیل می‌دهد. دستور مشخصی برای نشان دادن این هدفها وجود دارد. کسانی که قبل از تنظیم چهار هدف پیشین جدول ارائه شده در مورد شغل و ازدواج خود تصمیم می‌گیرند در اشتباه هستند. به توالی این الویتها بدقت توجه کنید: شالوده و اساس در ابتدا قرار دارد. شما زندگی خود را براساس عیسی مسیح بنا می‌کنید. کولسیان ۲:۶ و ۷ در برگیرنده این واقعیت است که «زندگی خود را بر او بنا کنید» (GNB).

شالودهٔ مسیح (متی ۶:۳۳)

«لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد» (متی ۶:۳۳). «زیرا بنیادی دیگر هیچکس نمی‌تواند نهاد جز آنکه نهاده شده است یعنی عیسی مسیح» (اول قرتیان ۱۱:۳)

اول قرتیان ۱۱:۳ قسمت اول مقایسه‌ای است که پولس می‌خواهد بوسیله آن مفهوم بنای زندگی براساس عیسی مسیح را نشان دهد. او نشان می‌دهد که ابتدا باید از شالوده شروع کرد و سپس مواد ساختمان را انتخاب کرد (آیه ۱۲). سازنده در قبال خود ساختمان (بنا) و دوام مواد انتخاب شده پاسخگوست وقتی که بنا ساخته شد بازرس ساختمان می‌آید تا بنا را بررسی کند (آیه ۱۳).

مطمئن باشید که تمام جوانب زندگی خود را بر عیسی مسیح بنا می‌کنید. این سنگ بنا به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا مسیح و ملکوت او برای من برترین و مقدم‌ترین است؟ چند هدف زندگی را بنویسید که شما را یاری خواهند کرد تا مسیح را ابتدا قرار دهید. نمونه‌هایی که دیگران در این مورد نوشته‌اند شامل موارد زیر است: هدف زندگی من این است که مسیح را بالاتر از شخص خودم قرار دهم؛ هدف من این است که ملکوت مسیح را بالاتر از هر فکر یا کاری قرار دهم؛ هدف زندگی من این است که زندگی خود را بر اصول کتابمقدس بنا کنم و بیشتر به این اصول توجه کنم تا حکمت و نظریه‌های انسانی؛ هدف زندگی من این است که در مسیح بمانم.

شخصیت تازه (متی ۵:۱-۱۲)

«پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه‌ای است. چیزهای کهنه درگذشت اینک همه چیز تازه شده است» (دوم قرتیان ۵:۱۷).

اولین سنگ بنایی که باید بر شالوده مسیح قرار گیرد شما هستید. خدا در ابتدا در فکر شماست، در فکر هدایت شما بسوی آن چیزی که او از شما انتظار دارد باشید. او بیشتر به فکر این است که شما چه نوع شخصی هستید تا اینکه چه حرفه‌ای را انتخاب می‌کنید. او بیشتر به فکر خصوصیات درونی شماست تا سیمای بیرونی شما. این سنگ بنا به این سؤال شما پاسخ می‌دهد که چه نوع شخصیتی در من شکل می‌گیرد؟

اول کار خدا بازسازی شخصیت عیسی مسیح در ماست. تا زمانی که این بازسازی شروع نشود او نمی‌تواند شما را به بطرز مؤثری بکار برد. متی ۵:۱۲ و دیگر آیات مطرح شده زیر را شخصاً مطالعه کنید. این آیات دربرگیرنده تشویق‌هایی است برای آنکه شما آن شخصی شوید که خدا انتظار دارد. شخصیتی که خدا از شما انتظار دارد شامل این نکات است: تازگی در مسیح (دوم قرتیان ۵:۱۷)؛

اطمینان حقیقی (اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳)؛ پذیرش خود (مزمور ۱۳۹: ۱۶-۱۳)؛ رشد متوازن (لوقا ۲: ۵۲)؛ زندگی پر از روح (افسیان ۱۸: ۵)؛ کشف عطای روحانی (اول قرتیان ۷: ۱۲)؛ ضمیر پاک (اعمال ۱۶: ۲۴)؛ میوه روحانی (غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳)؛ زیبایی باطنی و روحانی (اول پطرس ۳: ۴ و ۳)؛ پاکی در مسائل جنسی (اول تسالونیکیان ۴: ۱-۸)؛ معیارهای اخلاقی (کولسیان ۳: ۵-۲۷)؛ الویتها (متی ۲۳: ۶) و همشکل نشدن (رومیان ۱: ۱۲-۲).

چند هدف بنویسید که شما را یاری خواهند کرد آن شخصی باشید که خدا از شما انتظار دارد. نمونه هدفهایی که دیگران در این مورد نوشته اند عبارتند از: هدف زندگی من این است که حیات جدید خود در مسیح را کاملاً تجربه کنم؛ هدف زندگی من این است که که اطمینان راسخی از نجات خود داشته باشم؛ هدف زندگی من این است که خود را بپذیرم، آنچنان که خدا مرا پذیرفته است - یعنی فرزند ارزشمند، دوست داشتنی و دلپذیر خدا.

پیغام (متی ۱۳: ۵-۱۶)

«همچنین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند» (متی ۱۶: ۵).

دومین سنگ بنا پیغام زندگی شماست. این مورد پاسخگوی سؤالات زیر است: دیگران در زندگی من چه چیزی را می بینند؟ زندگی من برای دیگران چه پیغامی دارد؟ به آنها چه می گوید؟ پیغام شما از شخصیت شما نشأت می گیرد. اگر شما واقعاً شخصیتی مشابه مسیح شده باشید، برای کسانی که شما را می شناسند و زندگی شما را مشاهده می کنند، آشکار خواهد بود. پیغام شما همانند تابلو اعلاناتی است که به دیگران نشان می دهد که شما واقعاً چه کسی هستید. آنها در خواهند یافت که شما درست و صمیمی هستید یا خیر. خود شما پیغام زندگی خود هستید. پیام زندگی شما عبارت از کل تجربیات شماست، که با اقتدار می توانید از آن صحبت کنید، زیرا آنچه را می گوئید انجام داده اید. آن مشخص می کند که دیگران شما را چگونه درک و مشاهده می کنند.

از طریق مرکز قرار دادن مسیح در زندگی خودتان (فیلیپان ۳: ۱۰) و مخفی کردن کلام خدا در دلتان (مزمور ۱۱۹: ۱۱ و تیموتاوس ۳: ۱۶-۱۷) این پیغام توسعه می یابد. معنی آن این است که عطایای روحانی که کشف کرده اید توسعه می یابد (اول تیموتاوس ۴: ۱۴). چند هدف زندگی بنویسید که شما را یاری خواهد کرد تا آنچه را که برای داشتن پیام زندگی لازم است، تجربه کنید. چند نمونه از هدفهایی که دیگران در مورد پیغام نوشته اند عبارتند از: هدف زندگی من اینست که با زندگی ام این پیغام را برسانم که من یک شاگرد هستم؛ هدف زندگی ام این است که با زندگی خود این پیغام را بدهم که من وفادار هستم؛ هدف زندگی ام این است که با زندگی ام این پیغام را بدهم که من قابل اعتماد هستم؛ هدف زندگی ام این است که با زندگی ام پیغام دهم که من یک شاهد هستم؛ هدف زندگی من این است که با زندگی خود نشان دهم که من یک خادم هستم.

خدمت (متی ۵: ۴۰-۴۸)

«کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد» (یوحنا ۱۵: ۱۳). «دشمنان خود را محبت نمایید... و بهره که به شما جفا رساند دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید» (متی ۵: ۴۴-۴۵).

خدمت از پیغام و شخصیت شما جریان می یابد. خدمت نوعی لبریز شدن طبیعی است و به تلاش نیازی ندارد. همین که از آبی که عیسی می دهد، بنوشیم بطور طبیعی نهرهایی از ما جریان خواهند یافت (یوحنا ۷: ۳۷ و ۳۸).

سنگ بنای خدمت به این سؤال پاسخ می دهد که چگونه می توانم دیگران را در زندگی ام سهیم سازم؟ با استفاده از موضوعهای زیر چند هدف بنویسید که دربرگیرنده خدمت باشد.

الف . استفاده از عطایایی که خدا به شما داده است - اول پطرس ۴: ۱۰ .

- ب . صحبت کردن دربارهٔ مسیح - اول تسالونیکیان ۸:۲؛ اعمال ۸:۱ .
 ج . شاگردسازی - متی ۱۹:۲۸-۲۰؛ کولسیان ۱:۲۸-۲۹ .
 د . خدمت از طریق کلیسا - عبرانیان ۱۰:۲۴-۲۵ .
 ه . تأثیر گذاردن بر دنیا به سهم خودتان - متی ۱۳:۵ .
 و . برآوردن نیاز نوع بشر - رومیان ۹:۱۲-۲۱ .

ضروری است درک کنید که خدا شما را به یک زندگی خدمتی فراخوانده است. هیچ شاگردی مستثنی نیست. بر قدم زدن با مسیح و همشکل او شدن تمرکز کنید. بیاموزید که از طریق چشمان او به مردم بنگرید و او خدمتی به شما خواهد داد. نمونه‌هایی از اهداف زندگی خدمتی که دیگران نوشته‌اند شامل موارد زیر است: نشان دادن شفقت به افراد ناتوان، بیمار یا بی‌خانمان؛ صحبت کردن دربارهٔ مسیح در هر زمان که فرصت مناسبی پیش می‌آید؛ شاگردسازی کسانی که خود به شاگردسازی دیگران خواهند پرداخت؛ تأثیر گذاردن بر آن قسمت از دنیا که در آن زندگی می‌کنم.

خانه (افسیان ۲۱:۵، متی ۲۴:۷-۲۷)

«بخاطر احترامی که به مسیح دارید مطیع یکدیگر باشید» (افسیان ۲۱:۵ همچنین آیات ۲۲ و ۲۳). «پس کسی که سخنان مرا می‌شنود و به آنها عمل می‌کند مانند شخص دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا نموده» (متی ۲۴:۷). خانه اولین قسمت از خدمت شما را تشکیل می‌دهد.

خانه طبیعی‌ترین مکانی است که در آن می‌توانید نشان دهید که خدا در زندگی شما چکار می‌کند و در زندگیهای دیگران چکار خواهد کرد. خانه قبل از کلیسا بنیاد نهاده شده است و می‌تواند سریعتر از دومین نهاد خدا، یعنی کلیسا، با دنیا صحبت کند. سؤال این است که من چگونه می‌توانم خانه خود را بصورت پایگاهی برای خدمتم درآورم؟ اکثر مردم چه مجرد و چه متأهل خانه‌ای دارند. هر کسی باید توجه کند که شرایط خاص او چگونه می‌تواند بهترین سهم را در اهداف زندگی او داشته باشد.

البته ازدواج کردن امری اختیاری است. برای اینکه متعلق به مسیح باشید. یا در جهان خدمتی داشته باشید، لازم نیست که حتماً ازدواج کرده باشید. با اینحال اکثریت مردم ازدواج می‌کنند. در مورد کسانی که در جستجوی شریکی برای زندگی خود هستند، سنگ بنای خانه به این سؤال پاسخ می‌دهد که: بهترین شخصی که می‌توانم با او ازدواج کنم تا با هم بتوانیم مؤثرترین خدمت را در دنیا داشته باشیم، کیست؟ شاگرد در حال رشدی که خیال ازدواج دارد هرگز نباید در فکر ازدواج با کسی باشد که درباره بنای یک زندگی و روابط با مسیح عقیده مشابهی ندارد. اگر مجرد بمانید سؤال این است: چگونه می‌توانم از زندگی و مجرد خود در جهت افزایش خدمتم برای خدا، بهترین استفاده را بکنم؟ خانه شما هنوز نقطه مرکزی خدمت شماست.

برای مسیحیان ازدواج یک مشارکت است. ازدواج عبارت از اتحاد روحانی دو فرد است که آرزوی اصلی آنها در زندگی، جلال دادن خدا و همشکل عیسی مسیح شدن است. این اتحاد روحانی در افسسیان ۵:۲۱-۳۳ به زیبایی توصیف شده است. اول پطرس ۷:۳ زن و شوهر را «وارث فیض حیات» می‌نامد. پریسکیلا و آکیلا (رومیان ۱۶:۳-۵) چنین برداشتی از ازدواج داشتند و خانه خود را بعنوان محل اجتماع برای کلیسا بکار بردند. اگر متأهل هستید، تصمیم بگیرید ازدواج خود را به مشارکتی تبدیل کنید که شهادت نافذ و مؤثری در دنیا بشود که با نمایاندن عشق و هدف حقیقی، قدرت مسیح را نشان دهید.

چند هدف زندگی مربوط به وضعیت تأهل و خانه خود بنویسید که باعث جلال خدا خواهند شد. نمونه‌هایی از هدفهای زندگی که توسط دیگران نوشته شده عبارتند از: داشتن یک ازدواج مسیحی؛ داشتن خدمت مشترکی با همسر بطوری که خانه‌مان را بعنوان پایگاهی برای خدمت بکار ببریم؛ خدمت به خانواده‌ام چنانکه آنها افراد خداگونه‌ای شوند که خود نیز دیگران را خدمت کنند؛ و استفاده از خانه و مجردی‌ام برای خدمت به دیگر مجردها یا اختصاص زمان بیشتر برای خدمت.

«هیچ کس دو آقا را خدمت نمی‌تواند کرد زیرا یا از یکی نفرت دارد و با دیگری محبت و یا به یکی می‌چسبد و دیگری را حقیر می‌شمارد» (متی ۶: ۲۴). «و آنچه کنید در قول و فعل همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را بوسیله او شکر کنید. و آنچه کنید از دل کنید بخاطر خداوند نه بخاطر انسان چون می‌دانید که از خداوند مکافات میراث را خواهید یافت. چونکه مسیح خداوند را بندگی می‌کنید» (کولسیان ۳: ۱۷، ۲۳-۲۴). عمل کردن به این آیات شما را قادر خواهد ساخت تا دربارهٔ اینکه خدا چگونه می‌تواند شما را بعنوان فرد بانفوذی در شغل یا حرفه‌تان بکار برد، دید کاملاً جدیدی بدست آورید. سنگ بنای کار روزانه به این سؤال پاسخ می‌دهد که: به چه روشی می‌توانم به مسیح اجازه دهم در شغلم از طریق زندگی‌ام بیشترین خدمت را داشته باشد؟ یا اگر هنوز آزاد هستید و در جریان تصمیم‌گیری برای استخدام یا انتخاب حرفه‌ای هستید، به این سؤال پاسخ می‌دهد که: به چه حرفه‌ای می‌توانم وارد شوم که به بهترین نحو مرا قادر خواهد ساخت تا خدمت مؤثری در دنیا داشته باشم؟

کار روزانه باید بعنوان یکی از نکات مرکزی خدمت مدنظر قرار گیرد.

اگر این ایده توسط تعداد قابل توجهی از ایمانداران عملی شود، حقیقتاً در دنیا کاری انقلابی رخ خواهد داد! شغل شما هرچه باشد، از صمیم قلب کار کنید، چنان که برای خداوند کار می‌کنید و نه برای حقوق! دیگر از کار طفره نروید! دیگر شکایت نکنید! بلکه در طرز برخورد، روابط، عادات کار و تصمیم‌گیریها روح مسیح را ظاهر سازید. نمک شما می‌تواند از طریق کارتان هر روز به دیگران نفوذ کند. شما می‌توانید بوسیله طرز انجام کارتان، بطور مؤثری زندگیهای مردم را لمس کنید. آنها پیغام شما را خواهند دید و آماده خدمت خواهند شد.

این جملات را دعای خود بگردانید: خداوند، هنگامی که به محل کار خود (اداره، مدرسه، فروشگاه، مزرعه و...) می‌روم، دیدی به من عطا کن تا بدانم که از من می‌خواهی چگونه باشم و چکار بکنم تا بخاطر عیسی مسیح بر همکارانم تأثیر گذارم. مرا یاری کن تا طوری زندگی کنم که پیغام من آشکار و ملایم باشد و نه طاقت فرسا. یاری کن تا محبت واقعی را بنمایانم و فرصتهایی را که برای خدمت و شهادت کلامی می‌دهی درک کنم. یاری‌ام کن تا در این خدمتی که برای تو در این دنیا دارم شغلم را موقعیت مؤثری بگردانم.

وقتی درباره حرفه فعلی (یا آینده) خود فکر می‌کنید، مطمئن باشید که تمایل دارید اگر خدا شما را هدایت کند، جهت حرفه خود را تغییر دهید. متمایل باشید در صورت هدایت خدا، یک دعوت به خدمت وابسته به کلیسا را مورد ملاحظه قرار دهید. نمونه‌هایی از هدفهای زندگی کار روزانه عبارتند از: کارم را به نحوی انجام دهم که مردم خدا را جلال دهند؛ کارم را به محل خدمتم به دیگران تبدیل کنم؛ کارم را بعنوان فرصتی برای تماس با مردمی که نیازمند مسیح، محبت و توجه هستند، بکار برم؛ و تمام وقت و انرژی‌ام را برای خدمت به مسیح در یک موقعیت شغلی وابسته به کلیسا اختصاص دهم.

بنابراین، پنج هدف اعظم زندگی (الویتها) عبارتند از:

شخصیت تازه - تبدیل شدن به آن شخصی که خدا از شما انتظار دارد.
پیغام - مدرک یا شهادت قابل مشاهده‌ای از محبت خدا نسبت به دیگران بودن.
خدمت - جریان یافتن محبت خدا از طریق شما به زندگیهای دیگران.
خانه - پیوستن به یک شریک زندگی جهت نمایاندن محبت مسیح از طریق خانواده‌تان به اجتماع از هم پاشیده یا استفاده از مجرد بودن برای افزایش خدمتتان به دنیا.

کار روزانه - استفاده از شغل یا حرفه خود، بعنوان موقعیت مؤثری برای شهادت و خدمت در دنیا.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

آنها چگونه پیام را خواهند شنید؟

پس از اینکه با یک مادر جوان اندونزیایی دربارهٔ مسیح صحبت کردم چنین پاسخ داد: «اگر واقعاً صحیح است، چرا پدر و مادرم تابحال این خبر خوش را نشنیده‌اند؟ چرا قبل از این هرگز دربارهٔ آن چیزی نشنیده بودم؟»

سرم را پایین انداختم. درست چند لحظه قبل به او گفته بودم که مسیح برای گناهان او آمد، مرد و از مردگان برخاست. او سؤال کرده بود: «کاپان (کی؟)» درست مثل اینکه همین هفته قبل اتفاق افتاده بود. نمی‌دانستم چگونه برای او توضیح دهم که به چه دلیل تقریباً دوهزار سال طول کشیده بود تا این خبر خوش به او برسد.

پس از یک وقفه طولانی، سرم را بلند کردم، به او نگاه کردم و گفتم: «مرا ببخش که تا به امروز هرگز به تو نگفتم؛ همه ما مسیحیان را ببخش که آنچه را خداوند به ما فرمود انجام نداده‌ایم. خداوند مقصر نیست. خدا آنچه را که برای نجات تمام جهان ضروری بود انجام داده است. او پسر یگانه خود را داد، و او برای گناهان ما مرد. آنگاه او به پیروانش گفت که پیام انجیل را به همه بدهند. همه ما مسیحیان را ببخش که همین الان رساندن خبر خوش به شما را آغاز کرده‌ایم.»

او یکی از چند میلیارد غیرمسیحی جهان است، که ۸۰ درصد آنها هرگز پیام مسیح را نشنیده‌اند. این چند میلیارد نفر که هرگز نشنیده‌اند، بدون داشتن تماس معنی‌دار با مسیحیان زندگی می‌کنند زیرا در گروه‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها کلیسایی وجود ندارد.

خدا همچنین می‌پرسد: «کاپان (کی؟) ... همه خواهند شنید؟ علت تأخیر چیست؟ آیا به این علت است که من همه را محبت نمودم؟»

«خیر، خداوند.» (یوحنا ۱۶:۳)

«آیا به این دلیل است که من برای هر شخص نمودم؟»

«خیر، خداوند.» (اول یوحنا ۲:۲)

«آیا به این دلیل است که من نمی‌خواهم همه نجات یابند؟»

«خیر، خداوند.» (دوم تیموتائوس ۱:۲-۴)

«آیا به این دلیل است که به شما فرمودم از هر ملتی شاگردان بسازید؟»

«خیر، خداوند.» (متی ۱۹:۲۸-۲۰)

«آیا به این دلیل است که من شما را صاحب قدرت و اختیار نکردم؟»

«خیر، خداوند» (اعمال ۱:۸)

«آیا به این علت است که نجات نیافته‌اید؟»

«اوه، خیر، خداوند» (اول یوحنا ۱:۳)

پس چرا آنها پیام را نشنیده‌اند؟

ببینیم چه وظیفه‌ای داریم برای اینکه تا سال ۲۰۰۰ همه افراد پیام انجیل را بشنوند: هر روز باید تقریباً با ۷۵۰۰۰ نفر درباره مسیح صحبت کنیم. اگر کسی از زمان مسیح تا به امروز در هر دقیقه پیام انجیل را به یک نفر می‌رساند، هنوز با یک میلیارد نفر هم صحبت نکرده بود. اگر هر روز پنطیکاستی رخ می‌داد و ۳۰۰۰ نفر تعمید می‌یافتند، ۴۵۶۶ سال طول خواهد کشید تا پنج میلیارد غیر مسیحی که پیش‌بینی می‌شود در اول ژانویه سال ۲۰۰۰ وجود داشته باشند، پیام انجیل را بشنوند و تعمید گیرند.

هیچکس نمی‌داند که هر روز به چند فرد جدید می‌توانیم پیام انجیل را برسانیم، ولی به فرض هم که ۵۰۰۰۰ نفر باشد، روزانه ۷۰۰۰۰ نفر باقی خواهند ماند که هیچکس پیام انجیل را به آنها نرسانده است. در یک هفته این افراد که کسی پیام انجیل را به آنها نرسانده است، صف انتظاری در امتداد نیویورک تا سان‌فرانسیسکو تشکیل خواهند داد. در دو ماه درازای این صف به اندازه محیط کره زمین خواهد بود. درباره آن فکر کنید، در یک سال تعداد افرادی که از نظر دور مانده‌اند، صفی را تشکیل خواهند داد که ۶ بار بدور کره زمین می‌گردد.

رساندن پیغام به میلیاردها گمشده، تنها مشکل نیست. برای ۱۶۷۵۰ گروه فرهنگی متفاوتی که حتی یک کلیسا هم در اجتماع آنها وجود ندارد، مبشری آشنا به فرهنگهای مختلف و حتی متضاد لازم است. اکثر مردم تا نبینند که یک مسیحی در محیط فرهنگی آنها محبت مسیح را نشان می‌دهد، خبر خوش را نخواهند پذیرفت.

ببینیم در حال حاضر چه کاری انجام می‌شود. هر هفته بیش از هزار کلیسای جدید تأسیس می‌شود. تعداد مبشرین و مقدار هدایای مخصوص امور بشارتی که از آمریکا می‌رسد، سرعت افزایش می‌یابد. در مدت زمان کوتاه ده سال، تعداد نمایندگیهای بشارتی اعزام شده از جهان سوم (که خود یک حوزه بشارتی است) دو برابر شده است و تعداد افرادی که از آنجا بعنوان مبشر آشنا به فرهنگهای مختلف اعزام بشوند تقریباً سه برابر شده است. بیش از یک میلیون نفر در آسیا و یک میلیون نفر دیگر در آفریقا ادعا می‌کنند که مسیحی هستند. بعضی از متخصصین امور بشارتی پیش‌بینی می‌کنند که تا سال ۲۰۰۰ کل آفریقا مسیحی شود. در قسمت اعظم کشورهای دنیا پایگاههای مسیحی تأسیس شده است. آمار و ارقام دلگرم‌کننده است بجز زمانی که آن را با صف اشخاص منتظری که کره زمین را احاطه کرده‌اند مقایسه کنیم.

خداوند هدف، قدرت، نقشه و اشخاص لازم را دارد. آیا واقعاً همه اینها را دارد؟ تنها مسأله در مورد اشخاص است. خدا بیش از ۱۴ میلیارد نفر را که ادعا می‌کنند مسیحی هستند، در اختیار دارد. تعداد مسیحیان فعال در حدود ۱۶۱ میلیون الی ۲۳۰ میلیون تخمین زده می‌شود. اگر مسیحیان فعال خودشان را متعهد به انجام هدف خدا نمایند، از نقشه او پیروی کنند و قدرت او را بر خود گیرند، تا سال ۲۰۰۰، همه پیام انجیل را خواهند شنید. ولی هر یک از ما باید سهم خود را انجام دهد.

ببینیم اگر قرار باشد که آنها پیام را بشنوند ما چه باید بکنیم. منتظران در صف مجبور نیستند بسوی ما بیایند. اگر ما سهم خود را انجام دهیم، می‌توانیم پیام انجیل را به همه آنها برسانیم. آنها چگونه پیام را خواهند شنید؟

۱- هر یک از ما باید هدف زندگی خود را بر هدف خدا متمرکز کند (دوم پطرس ۳:۹). اکثریت ما همانند یک کرم ابریشم در پيله‌های خودمان زندگی کرده‌ایم و تنها آگاهی مبهمی از میلیاردها گمشده سراسر دنیا داریم. هدفهایمان در حول خودمان، خانواده‌مان، شغلان، دوستانمان، کلیسایمان، شهرمان و مشکلات خودمان دور می‌زند.

حتی اگر نیاز احساس نکنید، بخاطر رابطه‌تان با خدا، باید در کار رساندن پیام انجیل به مردم دنیا سهیم شوید. چرا چنین است که آن چیزی که بیشتر از هر چیز در قلب خدا جای دارد، یعنی جهان (یوحنا ۳:۱۶)، سهم بیشتری در اهداف زندگی شما ندارد؟ خدا همیشه در جستجوی افرادی بوده است که اهداف او را انجام دهند، یعنی مطیع و خادم و کاهن ملت‌ها باشند (خروج ۴:۱۹-۶). شما در زمره افراد قوم او هستید که باید این انتظار را برآورید (اول پطرس ۲:۹ و ۱۰). اولین الویت زندگی شما این باید باشد که اراده خدا را درک کنید؛ دومین الویت، انجام آن است.

تعداد روز افزونی از مسیحیان خود را ملزم می‌کنند که در بقیه عمر خود هر آنچه می‌توانند انجام دهند تا هدف خدا در جهان در طول زندگی‌شان انجام شود. آیا به آنان خواهی پیوست؟ لازمه این امر داشتن هدفهای زندگی جدید و روش تازه‌ای از دعا کردن است.

۲- هر یک از ما باید هدفهایی برای زندگی تعیین کنیم که هم جهت با هدف خدا باشد (متی ۲۸:۱۹ و ۲۰). هدف خدا برای ما این است که «همه امت‌ها را شاگرد سازیم». شاگردسازی وظیفه‌ای مهم‌تر از گفتن صرف پیام انجیل است. در این وظیفه مهم‌تر بزرگترین امید نهفته است. هنگامی که ما شاگردان ملزم شده‌ای بشویم، می‌توانیم افراد را شاگردانی سازیم که قادر خواهند بود افراد بیشتری را شاگرد سازند. در کتاب اعمال رسولان شاگردان افزایش یافتند. اگر تنها دو شاگرد دو فرد دیگر را شاگرد سازند و هر چهار تای آنها چهار تای دیگر را شاگرد سازند و برای ۳۳ بار این کار ادامه یابد کل رقم به بیش از هشت میلیارد خواهد رسید. جهان از طریق تولید مثل جسمانی از سکنه پر می‌شود و ما از طریق تولید مثل روحانی می‌توانیم پیام انجیل را به آنها برسانیم.

اهداف شما باید با این مسأله پیوند داشته باشد که شما آن چیزی باشید که خدا از شما انتظار دارد و آن کاری را انجام دهید که خدا از شما می‌خواهد. مجموع تک تک هدفهای خاص زندگی شما نهایتاً همان اراده خدا برای شما خواهند بود. در بقیه عمر خود، دقیقاً در آن مکانی خواهید بود که او از شما می‌خواهد. ممکن است او در قسمت دیگری از دنیا کاری برای شما در نظر داشته باشد. هزاران مسیحی در فعالیتهای بشری کوتاه مدت یا دراز مدت خود را درگیر کرده‌اند یا بعنوان مبشر حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. اگر هزاران گروه فرهنگی که کلیسایی ندارند باید پیام انجیل را بشنوند، شخصی از زمینه فرهنگی دیگری باید از مرزهای آنها عبور کند و بعنوان مبشر در آنجا فعالیت کند.

۳- هر یک از ما باید سبک زندگی خود را طوری تنظیم کند که بتواند دارایی خود را به بهترین نحو برای خوشی و کامیابی بیشترین تعداد ممکن اشخاص دیگر بکار برد. اگر سبک زندگی خود را تغییر ندهیم، هدف رساندن پیام انجیل به همه، چیز بیهوده و مسخره‌ای خواهد بود. نباید داراییهایمان را با آنچه بعضی از مردم دارند بسنجیم، بلکه با آنچه تعداد زیادی از افراد ندارند. در آمد هفتگی یک آمریکایی معمولی بیش از درآمد سالیانه یک فرد معمولی در بسیاری از کشورهاست. خدا صاحب تمام زمین است و او با ثروتهای آن ما را برکت نداده است تا همه آن را بیندوزیم یا تمام آن را برای خودمان صرف کنیم. ما باید مسیحیان جهانی بشویم و مردم گرسنه، برهنه، بیمار، تنها و گمشده را که خدا آنها را محبت نمود، در این برکات سهیم گردانیم.

۴- هر یک از ما باید طناب ارتباط دعا را بکار برد و برای جهان شفاعت کند. خدا شبکه ارتباط راه دور خاص خود را دارد. مسیحیان که بعنوان کاهنان بین خدا و جهان وساطت می‌کنند، «ماهواره‌های» خدا هستند. ما نزد خدا «حلقه‌های زیرین» رابطه با خدا هستیم که نیازهای جهان را اعلام می‌کنیم. ما «حلقه‌های زیرین» این ارتباط هستیم تا پیغام خدا را به جهان برسانیم. وقتی مسیح محصول سفید شده مزرعه‌ها را دید چنین تذکر داد: «پس از صاحب حصاد درخواست کنید تا عمله‌ها برای حصاد خود بیرون نمایند» (لوقا ۱۰:۲). یکی از علل کمبود محصول درو شده این است که خیلی کم دعا می‌کنیم.

برای رساندن پیام به میلیونها نفر اشخاص کشورهای که مبشرین رسمی اجازه ورود به آنجا را ندارند، دعا یکی از وسایل سودمندی است که در دسترس ماست.

نقشه خدا برای رساندن پیام انجیل به دنیا، براساس قدرت اوست. آنچه برای انسان غیر ممکن است برای خدا ممکن است. دعا برای این است که ما را در اهداف خدا درگیر کند نه اینکه خدا را در نقشه های ما درگیر کند. زمانی که هدف خدا برای جهان را دریابیم، باید زندگی مان را در آن وارد کنیم. کار خدا برای جهان به دعای قوم او بستگی دارد. طناب ارتباطی (دعا) شما با خدا نه فقط بطور متناوب و در زمانهای خاص باید مورد استفاده قرار گیرد، بلکه باید کانال باز ارتباط با پدر باشد که توسط آن از جانب دنیا با پدر ارتباط دارید.

اگر مقصود خدا را مقصود زندگی خود، هدف خدا را هدف زندگی خود، سبک زندگی مبنی بر بخشش خدا را سبک زندگی خود و حلقه ارتباطی خدا (دعا) را وسیله اتصال روزانه خود با خدا و جهان بگردانید، در گرد آمدن آن گروه عظیم بی شمار، از هر قبیله و قوم، بدور تخت خدا در آسمان (مکاشفه ۹:۷-۱۰)، سهم خود را انجام داده اید.

مادر اندونزیایی در اولین روزی که پیام انجیل را شنیده با تمام وجود، خود را به مسیحی که شناخته بود سپرد. اگر یک شاهد زنده، در قدرت مسیح خبر خوش را با دیگران در میان بگذارد لااقل یک میلیون نفر امروز مسیح را خواهند پذیرفت. آنها چگونه پیام را خواهند شنید؟ پاسخ آن خود شما هستید.

بعد از مطالعه این درس، می توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

زندگی من با خداوند در این هفته

برنامه تفکیک شده جلسات		تاریخ (های) شروع _____، _____	برنامه استاندارد
هفته اول دوم	هفته دوم		
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سرف وقت با خداوند برای بررسی تداوم خود در داشتن وقت عبادت شخصی اوقات سرف شده را یادداشت کنید. می توانید یک یا چند تا از فعالیتهای فهرست شده تحت عنوان «زندگی در کلام» و «دعای با ایمان» را انتخاب کنید و در وقت عبادت شخصی خود آن را بکار ببرید.	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زمان صرف شده برای عبادت شخصی در هر روز را یادداشت کنید. یکشنبه _____ دوشنبه _____ سه شنبه _____ چهارشنبه _____ پنجشنبه _____ جمعه _____ شنبه _____	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زندگی در کلام هر روز کتابمقدس خود را بخوانید و از خدا ییش بطلبید.	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	فصول ۵ و ۸ کتاب اساس کتابمقدسی خدمت را بخوانید و تکالیف یادگیری شخصی را انجام دهید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	اگر کتاب فوق‌الذکر در دسترس نبود، یا بعنوان یک تکلیف اختیاری افسسیان ۲۲:۵ الی ۴:۶ را بخوانید و براساس این آیات دربارهٔ خدمت به خانواده خودتان تفکر کنید. برای این کار بخش سؤالاتی برای تعمق از «طرز تشکیل گروه داوطلبانه مطالعه کتابمقدس» را بکار ببرید (صفحه ۹۱).	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دوم تیموتائوس ۲:۲۱ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رومان ۱۰:۱۳ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>

	<input type="checkbox"/>	هر روز تمام آیاتی را که در طول شش هفته گذشته حفظ کرده‌اید مرور کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		با استفاده از روش «شنیدن کلام» یادداشت برداری از موضوعات را ادامه دهید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دعای با ایمان هر روز دفترچه دعای شخصی و فهرست دعای خود را بکار ببرید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دعا کنید که در مورد خدمتی که خدا می‌خواهد انجام دهید به شما دید روحانی عطا کند.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		مشارکت با ایمانداران عملی را انجام دهید که مشارکت ایمانداران یا مشارکت شما با ایمانداران را توسعه دهد. نقشه خود را در زیر بنویسید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		شهادت به دیگران با یک بی‌ایمان درباره ایمان خود صحبت کنید. اگر به خودتان اعتماد کامل دارید، یکی از دوستانی را که معمولاً شهادت نمی‌دهد همراه خود داشته باشید. اگر ضرورت ایجاب می‌کند، از یک ایماندار مجرب‌تر خواهش کنید که شما را همراهی کند.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	خدمت به دیگران بعضی از چیزهایی را که خدا در طول نیم روز دعا به شما نشان داده است اجرا کنید. آماده باشید که آن را در گروه مطرح کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		«توسعه ماریچی صلیب شاگرد» را مرور کنید (جلد اول، صفحه ۹۸) مباحثی را که قبلاً مطالعه کرده‌اید و مباحثی را که در قسمت آخر کتاب خواهید خواند، بدانید. برای جلسه آینده آن را همراه داشته باشید.	<input type="checkbox"/>

نقشه خدا برای بشارت به دنیا عبارتست از
شاگرد سازی کسانی که خود شاگرد سازی خواهند کرد.

طرز تشکیل گروه داوطلب مطالعه کتابمقدس

۱- تهیه مقدمات: گروه باید بصورت گرد دور هم بنشینند. هر شخص باید یک کتابمقدس و لیست سؤالاتی برای تعمق در کتابمقدس را که در زیر نوشته شده است، همراه داشته باشد.

۲- راهنمای گروه: راهنما قسمتی را که باید مطالعه شود اعلام می‌کند و به طریق زیر عمل می‌کند.

- الف . به یک یا چند نفر می‌گوید که آیات مورد نظر را با صدای بلند قرائت کنند.
- ب . به مدت دو تا سه دقیقه مقدمه‌ای درباره آن قسمت می‌گوید.
- ج . روشی را که بکار خواهند برد اعلام می‌کند.
- د . اصول پویایی گروه کوچک را بکار می‌برد.

۳- روش کار

- الف . هر شخص به مدت ۶۰ ثانیه اولین آیه را در سکوت قرائت می‌کند و با استفاده از سؤالات ذیل آن را برای خود بکار می‌برد.
- ب . راهنما از چند داوطلب خواش می‌کند که برداشتهای خود یا موارد کاربرد آیه را مطرح کنند. پاسخها مختصر باشند. راهنما باید کاری کند که اعضا فعال باشند.
- ج . بعد از بحث خلاصه درباره آیه اول، راهنمای گروه از اعضا خواش می‌کند که آیه بعدی را به همین روش به مدت ۶۰ ثانیه قرائت کنند و درباره آن توضیحی بدهند. تا خاتمه قسمت مورد نظر و یا تا پایان وقت تعیین شده این روند ادامه می‌یابد.
- د . راهنمای گروه وقت را طوری تنظیم می‌کند تا برای خلاصه کردن حقایق قسمت قرائت شده، یک الی سه دقیقه وقت باقی بماند.
- ه . اگر فرصت بود، گروه می‌تواند به دعای مکالمه‌ای پردازد.

۴- سؤالاتی برای تعمق در کتابمقدس

- الف . حقیقت اصلی این آیه چیست؟
- ب . چه آیات دیگری از کتابمقدس این آیه را توضیح می‌دهند؟
- ج . آیا در این آیه کلمه یا قسمتی وجود دارد که در درک آن مشکل دارم؟
- د . آیا در این آیه یک اصل اعتقادی وجود دارد که باید آن را درک کنم؟
- ه . آیا برای زندگی‌ام سرزندی یا توییخی وجود دارد؟ (یک گناه یا یک اشتباه؟)
- و . آیا در طرز انجام کارهایم اصلاحی باید صورت گیرد؟
- ز . آیا در آیه دستور یا تعلیمی وجود دارد که آن را اطاعت کنم؟
- ح . آیا هشدار و وجود دارد که به آن توجه کنم؟
- ت . آیا وعده‌ای وجود دارد که آن را مطالبه کنم؟
- ی . این آیه با تجربیات من چه ارتباطی دارد؟

- ک . آیا نمونه خوبی وجود دارد تا از آن پیروی کنم؟
 ل . چگونه می‌توانم این قسمت از کلام را در زندگی ام بکار برم؟
 م . چگونه می‌توانم این آیه را به دعا تبدیل کنم؟

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «زندگی در کلام» قرار دهید.

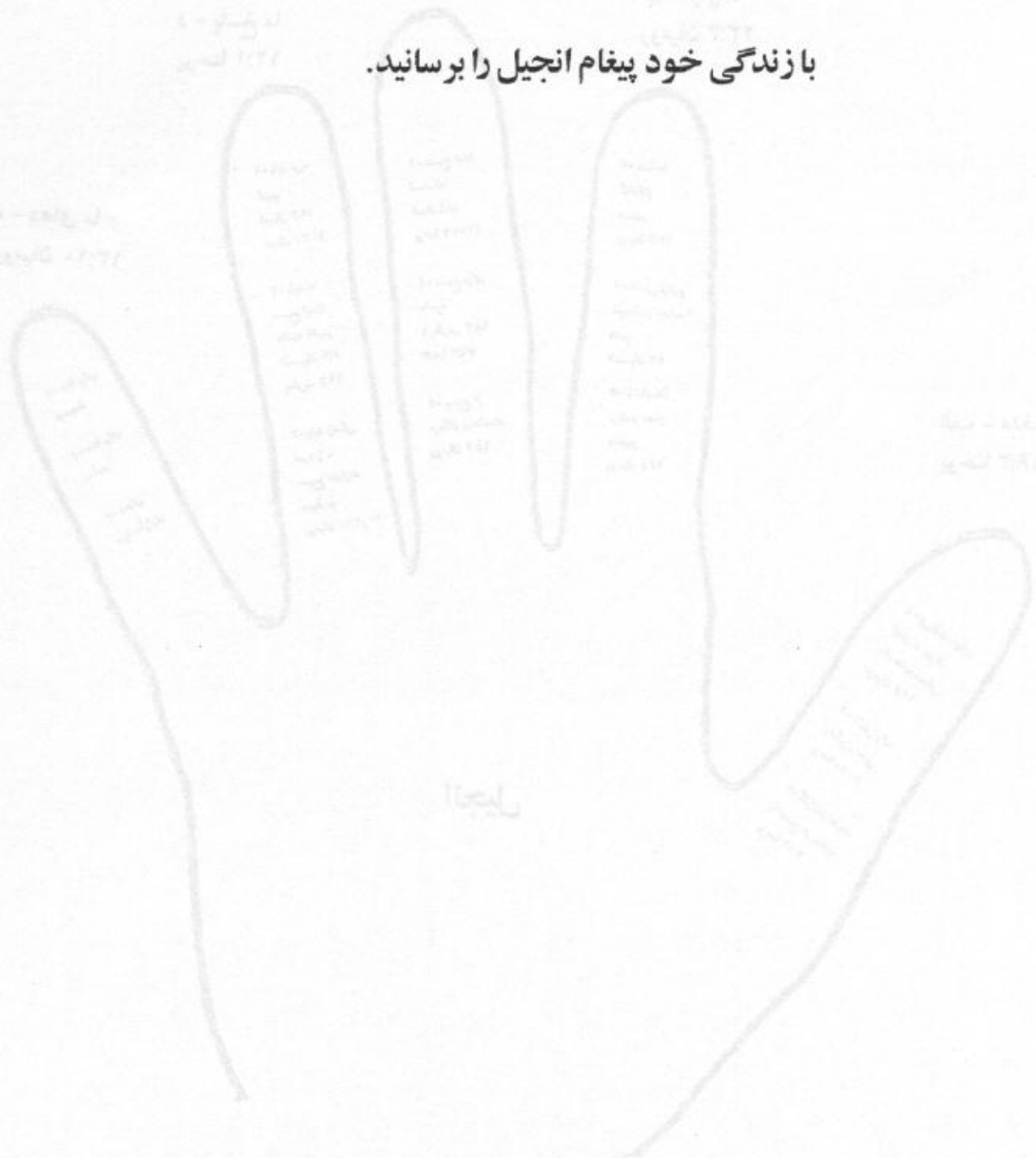
زندگی من با خداوند در این هفته

برنامه تفکیک شده جلسات		تاریخ (های) شروع _____، _____	برنامه استاندارد
هفته دوم	هفته اول		
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p style="text-align: center;">صرف وقت با خداوند</p> <p>ساعات عبادت شخصی خود را ارزیابی کنید تا مطمئن شوید در طی این ساعات خداوند را ملاقات می‌نمایید و صرفاً مراسم و تشریفاتی را بجا نمی‌آورید. می‌توانید در طی این ساعات یک یا دو تکلیف از مباحث «زندگی در کلام» و «دعای با ایمان» را انتخاب کنید و انجام دهید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p style="text-align: center;">زندگی در کلام</p> <p>هر روز کتاب مقدس بخوانید و برکات خود را یادداشت نمایید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>متی ۲۵:۳۱-۴۵ را در مورد انجام خدمات، مطالعه نمایید و از سؤالاتی که برای تفکر در مورد کتاب مقدس در مقاله «طرز تشکیل گروه داوطلبانه مطالعه کتاب مقدس» (صفحه ۹۱) ذکر شده، استفاده کنید. لازم نیست چیزی بنویسید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>رومیان ۲۳:۶ را حفظ کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>یوحنا ۱۰:۱۰ را حفظ کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>تمام آیات مربوط به نکات مهم مقاله «معرفی انجیل» را که تا آن تاریخ یاد گرفته‌اید، مرور نمایید: اول یوحنا ۵:۱۳، یوحنا ۳:۱۶، رومیان ۳:۲۳، یوحنا ۱۴:۶، یوحنا ۱:۱۲، رومیان ۱۰:۱۳.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p style="text-align: center;">دعای با ایمان</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>با همسر و یا شریک دعای خود برای همسایگان خیابان خود و اهالی مناطق مجاور دعا کنید. برای افرادی که در اطراف شما زندگی می‌کنند می‌کنند، دعا کنید.</p>	<input type="checkbox"/>

□	<p>برای گمشدگانی که اسامی شان را در فهرست دعای خود دارید، دعا کنید. از خدا بخواهید به شما کمک کند تا در طی مطالعه زندگی منضبط جلد دوم بتوانید به آنها شهادت دهید.</p>	□
□	<p>مشارکت با ایمانداران</p>	□
□	<p>با آن عده از اعضای خانواده خود که مایل به عبادت هستند، عبادت خانوادگی داشته باشید. اگر مجرد هستید، در صورت امکان با یک یا چند نفر دیگر به مدت یک هفته هر روز عبادت شخصی داشته باشید. به مقاله «نحوه اداره عبادت خانوادگی» (صفحه ۱۰۷) رجوع کنید.</p>	□
□	<p>خدمت به جهان</p>	□
□	<p>مقدمه «معرفی انجیل» و آیات نقل شده را، خوب یاد بگیرید.</p>	□
□	<p>بخش «هدف خدا» را از مقاله «معرفی انجیل» خوب یاد بگیرید. تنها آیاتی را باید حفظ کنید که تا این تاریخ به عنوان تکلیف ذکر شده‌اند.</p>	□
□	<p>خدمت به دیگران</p>	□
□	<p>مقاله «خدمت به دیگران» را بخوانید. خود را آماده سازید تا موضوع موضوع مورد علاقه خود را با یک گروه در میان بگذارید و حدود شرکت خود را تعیین نمایید.</p>	□
□	<p>اگر برای خود شریکی انتخاب نکرده‌اید تا با یکی از روشهای مشروحه در قسمت «چگونه به یکدیگر کمک کنیم که زندگی منضبطی داشته باشیم» (صفحه ۶۲) با شما کار کند، احتمالاً نیاز به این کار را احساس خواهید کرد. هر یک از شما باید بگویند که چه روشی را می‌خواهد بکار گیرد و برنامه‌ریزی نماید تا به دیگری در بکارگیری روشی که خود برای انجام تکالیف و رسیدن به هدفهای مورد نظر انتخاب کرده کمک نماید. اگر قبلاً برای خود شریکی انتخاب کرده‌اید، با او این کار را انجام دهید.</p>	□
□	<p>«روش استفاده از مسیری در راهنمای خدمت» (صفحه ۱۱۴) را بخوانید.</p>	□

	<input type="checkbox"/>	تمرینات عملی «سیری در راهنمای خدمت» را که به خدمت در خانواده خود مربوط می‌شود، انجام دهید. تمرینات عبادت خانوادگی فوق‌الذکر را می‌توانید به عنوان کار خدمتی این هفته انجام دهید.	<input type="checkbox"/>
--	--------------------------	--	--------------------------

با زندگی خود پیغام انجیل را برسانید.



انجیل در دست

ج - تدارک خدا

یوحنا ۶:۱۴

ب - نیاز ما

رومیان ۲۳:۳

د - پاسخ ما

یوحنا ۱۲:۱

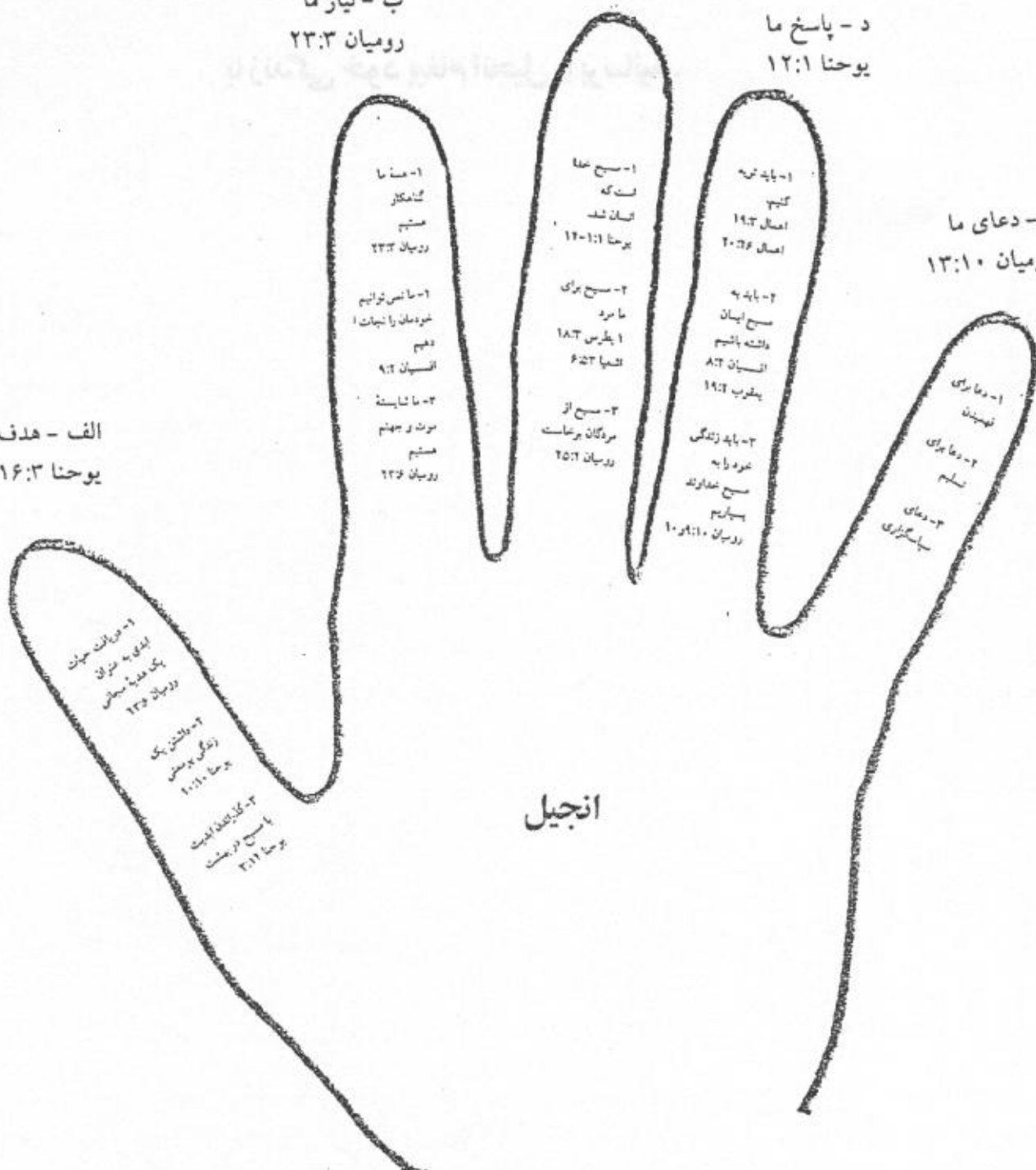
ه - دعای ما

رومیان ۱۳:۱۰

الف - هدف خدا

یوحنا ۱۶:۳

انجیل



رئوس مطالب الگوی معرفی انجیل را باید حفظ کنید تا بتوانید در هر شرایطی آن را بخاطر بیاورید. شکل می تواند در یادگیری یا معرفی انجیل به ما کمک کند. دو کاربرد دیگر آن زمانی است که می خواهید انجیل را به طور خلاصه معرفی نمایید و یا زمانی که می خواهید قبل از دعوت کسی به تسلیم خود به خدا انجیل را برای او خلاصه نمایید. اگر برای معرفی انجیل از تصویر فوق استفاده کنید لازم نیست هر یک از نکات مذکور را با اشاره به یکی از انگشتان خود بیان کنید. این تصویر تنها برای کمک کردن شما در حفظ نکات مزبور است.

اگر این تصویر را برای یک فرد غیرمسیحی بکار می برید، می توانید پس از مطرح کردن دو سؤال آزمایشی توضیحات خود را شروع کنید.

۱- مقدمه

۲- انجیل

جک: باب، یکدفعه شخصی به کمک انگشتان خود به طرز جالبی برای من توضیح داد که انسان چگونه می تواند مطمئن باشد که حیات ابدی دارد. می خواهی برای شما هم توضیح بدهم؟

باب: «البته، ادامه بده.» (منتظر پاسخ مثبت او باشید)

الف . هدف خدا: شست

جک: شست نمایانگر این حقیقت است که خدا شما را دوست دارد و برای زندگی شما هدنی دارد. (انگشت شست خود را بالا ببرید). شما برای خدا مهم هستی. کتاب مقدس این مسأله را اینطور بیان می کند. (یوحنا ۳: ۱۶ را نقل کنید). در ادامه صحبت خود سه نکته «هدف خدا» را توضیح دهید.

توضیح کمکی: در میان تمام انگشتان، شست آزادترین انگشت است و می تواند بیشتر از دیگران کار انجام دهد. می تواند بیانگر افتخار باشد (در میان آمریکایی ها بالا بردن شست نشانه افتخار و غرور است)، می تواند بیانگر شکست هم باشد (نگه داشتن شست رو به پایین نشانه شکست است) (به هنگام توضیح مطالب، با شست خود نشان دهید). من فکر می کنم شبیه انگشت شست باشم. وقتی به زندگی گذشته خود نگاه می کنم، می بینم که هیچگاه آنچه که می توانستم باشم نبوده ام. اگر نمی توانم مطابق انتظاراتی که از خودم دارم زندگی کنم، می دانم که مطابق انتظارات خدا هم نمی توانم زندگی کنم. من پی برده ام که نفس گناه آلودم مانع اجرای هدنی می شود که خدا برای زندگی من دارد. آیا شما هم تاکنون چنین احساسی داشته ای؟

باب: بله، چندین بار.

ب . نیاز ما: انگشت سبابه

جک: حالا به انگشت سبابه می رسیم (انگشت شست را پایین بیاورید و به موازات انگشت سبابه قرار دهید). فکر کنید تاکنون چند بار از این انگشت برای نشان دادن چیزی یا کسی استفاده کرده اید (با انگشت سبابه نشان دهید). باب، من پی بردم که خدا با انگشت سبابه به من اشاره می کند. همانطور که کتاب مقدس می گوید: «همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند» (رومیان

(سخن خود را با بیان ۳ نکته «نیاز ما» ادامه دهید و سپس توضیحات کمکی را اضافه کنید).

ج . تدارک خدا: انگشت میانه

جک : «همانطور که انگشت سبابه بین شست و انگشت میانه قرار دارد، گناه ما هم بین ما و خدا قرار می‌گیرد (به هنگام صحبت انگشتان خود را نگو دارید تا بتوانید آنها را ببینید، فقط انگشت میانه را بالا نگو ندارید). انگشت میانه نماینده مسیح است. بلندتر از دیگر انگشتان است و در مرکز همه آنها قرار دارد. مسیح خداوند همه است و در مرکز کائنات قرار دارد (با بیان نکته اول و دوم «تدارک خدا» سخن خود را ادامه دهید). باب، بدون خم کردن دیگر انگشتان، انگشت میانه خود را آنقدر خم کن تا با کف دست تماس پیدا کند (انگشت میانه خود را خم کنید تا به کف دستتان بخورد). می‌بینی که احساس درد می‌کنی. مسیح برای گناهان ما بر روی صلیب رنج کشید.

(انگشت میانه خود را به حالت اول برگردانید). همینطوری که انگشت میانه شما راست شد و به حالت اولیه خود برگشت، مسیح نیز از مردگان قیام کرد و به شما حیات جاوید می‌دهد و گناهان و مجازات شما را برمی‌دارد.

(در ادامه سخنان خود نکته سوم «تدارک خدا» را بیان کنید و سپس توضیحات کمکی را اضافه نمایید).

د . پاسخ ما: انگشت انگشت

جک : انگشت بعدی، انگشت انگشت است و بیانگر تسلیم است. وقتی من و همسر من حلقه ازدواجمان را به یکدیگر دادیم، درخوب و بدی، ثروت و فقر، بیماری و تندرستی به یکدیگر تسلیم شدیم تا زمانی که مرگ ما را جدا سازد. وقتی من این حلقه را پذیرفتم، متعهد شدم که از تمام دوست دخترهایم چشم‌پوشم و قول دادم که تا زمانی که هر دو ما زنده هستیم به همسر خود وفادار باشیم. کتاب مقدس گاهی تسلیم شدن ما به مسیح را به ازدواج تشبیه می‌نماید.

(سخن خود را با بیان ۳ حلقه «پاسخ ما» ادامه دهید و توضیحات کمکی را اضافه کنید. سه سؤالی را که مربوط به تسلیم شدن است، مطرح نمایید).

۳- هدایت فرد به تسلیم کردن خود: انگشت کوچک

الف . سؤالاتی در خصوص تسلیم شدن (برای اینکه بهتر یادتان بماند، می‌توانید به جای سه دعایی که در ذیل ذکر شده در مورد سه سؤالی که در خصوص تسلیم شدن در سه قسمت انگشت کوچک قید شده، فکر کنید. البته بهتر است فردی که مسیح را می‌پذیرد انگشت کوچک را نشانه دعا بداند).

ب . توضیح

جک : باب، برای پذیرفتن مسیح باید:

۱- از گناهان خود توبه نمایی (نوک انگشت سبابه خود را بر انگشت شست خود قرار دهید).

۲- به مسیح اعتماد کنی (درحالی‌که انگشت سبابه شما بر روی انگشت شست تان قرار دارد، انگشت میانه خود را نیز به

شست خود بچسبانید)

۳- زندگی خود را به مسیح تسلیم نمایی (انگشت انگشتی خود را نیز مانند دو انگشت دیگر بر روی شست خود قرار دهید).

انگشت کوچک نماینده دعا است. وقتی از مسیح می‌خواهیم که نجات دهنده و خداوند ما باشد او به ما حیات جاوید عطا می‌کند (انگشت کوچک خود را نیز بر روی شست خود قرار دهید. سپس دست خود را با یک حرکت تند کاملاً باز کنید تا خلقت را نشان دهید). لحظه‌ای که ما خود را به او تسلیم می‌نماییم، خدا ما را به وضعیت اولیه مان، یعنی وضعیتی که قبل از گناهکار بودن داشتیم، برمی‌گرداند و هدیه حیات جاودانی را به ما می‌بخشد.

(سخن خود را با بیان توضیحات کمکی و دعا برای درک و تسلیم و شکرگزاری ادامه دهید. شاید بخواهید برای خیرمقدم گفتن برای ورود او به خانواده خدا با او دست بدهید. به دست خود نگاه کنید و بگویید: «حالا که شما انجیل را در دست و قلب خود دارید ما با یکدیگر برادر (یا برادر و خواهر) هستیم.»)

۴- پیگیری فوری

(پس از توضیحات کمکی پیگیری مطلب را شروع کنید. وقتی در مورد اعتراف و تعمیم صحبت می‌کنید، می‌توانید معنی سمبلیک حلقه ازدواج را که در بالا قید شد برای او توضیح دهید).

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

معرفی انجیل

۱- مقدمه

الف. خانواده

توضیح کمکی: آیا شما و همسران سرگرمی خاصی دارید؟

ب. علائق

توضیح کمکی: باب، وقتی می‌خواهی به کلیسا بروی، به کدام کلیسا می‌روی؟
توضیح کمکی اختیاری: آیا گاهی احساس نمی‌کنی که چیزی در زندگی کم داری؟ پاسخ او هر چه باشد، شما شهادت خودتان را بدهید. «دلیل این سؤال این است که زمانی در زندگی خود احساس می‌کردم که چیزی کم دارم....»

ج. زمینه مذهبی

جک: باب، آیا در مورد مسائل روحانی زیاد فکر نمی‌کنی؟

توضیح کمکی: باب، می‌خواهم سؤالی از شما بکنم.

د. سؤالات آزمایشی

سؤال ۱:

جک: آیا در زندگی خود به مرحله‌ای رسیده‌ای که یقین داشته باشی حیات جاوید داری و پس از مرگ به بهشت خواهی رفت؟

باب: نه، فکر نمی‌کنم کسی بتواند در این مورد یقین داشته باشد.

جک: توضیح کمکی: باب، من هم مدت مدیدی از این موضوع بی‌خبر بودم. اما اگر اجازه دهی مژده‌ای به تو می‌دهم. کتاب مقدس می‌فرماید: «این را نوشتم به شما که به اسم پسر خدا ایمان آورده‌اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید» (اول یوحنا ۵: ۱۳). اکنون به یقین می‌دانم که حیات جاودانی دارم و هرگاه بمیرم به بهشت خواهم رفت. بگذار سؤال دیگری از شما بپرسم.

سؤال ۲:

باب، تصور کن که همین الان در حضور خدا می‌ایستادی و او از شما می‌پرسید: «چرا باید اجازه دهم وارد بهشت شوی؟» فکر می‌کنی چه جوابی می‌دادی؟

باب: واقعاً نمی‌دانم. فکر می‌کنم به او می‌گفتم که سعی کردم به بهترین نحو ممکن زندگی کنم.

جک : خوب، چیز دیگری به خاطرت نمی آید؟

باب : خوب، من صادق هستم، و همسر و پدر خوبی می باشم.

جک : دیگر چه ؟

باب : خوب، می دانم که کامل نیستم، اما سعی می کنم که به بهترین نحو ممکن زندگی کنم.

جک : سؤال سختی است، اینطور نیست؟

باب : همینطور است.

جک : یادت هست که وقتی سؤال کردم که در مورد حیات جاودانی خود یقین داری، به شما مژده دادم که کتابمقدس می فرماید می توانیم در این مورد یقین داشته باشیم؟ حال مژده دیگری دارم. کتابمقدس به ما می آموزد که

توضیح کمکی : خدا ما را دوست دارد و برای زندگی مان هدفی دارد. کتابمقدس این مطلب را به این صورت بیان می کند: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که براو ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا ۳: ۱۶). هدف خدا این است که ما حیات جاودانی داشته باشیم.

۲- انجیل

الف . هدف خدا

جک : یک : باب، ما حیات جاودانی را به صورت یک هدیه دریافت می کنیم. کتابمقدس می فرماید: «... نعمت خدا حیات جاودانی است در خداوند ما عیسی مسیح» (رومان ۶: ۲۳).

دو : داشتن حیات ابدی بدین معنی است که ما می توانیم هم اکنون نیز یک زندگی پربرکت و معنی داری داشته باشیم. مسیح می فرماید: «... من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتر حاصل کنند» (یوحنا ۱۰: ۱۰).

سه : مسأله در اینجا تمام نمی شود. نه تنها می توانیم در حال حاضر زندگی پربرکت و معنی داری داشته باشیم بلکه داشتن حیات ابدی به این معنی است که هرگاه بمیریم، ابدیت را با مسیح در بهشت خواهیم گذراند. مسیح در این مورد وعده داد و فرمود: «و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم باز می آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می باشم شما نیز باشید» (یوحنا ۱۴: ۳).

توضیح کمکی : وقتی در پی معنی واقعی زندگی بودم، دریافتم که طبیعت گناه آلود من، مرا از اجرای هدفی که خدا برای زندگی ام دارد، باز می دارد.

ب . نیازهای ما

جک : یک : باب، همه ما فطرتاً و با اختیار آزاد گناهکار هستیم. آیا تا بحال هیچ توجه کرده ای که لازم نیست به بچه ها کارهای اشتباه

باب: فکر می‌کنم والدین در این مورد با تو موافق باشند.

جک: این امر فطرت ما را نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد که نسبت به انجام کارهای اشتباه تمایل فطری داریم. منظور کتابمقدس از آیه «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند» (رومان ۳: ۲۳) همین است. کتابمقدس به ما تعلیم می‌دهد که گناه یعنی گم کردن هدف واقعی زندگی، سرکشی کردن، زندگی کردن بصورت جدا و مستقل از خدا. همگی ما از معیارهای خدا و نقشه‌ای که برای زندگی‌مان دارد قاصر هستیم.

دو: من همچنین پی بردم که ما نمی‌توانیم خودمان را نجات دهیم. مطابق تعلیم کتابمقدس نجات «از اعمال نیست تا کسی فخر نکند» (افسیان ۹: ۲).

سه: کتابمقدس همچنین می‌آموزد که ما شایسته مرگ و جهنم هستیم: «زیرا که مزد گناه موت است» (رومان ۶: ۲۳). همگی ما از روز گرفتن حقوق مطلع هستیم. ما معمولاً هر روز حقوق نمی‌گیریم اما دیر یا زود روز پرداخت حقوق فراخواهد رسید. کتابمقدس می‌فرماید که مزد گناه موت و جدایی همیشگی از خدا در جهنم است.

توضیح کمکی: باب، خدا قدوس و عادل است و باید گناه را مجازات نماید، معهذا او ما را دوست دارد و برای گناه ما بخشش را مهیا ساخته است. مسیح فرمود: «... من راه و راستی و حیات هستم، هیچ‌کس نزد پدر جز بوسیله من نمی‌آید» (یوحنا ۱۴: ۶).

ج. تدارک خدا

جک: یک: کتابمقدس به وضوح بیان می‌کند که مسیح خدا است و انسان شد زیرا می‌فرماید: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود، و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد....» (یوحنا ۱: ۱ و ۱۴). مسیح کلمه‌ای بود که با خدا بود، خدا بود، جسم گردید و میان ما ساکن شد.

دو: کتابمقدس همچنین تعلیم می‌دهد که مسیح برای ما بر روی صلیب جان داد: «زیرا که مسیح نیز برای گناهان یکباره زحمت کشید، یعنی عادلانه برای ظالمان، تا ما را نزد خدا بیاورد» (اول پطرس ۳: ۱۸). مسیح مایل بود تمام مجازاتی را که سزای گناه ما بود بر خود گیرد.

(مثال «کتاب گناه»). بگذار مسئله را به این صورت توضیح دهم. دست چپ من نشانگر من است و دست راستم نشاندهنده مسیح. این کتاب نماینده نقائص، قصورها و گناه من است (کتاب یا شیء دیگری را با دست چپ بلند کنید). خدا مرا دوست دارد (با انگشتان دست چپ اشاره کنید) اما از گناه من متنفر است (به کتاب یا شیء دیگری که در دست چپتان است اشاره کنید) و باید آن را مجازات نماید. خدا به دلیل محبتی که داشت، مسیح را به جهان فرستاد (دست راست را بالا برده و در موازات دست چپ نگاه دارید). کتابمقدس می‌فرماید: «جميع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جميع ما را بروی نهاد» (اشعیا ۵۳: ۶). (وقتی کلمات «بروی نهاد» را ادا می‌کنید، با یک حرکت مشخصی کتاب را از دست چپ به دست راست خود بدهید و با همان دست نگره دارید). وقتی مسیح بر روی صلیب جان داد، خدا همه گناهان و تقصیرهای مرا بر روی نهاد.

سه: باب، مسیح مایل بود که تمام مجازاتهایی را که سزای گناه ما بود بر خود گیرد، اما موضوع در اینجا خاتمه نمی‌یابد. مسیح از مردگان برخاست. کتابمقدس می‌فرماید: «مسیح به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده

شد» (رومیان ۲۵:۴). آیا این خبر خوشی نیست؟

باب : البته که خبر خوشی است.

جک : توضیح کمکی: مسیح فقط وقتی می تواند در زندگی ما تأثیر داشته باشد که ما او را بپذیریم. کتاب مقدس می فرماید: «اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲).

د . پاسخ ما

جک : یک : برای پذیرفتن مسیح باید از گناهانمان توبه کنیم. کتاب مقدس می فرماید: «پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد...» (اعمال ۳: ۱۹).

الف . برای توبه باید بپذیریم که گناهکار هستیم و از اینکه گناه کرده ایم احساس پشیمانی نماییم، اما توبه تنها احساس پشیمانی برای گناهان نیست. در واقع کتاب مقدس می فرماید: «... توبه کنند و بسوی خدا بازگشت نمایند و اعمال لایق توبه را بجا آورند» (اعمال ۲۶: ۲۰).

ب . بنابراین توبه یعنی برگشتن از گناه و بازگشت به سوی خدا از طریق مسیح. (مثال «دستور نظامی»). این امر به آنچه در ارتش رخ می دهد شباهت بسیار دارد. زمانی که سربازان در یک جهت رژه می روند و به آنها فرمان داده می شود، «عقب گرد»، همگی فوراً برمی گردند و در خلاف جهت قبلی رژه می روند. وقتی ما از گناهانمان توبه می کنیم، از گناه برمی گردیم و به سوی مسیح بازگشت می کنیم.

(اختیاری: مثال «دور لا شکل») اجازه بده تا حرفهایم را توضیح دهم. فرض کن که برای رفتن به یک جلسه مهم رانندگی می کردی. ولی ناگهان متوجه شدی که مسیر را اشتباه می رفتی و یک دور لا شکل زدی و در خلاف جهت قبلی بسوی مقصد حرکت کردی. وقتی ما توبه می کنیم، از گناه برگشته و به سوی مسیح بازگشت می نماییم.

دو : وقتی از گناه توبه می کنیم، باید به مسیح ایمان داشته باشیم. کتاب مقدس می فرماید: «زیرا که محض فیض نجات یافته اید، بوسیله ایمان، و این از شما نیست بلکه بخشش خدا است» (افسیان ۲: ۸).

الف . ایمان تنها باور داشتن واقعیهایی در مورد مسیح نیست. کتاب مقدس می فرماید: «تو ایمان داری که خدا واحد است، نیکو می کنی، شیاطین نیز ایمان دارند و می لرزند» (یعقوب ۲: ۱۹). مطابق این آیه حتی شیطان هم به حقایق ایمان دارد.

ب . ایمان عبارتست از اعتماد کردن به مسیح. یعنی اعتماد تا حد تسلیم شدن کامل. بگذارید توضیح دهم.

(مثال «هواپیما»). آیا تابحال با هواپیما مسافرت کرده ای و یا کسی را می شناسی که با هواپیما مسافرت کرده باشد؟

باب : البته .

جک : می توانیم ایمان داشتن مسیح را با مسافرت کردن با هواپیما مقایسه کنیم. مسافرت با هواپیما مستلزم چند چیز است: باید بلیط داشته باشی، باید سروقت به فرودگاه برسی و باید ایمان داشته باشی که هواپیما شما را به جایی که می خواهی خواهد برد.

اما باب، برای یک مسافرت واقعی چه کار دیگری باید انجام دهی؟

باب : باید سوار هواپیما شوم.

جک : درست می‌گویی باب. تابه حد کافی به هواپیما اعتماد نداشته باشی، سوار آن نخواهی شد. عکس‌العمل شما نسبت به مسیح هم باید همینطور باشد. وقتی که کاملاً به مسیح اعتماد کنی تنها در آن موقع او می‌تواند در زندگی شما تغییراتی ایجاد کند. من مدت زیادی ایمان داشتم که مسیح وجود دارد، اما این امر هیچگونه تغییری در زندگی‌ام بوجود نمی‌آورد، زیرا در این خصوص هرگز کاری انجام نمی‌دادم. من در مورد مسیح به حقایق ایمان داشتم اما بر او اعتماد نمی‌کردم. من برخودم اعتماد داشتم.

جک : (اختیاری : مثال «صندلی»). آن صندلی را می‌بینی؟

باب : بله.

جک : صندلی محکمی است که می‌تواند شخصی را نگه دارد، اینطور نیست؟

باب : البته.

جک : اما تو را نگه نمی‌دارد، چرا؟

باب : برای اینکه بر روی آن ننشسته‌ام.

جک : همینطور است. صندلی هیچگاه تو را نگه نمی‌دارد مگر اینکه به اندازه کافی به آن اطمینان داشته باشی و بر روی آن بنشینی. وقتی که کاملاً به مسیح اعتماد کنی تنها در آن موقع او می‌تواند در زندگی شما تغییراتی ایجاد کند. من مدت زیادی ایمان داشتم که مسیح وجود دارد، اما این امر هیچگونه تغییری در زندگی من بوجود نمی‌آورد، زیرا در این خصوص هرگز کاری انجام نمی‌دادم. من در مورد مسیح به حقایق ایمان داشتم اما بر او اعتماد نمی‌کردم. من برخودم اعتماد داشتم.

سه : اگر می‌خواهیم کاملاً بر مسیح توکل کنیم، باید او را خداوند زندگی‌مان بسازیم. به همین دلیل کتابمقدس می‌فرماید: «زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید نجات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف می‌شود به جهت نجات» (رومیان ۱۰: ۹ و ۱۰).

الف : صرفاً با گفتن اینکه ما زندگی‌مان را به مسیح می‌سپاریم، مسیح خداوند زندگی ما نخواهد شد. به همین دلیل مسیح می‌فرماید: «نه هر که مرا خداوند، خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد» (متی ۲۱: ۷).

ب : برای اینکه مسیح خداوند زندگی ما شود باید بگذاریم او زندگی ما را کنترل کند.

(مثال «راندن اتومبیل»). باب، اجازه بده برای شما توضیح دهم که معنی سپردن کنترل زندگی به مسیح، چیست. این مسأله شبیه زمانی است که شما با یک شخص دیگری در یک بزرگراه رانندگی می‌کنی. تا زمانی که شما رانندگی می‌کنی، کنترل ماشین در اختیار شما است و می‌توانی تصمیم‌گیری که از کدام مسیر به مقصد مورد نظر بروی. اگر در جایی متوجه می‌شوی که راه را بلد نیستی اما شخصی که همراه شما است راه را می‌داند، به او خواهی گفت: «خوب، شما فرمان را به دست بگیرید و رانندگی کنید»، در این صورت کنترل ماشین در دست اوست و هر دوی شما از راهی خواهید رفت که او انتخاب می‌کند. به همین صورت ما هم با گفتن: «ای مسیح، کنترل زندگی‌ام را به دستهای خودت بگیر و من به هرجایی که تو می‌خواهی، خواهم رفت»، باید کنترل زندگی خود را به مسیح بسپاریم. باید زندگی‌مان را به او تسلیم کنیم و بیاموزیم که به هرجا که او می‌خواهد، برویم.

توضیح کمکی: برای اینکه نشان دهیم که کنترل زندگی خود را به دست او داده‌ایم باید با او متحد شویم. روش عهد جدید برای این کار عبارتست از اعتراف کردن به مسیح در جمع و پیروی از او در تعمید گرفتن و عضو شدن در کلیسا.

۳- هدایت فرد به تسلیم کردن خود

الف . سؤالاتی در خصوص تسلیم شدن

جک : یک : سؤال بعنوان توضیح کمکی: باب، آیا آنچه ما در موردش بحث می‌کردیم برای تو مفهومی دارد؟

باب : بله، اینطور فکر می‌کنم.

جک : دو : سؤال در مورد تمایل: آیا دلیلی وجود دارد که مایل نباشی هدیه خدا، یعنی حیات جاودانی، را بپذیری؟

باب : نه هیچ دلیلی وجود ندارد.

جک : سه : سؤال در مورد تسلیم: آیا مایل هستی که همین الان از گناهان خود برگردی و بر مسیح توکل کنی؟

باب : بله حاضر هستم.

ب . توضیح

جک : باب، به یاد داشته باش که برای پذیرفتن مسیح باید:

۱ - از گناه خود توبه کنی.

۲ - به مسیح توکل کنی.

۳ - مسیح را خداوند زندگی خود قرار دهی.

توضیح کمکی: باب، سرخود را خم کنیم و من شما را در دعا هدایت خواهم کرد.

ج . دعا

جک : یک : دعا برای توانایی درک: ای پدر، دعا می‌کنم که روح القدس باب را به سوی تو هدایت کند. او را مدد فرما تا از گناهش برگردد و به او ایمان عطا فرما تا به مسیح ایمان داشته باشد. آمین. باب، خداوند می‌خواهد که دعا کنی و از او بخواهی که تو را نجات دهد.

توضیح کمکی: کتاب مقدس می‌فرماید: «زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت» (رومیان ۱۰: ۱۳). اگر حقیقتاً می‌خواهی که خداوند به شما حیات جاودانی عطا کند، با صدای بلند به او بگو.

دو : دعای تسلیم: می‌توانی خودت دعا کنی یا اگر بخواهی من هم به شما کمک خواهم کرد. حالت قلبی شما برای خداوند مهم‌تر از کلمات شما است. خوب ترجیح می‌دهی چطور دعا کنی؟

باب : می خواهم شما به من کمک کنید.

جک : اگر من به شما کمک کنم، باید درست مثل زمانی که خودت دعا می کنی رفتار نمایی و قلباً با من دعا کنی. سرهایمان را خم کنیم و شما کلمات مرا تکرار کن.

خداوند عزیز، (مکث کنید تا باب تکرار کند) می دانم که گناه کرده ام و احتیاج به بخشش دارم (مکث). اکنون از گناهان خود توبه می کنم (مکث). با ایمان تو را می پذیرم تا در زندگی من داخل شوی و زندگی خود را به تو تسلیم می کنم (مکث). متشکرم که دعای مرا می شنوی و به من حیات ابدی می دهی (مکث).

(جک دست باب را می فشارد و مستقیماً در چشمهای او نگاه کرده می گوید:)

توضیح کمکی: باب به خانواده خدا خوش آمدی. هم اکنون مهم ترین تصمیم زندگی خود را گرفتی و می توانی مطمئن باشی که نجات و حیات جاودانی داری.

جک : سه : دعای شکرگزاری : می خواهم برای اینکه خدا شما را نجات داده است او را شکر کنم؛ مطمئن شما هم مایل هستی این کار را انجام دهی. پس بیا باز هم دعا کنیم.

جک : پدر، تو را شکر می کنم که دعای باب را شنیدی و او را نجات دادی. دعا می کنم که روح القدس به او اطمینان بدهد که نجات و حیات جاودانی دارد. در نام مسیح، آمین. حالا باب با کلمات خودت او را شکر کن.

باب : خداوند عزیز، ترا شکر می کنم که امروز مرا نجات دادی و سپاسگزارم که این اشخاص را به اینجا فرستادی تا به من کمک کنند بدانم چگونه می توانم رابطه درستی با تو داشته باشم. ترا شکر می کنم که به من حیات جاودانی دادی. در نام مسیح، آمین.

(در این قسمت جزوه «به خانواده خدا خوش آمدید» را به او بدهید.)

توضیح کمکی: باب، پذیرفتن مسیح در زندگی تنها شروع یک تجربه بسیار شگفت انگیز است. حال ببینیم چطور می توانی مطمئن باشی که حیات ابدی داری و بعنوان یک مسیحی چگونه باید رشد کنی.

پس از مطالعه این درس، می توانید آن را در قسمت «شهادت به جهان» قرار دهید.

نحوه اداره عبادت خانوادگی

چرا باید خانواده شما در خانه خدا را عبادت کند؟ مسیحی به پاسخ دیگری احتیاج ندارد، بلکه کافی است بدانند که این امر، امر خداوند اوست: «و این سخنانی که من امروز ترا امر می‌فرمایم بر دل تو باشد و آنها را به پسرانت بدقت تعلیم نما و حین نشستنت در خانه و رفتنت به راه و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نما و آنها را بر دست خود برای علامت ببند و در میان چشمانت عصابه باشد و آنها را بر باهوهای در خانه‌ات و بر دروازه‌های بنویس» (تثنیه ۶: ۶-۹).

خانواده‌های مسیحی که در طی قرون متمادی زیسته‌اند، شهادت مثبت دیگری برای عبادت خانوادگی هستند. خانواده‌هایی که با عبادت خانوادگی خود، وفادارانه خدا را در خانه‌هایشان جلال داده‌اند، پی برده‌اند که این کار بیشتر از هر تجربه دیگری باعث مستحکم شدن و غنی‌تر شدن زندگی خانوادگی‌شان شده است.

شاید هیچگاه سعی نکرده‌اید در خانه خود خدا را عبادت کنید. یا شاید یک یا دو باری سعی نموده‌اید این کار را انجام دهید اما موفق نبوده‌اید و پس از آن منصرف شده‌اید. چگونه خانواده‌ای عبادت در خانه را شروع می‌کند؟ و وقتی عبادت خانوادگی را شروع کرد چگونه می‌تواند وفادارانه سالهای متمادی ادامه دهد؟

رهبر

احتمالاً برای عبادت خانوادگی موفق‌ترین چیز لازم، داشتن رهبر یا شخص مسئولی است که ارزش عبادت را می‌داند و متعهد شده است تا علیرغم هر مانعی به اجرای وفادارانه عبادت خانوادگی نظارت کند. اگر یکی از اعضای خانواده با کمک خدا و به رهبری روح القدس تصمیم قاطع بگیرد که خانواده‌اش را هدایت نماید تا در خانه توسط عبادت خدا را جلال دهند، موفقیت تقریباً حاصل شده است. بدون وجود عضوی که خود را وقف این کار کرده باشد، شانس موفقیت بسیار کم است.

چه کسی باید رهبری عبادت خانوادگی را به عهده بگیرد؟ هر شخص جوان یا بزرگسالی می‌تواند این وظیفه را عهده‌دار شود. معمولاً شوهر یا پدر خانواده باید این مسئولیت را بپذیرد. مرد، طبیعتاً، رهبر روحانی خانواده است. «وای پدران فرزندان خود را به خشم میاورید، بلکه ایشان را به تأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمایید» (افسیان ۴: ۶). مع هذا اگر پدر خانواده مایل نیست این مسئولیت را بپذیرد و یا موقتاً غایب است، نباید عبادت در خانه به تعویق بیفتد. آن عضوی از خانواده که خدا نیاز عبادت را برایش مکشوف کرده است، باید رهبری را به عهده گیرد.

فردی که به نیاز عبادت خدا در خانه پی برده است، باید سعی کند دیگر اعضای خانواده را به انجام این کار متقاعد سازد. همیشه بهترین نتیجه زمانی حاصل می‌شود که تمام افراد خانواده شرکت داشته باشند. عضوی که اداره جلسه عبادتی خانواده را قبول کرده است نقش سرپرست، مشوق و کمک‌کننده را دارد و لازم نیست همیشه عبادت‌های خانوادگی را خودش هدایت کند. تمام اعضای خانواده، از جوانترین آنها گرفته تا مسن‌ترینشان باید تشویق شوند تا به نوبت رهبری عبادت را به عهده بگیرند. حتی یک کودک پیش دبستانی می‌تواند خانواده را در خواندن سرودی که وی در کانون شادی آموخته و یا گفتن آیه‌ای از کتاب مقدس رهبری نماید.

همانطور که داشتن یک وقت مشخص برای عبادت جماعت کلیسایی مهم است، برای عبادت خانوادگی نیز این امر مهم می‌باشد. اگر کلیسایی وقت مشخصی برای عبادت نداشته باشد و تصمیم بگیرد که هرگاه اعضایش تمایل داشته باشند، این کار را انجام دهد، هرج و مرج ایجاد خواهد شد. خانواده هم برای ملاقات خدا جهت عبادت وی در خانه به انضباط و وقت مشخصی نیاز دارد.

مناسبت‌ترین وقت برای عبادت برای خانواده‌های مختلف متفاوت است. بعضی خانواده‌ها هر روز را با عبادت شروع می‌کنند. برای بعضی دیگر، صبح زود بدترین زمان ممکن است. بسیاری از خانواده‌ها بلافاصله قبل یا بعد از غذا عبادت می‌کنند. اما برای بعضی دیگر عبادت کردن در این موقع غیر عملی است. هر خانواده‌ای باید برای عبادت وقتی را در نظر بگیرد که با برنامه روزانه‌شان مناسب باشد. معمولاً برای یافتن زمانی مناسب، باید وقفه‌های مختلف را امتحان کرد. هنگامی که بر سر وقت مشخصی توافق شد، خواه وقت مزبور صبح باشد، ظهر و یا شب و یا زمانی بین اینها، تمام اعضای خانواده باید آن موقع از روزشان را به ملاقات با خدا در عبادت وقف نمایند.

بیانات فوق بدین معنی نیست که ساعت عبادت در خانه تغییر ناپذیر خواهد بود. در واقع اکثر خانواده‌ها پی می‌برند که لازم است ساعت عبادت خانوادگی را در دوره‌های خاصی تغییر دهند. مثلاً بهترین وقت عبادت در طی ماههای تابستان با بهترین وقت در زمانی که بچه‌ها به مدرسه می‌روند فرق می‌کند. معه‌ذا، هرگاه تمام اعضاء خانواده بدانند که در ساعت خاصی از روز باید از کارهای روزمره‌شان دست بکشند تا خدا را عبادت و ملاقات کنند، آسانتر می‌توان این برنامه را اجرا کرد.

مکان

همانطوری که جماعت کلیسایی برای عبادت خود مکانی به نام کلیسا می‌سازد، خانواده هم برای عبادت در خانه باید مکان خاصی داشته باشد. البته منظور داشتن محرابی یا شمع و سیمبلیهای مذهبی دیگر نیست. بلکه باید مکانی را برای عبادت انتخاب کرد که در آن احتمال ایجاد وقفه توسط صدای تلفن، تلویزیون، ملاقات کنندگان و عوامل مزاحم دیگر، خیلی کم باشد. وقتی محل عبادت مشخص شد، باید کتابهای مرجعی را که برای عبادت لازم دارید در آنجا بگذارید تا برای استفاده آماده باشد. وقتی تمام کتابهای مرجع در محل عبادت باشند، هنگامی که افراد خانواده برای عبادت جمع می‌شوند دیگر برای آوردن کتابهای مورد نیاز وقت تلف نمی‌شود و یا در حین عبادت وقفه‌ای ایجاد نمی‌شود.

کتابهای مرجع برای عبادت

خانواده، برای عبادت خدا در خانه بجز حضور روح القدس و رفتاری توأم با احترام، به چیزهای دیگر نیز احتیاج دارد. البته همانطوری که واجب است کتابمقدس محور همه عبادتها باشد، در عبادتهای خانگی نیز کتابمقدس باید مرکز باشد. برای بیشتر خانواده‌ها، خصوصاً بچه‌های خانواده ترجمه جدید کتابمقدس بسیار مفید است. کتابهایی که به مطالعه کتابمقدس کمک می‌کنند، مانند تفسیر، آیه یاب، فرهنگ، اطلس و کتابهای دیگری نظیر اینها، مفید هستند اما ضروری نیستند.

بیشتر خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که در عبادت خانوادگی از راهنمای عبادت استفاده کنند. برای این منظور کتابهای راهنمای متعددی وجود دارد، مانند Family Worship Guidebook.

روش

فرض کنید که خانواده شما تصمیم گرفته است برای اولین بار عبادت در خانه را شروع کند. زمان و مکان عبادت و همچنین

شخصی را به عنوان رهبر انتخاب کرده‌اید. حال باید چه کنید؟ چگونه باید شروع کنید و در طی عبادت چه کارهایی باید انجام دهید.

بیشتر خانواده‌ها دوست دارند که با کلام خدا شروع کنند و البته کلام همیشه بهترین چیز برای شروع هر عبادتی است. یک نفر قسمتی از کلام را که انتخاب شده با صدای بلند می‌خواند. سپس یک یا چند نفر در مورد قسمت خوانده شده صحبت می‌کنند و توضیح می‌دهند که این قسمت برای آنها چه معنایی دارد. اگر از راهنمای عبادت نظیر کتاب «Home Life» (زندگی در خانه) استفاده می‌کنید، می‌توانید قسمتی از کلام را که برای هر روز پیشنهاد شده و همچنین تفسیر را که در مورد آن قسمت نوشته شده با صدای بلند بخوانید.

پس از مطالعه کتاب مقدس و بحث در مورد آن و یا تفسیر آن می‌توانید برای گفتن برکات فرصتی بدهید. در این فرصت یکی از اعضاء خانواده می‌تواند در مورد تجربیاتی که با خدا داشته شهادت دهد و یا قسمتی از کلام را که برایش مفید بوده برای دیگران مطرح سازد. افراد خانواده می‌توانند با یکدیگر سرود بخوانند و یا به موسیقی روحانی گوش دهند. تمام این کارها باید با روحیه عبادت و احترام انجام گیرد و باید دانست که خدا در آنجا حضور دارد.

معمولاً عبادت با دعا تمام می‌شود. یکی از اعضاء خانواده می‌تواند دیگران را در دعا هدایت کند و یا تمام اعضاء دعای کوتاهی بکنند. می‌توانید تقاضای مخصوص دعا را عنوان نمایید. وقتی خانواده‌ای برای اولین بار شروع به عبادت می‌کند، باید سعی کند که عبادتش ساده و کوتاه باشد. سپس وقتی که اعضاء خانواده در انجام عبادت ماهرتر شدند، می‌توانند به نسبت نیازها و علائق خانواده عبادت خود را توسعه دهند.

عبادت خانوادگی آسان نیست. عوامل زیادی ممکن است سبب ایجاد وقفه، مزاحمت و یا ناامیدی شوند. اما خداوند به خانواده‌هایی که علیرغم وجود موانع، وفادارانه با عبادت خود او را جلال می‌دهند، پاداش می‌دهد. «زیرا جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع می‌شوند آنجا در میان ایشان حاضرم» (متی ۱۸: ۲۰)

خلاصه

۱- تصمیم بگیرید که: «من و خاندان من یهوه را عبادت خواهیم نمود.» (یوشع ۱۵: ۲۴). برای عبادت خانوادگی خودشان دعا کنید. از خداوند بخواهید شما را راهنمایی کند و در تصمیمی که گرفته‌اید شما را ثابت قدم بگرداند و مدد نماید تا بتوانید بر تمام موانع فائق آمده و وفادارانه او را در خانه عبادت نمایید.

۲- با همسر خود صحبت کنید. حمایت و همکاری او را جلب نمایید. سپس برنامه‌ای را که برای عبادت خانوادگی دارید برای دیگر اعضاء خانواده مطرح کنید. از آنها بخواهید که در این برنامه شرکت کنند. اگر همسر ندارید، مسئله عبادت خانوادگی را با والدین، کودکان یا هم اطفاقی خود مطرح سازید. اگر دیگر اعضاء خانواده پیشنهاد و رهبری شما را سریع نمی‌پذیرند، مأیوس نشوید. اگر تنها زندگی می‌کنید، می‌توانید از دوستی که در همسایگی شما زندگی می‌کند بخواهید با شما عبادت کند. یا می‌توانید عبادت شخصی خود را به عنوان عبادت خانوادگی محسوب کنید. به دعا ادامه دهید، راهنمایی خدا را بطلبید، و در پی فرصتهای دیگری باشید که بتوانید عبادت در خانه خود را شروع کنید.

۳- از کتابهایی که در عبادت به شما کمک می‌کنند استفاده کنید. احتمالاً تا زمانی که تجربه زیادی کسب نکرده‌اید، مایل خواهید بود که از کتابهای کمکی مذکور در قسمت «کتابهای مرجع برای عبادت» استفاده کنید. در ضمن، می‌توانید از ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس نیز استفاده کنید.

۴- وقت، مکان و رهبری را برای عبادت خود تعیین کنید و سپس با استفاده از رئوس مطالب پیشنهاد شده در قسمت «روش» کار

خود را شروع کنید. سعی نمایید محیطی خودمانی، آرام و توأم با احترام ایجاد کنید. ترتیبی دهید که عبادت مهم‌ترین واقعه روزانه برای تمام اعضای خانواده باشد.

۵- انعطاف پذیر باشید. عبادت خانوادگی را با نیازهای متغیر خانواده منطبق سازید هر یک از اعضای خانواده را تشویق نمایید تا برای مؤثرتر شدن عبادت راهنمایی پیشنهاد کنند. برنامه‌های عبادتی که برای کودکان کوچک مناسب است، برای دوران نوجوانی آنها مفید نیست. عبادت زوجیهایی که بچه ندارند شکل دیگری دارد. عبادت باید همگام با رشد روحانی اعضای خانواده رشد کند تا با وضعیت روحانی آنها متناسب باشد.

پس از مطالعه این مقاله می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

خدمت به دیگران

امروزه اکثر آمریکایی‌هایی که نجات نیافته‌اند، نخواهند توانست از طریق برنامه‌های معمول کلیسایی پیام انجیل را بشنوند. این امر که برنامه‌های کلیسایی درصد بزرگی از مردم را نمی‌پوشانند، واقعیت اسفناک ولی مهمی است. حیطه کلیسای خودتان را بررسی کنید. در یکصد خانه یا آپارتمان را بنزید. به افرادی که به شما اجازه می‌دهند، مژده نجات را برسانید. هریک از آنها را دعوت کنید تا به کانون شادی، جلسه عبادت کلیسایی، برنامه مخصوص کلیسایی، یا حتی به جلسات مطالعه کتاب مقدس در خانه بیایند. از هر ۱۰۰ نفری که شما ملاقات می‌کنید ۶۰ تا ۸۵ نفر آنها پاسخ مثبت نخواهند داد.

پرسشی که باید پاسخ داده شود

باید بپذیریم که بیشتر افراد گم شده خارج از کلیسا هستند. علاقه آنها نسبت به کلیسا خیلی کم است و بعضی از آنها هیچ علاقه‌ای به کلیسا ندارند. برنامه‌ها، تأکیدها و فعالیتهای کلیسایی برایشان کاملاً ناآشنا است. افرادی که در خارج از کلیسا هستند، در مقابل مدلهای متداول بشارت عکس‌العمل مثبت نشان نمی‌دهد.

هر شخصی در دنیای محدودی زندگی می‌کند و این امر مسئله را پیچیده‌تر می‌سازد. جامعه‌شناسان دریافته‌اند که افراد متوسط بطور متوسط در دنیای خود با بیست تا سی نفر رابطه دارند. این افراد از اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکلاسیها و همکاران شخصی در فعالیتهای تفریحی و دیگر فعالیتها هستند. معهذاً، افرادی که شخصیتشان در اثر پیشامدهایی شدیداً آسیب دیده، ممکن است تنها با ده یا دوازده نفر در ارتباط باشد و از تنهایی و عقده حقارت رنج می‌برند.

بنابراین سؤالی که باید توسط کلیسا پاسخ داده شود، این است که تکلیف فرد خارج از کلیسایی که به برنامه‌های کلیسایی علاقه نشان نمی‌دهد و در دنیای اطرافش هیچ شخص مسیحی وجود ندارد که انجیل را به او برساند، چیست؟ آیا باید بگذارید اشخاص با سپری شدن عمر خود در این دنیا بدون پذیرفتن مسیح وارد ابدیت بشوند، تنها به دلیل اینکه ما هنوز نیاموخته‌ایم که چگونه به آنها خدمت کنیم؟ چگونه می‌توانیم به دنیای مردم که خارج از کلیسا است رخنه کنیم و با پیام محبت خدا بر زندگی او اثر بگذاریم؟

برای رساندن پیام انجیل به تمام مردم دنیا باید برای این سؤال دشوار و پیچیده پاسخهای متنوعی بیابیم. یکی از این جوابها عبارت است از نظریه‌ای که در اوایل آموزش خود با آن کار کردید. نظریه‌ای که تحت عنوان «دوایر هم مرکز نفوذ» بیان شد. گسترده‌تر کردن دایره نفوذ شما از طریق خدمت به افرادی که خارج از نفوذ کلیسا هستند، راه حل این مسئله است. این جواب ساده نیست زیرا برنامه دیگری ارائه نمی‌دهد، بلکه مستلزم متعهد بودن شما در امر رساندن پیام به افراد خارج از کلیسا است.

قدمهایی در خدمت به دیگران

اراده خدا برای هر فرد این است که حیات جاودانی را تجربه کند. این امر افراد بی‌علاقه و کسانی را که گوش شنوا ندارند را نیز شامل می‌شود. به سختی می‌توان انتظار داشت که آنها به مسیح اعتماد کنند، زیرا مسیح برای آنها غریبه‌ای بیش نیست. پس چه باید بکنیم تا این بی‌ایمانان را به نقطه‌ای برسانیم که آنچنان عاشق عیسی مسیح شوند که تمام زندگی خود را به او بسپارند؟

۱- از طریق یک نکته مورد علاقه یا نیاز تماس برقرار کنید. این امر پی بردن به خلاء قلب بی ایمان نامیده می شود. هر بی ایمان علایق و نیازهایی دارد. مسیحیانی که علایق مشابه دارند یا با نیازهای مشابهی سروکار دارند، می توانند از طریق این علایق و نیازها با آنان تماس برقرار کنند. آنگاه این نکته تماس می تواند به برقراری یک رابطه و ایجاد مشارکت منجر شود. در این مشارکت مسیحیان به نقطه تماس بین بی ایمان و مسیح تبدیل می شوند.

در زندگی روزمره بسیاری از مسیحیان، فرصتهایی برای برقراری تماس و ایجاد مشارکت پیش می آید. زنی که قهرمان یک مهارت نمایشی چرخاندن عصا در دبیرستان بود، دخترهای جوان اجتماع خود را دعوت کرد که هفته ای یکبار به خانه او بیایند. او چرخاندن عصا را به آنها آموزش داد، با نوشابه از آنها پذیرایی کرد و از هر فرصتی برای بیان نقش خدا در زندگی خود استفاده کرد. مردی که سابقاً معتاد بود با کسانی که هنوز در دام اعتیاد گرفتار بودند، ارتباط برقرار کرد. زوجی که فرزند معلول داشتند، شروع به پرستاری از جراحات و برآوردن نیازهای والدینی کردند که فرزند معلول داشتند. همه آنها زندگی افرادی را لمس کردند که هیچ ارتباطی با برنامه های کلیسای نداشتند. بسیاری از این افراد که مورد توجه قرار گرفتند، بعدها مسیحی شدند، زیرا مسیحیان علاقمند و متعهد راهی را یافتند تا نقطه تماس بین آنها و مسیح شوند.

۲- بی ایمانان را یاری کنید تا بفهمند که مسیح چه تغییری در زندگی شما بوجود آورده است. وقتی روابط شما با فرد بی ایمان توسعه یابد و هرچه بیشتر بتوانید به او بگویید که مسیح چه معنایی برای شما دارد، علاقه بی ایمانان افزایش خواهد یافت و به نقطه ای خواهد رسید که بتوانید بطور جدی در مورد مفهوم واقعی مسیحی بودن با آنها صحبت کنید. فرصتهایی خواهید داشت تا قسمتهایی از کتاب مقدس را با آنها در میان بگذارید. در این مرحله می توانید برای مطالعه کتاب مقدس برنامه ای تعیین شده داشته باشید، و این زمانی است که فرد بی ایمان را یاری می کنید تا به حقایقی پی ببرد که او را به توکل به مسیح رهنمون خواهد ساخت.

۳- این دور گردش، زمانی کامل خواهد شد که فردی را که با او تماس برقرار کرده اید، به نقطه تماس بین خدا و یک بی ایمان دیگر تبدیل شود. بعد از اینکه فرد به مسیح توکل کرد، باید روند شاگردسازی را به یکباره شروع کند. او باید کتاب راهنمای حیات تازه برای نوایمانان را بکار برد. (چاپ مخصوص کودکان و جوانان در دسترس است). اگر می خواهید شخصاً با نوایمانان کار کنید، می توانید از راهنمای مشاوره فرد به فرد در کتاب راهنمای حیات تازه - راهنمای معلم مخصوص بزرگسالان - جوانان و کودکان استفاده کنید (Survival kit-Leade's Guide for Adults, Youth, and Children). بعنوان بخشی از روند شاگرد سازی، باید فرد نوایمان را هدایت کنید تا فوراً در جلسات تربیتی و مطالعه کتاب مقدس کلیسایان شرکت کند. این افراد برای رشد نیاز به یاری و راهنمایی دارند تا اینکه خود بتوانند وسیله تماس مسیح با بی ایمانان گردند. در این مرحله او دوستان گمشده بیشتری دارد و دیگر تعداد آنها اینقدر نخواهد بود. او مشکلات و نیازهای آنها را درک می کند. شما می توانید او را یاری کنید تا به دیگران خدمت کند همانطور که شما او را خدمت کردید. کلیسای شما می تواند از این روند حمایت کند و آن را افزایش دهد.

با مشارکت کلیساها، این روند کشف نیازها و علایق تماس، توسعه روابط، افزایش آگاهی و علاقه، دعوت به تعهد، و شاگرد سازی می تواند به میزان زیادی افزایش یابد و تأثیرگذاری آن چند برابر شود.

۱- کلیسا می تواند عضوی را که استعداد و تواناییهای خاصی دارد، برای گروهی از بی ایمانان که علایق مشابه دارند، در نظر بگیرد. در گروه، رهبر می تواند با اعضاء روابطی ایجاد کند و با روشی مناسب و دور از تهدید به آنان توضیح دهد که مسیح چه معنایی برای او دارد. گروه آموزش گیتار، گروه موسیقی، عکاسی، هنرها، شنا، انواع فعالیتهای تفریحی، کمکهای اولیه، تزئینات داخلی، گلسازی، خیاطی، آشپزی، زبان، مهارتها و سرگرمیها و غیره، نمونه هایی از این گروه هستند.

۲- کلیسا می تواند گروههایی برای خدمت در زمینه های خاص تشکیل دهد و کسانی که با این نوع خدمات سروکار دارند، آن گروهها را رهبری می کنند. نمونه این گروهها عبارتند از: گروههایی برای والدین بیوه/مطلقه/ازدواج نکرده، گروههایی برای افراد مطلقه،

گروههایی برای افراد مجرد بمنظور آموزش مهارتهایی که یک همسر بطور معمولی انجام می دهد (طباخی، رفو و مرمت و غیره برای مردان و تعمیرات ساده در خانه و نگهداری اتومبیل برای زنان)، گروههایی برای افرادی که به نوعی نقض قانون کرده اند، گروههایی برای والدین چنین جوانانی، گروههایی برای افرادی که همسر خود را از دست داده اند، و به این ترتیب فهرست می تواند ادامه یابد. شما این خدمات را انجام دهید زیرا مسیح به همه کمک کرد و به ما آموخت که ما هم همان را انجام دهیم. چون مسیح خدمت کرد، فرصت داشت تا مردم را متوجه پدر کند. شما نیز باید همچنین کنید.

۳- کلیسا باید در شاگردسازی نوایمانان مشارکت داشته باشد و ترتیبی دهد که این فرد قسمتی از کل فعالیتهای شاگرد سازی کلیسا را انجام دهد و موارد لازم برای شاگرد سازی رامهیا سازد.

۴- کلیسا می تواند آموزشهایی دهد و منابعی را مهیا کند تا شاگرد برای کشف علایق و نیازهای دیگر بی ایمانان، برقراری تماس و شروع مجدد دور گردش، آماده شود.

در اولین عبارت این بحث گفته شد که اکثر آمریکایی هایی که نجات نیافته اند، هرگز نخواهند توانست بوسیله کلیسای رسمی پیام انجیل را بشنوند. با این حال اگر اعضای کلیسا به بیرون بیایند و افرادی بی علاقه را مورد توجه قرار دهند، نهایتاً کلیساست که پیام را به آنها رسانده است. زیرا اگر افراد کلیسا را تشکیل نمی دهند پس کلیسا چیست؟ مسیح از ما انتظار ندارد که خبر خوش را در ساختمانهای کلیسا انبار کنیم. ما باید به جهان خدمت کنیم، نه فقط اینکه اصرار کنیم مردم به کلیسا بیایند.

پس از مطالعه این مقاله، می توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

روش استفاده از سیری در راهنمای خدمت

اساس کتاب مقدسی خدمت شما

۱- هر ایماندار یک خادم است و خدمتی دارد که باید انجام دهد. کلمه «خادم»، ترجمه لغت یونانی Diakonos است. معنی لغت Diakonia عبارت است از وظیفه و کار یک خدمتکار. این کلمه برای وظایف خانگی یا کارهای مذهبی بکار می‌رود معنی Leitourgia که لغت یونانی دیگری است، عبارت است از: ادای یک مسئولیت اجتماعی با هزینه شخصی. فرد کننده کار خادم نامیده می‌شود. همه مسیحیان باید خادم باشند. کهنات همه ایمانداران نشان می‌دهد که همه ما در برابر خدا یکسان هستیم، همه ما مستقیماً به پدر دسترسی داریم، همه ما مسئولیت داریم تا در نام مسیح به دیگران خدمت کنیم (خروج ۱۹: ۵-۶، اشعیا ۶۱: ۴-۶، اول پطرس ۹: ۲، مکاشفه ۶: ۱).

۲- هر ایماندار زمانی که به پیروی از مسیح خوانده می‌شود، بطور همزمان به خدمت خوانده می‌شود (متی ۱۹: ۴، لوقا ۱۴: ۲۶-۲۷، اول قر. ۱: ۲۶-۲۹، افس ۱: ۱۱، دوم تیمو. ۹: ۱). یکی از دلایل اینکه مسیح ما را خوانده است این است که ما باید قوم برگزیده‌ای باشیم که کاهنان امتهای خوانده خواهند شد و ستایش جلال او را اعلام خواهند کرد. (اول پطر. ۹: ۲)

۳- هر ایماندار یک یا بیش از یک عطیه روحانی دارد که او را مستعد خدمت می‌گرداند. (اول قر. ۷: ۱۲، روم. ۱۲: ۴-۶، افس ۷: ۴، اول پطر. ۱۰: ۱۴-۱۱). یکی از راههای کشف خدمتتان این است که پی ببرید که خداوند برای خدمت چه عطیه‌ای به شما عطا کرده است. در نتیجه مطالعه کتاب مقدس، خدمت یا انجام وظیفه و تأیید عطایای شما توسط کلیسا، عطایای روحانی مکشوف می‌شوند.

۴- هر ایماندار برای انجام خدمت خود باید مجهز شود. در افسسیان ۴: ۱۱ و ۱۲ می‌خوانیم که مسیح رسولان، انبیاء، مبشرین، شبانان و معلمین به کلیسا عطا کرده است تا ایمانداران را برای خدمتشان مجهز کنند. گرچه تمام ایمانداران خادمین هستند ولی خدا به بعضی از آنها مسئولیت داده است تا بقیه را مجهز کنند. معنی لغتی که «کامل» یا «مجهز» ترجمه شده، عبارت است از قرار دادن فردی در مکان و موقعیت درست برای اصلاح، تعلیم، تربیت راهنمایی یا قادر ساختن او برای انجام یک وظیفه. ملاحظه کنید که چگونه ترجمه‌های متعدد آیه ۱۲ تأکید می‌کنند که وظیفه تجهیزکنندگان عبارت است از قادر ساختن ایمانداران برای انجام یک خدمت یا کار:

الف - «برای تکمیل مقدسین برای کار خدمت» (ترجمه قدیمی)

ب - «تا مقدسین را در کاری که برای او انجام می‌دهند، مجهز سازد» (مژده برای عصر جدید)

ج - «برای اینکه قوم خدا مجهز شوند تا بتوانند در راه او بهتر خدمت کنند» (ترجمه تفسیری)

روند پیشرفت شخصی در امر خدمت

از آنجا که شما ایمانداری هستید که به خدمت خوانده شده‌اید، می‌خواهیم شما را یاری کنیم تا سه چیز انجام دهید.

۱- به عطای (عطایای) روحانی خود پی ببرید.

۲- به خدمات یا خدمات خود پی ببرید.

۳- شما را تربیت کنیم و قادر سازیم که تا با قدرت مسیح او را خدمت کنید.

در طول هفته‌های آینده خدمات مختلف نظیر تعلیم/موعظه، بشارت، تغذیه، تأدیب و شفاعت را بررسی خواهیم کرد. آخرین فعالیت این کتاب شما را یاری خواهد کرد تا به عطایای روحانی پی ببرید و بر آن خدمت تمرکز داشته باشید که مستعد آن هستید. در این کتاب برگزیده‌ای از دامنه وسیع آموزش پیشرفته رهبران در زمینه خدمت ارائه خواهد شد تا شما را هرچه بیشتر برای انجام دعوت خدا مجهز کند.

روشهایی برای استفاده از سیری در راهنمای خدمت

شما اینک سیر بررسی خدمات اساسی مسیحایی را شروع می‌کنید. هر هفته پرسشنامه سیری در راهنمای خدمت را بکار خواهید برد تا نحوه درگیر شدن در آن خدمت را طرح‌ریزی کنید. از نمونه ساده زیر پیروی کنید.

۱- خدمت: خدمتی را که در طول هفته در مورد آن مطالعه کرده‌اید، نام ببرید.

۲- اساس کتاب مقدسی: در حین مطالعه کتاب مقدس یا زمانی که گروه در مورد موضوع بحث می‌کند، در مورد آن خدمت نکاتی یادداشت کنید. بنویسید که قسمت مطالعه شده چه چیزهایی در مورد خدمت به شما می‌آموزد. بینشهایی را که از قسمتهای موازی و تفسیرهای دیگران بدست آورده‌اید به آن بیفزایید.

۳- کاربرد عملی: گاه برای بکارگیری تعالیم کتاب مقدس در انجام خدمت در شرایط امروزی تلاش وسیعی نیاز دارد. تا جایی که امکان دارد، نمونه‌هایی بنویسید که نشان دهد امروزه خدمت چگونه انجام می‌گیرد. به این وسیله نمونه‌های زیادی از روشهای واقعی خدمت وجود خواهد داشت که می‌توانید به انجام آن مشغول شوید.

۴- کاربرد شخصی: لازم است که تمام زمینه‌های خدمت را بررسی کنید تا پی ببرید که آیا خدا از شما می‌خواهد در یکی از آن زمینه‌ها متخصص شوید؟ شما تصمیم خواهید گرفت که در هر قسمت تا چه میزان کاوش کنید. شما می‌توانید یک یا تعداد بیشتری از فعالیتهای خدمتی زیر را انتخاب کنید.

الف. مشاهده فردی که در حین انجام خدمت است. بنویسید که چه آموختید یا در مورد آن چه احساسی دارید.
ب. فعالیتی در آن زمینه خدمتی انجام دهید. کسی را که نیازمند آن خدمت است یاری کنید. کسی را که در حال انجام آن خدمت است همراهی کنید. یک یا چند همدست پیدا کنید و آن فعالیت خدمتی را با هم انجام دهید.
پ. درباره آن خدمت تحقیق کنید. با کسانی که با آن خدمت درگیر هستند صحبت کنید. کتاب یا جزوه‌ای در مورد آن بخوانید. یک فیلم یا نوار ویدئو که در مورد آن خدمت است تماشا کنید و نوار کاستی در این زمینه بشنوید. آموخته‌های خود را بنویسید و یا به فرد دیگری گزارش دهید.

در این مرحله از پیشرفتتان، برای کاوش در آن خدمت می‌توانید هر تصمیمی بگیرید و آن را انجام دهید.

۵- تأیید فعالیت: به این سؤالات پاسخ دهید: چه مدرکی خواهیم داشت تا بفهمیم آن خدمت را بطور کامل انجام داده‌ام؟ چگونه می‌توانم این امر را فرد دیگری ثابت کنم؟ دانستن این مطلب که تعیین صحت و سقم خدمت انجام شده امری ضروری است، شما را یاری خواهد کرد تا آن را بطور معین‌تری بنویسید. هیچکس انتظار ندارد که ثابت کنید که آن خدمت را انجام داده‌اید، ولی شما باید در اینجا بنویسید که اگر دیگران با شما باشند، چگونه می‌توانند بفهمند که آن را انجام داده‌اید. در این قسمت، همچنین می‌توانید

سیری در راهنمای خدمت

۱- خدمت:

۲- اساس کتاب مقدسی (بینشهایی را که در مطالعه کتاب مقدس کسب کرده‌اید یادداشت کنید):

۳- کاربرد عملی (کاربردهای متعدد بینش‌های کتاب مقدس در شرایط امروزی را بنویسید):

۴- کاربرد شخصی (خدمتی را که انجام خواهید داد یا آنچه را که در مورد خدمت خواهید آموخت یادداشت کنید):

۵- تصدیق فعالیت (بنویسید چگونه شما و یا فرد دیگری می‌تواند بفهمد که شما عمل خدمتی را انجام داده‌اید):

سیری در راهنمای خدمت

۱- خدمت:

۲- اساس کتابمقدسی (بینشهایی را که در مطالعه کتابمقدس کسب کرده‌اید یادداشت کنید):

۳- کاربرد عملی (کاربردهای متعدد بینش‌های کتابمقدس در شرایط امروزی را بنویسید):

۴- کاربرد شخصی (خدمتی را که انجام خواهید داد یا آنچه را که در مورد خدمت خواهید آموخت یادداشت کنید):

۵- تصدیق فعالیت (بنویسید چگونه شما و یا فرد دیگری می‌تواند بفهمد که شما عمل خدمتی را انجام داده‌اید):

سیری در راهنمای خدمت

۱- خدمت:

۲- اساس کتاب مقدسی (بینشهایی را که در مطالعه کتاب مقدس کسب کرده‌اید یادداشت کنید):

۳- کاربرد عملی (کاربردهای متعدد بینش‌های کتاب مقدس در شرایط امروزی را بنویسید):

۴- کاربرد شخصی (خدمتی را که انجام خواهید داد یا آنچه را که در مورد خدمت خواهید آموخت یادداشت کنید):

۵- تصدیق فعالیت (بنویسید چگونه شما و یا فرد دیگری می‌تواند بفهمد که شما عمل خدمتی را انجام داده‌اید):

زندگی من با خداوند در این هفته

برنامه تفکیک شده جلسات		تاریخ (های) شروع _____، _____	برنامه استاندارد
هفته اول	هفته دوم		
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>صرف وقت با خداوند</p> <p>هر روز وقت عبادت شخصی داشته باشید. می‌توانید یک یا چند مورد از فعالیتهای تحت عنوان «زندگی در کلام» و «دعای با ایمان» را در طول عبادت شخصی مورد استفاده قرار دهید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>زندگی در کلام</p> <p>با استفاده از روش مطالعه گام به گام کتاب مقدس، دوم قرنتیان ۵: ۱۸-۲۱ را تحت عنوان «خدمت بشارت»، مطالعه کنید. به «روش انجام مطالعه گام به گام کتاب مقدس» (صفحه ۱۲۶) و «ابزارهای مطالعه کتاب مقدس» (صفحه ۱۲۹) رجوع کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یوحنا ۲۰: ۲۱ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	افسیان ۲: ۸-۹ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آیات حفظی قسمت «معرفی انجیل» (صفحه ۱۰۰) را که یاد گرفته‌اید مرور کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>دعای با ایمان</p> <p>برای افرادی که درگیر انجام خدمتی هستند، دعا کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>مشارکت با ایمانداران</p> <p>به کمک همسنگری که انتخاب کرده‌اید، برای انضباط یکدیگر همکاری کنید. مطابق روشی که هر کدام انتخاب می‌کنید یکدیگر را یاری کنید. (به «چگونه به یکدیگر کمک کنیم که زندگی منضبطی داشته باشیم»</p>	<input type="checkbox"/>

(روزنامه) آفتاب، شماره ۱۰۰، تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

مطالعه گام به گام کتاب مقدس

قسمت انتخاب شده. تاریخ

(روزنامه) آفتاب، شماره ۱۰۰، تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

۱- موقعیت چیست؟ (زمینه)

۲- مسائل کدامند؟ (سؤالاتی که برایتان مطرح می شود).

(روزنامه) آفتاب، شماره ۱۰۰، تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

(روزنامه) آفتاب، شماره ۱۰۰، تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

۳- کتاب مقدس چه چیز دیگری درباره آن عنوان می کند؟

محل آیات دیگر

آیه

موضوع

(روزنامه) آفتاب، شماره ۱۰۰، تاریخ ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

۴- آن را به زبان خودم چگونه بیان خواهم کرد؟ (تشریح)

۵- دیگران درباره آن چه می‌گویند؟ (تحقیق)

۶- چه باید بکنم؟ (مزمور ۵۹: ۱۱۹-۶۰) (کاربرد)

الف- خدا توسط این قسمت از کلام چه چیزی را برایم روشن می‌کند؟

ب- آیا زندگی من با این حقیقت همخوانی دارد؟

روش انجام مطالعه گام به گام کتاب مقدس

مسیحیان رشد یافته گوشت می‌خورند! علاوه، آنها خودشان آن را تهیه می‌کنند (عبر ۱۲:۵-۱۴). بمدت چند ماه، به کمک درسهایی که توسط فرد دیگری تهیه می‌شد، کتاب مقدس را مطالعه کرده‌اید. اینک آماده هستید که خودتان درس خود را تهیه کنید. ترسید، قبلاً بر بسیاری از مهارتهایی که برای انجام مطالعه گام به گام کتاب مقدس لازم است، تسلط پیدا کرده‌اید.

در مطالعه گام به گام کتاب مقدس، شما در جستجوی کشف پیام یک قسمت از کتاب مقدس هستید، بطوری که عقاید پیشین شما درباره آن موضوع شما را تحت تأثیر قرار ندهد یا برای درک آن بر تفسیر و توضیحات اشخاص دیگر متکی نباشید. در مطالعه گام به گام کتاب مقدس، حین کاوش در کلام، به روح القدس توکل می‌کنید و بطور مستقیم از او تعلیم می‌گیرید. تنها زمانی به تفسیرهای دیگران مراجعه می‌کنید که برای درک و کشف پیام آن قسمت، نهایت سعی خود را کرده باشید.

چرا تسلط یافتن بر مطالعه گام به گام کتاب مقدس برای شما اهمیت دارد؟ با این دلایل شروع کنید.

- * که بالغ شوید و خودتان از کلام تغذیه کنید.
- * که بتوانید کتاب مقدس را بدرستی تقسیم‌بندی کنید.
- * که روح القدس بتواند بطور مستقیم به شما تعلیم دهد.
- * تا از درک فضای ظاهری فراتر روید و حقایق اساسی کلام خدا را درک کنید.

به فرم مطالعه گام به گام کتاب مقدس (صفحه ۱۲۳) نگاه کنید و بحث زیر در مورد چگونگی استفاده از هر قسمت را بخوانید.

انتخاب قسمتی از کلام

قسمتی از کتاب مقدس را انتخاب کنید که به آن علاقمندید. رساله‌ها برای مطالعه گام به گام عالی هستند. تعالیم و وقایع اناجیل برای این نوع مطالعه مناسب هستند. مطالعات گام به گام معمولاً بر موضوعات اخلاقی و اصول اعتقادی تمرکز دارند.

موقعیت چیست؟ (زمینه)

قبل از انجام مطالعه عمیق، زمینه آن قسمت از کتاب مقدس را مشخص کنید. آیات و فصول قبل و بعد از قسمت مورد نظر را بخوانید. برای کشف اینکه چه موقع، به چه دلیل کجا و بوسیله چه کسی این قسمت از کلام نوشته شده است، می‌توانید یادداشتهای کتاب مقدس مخصوص تعمق و بررسی (Bible study) و وسایل کمکی مطالعه کتاب مقدس (به موضوع «ابزارهای مطالعه کتاب مقدس» صفحه ۱۲۹ مراجعه شود) را بررسی کنید. درباره موقعیتی که در آن این قسمت از کلام نوشته شده است، توضیح مختصری بنویسید.

مسائل کدامند؟ (سؤالات)

از ترجمه‌های مختلف، آن قسمت را بخوانید. می‌توانید هر روز همان قسمت را از یک ترجمه متفاوت بخوانید. در حین خواندن سؤالاتی را که پیش می‌آیند یادداشت کنید. ممکن است سؤالات خود شما باشد یا سؤالاتی که فکر می‌کنید فرد دیگری ممکن است آن را مطرح کند. اگر درباره معنی بعضی از لغات اطمینان ندارید به لغت‌نامه یا کتاب تفسیر مراجعه کنید. در این مرحله سعی نکنید به سؤالات پاسخ دهید، بلکه مهم‌ترین سؤالات را در قسمت مورد نظر یادداشت کنید.

کتابمقدس چه چیز دیگری درباره آن عنوان می‌کند؟ (اشارات)

بهترین وسیله برای تفسیر کتابمقدس خود کتابمقدس است. درباره آیات حفظی مربوط به موضوعهای قسمت قرائت شده فکر کنید و آدرس آیات را در محل تهیه شده بنویسید. اگر بخش دیگری از کتابمقدس را بیاد دارید ولی محل آن را بخاطر نمی‌آورید، برای یافتن آن از یک آیه یاب کتابمقدس یا کتابمقدس‌هایی که حاوی مرجع می‌باشد، استفاده کنید. فقط در پی یافتن همان لغت در قسمتهای دیگر کتابمقدس نباشید بلکه تنها اشاراتی را در مد نظر داشته باشید که همان موضوع را روشنتر می‌کند.

آن را به زبان خودم چگونه بیان خواهم کرد؟ (تشریح)

در ابتدا ممکن است فکر کنید که شرح دادن یک متن به زبان خودتان ساده‌ترین بخش است، زیرا ترجمه‌های زیادی به آسانی در دسترس است. آن را آسان نگیرید. هدف تشریح این است که مطمئن باشید که مفهوم آن قسمت را به درستی درک کرده‌اید و می‌توانید آن را به زبان خود بیان کنید. برای این کار از این روش پیروی کنید.

۱- آن را چند بار بخوانید، ترجیحاً از ترجمه‌های مختلف، تا اینکه بتوانید چشمان خود را ببندید و به زبان خودتان درباره موضوعهای آن قسمت فکر کنید.

۲- بعنوان یک راهنمایی ساده، بعضی از پیشنهادات موضوع «روش استفاده از راهنمای تعمق» صفحه ۱۵۶ را بکار برید.

۳- بدون نگاه کردن به کتابمقدس، بر صفحه کاغذ دیگری اولین پیش‌نویس تشریح خود را بنویسید.

۴- شرح نوشته شده خود را با کتابمقدس مقایسه کنید. موضوعهای فراموش شده را به نوشته خود اضافه کنید.

۵- فکر کنید که چگونه این قسمت را به زبان خودتان برای اشخاص از سنین مختلف، مثلاً یک کودک پنج ساله، یک نوجوان، یک فرد بالغ کم سن‌تر از شما، یک فرد همسن و یک فرد مسن‌تر از شما، بازگو خواهید کرد. برای بیان مفهوم اصطلاحات کتابمقدس چند لغت مترادف پیدا کنید.

۶- شرح نوشته شده خود را بر روی فرم مطالعه گام به گام کتابمقدس، در محل مورد نظر بازنویسی کنید.

۷- ممکن است ترجیح دهید آن قسمت را خلاصه کنید (اختیاری). خلاصه‌نویسی مرحله‌ای بعد از تشریح است. شما در پی این هستید که همان مطلب را با لغات کمتری بیان کنید. یکی از قواعد چنین است که تعداد لغات متن خلاصه شده نباید از ده برابر تعداد کل آیات قرائت شده فراتر رود.

۸- ممکن است ترجیح دهید که رئوس مطالب قسمت مورد نظر را بنویسید (اختیاری). اگر چنین است، مطمئن باشید که رئوس مطالب منعکس‌کننده موضوع اصلی قسمت قرائت شده است و فقط به تناسب و شکل ظاهری فهرست توجه نکنید.

دیگران درباره آن چه می‌گویند؟ (تحقیق)

وقتی آنچه را که می‌توانستید، بطور مستقیم از کتابمقدس آموختید، منابع دیگر را بکار ببرید تا آموخته‌های خود را با آنها مطابقت دهید و صحت و سقم آنها را مشخص کنید. (به موضوع «ابزارهای مطالعه کتابمقدس» در صفحه ۱۲۹ مراجعه شود). کتب تفسیر نقطه‌نظرهای جدیدی ارائه خواهند کرد یا اینکه سؤالات جدیدی پیش خواهد آمد. اگر به کتب تفسیر متعدد دسترسی دارید، می‌توانید تفاسیر مؤلفین متعدد درباره یک عبارت یا اصطلاح را با هم مقایسه کنید. مهم است که شما ابزار قابل اعتمادی را در مطالعه کتابمقدس خود بکار ببرید و در صورت امکان قبل از نتیجه‌گیری نهایی درباره تعلیم، مفهوم یا کاربرد یک قسمت از کلام این اطمینان را کسب کنید. این امر شما را یاری خواهد کرد تا مطمئن باشید که نتیجه‌ای نگرفته‌اید که اشتباه است یا فقط بخشی از آن صحیح

است. با یک موضوع جنبی یا یک بحث بی‌پایان بیش از حد درگیر نشوید. برای این قسمت هر قدر که دوست دارید می‌توانید وقت صرف کنید (چه زیاد، چه اندک).

وقتی این قسمت را همراه گروه مطالعه کنید، دربارهٔ اینکه دیگران این قسمت از کلام را چگونه تفسیری می‌کنند، بینش بیشتری کسب خواهید کرد.

چه باید بکنیم؟ (کاربرد: مزمو ۱۱۹: ۵۷-۶۰)

۱- از خود سؤال کنید، خدا توسط این قسمت از کلام به من چه می‌گوید؟ شما باید همان تصمیمی را داشته باشید که مزمو سرا داشت: «گفتم که کلام ترا نگاه خواهم داشت، رضامندی ترا با تمامی دل خود طلبیدم. بحسب کلام خود بر من رحم فرما» (مزمو ۵۷: ۱۱۹-۵۸). در مطالعه کتاب مقدس به دو سؤال پاسخ می‌دهیم: نویسنده در آن زمان سعی داشت چه مطلبی را بگوید؟ امروز برای من چه مفهومی دارد؟ تا اینجا ما بر آن زمان تأکید کردیم، ولی تا زمانی که نتوانید معین کنید که معنای آن امروز برای شما چیست، کلام تأثیر اندکی بر زندگی شما خواهد داشت. مهمترین حقیقتی را که بنظر می‌آید خدا توسط این قسمت از کلام به شما می‌گوید، بطور مجزا بنویسید. به موضوع «روش استفاده از راهنمای دعای با ایمان» (صفحه ۱۶۲ جلد ۱) مراجعه شود. دربارهٔ این حقیقت در محل مهیا شده توضیحی بنویسید.

۲- سؤال کنید: آیا زندگی من با این حقیقت همخوانی دارد؟ آیا با مزمو سرا هم‌آواز شده خواهید گفت: «در راههای خود تفکر کردم و پایهای خود را به شهادت تو مایل ساختم» (مزمو ۱۱۹: ۵۹). بنویسید که در چه راههای خاص موفق نشده‌اید بر اساس این حقیقت زندگی کنید. برای هر تغییری که لازم است در زندگی شما ایجاد شود، از خدا بخواهید که شما را ملزم کند.

۳- سؤال کنید: چه عمل یا عملهای خاصی باید انجام دهم تا زندگی‌ام در مسیر این حقیقت قرار گیرد؟ همراه با مزمو سرا بگویید: «شتابیدم و درنگ نکردم تا اوامر ترا نگهدارم» (مزمو ۱۱۹: ۶۰). چیزهای پیش پا افتاده، مانند «سعی خواهم کرد بهتر باشم» ننویسید. چند عمل خاص و محسوس و مشهود را دقیقاً مشخص کنید که در بکارگیری این حقیقت در زندگی، شما را یاری خواهند کرد. برنامه ریزی کنید که کی و چطور مرور خواهید کرد تا ببینید که آیا از دستورالعمل خود آن پیروی کرده‌اید یا خیر. «لکن کنندگان کلام باشید، نه فقط شنوندگان که خود را فریب می‌دهند» (یعقوب ۱: ۲۲).

پس از مطالعه این موضوع، می‌توانید آن را در قسمت «زندگی در کلام» قرار دهید.

ابزارهای مطالعه کتابمقدس

بعنوان شاگرد جدی کتابمقدس، لازم است که ابزارهای مطالعه کتابمقدس را بشناسید و آنها را بکار ببرید. روح القدس می تواند توسط آنها شما را یاری کند تا درباره آنچه مطالعه می کنید بینش کسب نمایید و آن را بفهمید.

انواع کتابمقدس

برای مطالعه کتابمقدس به یک کتابمقدس محکم و ارزان قیمت نیاز خواهید داشت. انواع مختلف کتابمقدسهای ارزان و جلد ضخیم موجود است که دارای حروف چاپی مناسب برای مطالعه هستند و کاغذ بکار رفته کیفیت خوبی دارد. کتابمقدس را انتخاب کنید که با خیالی آسوده بتوانید در آن یادداشت بنویسید و در آن علامت گذاری کنید. حین خریداری کتابمقدس لاقط سه چیز جالب توجه وجود دارد که باید مورد ملاحظه قرار دهید.

۱- ترجمه های جدید ترجمه های جدید کتابمقدس آنهایی هستند که در پنجاه سال اخیر ترجمه شده اند. خواندن قسمتها از بیش از یک ترجمه، کمک خواهد کرد تا معنی لغتها و عبارتها را بوضوح بیشتری درک کنید.

کتابمقدس به زبانهای یونانی و عبری در مدت زمانی بیش از پانزده قرن نوشته شده است. اولین ترجمه انگلیسی کل کتابمقدس در سال ۱۵۳۵ پایان رسید. انگلیسی آن زمان و انگلیسی قرن بیستم کاملاً متفاوت هستند.

همانطور که زبان انگلیسی تغییر کرده و توسعه یافته است، لغتها و عبارات بکار رفته در نخستین ترجمه های انگلیسی هم تغییر کرده است. همراه با آن تغییرات، نسخ خطی عبری و یونانی قدیمی تر و دقیق تری کشف شده اند که پیشنهاد و معانی تازه ای برای لغات کتابمقدس مطرح کرده اند. در ترجمه های جدیدتر، از آن نسخ خطی قدیمی تر و دقیق تر، بعنوان اساس کار استفاده شده است.

مطالعه ترجمه های جدید، معنی روشن تر يك آیه را برای شما مشخص می کند. افسسیان ۱۶:۴ را در ترجمه James King بخوانید. حال به همان آیه در Good News Bible نظری بیفکنید: «به اراده او همه اعضا مختلف بدن بوسیله مفاصلی که برای آنها فراهم شده است، مربوط و پیوند می شوند. پس وقتی هریک از اعضا بدن بطور جداگانه مرتب کار کنند، تمام بدن رشد می کند و خود را در محبت بنا می نماید» (افسس ۱۶:۴). در مورد افزودن ترجمه های جدید ذکر شده در ذیل به کتابخانه خود کار کنید:

Revised Standard Version, New American Bible, The New International Version, The New English Bible, The Testament in Modern English, or Good News Bible, The Bible in Today's English Version.

کتاب دیگری که مفید خواهد بود The New Testament from 26 Translation تألیف کورتیس واگان است. اساس کتابی که در دست دارید ترجمه King James است، از ترجمه های دیگر تنها در مواردی استفاده شده است که بین ترجمه های جدید و ترجمه King James تفاوت عمده ای وجود داشت.

۲- کتابمقدس مخصوصی تعمق و بررسی Study Bible یک کتاب مقدس خوب از این نوع مثل The Master study Bible از انتشارات هولمن، می تواند میل به قرائت کتابمقدس را در شما افزایش دهد و می تواند نقطه شروعی برای یک مطالعه جدی باشد.

تقریباً در همه ترجمه‌ها، کتابمقدس مخصوص تعمق و بررسی وجود دارد که همه آنها معمولاً شامل موارد زیر هستند: (۱) ستون میانی، ستون کناری، یادداشتهای حاشیه‌ای یا اشارات زنجیری؛ (۲) اطلاعات واقعی درباره هر یک از کتب کتابمقدس؛ (۳) یک آیه یاب محدود؛ (۴) نقشه‌هایی برای مطالعه؛ (۵) ضمیمه و (۶) تطبیق اناجیل.

۳- کتب مرجع حاشیه‌دار (Marginal references) بسیاری از کتابمقدسهایی که کتابمقدس مخصوص تعمق و بررسی نیستند، جزو کتب مرجع حاشیه‌دار بحساب می‌آیند. کتب مرجع حاشیه‌دار نتیجه سالها مطالعه و تحقیق در کتابمقدس را به آسانی در اختیار شما می‌گذارد. این کتب از طرق زیر می‌توانند شما را یاری کنند: (۱) ترجمه‌های دیگر یا معانی یک لغت یا عبارت خاص را نشان می‌دهد؛ (۲) نشان می‌دهد که همان لغت، عنوان یا موضوع در کجا مجدداً بکار رفته و یا به آن اشاره شده است (۳) از عهد عتیق مأخذهایی برای موضوعات عهد جدید معرفی می‌کند.

در کتابمقدس دارای توضیحات حاشیه‌ای متی ۶:۲ ممکن است چنین باشد.

6. And ^b thou Beth-lehem, in the land of juda, art not the least among the princes of juda: for out thee come a Governor, that ⁱ shall ¹ rule my people Israel.

توضیح حاشیه برای (h) نشان دهنده دو آیه میکا ۲:۵ و یوحنا ۴۲:۷ است. میکا ۲:۵ همان آیه‌ای است که در متی نقل قول شده است و آیه یوحنا به بیت لحم اشاره می‌کند. در مورد (i) به مکاشفه ۲۷:۲ اشاره شده که به حکومت مسیح اشاره می‌کند. علامت (1) به یک معنی متبادل، تغذیه (چراندن) بجای حکومت (feed بجای rule) اشاره می‌کند و به اشعیا ۱۱:۴۰ اشاره دارد که می‌گوید مسیح "گله را خواهد چرانید" (feed his flock).

تمام کتابمقدسه‌ها دارای اشارات حاشیه‌ای نیستند. داشتن لااقل یک کتابمقدس در کتابخانه که این اطلاعات کمکی را در اختیار شما بگذارد، سودمند خواهد بود.

قاموس کتابمقدس Bible Dictionary

یک قاموس کتابمقدس اطلاعاتی درباره لغتها، اشخاص، مکانها، موضوعات، زمینه‌های تاریخی و باستان‌شناسی عرضه می‌کند. یک قاموس کتابمقدس معمولاً موارد زیر را نشان می‌دهد: (۱) طرز تلفظ لغتها و اصطلاحات نامأنوس کتابمقدس؛ (۲) معانی لغتها و اصطلاحات کتابمقدس؛ (۳) محل لغتها و اصطلاحات که در کجای کتابمقدس ظاهر می‌شوند و (۴) حقایق درباره بعضی از اشخاص، مکانها و اشیاء دوران کتابمقدس.

در متی ۵:۲۳ مسیح درباره حمایتها صحبت می‌کند. یک قاموس کتابمقدس می‌تواند معنی آن لغت را برای شما آشکار سازد. تلفظ انگلیسی آن phy-lac-te-ry است و آن بازو بندی است که بر آن دعا یا قسمتهایی از قانون موسی نوشته می‌شد (خروج ۲:۱۳-۱۷) (دوم تنیه ۶:۴-۹) و بر روی بازو یا پیشانی بسته می‌شد.

برای کتابخانه شما قاموسهای بسیار عالی متعددی موجود است. کتاب Davis Dictionary of the Bible نوشته جان د. دیویس John D. Davis چاپ برودمن (Broadman) یک قاموس کامل یک جلدی است. The New Smith's Bible Dictionary نوشته ویلیام اسمیت (William Smith) و تجدید نظر شده توسط ریول ج. لمونز (Reuel G. Lemmons) و ویرتوس گیدئون Virtus Gideon قاموسی است ساده و با جلد کاغذی. بسیاری از قاموسها از نوع جلد کاغذی هم موجود هستند.

آیه یاب کتابمقدس Bible Concordance

در آیه یاب کتابمقدس لغتهای مهم کتابمقدس با ترتیب حروف الفبا نوشته شده‌اند و محل لغات مورد نظر (فصلها و آیات) داده شده است.

از آیه یاب کتابمقدس می‌توانید برای منظوره‌های ذیل استفاده کنید. ۱) تعیین محل آیات مربوط به عنوانهای خاص مانند محبت، گناه، یا توبه؛ ۲) تعیین محل آیه‌ای که فقط بخشی از آن را بیاد دارید و نه کل آن را؛ ۳) پیدا کردن محل آیه‌ای که آن را می‌دانید ولی محل آن را نمی‌دانید؛ ۴) تعیین محل قسمتها یا داستانهایی که به آنها آشنایی دارید و ۵) کشف معانی کاملتر لغتها از طریق مقایسه کاربردهای یک لغت در قسمتهای مختلف. یک قاموس تحلیلی (Analytical concordance) معانی ریشه‌ای لغات عبری و یونانی را که لغت انگلیسی از آن گرفته شده است، نشان می‌دهد.

برای یافتن آیه‌ای که محل آن را نمی‌دانید یا فقط قسمتی از آیه را بخاطر دارید، یکی از لغات کلیدی را که بیاد دارید انتخاب کنید، نظیر یک اسم یا یک فعل، و سپس با توجه به ترتیب الفبایی حروف آن را پیدا کنید. عبارات فهرست شده در زیر لغت یافته شده را مرور کنید تا آیه مورد نظر را پیدا کنید. لغت کلیدی دیگری را در نظر بگیرید و همان روند را تکرار کنید. برای یافتن آیات از حروف تدوین یا حروف اضافه استفاده نکنید.

برای یافتن آیات مربوط به یک عنوان خاص یا بمنظور مقایسه لغت، ابتدا لغت را پیدا کنید، مثلاً فیض. سپس تعداد دفعات و محل بکار رفتن آن لغت را یادداشت کنید و سوم محل آیات را پیدا کنید و آنها را بخوانید.

برای یافتن محل یک قسمت یا داستان آشنا، ابتدا یک لغت مهم یا نام شخص ذکر شده در آن قسمت را بیاد آورید و سپس در آیه یاب دنبال آن بگردید. مثلاً برای یافتن محل داستان بوتۀ مشتعل، باید بوتۀ را جستجو کنید. یا می‌توانید لغتهای موسی، هارون و حوریب را پیدا کنید.

آیه یابهای متعددی برای مطالعه کتابمقدس موجود است. سودمندترین آیه یاب، یک آیه یاب تحلیلی است. توسط آن می‌توانید معنی ریشه‌ای لغت را از ریشه‌های عبری و یونانی آن بدست آورید. سه نمونه از چنین آیه یابها عبارتند از: Strong's Exhaustive of the Bible Concordance از جیمز استرانگ (James Strong)؛ Young's Analytical Concordance of the Bible از رابرت یانگ (Robert Young)؛ و New American Standard Exhaustive Concordance.

دیگر آیه یاب عالی مناسب برای افراد عادی عبارت است از Cruden's Unabridged Concordance تألیف الکساندر کرودن (Alexander Cruden). این مجلد توسط Broadman انتشار یافته است. کتابهای مشابه بصورت جلد کاغذی موجود است. بعضی از کتابمقدس‌ها دارای آیه یاب مختصر هستند، ولی توصیه می‌شود که برای مطالعه کتابمقدس یک آیه یاب کامل داشته باشید.

کتاب تفسیر کتابمقدس Bible Commentary

یک کتاب تفسیر کتابمقدس شما را یاری می‌کند که انواع مختلف ادبیات کتابمقدس را تمیز دهید، قسمتها را تفسیر کنید و اطلاعات واقعی در مورد کتابهای کتابمقدس را کشف کنید.

اکثر کتب تفسیر توسط افراد دانشمند و متعهدی نوشته شده که سالهای زیادی صرف مطالعه و تحقیق کرده‌اند. بینشها و نقطه نظرهای الهیاتی این دانشمندان در کتب تفسیر متفاوت با هم تفاوت دارد.

همچنین، فرم و ساخت کتب تفسیر متفاوت است. بعضی از کتابهای تفسیر مقاصد عبادتی دارند و بینشهای مطرح شده الهام بخش هستند. تفاسیر دیگر خطابه‌ای یا موعظه‌ای هستند و اطلاعات را بصورت منطقی و فهرست شده مطرح می‌کنند. تفاسیر متعددی در مورد قسمتهای کتابمقدس دیدگاههای تحقیقاتی را ابراز می‌کنند. این کتب، تفاسیر متعدد قسمتهای مختلف کتابمقدس را که توسط دانشمندان دیگر عنوان شده است، با هم مقایسه می‌کنند و یافته‌های تحقیقات اخیر را ارائه می‌دهند. در بعضی از کتب تفسیر کل متن کتابمقدس در کنار تفسیر چاپ شده است. در برخی دیگر متن کتابمقدس چاپ نمی‌شود. کتب متفاوت ترجمه‌ها و چاپهای متفاوت کتابمقدس را مورد استفاده قرار می‌دهند.

یک کتاب تفسیر وسیله کمکی بسیار ارزشمندی است، ولی شما را از مطالعه معاف نمی‌کند. هدف کتاب تفسیر این است که بینشها یا ایده‌هایی را عنوان کند که شما نمی‌توانستید در مورد آن فکر کنید. آن بعنوان محرکی برای تفکر و اندیشه شما، تحت رهبری روح القدس عمل می‌کند. کتاب تفسیر افکار اشخاص دیگر را عنوان می‌کند. شما هنوز برای تفسیری که خودتان انجام می‌دهید، مسئول هستید.

تعداد زیادی کتب تفسیر یک جلدی عالی وجود دارد از جمله The Teacher's Bible Commentary تألیف فرانکلین پاسکال (Franklin Paschall) و هرشل اچ. هابز (Hershel H. Hobbs) Mathew Henry's Commentary on the Whole Bible.

همچنین کتب تفسیری وجود دارد که شامل مجموعه ۱۲ الی ۲۴ جلدی هستند. این تفاسیر کاملتر و جامعتر هستند. یک روش برای داشتن یک دوره کتاب تفسیر این است که هر بار یک جلد از آن را خریداری کنید. بیاد داشته باشید انواع مختلف کتاب تفسیر وجود دارد. قبل از شروع سرمایه‌گذاری برای یک مورد خاص، مطمئن شوید که می‌توانید شکل و موقعیت الهیتی آن را درک کنید و ارزش آن را بدانید کتاب تفسیر The Broadman Bible Commentary یک مجموعه دوازده جلدی است که توسط کلیفتون جی. آلن (Clifton J. Allen) تألیف شده است. کتاب The Daily Study Bible تألیف ویلیام بارکلی (William Barclay) یک کتاب تفسیر عبادتی محبوب است. کتاب The Layman's Bible Book Commentary یک کتاب تفسیر جدید از انتشارات Broadman است.

اطلس کتابمقدس

بسیاری از مردم فکر می‌کنند که اطلس مجموعه‌ای از نقشه‌هاست. ولی یک اطلس کتابمقدس چیزی بیش از آن است. آن معمولاً شامل نقشه‌ها، جداول و نمودارها و تصاویر سرزمینهای کتابمقدس است. همچنین ممکن است در برگیرنده اطلاعاتی در مورد تاریخ، جغرافیا و رسوم کتابمقدس باشد. بعلاوه این که خدا تعلیم گرفت از طریق قوم خاص و در زمان خاص در تاریخ کار کند، هرگاه از آن زمان و مردمانش و رسوم رایج، شما را در درک بهتر آن چیزی که می‌خوانید یاری خواهد کرد.

یک اطلس کتابمقدس موارد زیر را مهیا می‌سازد: نقشه‌هایی که کمک می‌کنند تا بدانید که اتفاقات کتابمقدس در کجا بوقوع پیوسته‌اند؛ (۲) تصاویری از سرزمینها و مکانهای کتابمقدس (۳) اطلاعاتی در مورد آب و هوا، سنن، مردمان، حکام، معماری، غذاها و حیوانات؛ (۴) اطلاعاتی در مورد دوره‌های زمانی متفاوت کتابمقدس.

اگر یوحنا ۱:۴-۷ را بخوانید، یک اطلس کتابمقدس شما را یاری می‌کند تا محل سوخار در نیمه راه اورشلیم و ناصره را پیدا کنید. همچنین می‌توانید پی ببرید که چاهی که مسیح و زن سامری درباره آن صحبت می‌کردند ۲/۵ متر قطر داشت و طول آن ۲۵ متر یا بیشتر بود؛ و یک آب‌انبار واقعی بود که آب باران انباشته شده در آن را مصرف می‌کردند.

اکثر کتابمقدس‌ها لااقل چند نقشه دارند. اینها مفید هستند ولی یک شاگرد جدی کتابمقدس به نقشه‌های بیشتر و اطلاعات واقعی که اطلس کتابمقدس در اختیار می‌گذارد، نیازمند است. اطلسهای خوبی موجود است. و بعضی از آنها از نوع جلد کاغذی هستند. افزودن یکی از اطلسهای زیر به کتابخانه مطالعه کتابمقدس خود را مورد ملاحظه قرار دهید:

Atlas of the Bible Lands, New Edition، تألیف هری تامس فرانک (Harry Thomas Frank) The Westminster Historical Atlas to the Bible، تألیف جی. ارنست وایت (G. Ernest Wright) و فلویید و. فیلسون (Floyd V. Filson) The Holman Bible Atlas < The Bible Atlas از انتشارات Broadman.

دیگر وسایل کمکی

وسایل کمکی دیگری برای مطالعه کتابمقدس وجود دارد که شایستگی داشتن جایی در کتابخانه مطالعه کتابمقدس شما را دارند. در کتابمقدس موضوعی (Topical Bible) آیات و قسمتهای مربوط به یک موضوع خاص، در یکجا جمع هستند. این موضوعها با ترتیب الفبا منظم شده‌اند.

کتابمقدس مفصل یا تفسیری (The Amplified Bible) برای مطالعه قسمتهایی از کتابمقدس مفید است زیرا معانی لغتها و تفسیر کلام را درست با خود متن کتابمقدس ارائه می‌کند.

در کتاب تطبیق اناجیل (Harmony of the Gospels)، نوشته‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا را در ستونهای موازی نوشته شده‌اند. قسمتها معمولاً به ترتیبی که در زندگی عیسی رخ داده است تنظیم شده‌اند.

کتابهای لغت اصطلاحات الهیاتی زیادی موجود است که بطرزی عملی معنی ریشه‌ای بسیاری از لغات بکار رفته در کتابمقدس را بیان می‌کنند. یک کتاب راهنمای کتابمقدس (Bible Handbook) اطلاعات تفسیری مختصری در اختیار شما می‌گذارد و معمولاً یک جلدی است.

کتابخانه کلیسای شما ممکن است بسیاری از این کتب را داشته باشد و شما می‌توانید برای مدتی محدود از آن استفاده کنید ولی بعنوان یک شاگرد جدی کتابمقدس باید شروع به گردآوری کتابخانه شخصی برای خودتان کنید تا اینکه بتوانید در مطالعه کتابمقدس بطور مداوم از آنها استفاده کنید.

روشی برای شهادت دادن

سخت ترین قسمت این کار شروع کردن آن است! این امر مخصوصاً وقتی صادق است که شاهد جدیدی می خواهد ایمان خود را با دیگران در میان بگذارد. صحبت کردن در مورد مسائل مهم، بخصوص مسائلی که به ابدیت مربوط می شوند، آسان نیست. چگونه می توانید شروع کنید؟ پیشنهادات ذیل به شما کمک می کنند تا بتوانید کار شهادت را شروع کنید. شهادتی بدهید که به معرفی انجیل منجر شود.

پیدا کردن دوستان جدید برای مسیح

نکات زیر توضیح می دهند که چگونه قبل از شهادت دادن به مردم می توانیم با آنها دوست شویم.

- از طریق دوست شدن با کسانی که نحوه زندگی شان با شما فرق می کند، فرصتهای جدیدی بوجود آورید.
- از موقعیتهای بحرانی بعنوان فرصتی برای شهادت دادن استفاده کنید.
- به آنچه دیگران می خواهند در موردش صحبت کنند گوش دهید.
- برای دعا کردن در مورد دوستان گم شده خود وقت صرف کنید.
- همسایگان نجات نیافته، تازه واردان و کسانی را که برای پذیرش انجیل آمادگی دارند، ملاقات کنید. به جاهایی که افراد گم شده زیادی وجود دارند بروید.
- سؤالاتی پرسید که بشود تنها با بلی و خیر پاسخ داد (سؤالاتی که با چه کس، چه، کجا، چرا، کی و چگونه شروع می شوند).
- در مورد شهادت خود فکر کنید تا هرگاه فرصتی پیش آمد آماده باشید.
- با علاقمند بودن به علائق افراد گم شده روابط را صمیمانه تر سازید.
- برای پیدا کردن دوستهای نجات نیافته قدمهای بیشتری بردارید.

روش نزدیک شدن به یک خانه برای شهادت

۱- اسم فرد مورد نظر و اطلاعات دیگری را که از او در کارت خود دارید حفظ کنید. کارتی را که مشخصات و اطلاعات فرد مزبور بر روی آن نوشته شده است با خود به دم در نبرید.

۲- در خیابان پارک کنید. سد معبر ایجاد نکنید.

۳- به چیزهایی که در مورد تعداد افراد خانواده و یا علائق آنها اطلاعاتی در اختیار شما قرار می دهد، خوب توجه کنید؛ نظیر اسباب بازی هایی که در حیاط هستند، چمنی که مرتب و خوب کوتاه شده است، یدک قایق و غیره.

۴- زنگ در را بزنید و یک یا دو قدم به عقب بروید. مانند کسانی که می خواهند چیزی بفروشند خود را مشتاق به داخل شدن به خانه شان نشان ندهید.

۵- بخندید، خود را معرفی کنید و هدف ملاقات خود را بیان نمایید. اینطور بگوئید: «جنابعالی آقای جونز هستید؟ من _____ هستم و ایشان هم دوستان من هستند. ما از کلیسای _____ هستیم.» (اگر اطلاعات دیگری دارید اضافه کنید. مثلاً اگر دوست مشترکی دارید او را معرفی کنید یا می توانید بگوئید «شما جدیداً به این محل آمده اید» و یا «متوجه شده ام که به کلیسای ما آمده اید» و

غیره). «ما می‌خواهیم به داخل بیاییم و اگر برای شما مناسب باشد چند دقیقه‌ای شما را ملاقات نمائیم.» با وضعیتی که در اکثر جوامع وجود دارد، برای افراد خیلی مهم است که بدانند که شما از کجا و به چه منظوری آمده‌اید. اگر شما را به داخل دعوت نمی‌کنند از آنها بپرسید که آیا می‌توانید در وقت مناسب دیگری آنها را ملاقات نمایید.

طرز شروع شهادت

شما ممکن است به هر نوع شخصی شهادت بدهید مثلاً به کسی که او را تصادفاً ملاقات کرده‌اید و یا به شخصی که برای ملاقات وی به منزلش رفته‌اید و یا به کسی که مدتی است او را می‌شناسید.

۱- سخنان شما کوتاه و دلپذیر باشد.

۲- بطور بی‌ریا و صمیمی از فرد مقابل تعریف کنید.

۳- هرگونه عذرخواهی را بپذیرید و در مورد موضوع بعدی صحبت کنید.

۴- سؤالاتی مطرح کنید که باعث شود مسیر صحبت از امور طبیعی به امور روحانی کشیده شود. اگر می‌خواهید به شما گوش دهند، شما نیز به تمام پاسخهای فرد مقابل علاقه نشان دهید برای اینکه موضوع صحبت به مسائل روحانی کشانده شود به نکات زیر توجه کنید.

خانواده - در مورد همسر و کودکان خود، زادگاه وی و دیگر مسائل سؤالاتی از او بکنید. اگر تجربیات مشابهی دارید تعریف کنید. علائق - بپرسید که در اوقات فراغتش چه کارهایی انجام می‌دهد. در مورد هر سرگرمی، ورزش، فعالیتهای اجتماعی و فعالیتهای دیگر که فرد ذکر می‌کند، علاقه نشان دهید. از تجربیات مشابه خود تعریف کنید.

مذهب - بپرسید که هر وقت می‌خواهد به کلیسا برود به کدام کلیسا می‌رود. در مورد زمینه مذهبی شخص سؤالات دیگری بکنید. اگر در همان زمینه تجربیاتی دارید و یا اگر دوستانی دارید که تجربیات مشابهی دارند برای فرد تعریف کنید. اگر مناسب باشد می‌توانید در این موقع شهادت شخصی خود را بدهید. چهار حقیقت انجیل را در شهادت خود ننگجانید. این حقایق را می‌توانید در زمان معرفی انجیل بیان کنید.

سؤالات توضیحی - اولین سؤال توضیحی را که در قسمت «معرفی انجیل» ذکر شده، مطرح نمایید.

الف - آیا در زندگی خود به مرحله‌ای رسیده‌اید که یقین داشته باشید حیات جاودانی دارید و هرگاه بمیرید به بهشت خواهید رفت؟

- اگر پاسخ مثبت باشد، از فرد مقابل بخواهید در صورت امکان به شما بگوید که چه موقع مسیح را پذیرفته است. اگر پاسخ او صحیح بود با سؤالاتی در مورد میزان تسلیم او به مسیح ادامه دهید، مثلاً در مورد تعمید، حضور در کلیسا و شاگردسازی از او سؤالاتی کنید.

- اگر پاسخ منفی باشد (و معمولاً هم اینطور است)، با معرفی انجیل صحبت خود را ادامه دهید. توجه داشته باشید که تأکید کلام شما باید بر کشفی باشد که شما انجام داده‌اید و هر شخصی دیگری نیز می‌تواند انجام دهد. اگر قبلاً شهادت خود را نداده‌اید، شاید اینجا فرصت مناسبی باشد که این کار را انجام دهید.

ب - دومین سؤال توضیحی را مطرح سازید: فرض کنید هم‌اکنون در مقابل خدا ایستاده‌اید و او از شما می‌پرسد: «چرا باید اجازه دهم وارد بهشت شوی؟» فکر می‌کنید چه جوابی خواهید داد؟

- اگر فرد صحیح پاسخ بدهد و بگوید که عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند است، در مورد تجربه شخصی او و اطمینان از نجات، صحبت کنید.

- اگر شخصی اعمال خوب خود را ذکر کرد، می‌توانید نسبتاً مطمئن باشید که انجیل را نمی‌فهمد. سؤال خود را ادامه دهید: «آیا چیز دیگری به خاطرت نمی‌رسد؟» به شخص فرصت دهید تا آنچه را جایگزین مسیح می‌کند برای شما بگوید. مجدداً به خاطر داشته باشید که معرفی شما باید توأم با علاقه باشد و در مورد کشفی که کرده‌اید تأکید کنید.

ج - در ادامه صحبت خود توضیح کمکی مذکور در «معرفی انجیل» را مطرح نمایید. از او سؤال کنید: «آیا به خاطر دارید که از شما سؤال کردم آیا می‌توان در مورد حیات ابدی مطمئن بود و سپس مژده‌ای را که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد برایتان تشریح کردم و گفتیم که می‌توان از داشتن حیات ابدی مطمئن بود؟ اکنون مژده دیگری برای شما دارم. اجازه می‌دهید برایتان بگویم؟» - مهم است که برای مطرح کردن مژده خود از او اجازه بخواهید. این کار باعث می‌شود شخص بعداً صحبت شما را قطع نکند.

- پس از بیان توضیح کمکی، قسمت «هدف خدا» را از مقاله «معرفی انجیل» طرح نمایید.

- اگر شخص اجازه نداد شما به صحبت خود ادامه دهید، مؤدبانه از او بپرسید: «خیلی خوب می‌خواهم این مسئله را در وقت دیگر با شما در میان بگذارم، فقط ده دقیقه طول می‌کشد (اگر متوجه می‌شوید که عجله دارد). شاید بتوانیم زمانی که برای شما مناسب باشد همدیگر را ملاقات کنیم.» گاهی ممکن است فرد بگوید: «خوب حالا که صحبت شما اینقدر کوتاه است همین الان مطرح کنید.» صحبت خود را در پنج دقیقه تمام کنید مگر اینکه خود او با سؤالاتش باعث طولانی‌تر شدن مکالمه شما شود.

نتیجه‌گیری

روش مذکور از بروز هرگونه اعتراضی از طرف فرد مقابل جلوگیری می‌کند. همچنین به شما کمک می‌کند با شرایط روحی او آشنا شوید. البته، هیچ سؤالی نمی‌تواند قلب خود را کاملاً آشکار سازد، اما سؤالات فوق غالباً شرایط اکثر افراد را مکشوف خواهند ساخت. برای معرفی انجیل می‌توانید هر روش دیگری که به نظر شما مؤثرتر می‌باشد، استفاده کنید. نکته مهم این است که قبل از معرفی انجیل از مسیر منحرف نشوید و یا فرد مقابل مانع ادامه دادن صحبت‌های شما نشود. از هر روشی استفاده می‌کنید، قبل از معرفی انجیل باید او را علاقمند سازید. اگر شخصی به شما فرصت صحبت کردن نمی‌دهد، سعی نکنید بزور او را وادار به شنیدن کنید.

پس از مطالعه این مقاله می‌توانید آنرا در قسمت «شهادت به دیگران» قرار دهید.

	<p>دعای با ایمان</p> <p>بطور مخصوص برای کسانی که درگیر خدمت بشارت هستند دعا کنید. همه نحوه‌های بشارت از قبیل شخصی، گروهی، کلیسایی، از طریق تلویزیون، بشارت در فرهنگهای مختلف و نظایر اینها را مد نظر داشته باشید.</p>	<input type="checkbox"/>
	<p>مشارکت با ایمانداران</p> <p>با شریک خود به روش شریکی (Buddy system) یا روش اعلام وابستگی متقابل، تماس داشته باشید و از قراردادی که بمنظور حمایتی یکدیگر بسته‌اید پیروی کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
	<p>شهادت به دیگران</p> <p>ملاقات همسایه‌ها را ادامه دهید و سؤال کنید که آیا برای موضوع خاصی درخواست دعا دارند و نیز در مورد موضوعات دعای قبلی جويا شوید که کارها چگونه پیش می‌رود.</p>	<input type="checkbox"/>
	<p>در این هفته شهادتی را با فردی که مسیحی نیست در میان بگذارید.</p>	<input type="checkbox"/>
	<p>خدمت به دیگران</p> <p>بر قسمت «پاسخها» از «معرفی انجیل» (صفحه ۱۰۰) تسلط داشته باشید. توضیحات و عبارات قسمت توضیحات کمکی را نیز مد نظر داشته باشید.</p>	<input type="checkbox"/>
	<p>در این مرحله با بکارگیری تصویری «انجیل در دست» سعی کنید کلیه موارد را با هم ترکیب کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
	<p>در این هفته خودتان را در یک جنبه از بشارت یا یک پروژه بشارتی درگیر کنید. مسیری در راهنمای خدمت را بکار برید و برای یک خدمت برنامه‌ریزی کنید. ممکن است یکی از تکالیف شهادت دادن پیشین باشد یا اینکه می‌تواند جای یکی از آنها را بگیرد. آماده باشید تا بینش‌هایی را که از این تجربیات کسب می‌کنید به دیگران بازگو کنید.</p>	<input type="checkbox"/>

<input type="checkbox"/>		قسمت «شریک با خداوند: راهنمایی در خصوص شراکت مالی با خداوند» (صفحه ۱۴۷) را مطالعه کنید. مشارکت خود را تجدید کنید یا بهبود ببخشید.	<input type="checkbox"/>
--------------------------	--	---	--------------------------

برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

تأیید کننده برنامه هر شاگردی که بشارت و خدمت تولید نکند، برنامه شاگردی مطابق کتاب مقدس نیست.

پیام بر اساس مطالعه کتاب مقدس

قسمت مورد نظر:

موضوع کلیدی آن قسمت که سعی دارید مطرح کنید:

هدف یا مقصودی که می‌خواهید شنوندگان در نتیجه‌گیری پیام آنرا درک کنند، انجام دهند، احساس کنند یا آنچه‌شان باشد.

عنوان:

رئوس مطالب:

ارائه پیام

۱- مقدمه

الف- حالت خمودگی - توجه آنها را به خود جلب کنید!

ب - چرا این مسئله عنوان شد؟ - نیازی را معرفی کنید که پیغامتان پاسخگوی آن است.

۲- متن پیغام

الف - آن چگونه عمل می‌کند؟ - با توجه به رئوس مطالب، توضیح دهید که آن نیاز یا احتیاج چگونه برآورد می‌شود.

ب - مثلاً چه؟ - ارائه مثال.

۳- نتیجه‌گیری

الف - خوب که چی؟ - کاربرد و مراحل کار.

طرز تهیه یک پیغام بر اساس مطالعه کتابمقدس

آیا تا بحال متوجه شده‌اید که اعلام آنچه که در مطالعه شخصی کتابمقدس احساس یا کشف کرده‌اید، چقدر دشوار است؟ برای این امر دلیل خوبی وجود دارد. اگر آنها همراه شما مطالعه کنند، آنها هم درگیر مسئله خواهند شد و بر روی همان طول موج با شما ارتباط برقرار خواهند کرد. ولی زمانی که سعی می‌کنید در یک گفتگوی صمیمانه یا نطق یا موعظه همان موضوع را بیان کنید، کمتر توجه می‌کنند. معمولاً، علت این است که آنها یا خود را شریک نمی‌بینند یا مطالعه بر حسب نیازها و علایق آنان عنوان نشده است. بنابراین اگر شما پیغامی بر اساس مطالعه کتابمقدس ارائه می‌دهید، برای ادامه آن، روشی متفاوت از آنچه مطالعه را انجام داده‌اید، باید بکار برید.

در حالی که طرز تهیه پیغام بر اساس مطالعه کتابمقدس را توضیح می‌دهیم، فرم مربوط را (صفحه ۱۴۰) مورد استفاده قرار دهید.

موضوع کلیدی قسمت که سعی دارید مطرح کنید

۱- از قسمت مورد نظر یک موضوع اصلی انتخاب کنید یا اینکه کل قسمت را در یک جمله با تأکید بر موضوع اصلی، خلاصه کنید.

۲- موضوع را هرچه ساده‌تر و مختصرتر که ممکن است بر روی فرم بنویسید.

هدف یا مقصود

۱- بر حسب اینکه در نتیجه‌گیری پیغام شما شنوندگان چه چیزی را درک خواهند کرد، انجام خواهند داد یا احساس خواهند کرد، مقصود یا هدف خود را بیان کنید.

۲- با بکار بردن ضمائر شخصی این هدف را بطور دقیق بنویسید. مثال: من می‌خواهم که شنوندگان من در پی مصالحه و آشتی با فردی باشند که با او مشکلی دارند.

عنوان

۱- عنوانی را انتخاب کنید که توصیف کننده چیزی باشد که می‌خواهید درباره آن صحبت کنید. از انتخاب عنوانهای جاذبی که توصیف کننده مفاد پیغام شما نیستند، برحذر باشید.

۲- عنوانی را انتخاب کنید که برای شنوندگان جالب باشد، چیزی که علاقمند باشید در مورد آن بیشتر بدانند.

۳- بیشترین عنوانها نباید بیش از سه الی پنج لغت کلیدی داشته باشند

۴- گرچه عنوان اجباری نیست، اما کمک می‌کند که موضوع اصلی پیغام برای شنوندگان مشخص شود و گوینده کلام را یاری می‌کند

که رئوس مطالب را به موضوع کلیدی ربط دهد.

رئوس مطالب

۱- رئوس مطالب معمولاً از قسمت انتخاب شده ناشی می‌شوند. ببینید که نویسنده کتابمقدس گفته‌های خود را چگونه تقسیم‌بندی کرده یا بسط داده است.

۲- رئوس مطالب باید دربرگیرنده قسمتهایی از موضوع کلیدی یا توضیحاتی درباره آن، یا سئوالاتی در مورد آن باشد.

۳- هر تعداد نکته که می‌خواهید می‌توانید استفاده کنید: اگر نگرش کاربردی را که در یادداشت برداری از موضوعات آموختید، انتخاب می‌کنید، معمولاً نیازی نیست که نکات فرعی زیادی داشته باشید بلکه می‌توانید به شرح زیر و ترتیب دلخواه عمل کنید:

الف - توضیح دهید که کتابمقدس درباره آن نکته چه می‌گوید.

ب - با مثال آن را روشن سازید.

ج - آن را بکار برید.

ارائه پیغام

۱. مقدمه

الف - شنونده حالت خمودگی دارد مگر اینکه توجه او را جلب کند.

از طریق روشهای متعدد علاقه او را جلب و متوجه موضوعتان کنید:

- یک جمله تکان دهنده.
- یک مثال جالب.
- یک سؤال تعجب‌آور.
- چیزی که قبلاً مورد توجه او بود.

ب - «چرا این مسئله عنوان شده، سؤالی است که در فکر شخصی که توجهش را جلب کرده‌اید مطرح خواهد شد. نیازی را معرفی کنید یا سؤالی را بپرسید که پیغام شما باید پاسخگوی آن باشد. تا جایی که امکان دارد آن نیاز را با اهمیت جلوه دهید. شنونده باید متقاعد شود که شما قصد دارید چیزی را بگویید که ارزش شنیدن دارد.

۲- متن پیغام

الف - آن چگونه عمل می‌کند؟ پس از اینکه به شنونده گفتید که پاسخی برای آن نیاز دارید، سؤال فوق ذهن او را مشغول می‌کند. توضیحات شما باید نشان دهنده پاسخ خدا باشد. پاسخ شما می‌تواند همان رئوس مطالب شما و توضیحات، شرح با مثال و کاربردها باشد.

ب - مثلاً چه؟ این سؤالی است که پس از توضیح هر نکته یا اصل در ذهن شنوندگان مطرح می‌شود. مثالها پنجره‌هایی هستند که نور را به ذهن شنوندگان عبور می‌دهند. گرچه مثالهای متعددی عنوان کرده‌اید، برای این مرحله باید مثال دیگری داشته باشید که شنوندگان را یاری کند تا تصور کنند که اگر پیغام را در زندگی عملی بکار برند چه رخ خواهد داد.

۳- نتیجه‌گیری

الف - خوب که چی؟ این است پاسخ شنوندگان که پس از ارائه پیغام شما عنوان می‌کنند. شما می‌خواهید او چه کاری درمورد آن انجام دهد؟

ب - قدمهایی که بر اساس کتابمقدس باید برداشته شود بترتیب عنوان کنید.

شنوندگان را ترغیب کنید که موضوع کلیدی پیغام را در زندگی خود بکار ببرند. مستقیماً با آنها صحبت کنید و اراده آنها را در مورد سؤال قرار دهید و بپرسید، این را انجام خواهید داد؟ بجای اینکه بپرسید، مگر نمی‌بایست این کار را می‌کردید؟ (که بیشتر متهم کننده است). آنها را تشویق کنید تا آن را انجام دهند. در مورد کسانی که چنین کرده‌اند صحبت کنید و نتیجه کار آنها را بگویید. دعوت کنید تا خود را تسلیم کنند.

بعد از مطالعه این مقاله می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» بایگانی کنید.

چگونگی مطالعه گام به گام کتاب مقدس

با روش های ذیل گروه را راهنمایی کنید تا به بحث در مورد هر قسمت پردازند.

۱- موقعیت چیست؟ (زمینه)

- الف - از یکی از داوطلبین بخواهید زمینه موجود در آیه را خلاصه کند.
- ب - از دیگران بخواهید تا علاوه بر آنچه گفته شد، سایر جزئیات را ذکر کنند.
- ج - سایر مطالبی را که اعضا نگفتند، به آنچه گفته شد اضافه کنید.

۲- چه مسائلی وجود دارند؟ (سؤالات)

- الف - از اعضا دعوت کنید سؤالات خود را مطرح کنند.
- ب - در نظر داشته باشید که ما بیشتر به سؤالات شخصی توجه می کنیم ولی سؤالات احتمالی که ممکن است شخص دیگری پرسد نیز قابل قبول هستند.
- ج - اگر همان موقع جوابی آماده برای سؤال دارد، به آن گوش دهید. اما روند کلاس را برای بحث کردن در مورد جواب، قطع نکنید. در سه بخش آینده فرصت پرداختن به برخی از آنها دست خواهد داد.
- د - شرکت کنندگان را کمک کنید تا درک کنند اگر سؤالات آنها بی جواب می ماند، عیبی ندارد. بعضی از آنها در سایر بخش های درس پاسخ داده می شوند. برخی دیگر نیز ممکن است در دروس آینده پاسخ داده شوند. همچنین برخی سؤالات وجود دارند که هرگز نمی توانیم پاسخ کامل آنها را بیابیم.

۳- کتاب مقدس پیرامون آن چه تعالیم دیگری می دهد؟ (ذکر آیات)

- الف - از شرکت کنندگان بخواهید در صورتی که آیه ای را می دانند که به یکی از سؤالات در لیست سؤالات قسمت پیش پاسخ می دهد، آن را مطرح نمایند.
- ب - از شرکت کنندگان بخواهید در صورتی که آیه ای را می دانند که فکر می کنند گفتن آن به درک قسمت مطالعه شده از کتاب مقدس کمک خواهد کرد، آن را مطرح کنند و در عین حال بگویند که چرا فکر می کنند این آیه مفید واقع خواهد شد.
- ج - به اعضا یادآور شوید که فقط محل آیتی را که می توانند در روشن شدن قضایای مذکور در قسمت مطالعه شده از کتاب مقدس مفید واقع شوند، بصورت فهرستی درآورند و به شرح کلمات موجود در آیات پردازند.

۴- چگونه این قسمت از کتاب مقدس را به زبان خود بیان کنیم؟ (تشریح)

- الف - از یکی از شرکت کنندگان بخواهید تفسیر خود را بخواند. آنهایی را که در بحث کمتر شرکت کرده اند برای این کار انتخاب کنید.
- ب - از شرکت کننده دیگری بخواهید نظرش را راجع به تفسیر نفر اول بگوید. از او بخواهید انتقاد کند.
- ج - یک یا دو نفر دیگر برداشتهای خود را بخوانند. می توانید بخواهید که دیگران نظرشان را راجع به آنها بگویند یا شاید هم لزومی به این کار نمی بینید. مواظب گذشت زمان باشید و اجازه ندهید این جزئیات بیش از آنچه لازم است طولانی شوند.
- د - پرسید آیا کسی هست که این قسمت از کتاب مقدس را بصورت خلاصه یا رئوس مطالب درآورده باشد و بخواهد با گروه در میان بگذارد.

۵- دیگران راجع به آن چه می‌گویند؟ (تحقیق)

الف - از آنها بخواهید در صورتی که کسی پاسخ سوالی را که در قسمت قبل مطرح شده است می‌داند، آن را با دیگران درمیان بگذارد.

ب - شرکت کنندگان را دعوت کنید نکاتی را که بنظرشان عملی است، مطرح کنند.

۶- من چه باید بکنم؟ (کاربرد)

الف - از یکی از اعضا بخواهید بخشی از کاربرد خود را بخواند.

ب - نکات مثبت را تشویق کنید.

ج - در صورتی که آن عمل آنقدر مشخص نیست که بتوان آن را اندازه‌گیری کرد، از او پرسید از کجا می‌داند که توانسته است آن را دقیقاً بکار برد؟

د - از سایر داوطلبین نیز بخواهید تا کاربرد خود را بخوانند. در صورت لزوم آنها را بنام مشخص کنید تا مطالب خود را بخوانند.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت "خدمت به دیگران" قرار دهید.

شریک با خداوند

راهنمایی در خصوص شراکت با خداوند در امور مالی

«چرا مسیحیان درک نمی‌کنند که بزرگترین مانع رشد آنها به کیف پول آنها مربوط می‌شود.» این مطلب را شاگردی که اخیراً اموال خود را به خداوند تسلیم کرده بود می‌گفت.

خدا با آفرینش جهان و قرار دادن آن تحت حاکمیت انسان، شراکتی را با انسان بوجود آورده است (پیدایش ۱: ۲۶). انسان در بجا آوردن اصول نظارت بر آنچه خدا در اختیار او قرار داده بود، شکست خورد و نتیجه آن، هرج و مرج و بی‌نظمی اقتصادی بود که در حال حاضر هم حاکم می‌باشد.

کتاب مقدس اصول و وعده‌های الهی در این زمینه را در یک جمله چنین بیان می‌کند: «لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد» (متی ۳: ۳۳). منظور او از «این همه» احتیاجات فیزیکی و مادی شماست (رجوع کنید به متی ۱۹: ۳۴).

اگر شما ملکوت خدا را در صدر همه چیز قرار دهید، او احتیاجات شما را قبل از هر چیز مد نظر خواهد داشت. خداوند می‌خواهد تمام احتیاجات شما را رفع نماید (رجوع کنید به فیلیپیان ۴: ۱۹). آیا با زندگی کردن به دور از معیارهای الهی از دخالت دادن خدا در مسائل مالی آن غفلت کرده‌اید؟

این مقاله شما را کمک خواهد کرد تا شراکت خود را با خداوند احیاء کنید و همچنین به شما نشان خواهد داد که چه اصول دیگری را نیز باید از این پس مدنظر داشته باشید. با بکار بردن مراحل ذیل در مشارکت خود با خدا تجدیدنظر کنید. هر اصل را به همراه تعلیمی که کتاب مقدس راجع به آن می‌دهد بخوانید. اصلی را که در حال حاضر مطابق آن زندگی می‌کنید، علامت بزنید و در صورتی که به اصل مورد نظر عمل نمی‌کنید، محل مورد نظر را تا زمانی که به مرحله چهارم برسید، خالی بگذارید.

مرحله ۱: اصول مربوط به مالکیت خدا را بپذیرید.

مواردی را که در حال حاضر می‌پذیرید، علامت بزنید.

_____ اعتراف می‌کنم به این اصل که خداوند خالق پر جلال، حاکم و کنترل‌کننده همه چیز است (مزمور ۱: ۲۴).

_____ اعتراف می‌کنم به این اصل که خدا انسان را حاکم و ناظر بر همه خلقت قرار داد. (مزمور ۶: ۸).

_____ اعتراف می‌کنم که خدا ناظر خود را بر حسب هر آنچه دارد داوری خواهد کرد نه بر حسب آنچه ندارد. (دوم قرتیان ۸: ۱۲، اول قرتیان ۴: ۲).

_____ اعتراف می‌کنم که خدا همه نیازهای ناظر امینی را که اموال خدا را بخوبی نظارت می‌کند، برآورده می‌سازد (فیلیپیان ۴: ۱۹ و مزمور ۳۷: ۲۵).

مرحله ۲: اصولی را که گویای مسئولیت‌پذیری است بکار ببندید.

مواردی را که در حال حاضر به آنها عمل می‌کنید، علامت بزنید.

- با درست بکار بردن اموالی که خداوند به من داده، مطابق آنچه در آیات ذیل آمده است، این اصل را که باید خداوند را جلال دهیم، بجا می آورم (متی ۳۳: ۶، اول قرنتیان ۳۱: ۱۰)
- این اصل را که باید اموال را بطرز صحیحی در خانواده بکار ببرم، بجا می آورم (۱ تیموتاؤس ۸: ۵ امثال سلیمان ۲۹: ۱۱، ۲۷: ۱۵).
- این اصل را که باید ده یک اموال را به کلیسا بدهم، بجا می آورم (ملاکی ۳: ۸-۱۱).
- این اصل را که باید چیزی بیش از ده یک را بدهم بجا می آورم (اول قرنتیان ۱۶: ۲-۱، اعمال رسولان ۲۷: ۴-۳۲، امثال سلیمان ۱۱: ۲۴-۲۵).
- این اصل را که باید به دولت مالیات پردازم بجا می آورم (لوقا ۲۵: ۲۰ رومیان ۱۳: ۷-۱).
- من بطرز صحیحی بر دارایی که دارم نظارت می کنم تا بتوانم از خانواده ام نگهداری کنم، به کلیسا هدیه بدهم و همه مالیاتهایم را بدون کلاهبرداری پردازم.

دانستن اصول فوق الذکر، حس مسئولیت شما را افزایش خواهد داد اما پیروزی و موفقیت شما، در نتیجه عمل کردن آن حاصل می شود. مراحل ذیل شما را کمک خواهد کرد که اصول و معیارهای الهی را بعمل آورید تا شما را به شریک خوبی با خداوند مبدل کنند.

- مرحله ۳: با ایمان به توانایی خدا، به اصول مربوط به اعتماد به خداوند عکس العمل نشان خواهم داد.
- مواردی را که در ذیل می خواهید نسبت به آنها عکس العملی توأم با ایمان داشته باشید، علامت بزنید.
 - اعتماد دارم که خداوند عادلان را برکت خواهد داد (امثال ۴: ۲۲، مزبور ۳۷: ۳-۴).
 - اعتماد دارم که خدا کسانی را که دعا می کنند برکت خواهد داد (یعقوب ۵: ۱۶، متی ۷: ۷-۸، یوحنا ۱۵: ۷).
 - اعتماد دارم که خدا کسانی را که در کارشان دقیق و هوشیارند، برکت می دهد (امثال ۱۰: ۱۶، ۱۱: ۱۲، ۱۳: ۴ مزبور ۳: ۱، امثال ۱۱: ۲۵).
 - ایمان دارم که باید امیال و آرزوهای خود را در جهت آنچه خداوند مقرر کرده است، محدود کنم (فیلیپیان ۴: ۱۱-۱۲، اول تیموتاؤس ۶: ۶ امثال ۱۵: ۱۶).

- مرحله ۴: بر طبق اصول پاداش، به خدا پول بدهید.
- اصولی را که بر طبق آنها مایلید اموال خود را بدهید علامت بزنید:
- من سرمایه خود را با معیارهای اقتصاد الهی بکار خواهم برد چرا که هیچ پشیمانی بیار نمی آورد (امثال ۲۲: ۱۰ گویای آن است که خدا آنچنان شما را برکت خواهد داد که پشیمان نخواهید شد از اینکه در ملکوت او سرمایه گذاری کرده اید).
 - من اموال خود را به نشانه اثبات ایمانم سرمایه گذاری خواهم کرد (عبرانیان ۱۱: ۶).
 - خدا را برای آنچه وعده داده است شکر خواهم کرد (ملاکی ۳: ۱۰ لوقا ۳۸: ۶).
 - بر خدا اعتماد خواهم کرد که میراثی برای فرزندان و نوه هایم بجای خواهد گذاشت (امثال ۱۳: ۲۲).

- مرحله ۵: با اصلاح عقایدتان، شیوه زندگی تان را تغییر دهید. شاید ندانید که شیوه زندگی تان مانع از آن است که بتوانید شریک خوبی برای خدا باشید. اگر اینطور است، مراحل ذیل را علامت بزنید تا مجدداً شما را در رابطه کاملی با خدا هدایت کنند.
- من از گناه عدم اطاعت از اصول و معیارهای الهی توبه می کنم و می خواهم همه چیز اصلاح شود (امثال ۱۳: ۲۸ مزبور ۱: ۳۲-۷).
 - من بی درنگ با دادن ده یک و هدایا به کلیسا، پرداخت مالیاتها و تنظیم بودجه خانواده ام مطابق تعالیم کتاب مقدس، نظارت خود را بر امور مالی نشان خواهم داد.

تمام مخارج غیر ضروری خود را موقوف خواهم کرد تا بتوانم بدهی‌های عقب افتاده را به بستانکارانم بپردازم (امثال ۲۲:۱).

بدهی خود را به بستانکارانم به نحوی که صحیح بدانند، و در اسرع وقت خواهم پرداخت (تا جایی که مقتضیات ایجاب کند) (امثال ۱۱:۳، ۲۰:۱۸).

من صبورانه به داشتن امور مالی صحیح ادامه خواهم داد تا بتوانم در قالب یک زندگی مسیحی که خداوند را خشنود می‌سازد زندگی کنم (امثال ۲۸:۶، ۵:۲۱). به خود یادآوری خواهم کرد همانقدر که طول کشید در یک مشکل مالی بیفتم، ممکن است طول بکشد تا از آن مشکل خارج شوم.

خداوند معیارهای خود را وضع کرده و خود را به آنها محدود نموده است. من بعنوان یک شریک کامل، خود را به خدا تسلیم می‌کنم. من ناظر خوبی نسبت به تمام آنچه او عطا کرده، خواهم بود و او بعنوان کسی که تمام احتیاجات مرا رفع نموده است، اعتماد خواهم کرد.

تاریخ _____ امضاء _____

شریک با خداوند

پس از مطالعه این درس می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

زندگی من با خداوند در این هفته

برنامه جلسات تفکیک شده		تاریخ (های) شروع _____، _____	برنامه استاندارد
هفته دوم	هفته اول		
		صرف وقت با خداوند	
	<input type="checkbox"/>	روزانه وقتی را به رازگهان اختصاص دهید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		فهرستی از مطالبی که خداوند در طول این هفته از طریق رازگهان به شما می‌گوید تهیه کنید.	<input type="checkbox"/>
		می‌توانید یک چند مورد را از فعالیت‌های «زندگی در کلام» و «دعای با ایمان» را به اختیار در رازگهان خود بگنجانید	
		زندگی در کلام	
<input type="checkbox"/>		به مطالعه روزانه کتاب مقدس ادامه دهید و دیدگاههایی را که از راهنمای مشارکت روزانه با خداوند می‌گیرید یادداشت کنید.	<input type="checkbox"/>
	<input type="checkbox"/>	کولسیان ۲۸:۱-۲۹ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		یوحنا ۱:۱۴ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آیاتی را که از «معرفی انجیل» (صفحه ۱۰۰) حفظ کرده‌اید، مرور کنید.	<input type="checkbox"/>
		دعای با ایمان	
	<input type="checkbox"/>	برای کسانی که در خدمت، تعلیم یا موعظه هستند دعا کنید از قبیل: معلمین کانون شادی، شبانان، اساتید کالج‌ها و مدارس الهیات و همچنین مبشرین و...	<input type="checkbox"/>

<input type="checkbox"/>	<p>اسامی افرادی را که با آنها کار می‌کنید روی هر یک از سطوح هرم شاگردی بنویسید. در کنار هر یک از اسامی با ستاره‌ای علامت بگذارید و روزانه برای او دعا کنید تا در هرم مذکور ترقی کند. اگر با کسی (شاگردی) در هر یک از سطوح این هرم رابطه‌ای ندارید، از خداوند بخواهید کسانی را جهت خدمت در آینده‌ای نزدیک به شما عطا کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>وقتی را که با خداوند دارید بیشتر کنید. رازگاران ماهانه باعث خواهد شد از هدفی که از پیروی مسیح در زندگی‌تان دارید خارج نشوید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>تاریخ _____</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>مشارکت با ایمانداران</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>آنانی را که علاقمند هستند دعوت کنید خصوصاً آنانی را که می‌توانید به برنامه زندگی منضبط هدایت کنید و همچنین آنان که می‌گویند در کنفرانس شاگردی که در هفته آینده برگزار خواهد شد، شرکت کنند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>شهادت به دیگران</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>مقاله «چگونگی هدایت به تسلیم زندگی» (صفحه ۱۵۳) را بخوانید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>در این هفته با یک نفر در مورد حقیقتی یا شهادت زندگی‌تان یا قسمتی از کلام خدا صحبت کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>خدمت به دیگران</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>بر بخش «هدایت فرد به تسلیم کردن خود» در بخش «معرفی انجیل» تسلط پیدا کنید و آن را یاد بگیرید بطوری که بتوانید با کلمات خود آن را توضیح دهید. اگر بتوانید این معرفی را به طرز مؤثری انجام دهید، از کسی بخواهید که گزارش پایان دوره دوم را امضاء کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>به حفظ آیات دیگری که برای معرفی در تمام «زندگی منضبط» آمده، ادامه دهید.</p>	<input type="checkbox"/>

<input type="checkbox"/>	مقاله «سطوح شهادت دادن و شاگردسازی» (صفحه ۱۵۷) را بخوانید.	<input type="checkbox"/>
--------------------------	--	--------------------------

شاگردی، سرمایه گذاری زندگی خود در زندگی دیگران است.

<input type="checkbox"/>	<p>در حقیقت به عنوان شاگرد، شما به یک استاد یا مربی نیاز دارید که بتواند شما را به یک شاگرد تبدیل کند. این شاگردی است که شما را به یک شاگرد تبدیل کند و شما را به یک شاگرد تبدیل کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>در حقیقت به عنوان شاگرد، شما به یک استاد یا مربی نیاز دارید که بتواند شما را به یک شاگرد تبدیل کند. این شاگردی است که شما را به یک شاگرد تبدیل کند و شما را به یک شاگرد تبدیل کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>در حقیقت به عنوان شاگرد، شما به یک استاد یا مربی نیاز دارید که بتواند شما را به یک شاگرد تبدیل کند. این شاگردی است که شما را به یک شاگرد تبدیل کند و شما را به یک شاگرد تبدیل کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>در حقیقت به عنوان شاگرد، شما به یک استاد یا مربی نیاز دارید که بتواند شما را به یک شاگرد تبدیل کند. این شاگردی است که شما را به یک شاگرد تبدیل کند و شما را به یک شاگرد تبدیل کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<p>در حقیقت به عنوان شاگرد، شما به یک استاد یا مربی نیاز دارید که بتواند شما را به یک شاگرد تبدیل کند. این شاگردی است که شما را به یک شاگرد تبدیل کند و شما را به یک شاگرد تبدیل کند.</p>	<input type="checkbox"/>

چگونگی هدایت به تسلیم

چنانچه در اعلام انجیل به دیگران، شنوندگان ترغیب نشوند که خود را به مسیح و انجیل تسلیم کنند، تلاش شما در بیان انجیل ناموفق خواهد بود. یک فعالیت آگاهانه و سنجیده منجر به این خواهد شد که شخص گمراه و بی ایمان، مسیح را بعنوان نجات دهنده خود بپذیرد. در این زمینه دلایل بسیاری وجود دارد.

چرا هدایت به تسلیم زندگی؟

۱- به دلیل کتاب مقدس. عیسی مسیح این شیوه را بکار برد. او خطاب به پطرس گفت: «از عقب من بیا» (متی ۱۹:۴). متی با جگیر را نیز با همان روش دعوت کرد (متی ۹:۹). بعد از اینکه فیلیپس شخصاً توسط مسیح دعوت شد، خود همان روش را در دعوت تنائیل بکار برد (یوحنا ۱:۴۵-۴۹).

۲- به دلایل منطقی. ماهیت بسیاری از پیغامهای انجیل بگونه ای است که شنونده را به نشان دادن عکس العمل یا جواب دادن وامی دارد. اتخاذ تصمیم، نتیجه منطقی هر اعلام انجیل است. اگر شهادت دهنده در جهت تسلیم به مسیح، دیگران را تشویق و ترغیب نمی کند، پیغام او ناقص است. انجیل عیسی مسیح نوعی پیشنهاد است. پیشنهاد خدا به انسان در مورد نجات، بخشش از گناهان و پیروی ابدی خدا از طریق عمل نجات بخش فرزند یگانه اش، عیسی مسیح. این پیشنهاد ایجاب می کند که هر شنونده پیغام، تصمیم خود را در این باره بگیرد.

هیأت منصفه ای را در نظر بگیرید که قرار است به موضوع بی نهایت مهمی رسیدگی کند. آنها با دقت به شواهدی که مربوط به موضوع است و از طرف وکلاء ارائه می شود، گوش می دهند. وقتی مدارک و شهود ارائه شدند دادگاه تنفس اعلام می کند. در این زمان هیچکس از هیأت منصفه نمی خواهد که رأی دهد، هیچکس به آنها نمی گوید که چطور حکم کنند. نتیجه نهایی معلوم نیست. هیأت منصفه در جایگاه خود نشسته و کار هنوز خاتمه نیافته است.

عین همین جریان برای کسی که پیغام انجیل را می شنود اما به اتخاذ تصمیم هدایت نمی شود، اتفاق خواهد افتاد. مژده عیسی مسیح اعلام رأی و نظر را طلب می کند. اگر شخص بی ایمان کمک نشود تا بفهمد چگونه باید عیسی مسیح را بپذیرد و تشویق نشود که به مسیح ایمان بیاورد، در واقع او را کمک کرده ایم که بگوید نه.

۳- به دلیل عملی. میلیونها نفر زمانی به مسیح ایمان آورده اند که در یک برخورد فرد به فرد از آنها دعوت شده است. حتی بسیاری از آنانی نیز که در یک جلسه عمومی شرکت کرده اند، در دعوت های فردی که از آنان شده، مسیح را پذیرفته اند. شخص بی ایمان ممکن است از شرکت در جلسات عبادتی امتناع کند چرا که او در بی ایمانی است و میل ندارد انجیل یا دعوت آن را بشنود. فرد مسیحی می تواند پیغام انجیل را به چنین شخصی برساند و او را به پذیرفتن مسیح دعوت کند. انجیل و دعوت مربوط به آن، محدود به ساختمان کلیسا نیست. اراده خدا برای مسیحیان این است که انجیل و دعوت آن را به تمام عالم ببرند، نه اینکه منتظر بمانند تا تمام دنیا به ساختمان کلیسا بیایند.

بشارت مؤده عیسی می تواند تأثیر چشمگیری بر آنانی که آن را می شنوند داشته باشد. رها گذاشتن چنین تأثیرات بدون اینکه شخص بی ایمان را به گرفتن تصمیم ترغیب کنیم، کار خطرناکی است. تأثیرات انجیل در صورتیکه با بیان و موعظه همراه نباشند، کم از کم بین خواهند رفت.

اعلام انجیل و در نظر نگرفتن زمانی برای دعوت به تسلیم شدن به مسیح در آن، آنانی را که بشارت مسیح را می شنوند به حالت خنثی در خواهند آورد. این حالت می تواند آنان را به شدت در به تأخیر انداختن این تعلیم مهم عادت دهد و آنان را نسبتاً به انجیل سخت دل کند.

انسان طبیعتاً در مسائل روحانی کم تحرک است. لذا احتیاج به تشویق و ترغیب دارد تا بتواند به پیشنهادات انجیل پاسخ دهد. پولس این موضوع را درک کرده بود. او می گوید: «پس چون ترس خدا را دانسته ایم مردم را دعوت می کنیم.» (دوم قرتیان ۵: ۱۱). اگر بی ایمانان نسبت به آنچه احساس کرده اند تحرک و عکس العمل عمیقی از خود نشان ندهند، احتمال از بین رفتن تدریجی تأثیرات مساعد و مطلوبی که با موعظه انجیل بروز کرده است وجود دارد.

تراژدی بزرگ این است که بگذاریم کسی در بی ایمانی و گمراهی خود بماند؛ در صورتی که اگر همین شخص بشارت را می شنید و به مسیح دعوت می شد، حتماً مسیح را می پذیرفت.

چگونگی هدایت به تسلیم

دعوت دیگران به مسیح در بشارتهای فرد به فرد باید با دقت همراه باشد. شخص شهادت دهنده زمانیکه قصد دارد دیگری را به مسیح دعوت کند، باید دقیقاً بداند چه می خواهد بگوید. مبشر حتی باید کلماتی را که در نظر دارد بکار ببرد، حفظ کند. ممکن است بنظر برسد این کار مشکل است اما دلایل بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه چرا بیاید شخص شهادت دهنده دقیقاً بداند چه می خواهد بگوید. حتی تا آنجا که اگر مجبور شود، درخواستش را نیز باید حفظ کند.

لحظه دعوت شخص به پذیرش مسیح اغلب لحظه حساسی است. شهادت دهنده اغلب حالت ناآرامی دارد و از طرفی بی ایمان نیز می داند که در برابر تصمیم مهمی قرار دارد که ابدیت او را در بر دارد. در چنین لحظه ای، شخص مبشر نباید نسبت به کلمات خود شک کند یا در تمایل و خواستن خود در این کار سست شود. آنچه لازم است، یک آموزش و راهنمایی روشن و صریح است در مورد آنچه که از شخص بی ایمان خواسته می شود تا انجام دهد. بی ایمان نیاز دارد بطور واضح به او گفته شود که برای پذیرفتن مسیح بعنوان نجات دهنده چه باید بکند. در چنین لحظه حساسی شخص بشارت دهند نباید بدون آمادگی قبلی حرفهایی بزند. بعد از گفتن کلام، با یک سری سؤالاتی که بلافاصله می پرسید، او را برای دعوت به ایمان آماده کنید.

۱- آیا این موضوع برای شما مفهوم است؟ این سؤال درک و فهم فرد بی ایمان را نسبت به انجیل می سنجد. همچنین سؤالی است که موضوع را به پاسخ دادن شنونده ارتباط می دهد. شخص بی ایمان پاسخ می دهد بلی یا خیر. اگر پاسخ او بلی بود، سؤال بعدی را مطرح کنید. و اگر پاسخ خیر بود، سریعاً همان نکات مربوط به دعوت انجیل را تکرار کنید، و در حینی که تدریجاً پیش می روید، پرسید آیا این نکته را متوجه می شوید. پاسخ های منفی ممکن است اینگونه باشند: «مطمئن نیستم» یا «خیلی پیچیده است.» «در موردش فکر می کنم» «این موضوع می تواند به معنی اطفای علایق یا عقاید باشد.» یا «شاید صادقانه بگویم که اصلاً موضوع را نفهمیده ام.» با هر یک از سؤالات فوق برخورد و عکس العملی درست و مطلوب داشته باشید.

۲- آیا دلیلی وجود دارد که نمی خواهید فیض مجانی خدا را بپذیرید؟ این سؤالی است که در زمینه تسلیم به مسیح از جنبه ای منفی برخورد است. این بستگی به میل شخص بی ایمان دارد. این سؤال خطاب به کسی است که برخواسته های خود متمرکز است.

در بخش معرفی انجیل، در خصوص عطیهٔ مجانی خدا، بازگشت از گناه و ایمان آوردن به مسیح بحث به میان آمده است. این سؤالات چیزهایی نیست که شخص بی‌ایمان اولین مرتبه با آنها مواجه می‌شود. اما باز اگر شخص گم‌شده در این مرحله سؤال یا دلیلی مطرح کرده، با آن بگونه‌ای مثبت و صادقانه برخورد کنید.

۲- آیا می‌خواهید از گناهانتان بازگشت کنید و هم‌اکنون به مسیح ایمان بیاورید؟ این سؤالی است که در زمینه تسلیم به مسیح، از جنبه‌ای مثبت برخوردار است. اگر بی‌ایمانان پاسخ دهند بله، با استفاده از طبقه‌بندی قسمت «تسلیم» که در مدل معرفی انجیل آمده است، در بحث پیش بروید. مدل ارائه شده، در مراحل کلیدی و مهم را در کمک شخص بی‌ایمان برای اینکه بفهمد چه باید انجام دهد، در اختیار قرار خواهد داد.

بحث و بررسی عکس‌العمل منفی

تاکنون آموخته‌اید که با شخصی که با او صحبت می‌کنید و پاسخ مثبت می‌دهد، چه باید بکنید. اما زمانی که شخص بگوید نه، چه باید کرد؟

تصمیم‌گیری آدمی مقوله‌ای پیچیده و مرکب است. فکر بشر اغلب موضوعی را که درک نمی‌کند موافق دلایل عقلانی خودش آن را تعبیر و تفسیر می‌کند. ممکن است شخص بارها در پذیرفتن مسیح پاسخ منفی بدهد، اما پاسخ منفی او در واقع پوششی است بر تمایل مثبت درونی وی. در چنین موقعیتی مبشر باید نسبت به هدایت روح‌القدس بی‌نهایت حساس باشد. در این صورت مبشر اغلب می‌تواند شخص بی‌ایمان را در یافتن احتیاج منطقی‌اش در پذیرفتن مسیح یاری کند. ممکن است لازم باشد برای چند لحظه‌ای بحث را متوقف کنید و کمی بعد، از راه دیگری بحث را دنبال کنید. والدین لازم است بیاد آورند که تصمیمات آنها نه تنها بر زندگی خودشان تأثیر می‌گذارد، بلکه بر زندگی فرزندان‌شان نیز. راههای دیگری که می‌توانید از آنها وارد شوید این است که بگویید مسیح قادر است نیاز و هدفی را که بنظر دست نیافتنی است به ما بدهد، یا مسیح می‌تواند به شخص بی‌ایمان که در کشمکش درونی خود گرفتار است، آرامش بدهد یا مسیح به خانواده‌ای که در مسائل خانوادگی خود گرفتار مانده، می‌تواند قدرت دهد و آنها را کمک کند تا مسائل خود را حل کنند.

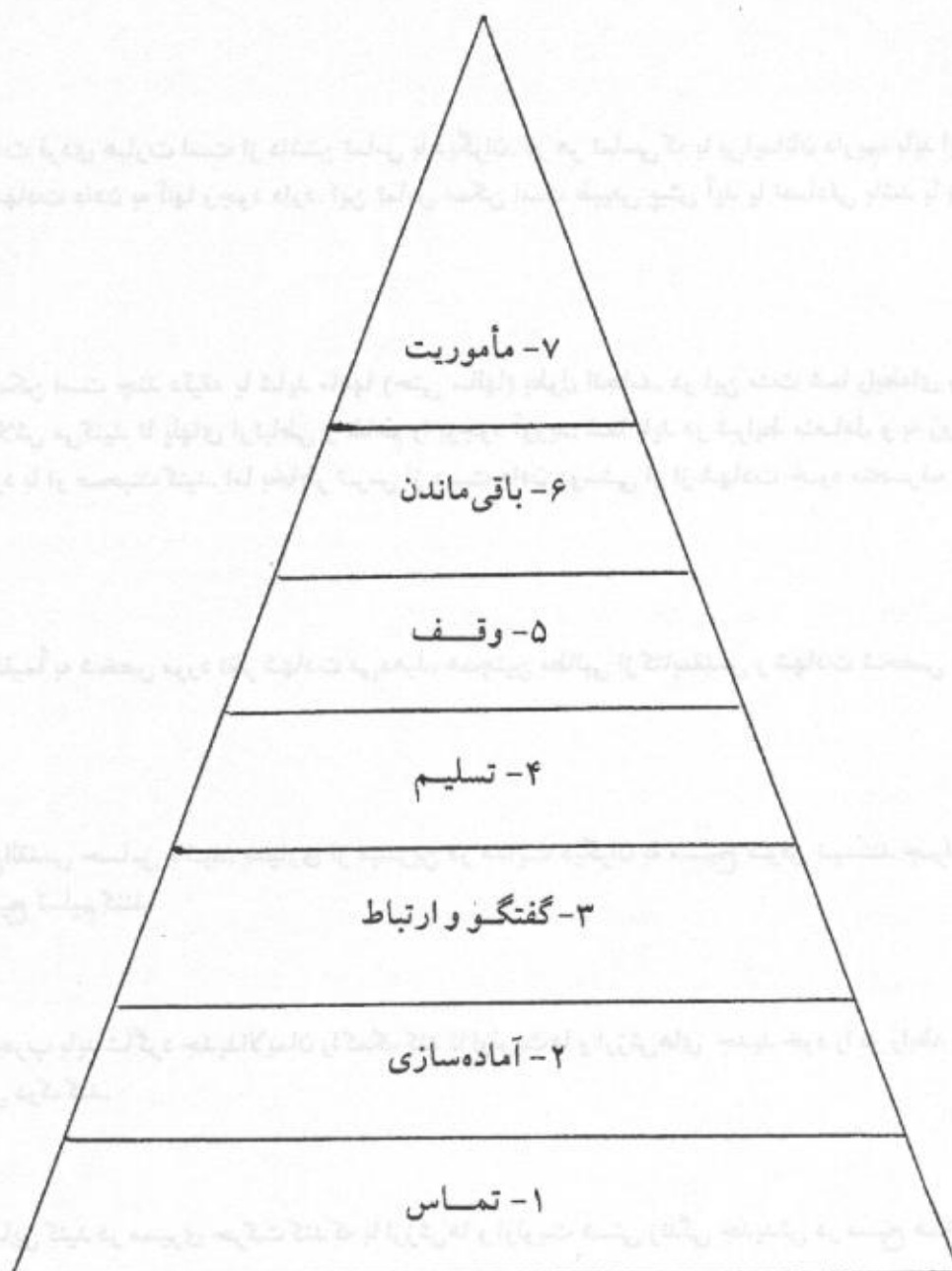
ادامه دادن بحث با چنین تلاش ثانویه‌ای باید با هدایت روح‌القدس انجام شود. هرگز توهین نکنید، هرگز صداقت و راستی آنان را زیر سؤال نبرید. اجازه ندهید تمایل شما به اینکه شخص به مسیح ایمان آورد، آنچنان باشد که به راستی و شخصیت او خدشه وارد آورد. اما از اصرار خود در اینکه تصمیم بگیرد نیز دست برندارید. مهم‌ترین اصرار شما باید فقط این باشد که شخص بی‌ایمان بداند به چه نیاز دارد.

زمانیکه متقاعد شدید شخص بی‌ایمان تصمیم گرفته از پذیرفتن مسیح امتناع کند، موارد ذیل می‌توانند مفید واقع شوند.

لیستی از افرادی را که شما برای آنها دعا کنید، در عهد جدید خود داشته باشید. در حالیکه به لیست خود متوجه می‌شوید بگویید: من ایمان دارم که دیرزمانی نه چندان دور و بزودی تو به مسیح ایمان خواهی آورد. می‌خواهم بدانی که من حقیقتاً منتظر آن لحظه هستم. آیا می‌خواهی جزو لیست دعای من باشی؟ قول می‌دهم هر باری که این لیست را مرور می‌کنم، دعا کنم که خدا تو را در اتخاذ این تصمیم بزرگ کمک کند. اجازه می‌دهی چنین کاری بکنم؟

جزوه‌ای از کتاب مقدس نزد او بگذارید و او را تشویق کنید که همان شب آن را به دقت بخواند. یادآوری کنید که در هر زمان و هر مکانی، می‌تواند مسیح را بپذیرد. بگویید: اگر مسیح را پذیرفتی، آیا ممکن است در اولین فرصت به من خبر دهی؟ نام، آدرس و شماره تلفن من روی جزوه نوشته شده است.

سطوح شهادت دادن و شاگردسازی



وقتی مشغول شهادت دادن و شاگردی سازی می شوید، زود پی خواهید برد که همه یکسان عکس العمل نشان نمی دهند. بنظر می رسد بعضی از افراد برای پذیرفتن مسیح آمادگی لازم را دارند، حتی خوشحالند، در حالیکه دیگران بی علاقه و یا متخاصم می باشند. چگونه به مردمی که در سطوح مختلف پذیرش و درک قرار دارند می توانید شهادت دهید. یک راه این است که تشخیص دهید فرد در کدام سطح از پذیرش قرار دارد. در جریان شهادت مسیحی از مرحله بی ایمانی تا شاگردسازی، از سطوح

بسیاری اعم از فیزیکی یا روحانی عبور می‌کنیم. همینکه فردی را از سطح ۱ به سطح ۶ برسانید «مأموریت بزرگ» را انجام داده‌اید.

توضیحات مربوط به هر سطح را بخوانید و در مورد فعالیت‌هایی فکر کنید که اعضا در هریک از سطوح در طی آموزش زندگی منضبط مشغول آن بوده‌اند. نام فردی را که در هر سطح با او در ارتباط هستید بنویسید. اگر در سطح معینی با کسی در ارتباط نیستید، آن قسمت را خالی بگذارید، اما سعی کنید با کسی در همان سطح ارتباط برقرار کنید یا اینکه کسی را کمک کنید تا به آن سطح برسد. شاگرد فعالی باشید!

تماس

اولین مرحله در شهادت فردی عبارت است از داشتن تماس با دیگران. در هر تماسی که با بی‌ایمانان داریم، باید این انتظار را داشته باشیم که فرصت شهادت دادن به آنها وجود دارد. این تماس ممکن است طبیعی پیش آید یا تصادفی باشد یا برنامه قبلی باشد.

آماده سازی

موضوع آماده‌سازی ممکن است چند دقیقه یا شاید ماهها (حتی سالها) بطول انجامد. در این مدت شما رابطه‌ای را از طریق تماس برقرار کرده‌اید و تلاش می‌کنید تا پله‌های ارتباطی و تفاهم را بوجود آورید. شما باید در شرایط متعادل و به روشی کاملاً طبیعی در مورد ایمان خود با او صحبت کنید. اما بخاطر ترس از دست دادن دوستی او از شهادت خود منصرف یا دلسرد نشوید.

گفتگو

در این سطح شما مستقیماً به شخص مورد نظر شهادت می‌دهید، همچنین مطالبی از کتاب مقدس و شهادت شخصی خود را با او در میان می‌گذارید.

تسلیم

نسبت به هدایت روح القدس حساس باشید. بسیاری از مبشرین در هدایت دیگران به مسیح موفق نیستند چرا که از آنها نمی‌خواهند خود را به مسیح تسلیم کنند.

وقف

مسیحی با تجربه و مجرب باید شاگرد جدیدالایمان را کمک کند تا اولویت‌ها و ارزش‌های جدید خود را در رابطه با خداوندی عیسی مسیح در زندگی‌اش درک کند.

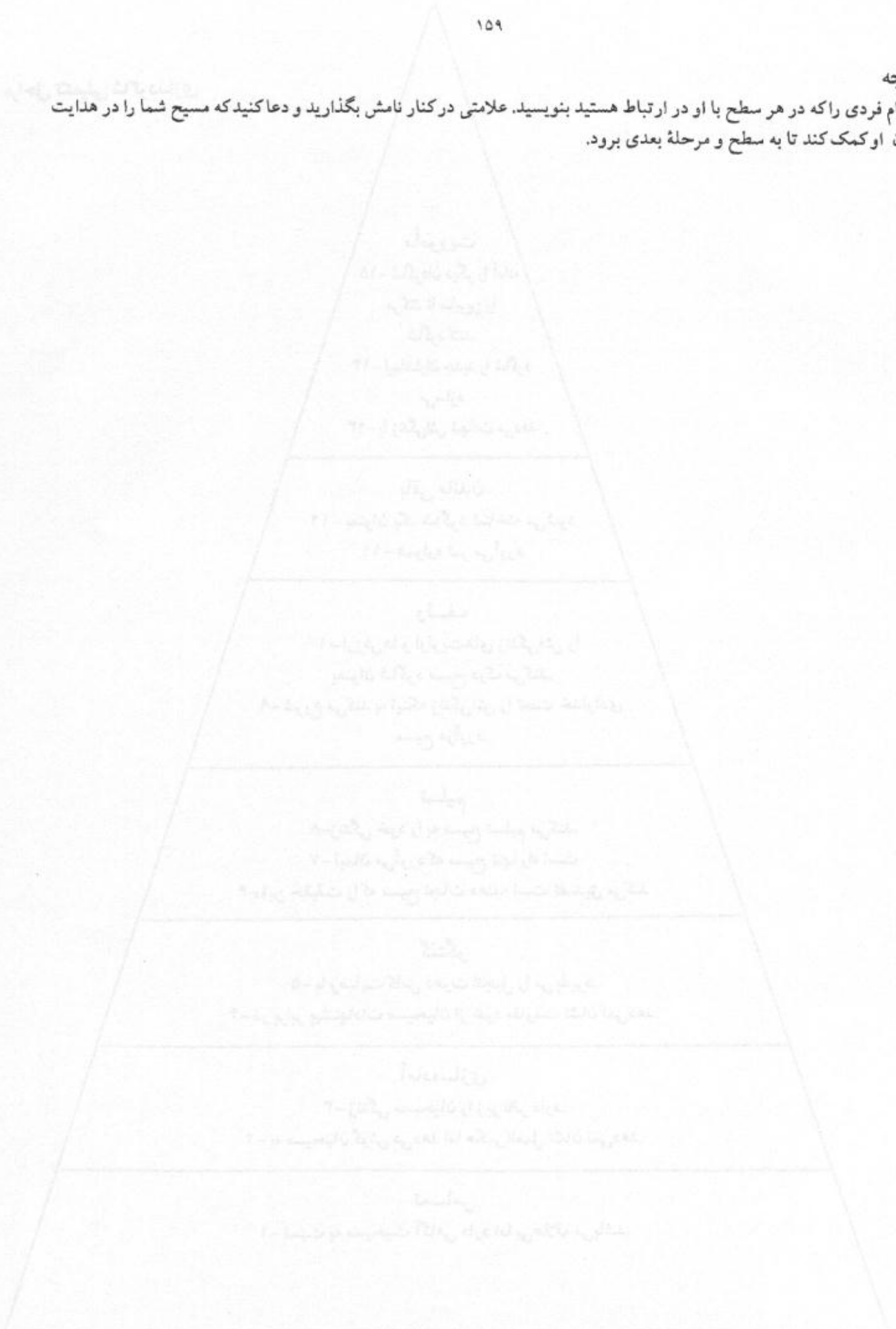
باقی ماندن

شاگرد جدید را راهنمایی کنید در مسیری حرکت کند که با ارزش‌ها و اولویت هستی زندگی جدیدش در مسیح همخوانی داشته باشند.

مأموریت

رابطه شاگردی تا مرحله‌ای باید ادامه یابد که شخص قادر باشد بعنوان یک شاگرد و شاهد مسیح در رابطه با دیگران به خدمت بپردازد.

نام فردی را که در هر سطح با او در ارتباط هستید بنویسید. علامتی در کنار نامش بگذارید و دعا کنید که مسیح شما را در هدایت کردن او کمک کند تا به سطح و مرحله بعدی برود.



مأموریت

- ۱۵- شاگردان دیگر را آماده می‌کند تا سایرین را شاگرد کنند.
- ۱۴- ایمانداران جدید را شاگرد می‌سازد
- ۱۳- با زندگی‌اش شهادت می‌دهد

باقی ماندن

- ۱۲- بعنوان یک شاگرد شناخته می‌شود
- ۱۱- همواره ثمر می‌آورد

وقف

- ۱۰- ارزش‌ها و اولویت‌های زندگی‌اش را بعنوان شاگرد مسیح درک می‌کند.
- ۹- شروع می‌کند به اینکه زندگی‌اش را تحت خداوندی مسیح درآورد.

تسلیم

- ۸- زندگی خود را به مسیح تسلیم می‌کند.
- ۷- ایمان می‌آورد که مسیح تنها راه است
- ۶- این حقیقت را که مسیح نجات دهنده است تصدیق می‌کند

گفتگو

- ۵- با رضایت کامل دعوت انجیل را می‌پذیرد.
- ۴- در برابر پیشنهادات مسیحیان از خود مقاومت نشان نمی‌دهد.

آماده‌سازی

- ۳- زندگی مسیحیان را زیر نظر دارد.
- ۲- به مسیحیان گوش می‌دهد اما عکس‌العمل نشان نمی‌دهد.

تماس

- ۱- نسبت به مسیحیت آگاهی دارد اما بی‌علاقه می‌باشد.

هرم شاگردسازی

شما به هفت سطح از شهادت و شاگردسازی پی برده‌اید. آیا می‌دانید شخصی که با او کار می‌کنید در طی روند تکمیلی مراحل شاگردسازی از یک به مرحله دیگر می‌رود؟ نمودار فوق، ترقی شخص را در هریک از مراحل و تبدیل او به یک شاگردساز نشان می‌دهد. این مراحل یکی از پس دیگری منتج می‌شوند.

اگر شخص قبل از رفتن به مرحله بالاتر، در یکی از این مراحل بقدر کافی رشد نکند، در اکثر موارد قادر نخواهد بود عکس‌العمل مثبتی نشان دهد و هیچگاه نخواهد توانست در مراحل بالاتر عملکرد خوبی داشته باشد. ممکن است در اثر اینکه شخص دیگری فعالیت‌هایی را به او تحمیل کند، بطور موقتی مشغول فعالیت‌های مربوط به سطح بالاتر خود بشود، اما اگر از نظر روحانی رشد نکند، دوباره به همان مرحله و سطح قبلی (پایینتر) برمی‌گردد.

رشد و تکامل یک گیاه یا انسان می‌تواند سمبل رشد روحانی باشد. شما نمی‌توانید به زور رشد کنید. اما می‌توانید محیط و شرایطی را که مناسب رشد است فراهم آورید. در چنین مواردی، صحیح‌ترین تجربیات و موقعیت‌ها منجر به رشد می‌شوند. به نمودار نگاه کنید و سطحی را که در حال حاضر در آن قرار دارید علامت بزنید. در سطح مذکور هیچ کس دیگری وجود ندارد که شبیه شما باشد. همگی ما در سطوح مختلفی قرار داریم. برخی با سرعت بیشتری از دیگران رشد می‌کنند. شما فعالیت‌های بسیاری انجام داده‌اید که شما را کمک کرده‌اند تا به سطح یا سطوح بالاتری پیش بروید. تا زمانیکه برنامه دروس زندگی منضبط به پایان نرسد، هیچکس نمی‌تواند تشخیص دهد که شما واقعاً چطور به آن رسیده‌اید. اگر واقعاً به آن سطح رسیده باشید، رفتارها و خصوصیات که در آن سطح وجود دارد در زندگی شما دیده خواهند شد، حتی اگر از طرف دوستان گروه خود در زندگی منضبط نیز حمایت نشوید.

پانزده سطح از هرم رشد تکاملی شاگرد سازی شما را کمک خواهند کرد تا تشخیص دهید کدام سطح مناسب‌ترین سطح فردی است که با او سروکار دارید. بعنوان مثال یکی از اسم‌هایی را که در قسمت خالی هرم نوشته‌اید انتخاب کنید. مشخص کنید که شخص باید در کدام سطح باشد. به یک یا چند از کمک‌هایی که می‌توانید به فرد مورد نظر بکنید که به سطح بالاتر برود فکر کنید. با قرار دادن شخص مورد نظر در برابر تجربیات و تعالیم جدید، می‌توانید در شبیه شدن او به مسیح مفید واقع شوید.

شخص ممکن است این مراحل را به آرامی یا به سرعت سپری کند. ممکن است در مورد شخصی اتفاق افتد که یک‌دفعه از سطح «آگاهی نسبت به مسیحیت» به «تحت کنترل درآوردن زندگی با توجه به خداوندی مسیح» ترقی کند. اما معمولاً جهش دربرگیرنده یک سری جریانات در یک دوره زمانی است. اکثر مردم بتدریج در نمودار مذکور ترقی می‌کنند تا اینکه کم‌کم به نقطه اوج برسند.

عناوین سطوح هرم وظیفه شما را نشان می‌دهند، حال آنکه مراحل شماره‌گذاری شده گویای رشد افراد است. وقتی برنامه‌ای می‌ریزید که چطور دیگران را کمک کنید تا شاگرد مسیح شوند، «هرم شاگردسازی» را مد نظر داشته و از آن استفاده کنید.

پس از مطالعه این درس، می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

زمان	تعداد باب‌ها در طول روز
شش‌ماه	۶/۵
چهارماه	۱۳
دوماه	۲۰

میزان مطالعه و زمانی را که می‌خواهید در طول آن کتابمقدس را بطور کامل بخوانید انتخاب کرده و شروع کنید به مطالعه آن. برنامه خود را بنویسید.

کولسیان ۱: ۲۱-۲۹ را تحت عنوان «خدمت رشد» بخوانید و از روش مطالعه کتابمقدس بطریق گام به گام استفاده کنید. بیشتر از آنکه موضوع را تشریح کنید، آن را خلاصه کنید (رجوع کنید به صفحه ۱۲۶، روش مطالعه گام به گام کتابمقدس).

دوم تیموتاؤس ۲: ۲ را حفظ کنید.

اعمال رسولان ۱۹: ۳ را حفظ کنید.

تمام آیاتی را که از «معرفی انجیل» تا تاریخ _____ مرور کنید.

آیاتی را که به خدمات مختلف و متعددی مربوط می‌شوند مرور کنید.

دعای با ایمان

برای خدمت خوراک دهی و پیگیری و شاگردسازی که بعهده دارید دعا کنید. دعا کنید خداوند به شما افرادی عطا کند تا اقدام به شاگردسازی آنها کنید و راهنمای حیات تازه برای نوایمانان یا زندگی منضبط را بکار ببندید.

برای رشد اعضای کلیسایتان در تعلیم کلیسایی دعا کنید.

در فهرست موضوعات دعای خود تجدید نظر کنید.

مشارکت با ایمانداران

با دوستی که با او دعا می‌کنید و یا با کسی که در کنفرانس شاگردسازی شرکت کرده است، تماس بگیرید. نظر او را دربارهٔ کنفرانس پرسید. با فرد مورد نظر برای احتیاج شاگردسازی کلیسایتان دعا کنید. برای اینکه بتوانید بعنوان یک خادم مفید پیشرفت کنید، طلب دعای مخصوص کنید.

اگر نوایمانی در دسترس بود او را تشویق کنید. راهنمای حیات تازه برای نوایمانان را مورد استفاده قرار دهید.

شهادت به دیگران

در طی این هفته به چند نفر بشارت دهید. در صورت امکان «معرفی انجیل» (یا اقلًا انجیل در دست) را مورد استفاده قرار دهید. می‌توانید یکی از اعضای گروه زندگی منضبط را در صورت نیاز بمنظور پشتیبانی و کمک به همراه خود ببرید. می‌توانید شخصی را که تمایل نشان داده، در گروه زندگی منضبط باشد، با خود ببرید.

خدمت به دیگران

۵ اصل ضروری مربوط به «در باب اطفال روحانی» را با کلماتی از خود یاد بگیرید طوری که بتوانید آنها را برای یک نوایمان شرح دهید، جزوه «به خانواده خدا خوش آمدید» را مورد استفاده قرار دهید.

مقاله «یگیری فوری» (صفحه ۱۷۲) را بخوانید.

مقاله «معمار دانا» را بخوانید. در پایان دوره زندگی منضبط باید قادر باشید آن را توضیح دهید. در صورتی که فرصت ندارید رسم شکل را بیاورید، از نمودار آماده شده استفاده کنید.

اهداف قسمت مورد نظر را تکمیل کنید. همچنین سایر قسمتهای مربوط به ارزیابی کار در کنفرانس شاگردسازی را که در قسمت زندگی منضبط نیمه تمام مانده‌اند تکمیل کنید. تعیین شماره و نوع اهداف بعده شما است.

	<input type="checkbox"/>	مقاله «روش برقراری ارتباط در سطوح ارزشها» (صفحه ۱۸۳) را بخوانید.	<input type="checkbox"/>
--	--------------------------	---	--------------------------

ترجیح می‌دهم ده نفر را به کار بگمارم تا اینکه کار ده نفر را انجام دهم.

<input type="checkbox"/>	در ۲۸/۲۰۰۰ نفر از جمعیت به کلیت یا در حدی از رضایت و رضایت کامل رضایت نمود	<input type="checkbox"/>
--------------------------	---	--------------------------

همه و اینها را بخانه لا یشتر الا فی الموت و لا یزول بخانه همه و در حدی

در باب اطفال روحانی

شرحی که در ذیل آمده است، دیالوگی است که باید برای نوایمانان بلافاصله بعد از تحصیل نجات بکار برد. در صورت تمایل می‌توانید از جزوه «به خانواده خدا خوش آمدید» استفاده کنید. این شرح کمک خواهد کرد تا نوایمانان از نجات خود اطمینان داشته باشند. همچنین خواهند فهمید بعنوان یکی مسیحی چگونه باید رشد کنند.

(بگویید یا بخوانید): به خانواده خدا خوش آمدید
«همان روح به روح‌های ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومان ۸: ۱۶).

(بگویید و بخوانید)

۱- شما با تولد روحانی‌تان وارد خانواده خدا شده‌اید.

«آنچه از جسم مولود شد جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم باید شما از سر نو مولود گردید» (یوحنا ۳: ۶-۷).

می‌توانید مطمئن باشید که حیات جاودانی دارید.

* به این دلیل که تولد تجربه‌ای است که فقط یکبار صورت می‌گیرد (دوم قرنتیان ۵: ۱۷).

* به این دلیل که خود را تسلیم کرده‌اید.

از گناهاتتان توبه کرده‌اید (اعمال رسولان ۳: ۱۹).

به مسیح ایمان آورده‌اید (افسیان ۲: ۸-۹).

زندگی‌تان را به خداوند عیسی مسیح تسلیم کرده‌اید (رومان ۹: ۱۰-۱۰).

آیا این دعا خلاصه آن چیزی است که انجام داده‌اید؟

«خدای عزیز، می‌دانم که گناه کرده‌ام و محتاج عفو و بخشش هستم. ایمان دارم که عیسی بخاطر گناهان من مرد. مرا بیمارز و مرا

در حضور خودت بپذیر. عیسی را بعنوان خداوند خود پیروی خواهم کرد و او را در هرچه انجام می‌دهم اطاعت خواهم کرد. در

نام عیسی می‌طلبم. آمین.»

(بگویید یا بخوانید) می‌توانید مطمئن باشید که حیات جاودانی دارید.

* به دلیل آنچه خدا در پیام مکتوب خود اعلام داشته است.

حیات ابدی

گواهی تولد

«و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی
 بما داده است و این حیات در پسر اوست. آنکه
 پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را
 ندارد، حیات را نیافته است. اینرا نوشتم به شما
 که به اسم پسر خدا ایمان آورده اید تا بدانید که
 حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا
 ایمان بیاورید» (اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳).
 تاریخ پذیرفتن مسیح: امضاء

طبق تعلیم کتابمقدس خدا چه نوع حیاتی به ما داده است؟ (برای هر یک از سؤالات زیر منتظر جواب باشید.) بله حیات جاودانی با کیفیت جدید. منظور از ابدی چیست؟ (اینکه پایانی ندارد). این حیات از کجا سرچشمه می گیرد. (پسرش) پسر کیست؟ (عیسی). او می گوید هر که پسر را دارد حیات را دارد. آیا پسر خدا را در قلب خود دارید؟ اگر چنین است شما هم اکنون حیات جاودانی دارید. اینطور نیست؟

اگر حکم خدا را مبنی بر اینکه حیات جاودانی دارید پذیرفته اید، تاریخ و نام خود را (بر روی این کاغذ یا کتابمقدس خود) یادداشت کنید.

(بگویند یا بخوانید) می توانید مطمئن باشید که حیات جاودانی دارید.
 * به دلیل آنچه خدا وعده داده است.

«آمین آمین بشما می گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی آید بلکه از موت به حیات منتقل گشته است» (یوحنا ۵: ۲۴).

مادامیکه پاسخ او مثبت است منتظر پاسخ هر یک از سؤالات زیر بمانید.

آیا کلام خدا را شنیده اید؟ آیا به او ایمان آورده اید؟ آیا به حیات جاودانی که خدا وعده آن را داده است ایمان دارید؟ اگر چنین است هیچ قصاص بر شما نیست. شما اکنون از موت گذشته و به حیات منتقل شده اید. توجه داشته باشید که این کار در زمان گذشته انجام شده است. می توانید به وعده خدا اعتماد کنید.

شما بعنوان فرزند خدا باید رشد کنید و کامل شوید (کولسیان ۲: ۶-۷). گرچه حیات جاودانی دارید اما اکنون باید شروع کنید به زندگی کردن آن.

صرف نظر از اینکه از نظر جسمی و طبیعی چند سال دارید، لازم است بدانید که شما یک طفل هستید. یک طفل برای زنده ماندن به چیزهای زیادی احتیاج دارد. برخی از آنها را نام ببرید و با چیزهایی که یک طفل روحانی به آنها نیازمند است، مقایسه کنید.

(بخوانید یا بگویید)

۲- در کلام خدا همان گونه که غذا برای رشد لازم است، کلام خدا نیز برای رشد روحانی ضروری است.

«چون اطفال نوزاده مشتاق شیر روحانی و بی غش باشید تا از آن برای نجات نمو کنید. اگر فی الواقع چشیده اید که خداوند مهربان است» (اول پطرس ۲: ۲-).

* کلام خدا شما را کمک خواهد کرد تا رشد کنید: آن را روزانه بخوانید. اگر می خواهید رشد کنید باید غذای روحانی را از کلام خدا بگیرید. هر روز باید وقتی را برای مطالعه کتاب مقدس تعیین کنید.

* کلام خدا شما را هدایت خواهد کرد: آن را بشنوید، تعلیم دهید و موعظه کنید.

* کلام خدا شما را از گناه باز خواهد داشت: آن را حفظ و اطاعت کنید. هرگاه شیطان شما را وسوسه کند، کلام خدا شما را در برابر وسوسه های او تقویت خواهد کرد. یکی از اولین وسوسه های او این است که سعی می کند این احساس را در شما بوجود آورد که حیات جاودانی ندارید. شیطان می خواهد شما بیش از اینکه بر کلام خدا اعتماد داشته باشید، بر احساسات خودتان تکیه کنید. شما را تشویق می کنم که اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳ را که قبلاً آن را خواندیم، حفظ کنید. هرگاه شیطان به شما می گوید که مطمئن نیستید حیات جاودانی دارید، می توانید آیه مورد نظر را تکرار کنید.

* کلام خدا به شما تعلیم خواهد داد چگونه زندگی کنید: آنرا مطالعه کنید. مطالعه کتاب مقدس مثل جویدن غذا است. با هر گاز که می زنید و می جوید بیشتر از آن لذت می برید و بیشتر از آن سود می برید.

* کلام خدا شما را الهام خواهد بخشید: در کلام خدا تفکر کنید. با تفکر در کلام خدا، معنی کلام را هضم و جذب خواهید کرد.

* کلام خدا کار خواهد کرد: آنرا بجا آورید. تعلیم و آموزه های کتاب مقدس را بررسی کنید و متوجه خواهید شد که چقدر عملی است.

شما روزانه چند وعده غذا می خورید؟ اگر برای تغذیه جسم، روزانه سه بار غذا می خورید، فکر نمی کنید برای تغذیه زندگی روحانی تان باید یک یا چند بار این کار را بکنید؟ دوست دارید در چه وقت از روز به مطالعه روزانه کتاب مقدس تان بپردازید. اینرا روی این کاغذ یا در کتاب مقدس تان یادداشت کنید.

(بگویید یا بخوانید)

۳- همانگونه که تنفس در زندگی جسمانی امری حیاتی است، دعا نیز برای زندگی روحانی الزامی است.

معمولاً اولین چیزی که پزشک پس از تولد بچه به آن توجه می کند، این است که بچه شروع به تنفس کند. دعا در زندگی نوایمانان به مثابه تنفس کودک در ابتدای تولد است. لازم است پیوسته با خداوند در ارتباط باشید. این ارتباط یعنی اینکه شما با او صحبت کنید و در عین حال گوش دهید او به شما چه می گوید. این عمل دقیقاً شبیه عمل دم و بازدم است.

در موارد زیر با او صحبت کنید:

* وقتی که می خواهید او را عبادت کنید.

* وقتی که محتاج کمک هستید.

* وقتی که احساس تنهایی می کنید.

* وقتی که به قوت احتیاج دارید.

* وقتی که محتاج هدایت هستید.

* وقتی که وسوسه می شوید.

* وقتی که گناه کرده اید یا شکست خورده اید.

مخصوصاً لازم است بدانید که چطور باید گناهاتان را اعتراف کنید. گرچه تولد تازه یافته اید اما کماکان با وسوسه ها و مشکلاتی روبرو هستید که شما را از معیارهای الهی به زیر می کشند.

اما بخاطر داشته باشید زمانیکه طفل تازه شروع به راه رفتن می کند، به زمین می افتد، و والدین او را کمک می کنند تا بلند شود. از او

تعریف می‌کنند و او را تشویق می‌کنند تا قدم بعدی را بردارد. خدا هم به همان طریق شما را کمک خواهد کرد. لذا وقتی شکست خورید، او به شما می‌گوید که چه باید کرد. (اول یوحنا ۹:۱ را بخوانید.) کتاب مقدس می‌گوید: «اگر به گناهانمان اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» این آیه‌ای است که باید خیلی زود آنرا بیاموزید. من شخصاً زمانی آن را آموختم که درک کردم گناه کرده‌ام و بلافاصله آنرا به خدا اعتراف کردم. حتی وقتی که در خیابان مشغول رانندگی هستم اگر متوجه شوم که گناه کرده‌ام، بخدا می‌گویم که چقدر متأسفم از اینکه گناه کرده‌ام و از خدا درخواست می‌کنم که مرا ببخشد و مرا در آینده کمک کند.

اگر بدین نحو طلب آموزش نکنم، احساس گناه زیاد خواهد شد. اگر اعضای خانواده ظرفهای غذای خود را در طول هفته نشویند و آنها را برای روز تعطیل نگاه دارند، در روز آخر دست کسی به کار نخواهد رفت. اینطور نیست؟ بعضی‌ها سعی می‌کنند با این روش زندگی روحانی خود را پیش ببرند. شما نباید صبر کنید تا روز تعطیل فرا رسد. همان لحظه که گناهان خود اعتراف کنید. شما باید هرچه زودتر به محض اینکه فهمیدید گناه کرده‌اید، آنها را اعتراف کنید. همینکه شروع به دعا کنید، خدا شما را به چیزهای خوب و درستی هدایت خواهد کرد.

یکی دیگر از چیزهایی که برای یک کودک ضروری بظر می‌رسد، عبارت است از محیط خوب و مناسب. به این معنی که هرآنچه او را احاطه کرده است باید پاک، گرم و راحت باشد. بیشتر از همه اینها یک طفل به محبت احتیاج دارد. او احتیاج به خانواده‌ای دارد که این محبت را به او نشان دهد. خداوند اجازه داده که در حال حاضر در چنین خانواده‌ای بدنیا آید. ما این خانواده را کلیسا می‌نامیم.

(بگویید یا بخوانید)

۴- همانطور که خانواده در رشد یک کودک مؤثر است، همانطور هم کلیسا در رشد روحانی افراد نقش اساسی دارد. همان تأثیری که خانه و خانواده خوب بر یک کودک دارند، کلیسا نیز همان حالت را داراست. قوم خدا، کلیسا، خانواده جدید شما هستند.

- * آنها از اینکه شما تولد تازه یافته‌اید، خوشحال خواهند شد.
- * آنها شما را در میان خود پذیرفته و محبت خواهند کرد.
- * آنها شما را تشویق و حمایت خواهند کرد.
- * آنها به شما تعلیم خواهند داد که چگونه زندگی کنید.
- * آنها به همراه شما خدا را عبادت خواهند کرد.

شما با تعمید خود اعلام می‌کنید که مسیح و خانواده جدید خود را پذیرفته‌اید.

«پس ایشان کلام او را پذیرفته تعمید گرفتند. و خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود» (اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۷). تعمید شما نشانه‌ای از شهادت ایمانتان نسبت به مرگ، دفن و قیام عیسی مسیح است. تعمید باعث نجات شما نمی‌شود بلکه اطاعت شما را از نمونه و تعالیم عیسی در این مورد نشان می‌دهد. مسیح برای اینکه تعمید بگیرد ۱۰۰ کیلومتر راه را پیمود. او چنین اهمیتی برای آن قائل بود. آیا شما می‌خواهید تعمید بگیرید؟ تعمید اولین عمل فیزیکی است که می‌توانید با انجام آن، امتنان و اطاعت خود را نسبت به خداوند نشان دهید.

(بگویید یا بخوانید)

۵- شهادت دادن در مورد ایمانتان به دیگران، به همان اندازه اهمیت دارد که کودک یاد می‌گیرد با دیگران ارتباط برقرار کند. همانطور که یک کودک در تلاش برای ایجاد ارتباط، در این زمینه می‌آموزد و تلاش می‌کند، شما هم با صحبت کردن درباره زندگی جدیدتان در مسیح، رشد خواهید کرد.

چه کسی از دانستن و شنیدن تولد تازه‌تان در مسیح بیش از همه خوشحال خواهد شد. نام او را بنویسید.
چه کس دیگری می‌تواند بگوید که به داشتن چنین تجربه‌ای نیاز دارد. نام او را بنویسید.

خلاصه: مراحل رشد.

۱- تغذیه روزانه از کلام خدا.

۲- تنفس روحانی مرتب با دعا کردن.

۳- شرکت در خانواده جدیدتان کلیسا، در روزهای تعطیل.

۴- شهادت دادن به ایمان خود در اسرع وقت.

اگر این چهار مورد را بکار ببندید، زندگی پیروزمندانه‌ای خواهید داشت. تکرار می‌کنم: صرف وقت بطور روزانه در کلام خدا، دعای روزانه، تعمید و داشتن فعالیت در کلیسا و صحبت با دیگران راجع به مسیح.

پیگیری فوری

مأموریت بزرگ اشاره بر اهمیت پیگیری دارد. «پس رفته همه امتها را شاگرد سازید و ایشانرا به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنید و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). اجازه دهید این حکم را با دقت بررسی کنیم و ببینیم آیا می‌توانیم مفهوم پیگیری را درک کنیم.

۱- «بروید» یک حکم نیست بلکه حالت توصیفی دارد، در واقع فعل کمکی و معین است برای فعل اصلی «بروید و همه امتها را شاگرد بسازید».

۲- «شاگرد سازید» از کلمه Matheteusate مشتق می‌شود که به معنی «یادگیرنده بسازید» می‌باشد. این یک فعل متعدی است که در جمله معلوم حالت امری دارد. بعبارت دیگر «تبدیل به شاگرد کنید». این عبارت از ریشه کلمه math آمده که به معنی تفکر همراه با کوشش است. این کلمه در ادبیات یونانی در مورد کسی دلالت می‌کند که از تعالیم و نمونه‌های شخص دیگری پیروی می‌کند.

۳- «تعمید دادن» در مورد تسلیم آشکار و اعتراف ایمان در جمع در نام پدر، پسر و روح القدس صحبت می‌کند - خدای واحدی که خود را در سه شخصیت آشکار کرده است.

۴- «نگهداری و حفظ تعالیم» می‌تواند اینگونه ترجمه شود «اطاعت، حفظ و دست نخورده نگاه داشتن تعلیم». این عبارت می‌گوید که کار شاگردان تا زمانیکه شاگردان واقعاً حکم مسیح را کاملاً بجا نیاورده‌اند تمام نشده است.

دلایل پیگیری

یقیناً مسیح در نظر داشت کسی که تازه ایمان آورده است، بلافاصله در جریان شاگردسازی قرار بگیرد. این مطلب، خادم درست و خوبی را می‌طلبد. بدین معنی که وظیفه و کار کلیسا تا زمانیکه شخص جدیداً ایمان تعمید، تعلیم و تربیت لازم جهت اعمال موفقیت‌آمیز نگیرد و آماده نشود تا دیگران را تعلیم و تربیت کند، خاتمه نیافته است.

هرشل هابز در مورد «مأموریت بزرگ» می‌گوید: «نادیده گرفتن مورد فوق (پیگیری) ترازدی زیر را بیار خواهد آورد: احیا و اصلاح نشدن اعضای کلیسا، گله‌ای بدون داشتن داغ صاحب خود، نبودن کلیسای محلی یا بقیه وفادار، بطالت، عدم تربیت، مسیحیان بی مصرف. بشارت چیزی بیش از تحصیل یک نفر برای مسیح است. همانطوریکه زندگی با تولد به پایان نمی‌رسد، همچنین با تولد تازه کار بشارت به پایان نمی‌رسد. این فقط شروع کار است».

چرا باید نوایمانان را پیگیری کنیم؟

۱- از حکم مسیح این مطلب را می‌فهمیم (متی ۲۸: ۱۸-۲۰).

۲- عیسی خودش نمونه ما است (مرقس ۱۴: ۳).

۳- از آنجایی که مسیح را دوست داریم باید این کار را بکنیم (یوحنا ۱۵:۲۱-۱۷).

۴- لازم است نوایمانان را پیگیری کنیم چون مسیح می‌خواهد مسیحیانی که در ملکوت او قرار دارند، رشد کنند.

۵- نوایمانان احتیاج به کمک، حمایت و پرورش دارند که نیل به این اهداف تنها توسط سایر مسیحیان جامعه عمل بخود می‌پوشاند.

کتابمقدس نوایمانان را به کودک تازه متولد شده‌ای تشبیه کرده است. وظیفه مسیحیان بالغ است که به این اطفال کمک کنند تا آنها در شاگردی مسیح رشد کنند.

پیگیری عبارت است از پرورش یک نوایمان از لحظه تولد روحانی تا زمانی که بتواند از نظر روحانی از خودش مراقبت کند. پیگیری بمنزله مراقبت پدر و مادر از فرزندان است (غلاطیان ۴:۱۹، اول تسالونیکیان ۷:۲-۱۲) والدین روحانی باید موارد ذیل را رعایت کنند:

۱- محافظت (اول پطرس ۵:۸ اول قرتیان ۱۰:۱۳).

۲- تعلیم (کولسیان ۲:۶-۷).

۳- نمونه بودن (فیلیپیان ۴:۹).

۴- کار کردن با نوایمان تا زمانی که او بتواند خود را بعنوان شخص بالغی به مسیح تقدیم کند (کولسیان ۲۸:۱-۲۹).

مراحل پیگیری

بطور خلاصه پیگیری یک نوایمان شبیه مراقبت از یک کودک در بیمارستان است. پس از واقعه تولد، کودک هر روز به مشورت‌ها و راهنمایی‌های زیادی احتیاج دارد. وظیفه شما بعنوان کسی که فردی را به مسیح هدایت کرده، این است که او را کمک کنید تا رشد کند. البته شما نمی‌توانید تمام احتیاجات او را برآورید اما بعنوان والدین خوب باید توجه داشته باشید که او این کمک‌ها را از سایر منابع دریافت کند. اجازه دهید نگاهی به پیگیری در عهد جدید داشته باشیم.

۱- شیوه‌های عهد جدید

الف - ملاقات (یوحنا ۱:۱۲). عیسی کمی بعد از زنده کردن ایلعازر، به بیت‌عنیا جایی که خانه ایلعازر، مریم و مرتا بود رفت تا او را ملاقات کند. عیسی در خانه آنها به این دوستانش اطمینان داد که بزرگترین بحران در زندگی را سپری کرده‌اند.

ب - نمونه شخصی. پولس رسول می‌توانست همیشه بگوید: «پس اقتداء به من نمایید چنانکه من نیز به مسیح می‌کنم.» اول تسالونیکیان ۱:۲-۱۲، فیلیپیان ۴:۹، اول قرتیان ۱۱:۱ و ۲، دوم تسالونیکیان ۳:۹، فیلیپیان ۳:۱۷) بندرت اتفاق می‌افتد که نوایمانان تحت آموزش یا شاگردی بتوانند از مدل و نمونه خود پیشی بگیرند.

ج - دعای شخصی. برای شاگرد و شخص نوایمان دعا کنید. پولس خطاب به کسانی که آنها را برای مسیح صید کرده بود می‌نویسد: «ای فرزندان من که برای شما باز درد زه دارم تا صورت مسیح در شما بسته شود.» (غلاطیان ۴:۱۹)، همچنین اول تسالونیکیان ۳:۱۰، افسسیان ۱:۱۶، ککولسیان ۹:۱-۱۰، ۱۲:۴ را ملاحظه کنید.

د - نماینده شخصی. (اول تسالونیکیان ۳:۲، ۵:۸ فیلیپیان ۳:۱۷) شما هرگز نمی‌توانید شخصاً تمام مسئولیت‌هایتان را در قبال دیگران بجا آورید. اراده خدا این است که در مسائل روحانی بچه‌های یتیم نداشته باشیم. بعنوان والدین روحانی نوایمان مسیحی شما باید او را در رسیدن به بلوغ رهبری کنید (اول قرتیان ۴:۱۵).

ه - نامه‌های شخصی. نامه‌های پولس رسول اغلب شامل تعالیم درباره آموزه‌های مسیحی و جامعه کلیسا و شهادتهای انفرادی

است. بیشتر رسالاتش برای تشویق مسیحیان در رشد ایمانشان فرستاده شدند (رجوع کنید به ۲ قرتیان ۴:۲ و ۹، ۲ تیموتاؤس ۱۴:۳-۱۷).

۲- راهنمایی‌های عملی

- الف - به شخص بگویید که چرا مورد پیگیری قرار می‌گیرد (۲ تیموتاؤس ۲:۲).
 ب - به شخص نشان دهید که چطور اینکار صورت می‌گیرد (فیلیپیان ۹:۴).
 ج - بخواهید یا وادارش کنید شروع کند (اعمال رسولان ۳۲:۲۰). به شخص کمک کنید تا اهداف روحانی‌اش را مدنظر داشته باشد و آنها را با جدیت دنبال کند.
 د - فرد را کمک کنید استوار بماند (دوم پطرس ۱:۱۲-۱۵). شخص را متعهد کنید که به بررسی آنچه انجام می‌دهد بپردازد. هرآنچه را که باید انجام دهد تا شخص را کمک کند موفق شود به شاگرد مطیعی مبدل گردد، انجام دهید.
 هـ - فرد را کمک کنید تا در ایمان خود ثمر آورد (یوحنا ۱۵:۱۶). تکالیف شخصی به او بدهید و او را تعلیم دهید چگونه آنها را انجام دهد. علت اینکه عده‌ای در این زمینه شکست می‌خورند این است که هیچکس به آنها دقیقاً نمی‌گوید «چطور» این کار را بکنند. به آنها تعلیم دهید چگونه آنچه را که شما با او در میان گذاشته‌اید، با شخص دیگری در میان بگذارند. تمام فعالیت‌های شاگردسازی شما باید قابل انتقال باشند.

۳- توضیحات مربوط به طفل روحانی باید بلافاصله پس از اینکه شخص به مسیح ایمان آورد، به او داده شوند (صفحه ۱۹۷). همچنین باید یک نسخه از «به خانواده خدا خوش آمدید» به او داده شود.

راهنمای حیات تازه نوایمانان

راهنمای حیات تازه نوایمانان (برای بزرگسالان، جوانان، خردسالان) باید هرچه ممکن است، بلافاصله پس از اینکه شخص مسیحی شد مورد استفاده قرار گیرند. نوایمان بخشش گناهان را یافته و زندگی جدید خود را تازه آغاز می‌کند، اما معمولاً او باید به دنیایی که قبل از تغییرش می‌شناخته، برگردد. مخالفت‌هایی متوجه ایمان جدیدش خواهد شد و وسوسه‌ها او را به عاداتهای قدیمی‌اش می‌کشانند. دوستان قدیمی ممکن است این تحول جدید را در او درک نکنند. نوایمان ممکن است در مورد نحوه این زندگی جدید همچنین در مورد مسیحیان یا فرقه‌های مسیحی یا انتظارات و توقعاتی که ممکن است نادرست هم باشد، سؤالاتی داشته باشد.

راهنمای حیات تازه برای نوایمانان عبارت است از ارائه بهترین شروع ممکن به شخص نوایمان. کتاب «راهنمای حیات تازه نوایمان» مخصوص معلمین گروههای بزرگسالان، جوانان و کودکان، شما را کمک خواهد کرد تا تجربیاتی بدست آورید که تشویق کننده و ثمربخش خواهد بود.

جلد راهنمای حیات تازه برای نوایمانان دو نفر را نشان می‌دهد که آماده سفر باهم هستند. آنها قبل از اینکه به مقصد برسند، یازده هفته را با هم سپری خواهند کرد. یکی از آنها فرد نوایمان است. شما احتمالاً باید آن دیگری باشید که بعنوان راهنما در زندگی مسیحی، همراه او می‌باشید. قدر مسلم اگر شما به مقصد برسید، او را نیز هدایت کرده‌اید که

... دریابد مسیح راهنمای همیشگی ما در سفر زندگی است.

... روزانه مدتی را به مطالعه کتابمقدس و دعا صرف کند.

... اصول اساسی کتابمقدس در رشد مسیحی را درک کند.

... برای دوستان بی‌ایمان دعا کند و به آنها بشارت دهد.

... ۲۲ آیه از کتابمقدس را که تاکنون حفظ کرده مرور کند.

۱- با استفاده از روش مسیح دوست خود را هدایت کنید.

معمار دانا (عامل رشد)

هر شخص می‌تواند تعداد سیب‌هایی را که روی یک درخت وجود دارند، ببیند. اما تنها عده معدودی هستند که می‌توانند شمار درخت‌هایی را که در یک عدد سیب نهفته است ببینند. شما برای اینکه بتوانید راهنمای موفق و مفیدی باشید، باید جزو آن عده معدودی باشید که قادرند بیش از آنچه در ظاهر شخص نمایان است، یعنی خصوصیات و توانایی‌های نهفته او را ببینند. عیسی وقتی شمعون را پطرس نامید، در واقع توانست از پس شنای بی‌کفایتی او، در او صخره ببیند. برنابا آنسوی شانه خالی کردن‌های یوحنا، ملقب به مرقس را دید به همین دلیل خدمت خود را متوجه او کرد تا او را رشد دهد. بطوری‌که بعدها او نویسنده انجیل مرقس شد. شما نیز یک «معمار دانا» (عامل رشد) باشید که می‌تواند شاگردان را کمک کند تا در ثمر آوردن مفید باشند.

چطور می‌توانید هدف اصلی «زندگی منضبط» را به کمال برسانید و چطور می‌توانید شاگردانی تربیت کنید که بتوانند دیگران را شاگرد بسازند. اجازه دهید تصویری از فرآیند و جریان شاگردی را پیش روی شما قرار دهیم. این موضوع «معمار دانا» نامیده می‌شود. از خلال آن، مراحل تکاملی شخص را از زمان مسیحی شدن تا لحظه‌ای که به یک همکار در زمینه شاگرد سازی مبدل شود، خواهید آموخت. شما خواهید دید که چه وظیفه و نقشی را باید متقبل شوید، و چه تأکیدی را در هر مرحله بگذارید. شما نسبت به خدمت مفید و سودمند خود دید لازم را بدست خواهید آورد. شما و همکارانتان درک خواهید کرد که چه اندازه مسئولیت در تکمیل هر یک از این مراحل بر دوش شماست. شما اهمیت کار کردن با دیگر شاگردان را در کلیسای محلی برای تولید خادمین موفق خواهید دید.

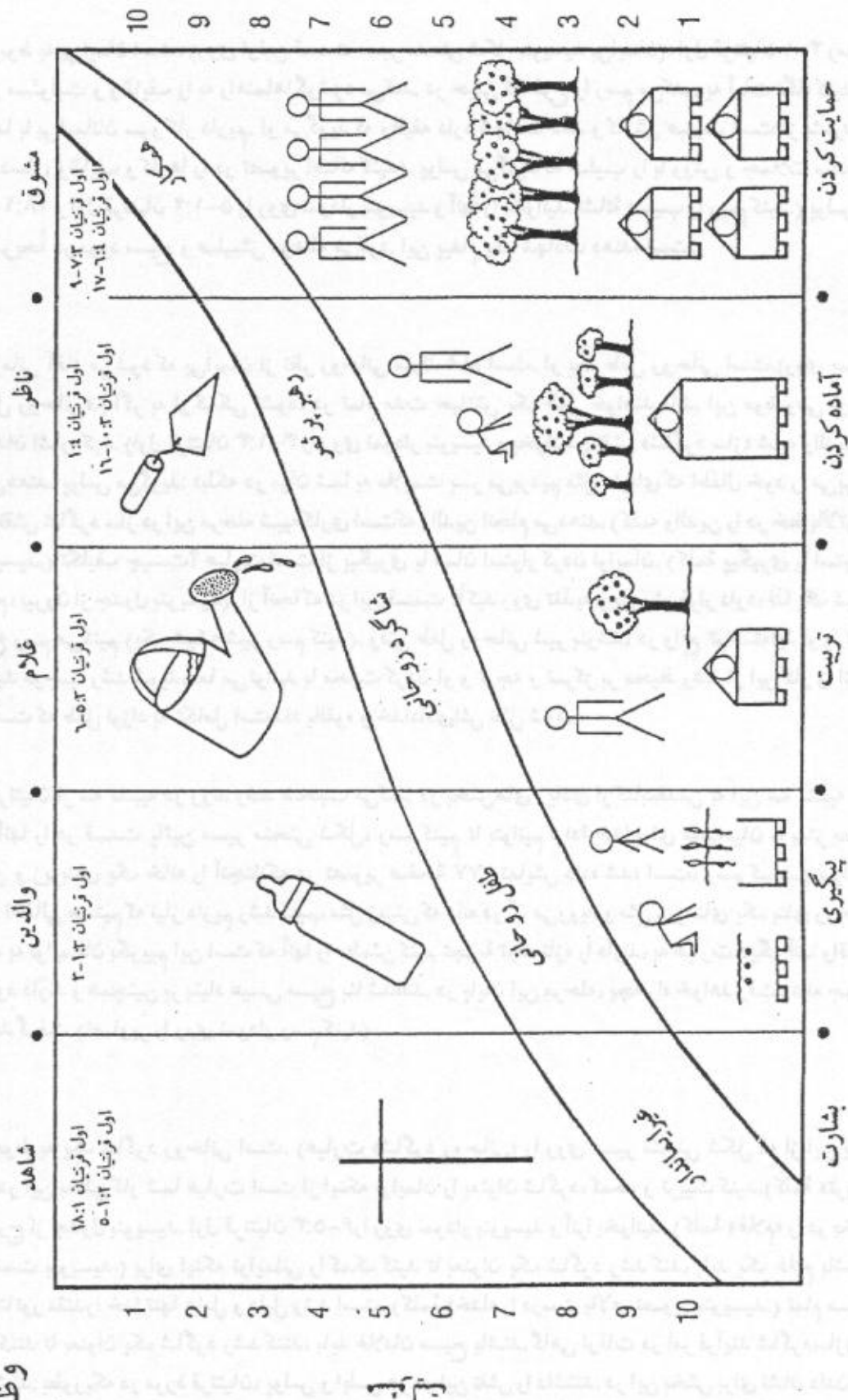
خدمت مفید شما می‌تواند زمانی بظهور برسد که گروه‌های «زندگی منضبط» را رهبری می‌کنید. شاید از راه وارد کردن دیگران به همکاری در خدمت با شما بتوانید در مشر ثمر بودن گروه‌ها موفق شوید. مهم نیست خداوند چه خدمتی را به شما می‌سپارد. شما باید از طریق شاگرد سازی و آماده کردن دیگران، خادمین مفید و مشر ثمر باشید. اگر شما عده‌ای را با خودتان در خدمتی که دارید وارد کنید، خدمت شما جنبه دومی نیز پیدا خواهد کرد، چرا که نه فقط خدمت می‌کنید بلکه همراهان خود را نیز با این روش تربیت می‌کنید. شما آن «معمار دانا» باشید همانطور که پولس بود (اول قرتیان ۳: ۱۰). حال که تصویری از «معمار دانا» در نظر شما مجسم شد، کتاب مقدس خود را باز کنید و ۴ باب اول رساله اول قرتیان را بیاورید و در ادامه بحث مرا همراهی کنید.

الگوی رشد

ابتدا اجازه دهید چارچوبی برای «معمار دانا» به تصویر بکشیم. به شما گفته خواهد شد در هر مرحله چه بکشید تا اینکه تصویری شبیه آنچه در صفحه ۱۷۷ کتاب هست بدست آید (یک مربع مستطیل بکشید و دو خط پایین تر بنویسید «معمار دانا»). این تصویری است از تکامل شخص از لحظه‌ای که به مسیح ایمان آورده تا زمانی که به یک همکار و خادم تمام عیار مبدل شود. (خط منحنی مانندی را از گوشه پایین سمت چپ بطرف گوشه بالایی سمت راست مستطیل تقریباً شبیه آن چیزی که در صفحه ۱۷۷ کشیده شده است بکشید. در هر مرحله منحنی را کمی بطرف بالا انحناء دهید. هنوز چیزی روی آن ننویسید.) این منحنی نمایانگر تغییرات رشد هر شخص است. گاهی رشد یک نفر با افت‌هایی همراه است. ممکن است شخص در هر مرحله دچار این افت بشود. او ممکن است از ایمان برگردد. شما می‌توانید آنان را که در ایمان و رشد خود در یکی از این مراحل متوقف شده‌اند و یا آنانی را که از ایمان برگشته‌اند، به این طریق بشناسید. بعنوان کسی که شاگرد دارد، وظیفه دارید به شاگردان تحت تعلیم خود اصرار کنید که روند ترقی خود را حفظ کنند (اول تسالونیکیان ۴: ۱).

خدا

وظایف شاگرد ساز



وظایف

بشارت

اولین مرحله مربوط به بی‌ایمان است. (روی اولین قسمت مسیر منحنی شکل بنویسید بی‌ایمان). اول قرتیان ۱-۴ رمز رشد را به افراد ارائه می‌دهد و مسئولیت و وظایف را به راهنماها گوشزد می‌کند. در حینی که طرح را رسم می‌کنیم، به آیات نگاه کنید. پولس در باب ۱ می‌گوید که ما با بی‌ایمانان سروکار داریم. او می‌گوید که وظیفه دارد شهادت دهد و کارش عبارت است از بشارت. (کلمات شاهد، مبشر، شاگردساز، وظایف و کارها را در تصویر اضافه کنید). پولس می‌گوید که صلیب را با روش و جملات ساده‌ای موعظه می‌کند (اول قرتیان ۱:۱۸ و اول قرتیان ۲:۱-۵ را روی نمودار بنویسید و آنها را بخوانید. نشانه صلیب را رسم کنید). پولس به سادگی شهادت می‌داد و صریحاً در مورد مسیح و صلیبش موعظه می‌کرد. این پیغام یک شهادت دهنده است.

پیگیری

دومین مرحله زمانی آغاز می‌شود که بی‌ایمان از نظر روحانی متولد شده است. او یک طفل روحانی است. (روی مسیر منحنی شکل بنویسید «طفل روحانی»). اگر به او کمکی نشود، در تمام مدت حیاتش یک طفل خواهند ماند. این موضوعی بود که پولس خطاب به قرتیان بدان اشاره کرد. (اول قرتیان ۳:۱-۳ را روی نمودار بنویسید و بخوانید). نقش «شاگرد ساز» شبیه والدینی است که به بچه خود شیر می‌دهند. پولس می‌گوید: «بلکه در میان شما به ملایمت بسر می‌بریم مثل دایه‌ای که اطفال خود را می‌پرورد» (اول تسالونیکیان ۲:۷). نقش شاگرد ساز در این مرحله شبیه کاری است که والدین انجام می‌دهند. (کلمه والدین را در خط بالاتر از قسمت «طفل روحانی» بنویسید). تکلیف چیست؟ عبارت است از پیگیری یا همان استوار کردن نوایمان. (کلمه پیگیری یا استوار کردن را در پائین قسمت دوم، بیرون از جدول بنویسید). از آنجاکه در این قسمت تأکید روی تغذیه و پرورش قرار دارد، لذا یک شیشه شیر را به نشانه این موضوع رسم می‌کنیم (یک شیشه شیر رسم کنید). وقتی طفل روحانی شیر بنوشد، در واقع توانسته‌اید او را تغذیه کنید. شما با زور نمی‌توانید موجب رشد شوید، اما می‌توانید با محبت کردن او و توجه و تمرکز بر محیط رشد او این کار را انجام دهید. خواست شما این است که طفل نوزاد به تکامل استعداد بالقوه و خدادادی‌اش نائل شود.

باب سوم اول قرتیان از سه تشبیه در روند رشد صحبت می‌کند. در بخش‌های زیادی از کتاب مقدس به این سه تشبیه اشاره شده است. اجازه دهید آنها را در قسمت پائین مسیر منحنی شکل، رسم کنیم تا بتوانیم اراده خدا برای مسیحیان را بهتر مجسم کنیم. (طفل، دانه در زمین و زیربنای یک خانه را آنچنانکه در تصویر صفحه ۱۷۷ نمایش داده شده است، رسم کنید). پولس رسول می‌گوید، ما همچون اطفالی هستیم که نیاز داریم رشد کنیم، مثل زمینی که دانه در آن می‌روید و مثل زیر بنای یک بنای روحانی. اولین چیزی که لازم است به نوایمانان بگویم این است که آنها را مطمئن کنیم تجربه تولد تازه را دارند، به عبارت دیگر آنها واقعاً بذر کلام خدا را در دل‌های خود دارند و همچنین بر بنیاد عیسی مسیح بنا شده‌اند. در پایان این مرحله، بچه راه خواهد رفت، دانه جوانه خواهد زد و بنا شکل خواهد گرفت (تصاویر را روی نمودار رسم کنید).

تربیت

بخش بعدی مربوط به یک شاگرد روحانی است. (عبارت «شاگرد روحانی» را روی مسیر منحنی شکل که از این بخش نیز می‌گذرد بنویسید). در این بخش کار شما عبارت است از اینکه نوایمان را بعنوان شاگرد، کمک و تربیت کنید. (کلمه «تربیت» را در پائین این بخش خارج از جدول بنویسید. اول قرتیان ۳:۵-۶ را روی نمودار بنویسید و آنرا بخوانید. (کلمه «غلام» را در بخش بالایی جدول روی این قسمت بنویسید). برای اینکه نوایمانی را کمک کنید تا بعنوان یک شاگرد رشد کند، باید یک غلام باشید نه یک صاحب یا یک دیکتاتور مقتدر. خدا تنها عامل و دلیل رشد است. (کلمه «خدا» را درست بالای تصویر بنویسید). تمام مسیحیانی که دیگران را کمک می‌کنند تا بعنوان یک شاگرد رشد کنند، باید غلامان مسیح باشند. گاهی اوقات در امر فرآیند شاگردسازی، بیش از یک نفر دخیل می‌باشند. بطوریکه در مورد قرتیان، پولس و اپلس هر دو این نقش را داشتند. در این بخش برای نشان دادن منظورمان از یک آب‌پاش استفاده می‌کنیم (یک آب‌پاش رسم کنید). در این قسمت رشد و پرورش آن مورد تأکید قرار می‌گیرد. شما نمی‌توانید باعث رشد شوید اما می‌توانید زمین را شخم بزنید. می‌توانید با مهیا ساختن محیط و ایجاد شرایط مناسب، زمینه رشد را فراهم کنید. شاگرد را با امکانات رشد، نظیر دوره «زندگی منضبط» احاطه کنید تا بتواند رشد کند. کولسیان ۲:۶-۷ بیانگر هر سه این تشبیهات است: «پس چنانکه مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید، در وی رفتار نمایید که در او رشد کرده و بنا شده و در ایمان راسخ گشته‌اید

بطوریکه تعلیم یافته‌اید و در آن شکرگزاری می‌نمایید.» توجه داشته باشید «رفتار کردن» نشانه‌ای از رشد طفل است، «ریشه کردن» حاکی از رشد بذر و «بنا شدن» گویای ساختمانی است که بر بنیادی نهاده شده است. شاگرد تا پایان این بخش به رشد روحانی خواهد رسید، ثمر خواهد آورد و بعنوان هیکل روح القدس، زندگی مقدسی خواهد داشت (در این قسمت تصویر شخص بالغ، درخت محصول‌دار و معبدی را که نشانه رشد روحانی است بکشید).

اول قرتیان ۱۶:۳ را بخوانید. آنچه کیفیت یک ساختمان را تعیین می‌کند، بکارگیری مصالح خوب و چیزهایی از این قبیل است.

آماده کردن (تجهیز کردن)

ممکن است تصور کنید وقتی شخصی را بعنوان شاگردی روحانی تربیت کرده‌اید، به مقصود نهایی خود رسیده‌اید. چنین نیست. بدبختانه تعداد کمی از شاگردان تربیت شده به رهبران پرثمر و مفید مبدل می‌شوند (رهبر پرثمر و مفید را در مسیر منحنی شکل جدول بنویسید). لازم به ذکر است که شخص در این سطح متوقف نمی‌شود. در این مرحله، خیلی اهمیت دارد که شاگرد را کمک کنید تا به فرد پرثمر و باروری مبدل شود (دوم تیموتاؤس ۲:۲). کار شما عبارت است از تجهیز و آماده کردن کسی که بعدها به رهبر گروه خوبی مبدل شود. (عبارت «تجهیز کردن» را در پائین این قسمت در بیرون از جدول بنویسید). شما در این بخش نقش یک خادم یا وکیل (ناظر) را دارا می‌باشید. (اول قرتیان ۱:۴، کلمه «وکیل» یا «خادم» را بالای این قسمت و بیرون از جدول بنویسید و اول قرتیان ۱:۴ را پایین کلمه «خادم» بنویسید). در زمان عهد جدید، ناظر یا خادم مسئولیت نظارت و رسیدگی بر تمام اهل خانه صاحب خود را داشت. کاملاً پیدا است که پولس رسول نقش کاری را که به یک ناظر سپرده شده با سمیل معمار که خانه را بر بنیاد می‌نهد، درهم آمیخته و با هم آورده است. (اول قرتیان ۱۰:۳-۱۶ را پایین اول قرتیان ۱:۴ بنویسید و آن را بخوانید). بعنوان سمیل و نشانه این قسمت، تصویر یک ماله بنایی رسم کنید). آنانی که بر اساس نیکویی بنا می‌کنند، مسئولیت خطیری را بر دوش دارند. بعنوان یک ناظر معمار مصالح درستی را انتخاب کنید تا بتوانید آنها را روی شالوده و اساس ایمان بچینید. بنیاد و اساس عیسی مسیح به اندازه کافی عریض و عمیق است تا بتوان بر روی آن هر نوع هیکل روحانی را با مترآزهای مختلف بنا کرد. اگر پایه و اساس نامناسب (ناکافی) باشند، وسعت و عمق زندگی افراد محدود می‌شود. لازم است زندگی فرد را دقیقاً بر آنچه روی زیربنا طراحی شده بنا کنیم.

علف، چوب و کاه برای ساختن یک خانه عادی و معمولی، مصالح بدی بشمار نمی‌روند اما شما یک خانه عادی و معمولی نمی‌سازید. این بنای روحانی باید در برابر آتش آزمایشنده داوری خدا بتواند پابرجا بماند. انجیل تفسیری می‌گوید: «بزودی آزمایش می‌رسد، روزی که مسیح همه را محاکمه می‌کند تا معلوم بشود هر معماری با چه مصالحی خانه ساخته است. کار هر کس از آتش گذرانده می‌شود تا معلوم شود که ارزشی دارد یا نه و تا اصالت کار او را نشان بدهد» (اول قرتیان ۱۳:۳). طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی نشاندنده چیزهایی با ارزش‌های ابدی هستند. آتش قادر نیست آنها را از بین ببرد. آتش ممکن است بتواند طلا یا نقره را ذوب کند و یا تفاله‌ها و ناخالصی‌های آنها را بسوزاند و یا آنها را تغییر شکل دهد، اما آنها را از بین نمی‌برد. ما باید زندگی‌هایمان را طوری بنا کنیم که در برابر داوری نهایی خداوند بایستند نه اینکه فقط چند ماه و چند سالی دوام داشته باشند. معیارها را در سطح بالایی نگاه دارید تا آیندگان نیز بتوانند هیکل‌های مقدسی برای روح القدس بنا کنند. همزمان با تجهیز رهبران مسئولیت خود را انتخاب صحیح مصالح بپذیرید و سعی کنید این مصالح را در زندگی آنها بکار گیرید. شاگردان را کمک کنید تا اصول و عقاید اساسی، آموزه‌های صحیح و معتبر و اصول زندگی را در خود بگونه‌ای رشد دهند که در برابر هرگونه آزمایشی ایستادگی کنند.

اینجاست که شاگردان روحانی شروع به ثمر آوردن می‌کنند. اجازه دهید این قسمت را با کشیدن شخص بالغی ترسیم کنیم که بچه‌ای دارد که قادر است رشد کند و نوه بیاورد. (شکل شخص را به همراه کودکی رسم کنید). درخت باروری را که چند درخت کوچکتر در کنار آن رشد کنند بکشید. (چند درخت بکشید). معبد مقدسی را بکشید که بزرگتر شده است. به تعداد سنگ‌ها اضافه شده و همچنین و سنگ‌های زنده رشد می‌کنند (افسیان ۲۱:۲-۲۲، اول پطرس ۵:۲).

پشتیبانی و حمایت

آخرین بخش مربوط است به «همکار». (کلمه همکار را روی مسیر منحنی بنویسید. آیات اول قرنتیان ۷:۳-۹، ۴:۱۷ و ۱۲:۱۸ را بالای آن بنویسید و آنها را بخوانید. کلمه «مشوق» را در گوشه بالای جدول بنویسید.) پولس و اپلس همکار بودند. هیچکدام بزرگتر از دیگری نبود گرچه پولس در ابتدای خدمت اپلس، در حکم مشاور او بود. آنها با هم کار کردند و شاگردان زیادی به ثمر آوردند. همچنین در قرنتس شاگردان زیادی را تجهیز کردند. برنابا نیز همان نقش را در رابطه با پولس داشت در زمانی که در انطاکیه با هم کار می کردند. اکنون پولس بعنوان پدر، دوست مجرب و مشاور تیموتاؤس در خدمت او محسوب می شد. کار شاگردساز در این مرحله با چنین شاگردانی در هم آمیخته است. شما در حکم پشتیبان، مشوق و پیشنهاد کننده سایر خادمین هستید. (کلمه «حمایت» را زیر قسمت مربوطه در گوشه پایین جدول بنویسید). خدا مایل است در کلیسا کار تربیت رهبران و سرگروهها توسط عده زیادی و با همکاری هم پیش برود. هیچکس به تنهایی نمی تواند موفق شود. به همین علت کلیسا بهترین محیط برای ساختن شاگرد و شاگردسازان است. آنها ممکن است بعدها در تهیه و پیش بردن دروس تربیتی، دروس کتابمقدس، کالج ها و یا مدارس الهیات با هم همکاری کنند.

در هر حال اگر شما عده ای را به مسیح هدایت کرده اید، هرگز مسئولیت خود را بعنوان یک ولی رها نمی کنید. اول قرنتیان ۱۴:۴-۱۶ را بخوانید. والدین نمی توانند تمام چیزهایی را که فرزندشان باید بیاموزد به آنها یاد بدهند، اما مسئول هستند تا ببینند فرزندانشان تجربیات و تربیت صحیحی دارند. شاگردان خود را کمک کنید تا از همکاری با شما در خدمت نهایت استفاده را بکنند.

شاگردان شما ممکن است روزی بعنوان همکارانتان مستقلاً عهده دار خدمات خاص خود در جاهای دیگر بشوند، همان طوری که شاگردان مسیح یا پولس چنین کاری را کردند. (وقتی از کشیدن چند نفر انسان، چند درخت و چند خانه فارغ شدید، توضیحات زیر را متذکر شوید.) آن چند نشانه شاگردان شما هستند که شاگردان دیگری تولید خواهند کرد. درختان، نشانه باغ میوه ای است که مشغول میوه دادن هستند. بناهای مقدس نشانه کلیساهای دیگری است که ممکن است توسط شاگردان شما تأسیس شده باشند.

مسئولیت

اکنون اجازه دهید توجه شما را به درجات مسئولیت های شاگردساز و شاگرد در هر بخش پردازیم. (کلمه «مسئولیت» را در سمت چپ جدول بنویسید و اعداد ۱ تا ۱۰ را از بالا به پایین بنویسید. مجدداً در سمت راست جدول اعداد ۱ تا ۱۰ را این بار از پایین به بالا بنویسید.) در ابتدا شما، تقریباً تمام مسئولیت شهادت و رسیدگی به شخص بی ایمان را بعهده می گیرید. همینکه پاسخ مثبت دادند، آنها بخشی از مسئولیت را بعهده می گیرند. همینطور که در رشد و بلوغ روحانی پیش می روند، به همان نسبت عهده دار مسئولیت هایی می شوند. وقتی که به رهبران مشمر ثمر و همکاران مفیدی مبدل شدند، مسئولیت آنها نیز افزایش می یابد. آنها برای کمک و نظرخواهی (مشورت) پیش شما می آیند. آنها با سایرین همکاری خواهند کرد و شما آنها را در حل مشکلات و مسائلی که در رابطه با شاگردانشان دارند، کمک خواهید کرد. در عین حال آنها را در زمینه بشارت، پیگیری، تربیت و تجهیز کردن سایرین تعلیم خواهید داد. در همکاری و خدمت با آنها است که نقش پرثمر شما آشکار می شود. به آنها کمک کنید تا تصویر «معمار دانا» را کاملاً یاد بگیرند و آن را بخاطر بسپارند. ممکن است لازم شود بارها آنها را نصیحت و توبیخ کنید. ممکن است دوست نداشته باشید این کار را بکنید اما اگر حقیقتاً آنها را دوست دارید و خواهان خدمت مفید و مؤثری برای آنها هستید، باید این کار را بکنید. یکی از راههای توبیخ ملایم و آرام، نصیحت کردن است. با خشم و یا عجز با آنها صحبت یا عمل نکنید. تا زمانی که نمی خواهید این کار را بکنید، در مورد آن دعا کنید اما این را بدانید که باید این کار را برای خیریت آنها انجام دهید.

راهنمایی

در ذیل راهنمایی هایی وجود دارند که از شما یک «معمار دانا» (عامل رشد) خواهند ساخت.

۱- زمانیکه شخص در حین رشد روحانی است، باید تشویق شود تا به کسی که الان در مرحله ای قبل از او قرار دارد، کمک کند. انتقال آنچه آموخته بهترین راه برای یادگیری حقیقت است. همچنین بهترین راهی است که می توان آن تعلیم را عملاً به جزئی از

زندگی خود تبدیل کرد.

۲- گرچه خدمت اصلی شما ممکن است بر یک مرحله از مراحل مذکور متمرکز باشد، اما باید همزمان آنانی را که در هر یک از سایر مراحل قرار دارند کمک کنید. همه وقت خود را با آنانی که در مراحل بالاتری از شما قرار دارند صرف نکنید. بسیاری از شاگردان چنین هستند و بدین ترتیب حالت تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهند. شما مدل و نمونه آنانی هستید که به تربیت آنان همت گماشته‌اید- اگر در بشارت یا دادن شهادت از روش و قاعده مشخص و منظمی پیروی نمی‌کنید، قاعدتاً شاگردان یا رهبرانی که تربیت می‌کنید، عملکردی مشابه شما خواهند داشت. وقتی شاگردانتان را کمک می‌کنید تا رشد کنند، آنها را به شاگردسازی کسانی که در مراحل قبلی خود آنها هستند تشویق کنید، مراحلی که قبلاً خودشان آنها را سپری کرده‌اند.

۳- شما تنها عامل تعیین کننده در روند رشد نمی‌باشید. خدا، کسانی که با آنها سروکار دارید، وسایلی که از آنها استفاده می‌کنید، گروه شاگردسازی، کلیسا و محیط، همگی در رشد تأثیر دارند. در نتیجه نباید تمام افتخار موفقیت را بخود اختصاص دهید. یا بالعکس وقتی شاگردی ناموفق است نباید احساس کنید تمام مسئولیت شکست او تنها برگردن شماست.

۴- شما به تنهایی کار نمی‌کنید. شما باید به همراه سایر همکارانتان مردم را کمک کنید تا اراده خدا، بجا آورده شود.

۵- دیدگاه خود را نسبت به کاری که خدا می‌خواهد از طریق شما و آنانی که تحت تعلیم شما قرار گرفته‌اند، انجام دهد، حفظ کنید. (کلمات «احتیاج» و «دید» را در قسمت پایین نمودار جایی که در تصویر مشخص است بنویسید.) دائماً «نیاز» را مدنظر داشته باشید اما در پس این نیاز به اراده و منظور خدا توجه داشته باشید. امین باشید. «سپس ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیاید. شما نیز صبر نمایید و دل‌های خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است» (رساله یعقوب ۷:۵-۸). در صورتی که شاگردانتان علاقه بیشتری به یادگیری نشان دادند، کمک و وقت بیشتری را به آنان اختصاص دهید. معمولاً تمایل طبیعی همه این است که آنانی را که رشد می‌کنند، رها کرده و به کسانی که رشد نکرده‌اند کمک می‌کنند. شما سعی کنید بر کسانی که رشد می‌کنند و ثمر می‌آورند متمرکز شوید و کمک به آنانی که هنوز رشد نکرده‌اند را بعهده دستیارانتان بگذارید.

۶- بعنوان یک «معمار دانا» که خدمت خود را مدنظر دارید، همیشه بخاطر آورید که هدف شما تولید شاگردان و شاگردساز مثمر ثمر و مفید می‌باشد. نکات ذیل را در کارتان بخاطر داشته باشید.

نتیجه

بعنوان یک «معمار دانا» شما با مردمی که در هر مرحله از رشد قرار دارند کار خواهید کرد. بعضی از آنانی که کمکشان می‌کنید، ممکن است روزی در خدمت از شما هم جلو بزنند، مثل پولس که از برنابا سبقت گرفت. احساس و نظراتان چه خواهد بود؟ بعنوان یک ولی، خادم، ناظر، و مشوق خوب باید با آنها شادی کنید و خدا را شکر کنید که چنین موفقیت و ثمری داشته‌اید. یوحنا ی رسول می‌گوید: «مرا شادی بیش از این نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می‌نمایند.» (سوم یوحنا ۴).

وقتی به شرح تصویر می‌پردازید خود را ارزیابی کنید که خودتان در کدام مرحله از رشد قرار دارید. شما کجا قرار دارید؟ آیا لازم است به مرحله بالاتری صعود کنید؟ آیا از یک مرحله غفلت داشته‌اید و یا در رشد در یکی از مراحل آنچنانکه باید و شاید، ناکام مانده‌اید؟ فی‌المثل آیا قبل از اینکه یک رهبر و سرگروه پرثمری باشید آیا واقعاً شاگرد روحانی بوده‌اید؟ اگر خیر آیا این مساله منجر به بروز معایب و نواقصی در رهبری روحانی‌تان نشده است؟ آیا کسانی را که در مراحل مختلف قرار گرفته‌اند کمک می‌کنید، مراحلی که قبلاً خود، آنها را سپری کرده‌اید؟ اگر چنین است، آیا عکس‌العمل مقتضی را در رابطه با آنانی که در این مرحله قرار دارند از خود نشان داده‌اید؟ آیا از اندازه مسئولیت و انتظار بجایی که در این زمینه داشته‌اید تا آنها رشد کنند، راضی هستید؟ اگر آتش داوری خدا عمل شما را امروز بیازماید، آیا به اندازه کافی طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی در بنا کردن آنها بکار برده‌اید؟ ضمن آزمودن نتیجه کارتان تا این

طرز برقراری ارتباط در سطوح ارزشها

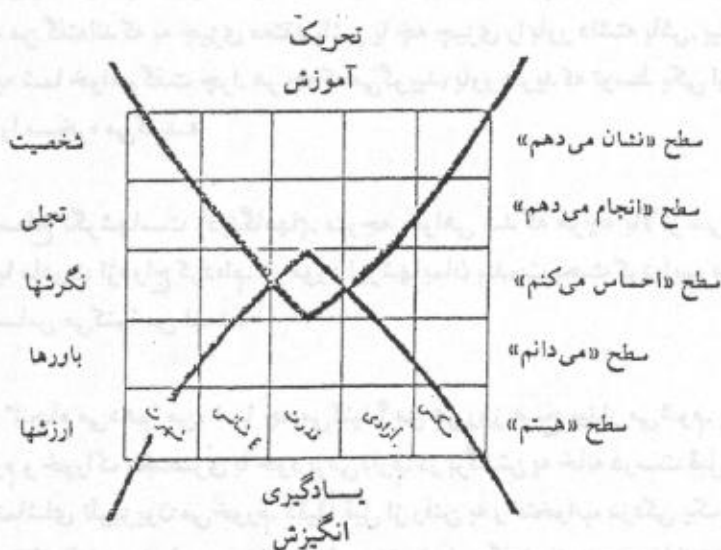
دکتر ویلیام اچ. هیل (Dr. William H. Hile) گفتگوی خود را با دخترش بازگو می‌کند تا این فرمول را توصیف کند.

فرمول ارتباط در سطح ارزشها عبارت است از YCKAMATOP TYAWTKY. YCIAPLAMTYAWTEYO. می‌خواهم برای توصیف آن داستانی برایتان بگویم. یک شب در خانه، من و دخترم ظرفها را می‌شستیم. من به شستن ظرفها در منزل علاقمندم. به نظر می‌رسد که این کار به آسایش خاطر خانوادگی کمک می‌کند. ما داشتیم ظرفها را می‌شستیم که دخترم به من گفت: «چگونه می‌توانم بفهمم که مردم چه وقت صادق و درست هستند؟»

او سؤال مناسب را از فرد مناسب پرسید زیرا من جواب را می‌دانستم. من دقیقاً با گوشه‌ایم می‌شنوم که مادر و ویلسون پیر به من می‌گویند: «فقط به حد کافی به آنها نگاه کن و می‌توانی بفهمی که آیا صادق و درست هستند؟» قبل از اینکه بتوانم پاسخ دهم، دخترم سؤال دیگری از من پرسید.

«پدر، من نمی‌خواستم آن سؤال را بپرسم. منظورم واقعاً این سؤال بود که چگونه می‌توانم بفهمم که خودم چه موقع صادق و درست هستم؟»

البته این دیگر مسئله دیگری است. من پدر و معلم مدرسه هستم، و او قصد دارد پاسخی از من بگیرد و در اکثر موارد حق مطلب را می‌خواهد و نه یک پاسخ رسمی و کلی. درست همانجایی که ظرفها را می‌شویم پنجره‌ای وجود دارد. آن دارای پنج قاب است، قابهای بزرگ و بلند. نمی‌دانم چرا آن را آنجا قرار داده‌اند زیرا موقع شستن ظرفها، بخار آن را می‌پوشاند و نمی‌توان بیرون را نظاره کرد. ولی آن آنجا بود. بهترین جا. گفتم: «کارن، بگذار برای تصویر یک مرد را بکشم و بتو بگویم که چگونه می‌توانی بفهمی که صادق هستی.»



بر قاب پائینی آن پنجره چند خط کشیدم (به تصویر مراجعه کنید). او زیاد باهوش نیست، ولی می‌دانست که آن یک مرد عادی نیست. یک مرد عادی آنقدر پا ندارد. «درست در عمق وجود هر شخص چیزهایی بنام ارزشها وجود دارد. هر فردی آنها را کسب می‌کند هیچکس نمی‌تواند از داشتن ارزشها بگریزد. ژوزفین، ناپلئون، دوگل، بیلی گراهام و پاپ هرکس ارزشها یا معیارهایی دارد. این سطح "هستم" شما و من است. ما برای چه چیزهایی ارزش قائل هستیم؟ ما برای شهرت، بخت، سلامت، قدرت، آزادی، مسائل جنسی ارزش قائل هستیم. فقط لغت بکار رفته برای آنها را در نظر داشته باشید؛ تعداد آنها بسیار زیاد است. آنها مهم نیستند. مهم این است که این ارزشها را از کجا کسب کرده‌اید؟»

«من نمی‌دانم. اما می‌دانم آنها را از چه جایی کسب نکرده‌ایم. ارزشهایمان را از پدر، مادر، واعظ و معلم کسب نکرده‌ایم. آنها فقط پیشنهادات معقولی را ارائه می‌دهند که از میان آنها ارزشهایمان را انتخاب می‌کنیم. هر فرد یادبودی است از ارزشهایی که خود انتخاب کرده است. بله پیشنهاداتی ارائه شده است، ولی آنچه که می‌بایست از آن شما باشد، خودتان انتخاب کرده‌اید. چگونه می‌توان ارزشهای یک شخص را تغییر داد. خوب، به همان روشی که آنها را کسب کرده است. ارزشهای هیچکس را نمی‌توان به او داد. من فکر می‌کردم این کار را کرده‌ام. می‌بایست می‌پذیرفتم، من واقعاً فکر کردم باید فردی می‌بودم که می‌توانست این کار را با بچه‌هایم بکند. فکر کردم که می‌توانستم ارزشهایم را بردارم و آن را در بچه‌هایم بگذارم. من درسهایی می‌آموزم و قبلاً درسهایی یاد گرفته‌ام.

«برادرت را در نظر بگیر. من معتقدم که بیلی به صاحب فروشگاه می‌بایست مبلغی می‌پرداخت تا بتواند در فروشگاه او باشد چون فقط به این طریق می‌توانست در نزدیکی آن لباس‌ها باشد. او در باره آن لباسها همه چیز می‌داند. می‌داند چه کسی آنها را دوخته، چرا آنها را دوخته‌اند، چقدر دوام دارند، چه کسی آنها را خواهد خرید؛ افزایش نرخ، پرز پارچه، بافت پارچه، شما از آن صحبت می‌کنید، اما آنرا می‌داند. گاهی در کلیسا کنار بیلی بنشین. فردی از راهرو خواهد آمد تا ظرف هدایا را بردارد، بیلی به او نگاه خواهد کرد. به تو ضربه‌ای خواهد زد: «قیمت او ۱۳ دلار است.»

«بیلی یک برچسب بر او خواهد گذارد، همانطور که کرد. من نمی‌توانستم کمترین علاقه‌ای به لباس داشته باشم، ولی بیلی در مورد آنها دارای تمام این ارزشها بود. من معیارهای او در مورد لباس را به او نداده بودم. برای من، لباس تنها چیزی برای پوشیدن است.

«شما دارای ارزشهایی هستید، من هنوز نمی‌دانم که شما آنها را چه می‌نامید، آنها به شما تعلق دارد.» بر روی پنجره، قاب دیگری وجود داشت. توجه دخترم به من بود و من قصد داشتم صحبت‌م را ادامه دهم. «این سطح باورهاست. آن سطح "می‌دانم" مرا تشکیل می‌دهد. چه چیزی می‌دانید، چه چیزی را باور دارید یا به چه چیزی معتقدید؟ من چیزهای زیادی را باور می‌کنم. من باور دارم که در اکثر کشورها چهار و چهار می‌شود هشت، تلویزیون کار خواهد کرد، خورشید خواهد تابید. چه کسی به من گفته که به چیزی معتقد باشم؟ از زمانی که متولد شده‌ام، خویشاوندان به من گفته‌اند که به چیزی معتقد باشم یا چه چیزی را باور داشته باش. بیلی، این را باور کن، بیلی آن را باور کن. بیلی باور کن، باور کن. به شما خواهم گفت چرا. هر چه که می‌گویید، باور دارید که توسط یکی از ارزشهایی که دارید تایید می‌شود، در غیراینصورت خودتان را مسخره می‌کنید.»

من به قاب دیگر پنجره اشاره کردم. «این سطح نگرشهاست (دیدگاهها). متوجه خواهی شد که هرچه بالاتر می‌رویم چیزها انعطاف‌پذیر هستند. سی و هفت سال است که با مادرت ازدواج کرده‌ام. در مورد ارزشهایمان بندرت بحث کرده‌ایم، در مورد باورها گهگاه، در مورد نگرشها همیشه. این سطح "احساس می‌کنم" من است.

قاب بعدی پنجره سطح تجلی است، سطح "انجام می‌دهم" من. شما چه می‌کنید؟ من هر روز صبح بیدار می‌شوم. پایین می‌آیم و صبحانه می‌خورم. من می‌خورم، به سرکار می‌روم و خوراک مختصری با خود برمی‌دارم. در برگشتن به خانه درست قبل از سوار شدن به اتومبیل یک آب‌نبات چوبی می‌خورم. موقع تماشای تلویزیون می‌خورم. دقیقاً قبل از رفتن به رختخواب دزدکی یک ساندویچ پنیر با خود برمی‌دارم. من تمام اینها را انجام می‌دهم - لحظه‌ای مضطرب می‌شوم. ولی به تو خواهم گفت، هیچ چیز را انجام نخواهیم داد

مگر اینکه مورد تأیید یکی از نگرشهای (دیدگاه) ما باشد.

بالاترین قاب پنجره سطح شخصیت است و این سطح "نشان می‌دهد" من است. برای هر ویژگی در شخصیت شما، یک ویژگی تازه شکفته یا ویژگی که آن را آزمودید و هنوز برای شما مؤثر نبوده است، کاری انجام می‌دهید تا آن ویژگی را مورد تأیید قرار دهید.

من صحبت‌م را تمام کردم. به دخترم گفتم: «این است روشی که توسط آن می‌توانی بفهمی که چه موقع صادق هستی.» با سردرگمی به من نگاه کرد. او گفت: «پدر، خیلی زرنگ هستی، ولی من نمی‌دانم معنی آن چیست.» گفتم: «چرا گوش ندادی! من هستم، من می‌دانم، احساس می‌کنم، انجام می‌دهم، نشان می‌دهم.» وقتی مسئله‌ای را توضیح دادید و طرف مقابل نفهمید، بهتر است روش دیگری در پیش بگیرید. و من فکر کردم تا مثال کاملتری پیدا کنم. گفتم: «کارن، آیا ماروین را می‌شناسی؟»

- «پدر سوزان؟»

- «بله، پدر سوزی.»

- «او یک دائم‌الخمر است اینطور نیست؟»

- «بله، یک دائم‌الخمر همیشه مست.»

«بله قدری در مورد او برایت بگویم. ماروین و من بعد از دو سال در کالج زنان جورجیا تدریس کردیم. هر دو ما در یک روز به آنجا رسیدیم - بعنوان اساتید جدید کالج در همان بعد از ظهر بسوی همان شهر حرکت کردیم. من در خانه کوچکی در میان جنگل مستقر شدم و ماروین در یک آپارتمان. ماروین و من به هم خو گرفته بودیم. ما مجبور بودیم چنین باشیم. ما آنرا امنیت اجتماعی نامیدیم. ما با بقیه اشخاص هیئت علمی دانشکده جور نبودیم. در آن روزها در هیئت علمی دانشکده زنان، می‌بایست بر اساس تعداد دفعات شرکت در پذیراییهای تشریفاتی صرف جای ایرلندی که عصر یکشنبه در ایوان کالج برگزار می‌شد، با هم دوست شوند. من در یکی از آنها شرکت کردم؛ ماروین در نیم جلسه.

از آن به بعد با فنجانهای آهنی در محل زندگی گوشه عزلت گزیدم. بگذار راجع به ماروین بگویم. مسائل زیادی وجود داشت که درباره آنها صحبت کنیم. ما افراد اجتماعی بودیم. ماروین مشکلی داشت - یک مشکل واقعی. ماروین مشروبات الکلی می‌نوشید. نه مقدار کمی - بلکه در حدی که بشدت مست می‌کرد. او همیشه می‌نوشید، ولی او مردی اصولی بود. لااقل یک اصل برای خود داشت - در کلاس مشروب نمی‌خورد. این عمل او را تحسین می‌کردیم. به تو خواهم گفت که چه وضع بدی داشت. یک تابستان او را اخراج کردند. هر دو ما را در همان تابستان اخراج کردند. من مشروب نمی‌خورم.» بقیه را به تصور شما واگذار می‌کنم.

یک شب جمعه را به یاد می‌آورم که در خانه ماروین بودم. هلن و گرت در آشپزخانه مشغول پخت و پز بودند و بچه‌ها بازی می‌کردند و ماروین و من در کنار در بودیم. من آنجا ایستاده بودم و ماروین به من تکیه داده بود و یک لیوان در دست داشت. همیشه یک لیوان در دست داشت. او به من نگاه کرد و گفت: «شما مسیحیان مرا بیمار می‌کنید.»

من گفتم: «آه ماروین، دیگه امشب این مسئله را شروع نکن. میدونی بگذار در مورد رئیس جمهور بحث کنیم، هر دو علاقه‌ای به او نداریم.»

او گفت: «شما مسیحیان مرا بیمار می‌کنید.»

گفتم: «خوب، ماروین، یک بار دیگر بحث کنیم. چرا مسیحیان شما را بیمار می‌کنند؟»

او گفت: «منظورم صداقت است.»

گفتم: «اگر تنها یک چیز باشد که مسیحیان آنرا خوب انجام می دهند، آن صداقت است.»

گفت: «شما مسیحیان مرا بیمار می کنید.»

گفتم: «خوب به من یاد بده: ادامه بده، به من پیاموز، در مورد آن برایم صحبت کن.»

او این کار را کرد. او گفت: «شما انسانها به سرتاسر دنیا می روید و به مردم می گوید که صداقت بهترین خط مشی است.»

گفتم: «ماروین چه اشکالی دارد؟» هرگز جوابش را فراموش نمی کنم.

او از میان لیوانش نگاهی به من کرد و گفت: «چرا صداقت شما صرفاً بدلیل صادق بودن شما نیست؟»

من فوراً موضوع را عوض کردم. او آنرا تأیید کرده بود. او یک دائم‌الخمر است. بین ماروین با طرح من چکار کرد. او نگذاشت که من این باور را که صداقت بهترین خط مشی است نگه دارم. بهای حفظ خط مشی هایم را کاملاً دریافت کرده ام - و اطمینان داد که همان مردم، وقتی گهگاه با آنها صحبت می کنم، آنرا بجا نمی آورند. می دانید منظورم چیست؟ آیا صداقت چیزی است که به آن معتقدم؟

آن شب می بایست از آپارتمان ماروین از طریق این جاده خاکی تا خانه ام رانندگی می کردم. در نیمه راه آنچه که او به من گفته بود برایم روشن شد. باید اقرار کنم که در مدت سه دقیقه یک معلم نسبتاً مست چیزی به من گفت که بیش از آن چیزی بود که کلیسایم در مدت سی و پنج سال گفته بود. اگر با شخصیتم نشان دهم که به چه ارزشهایی معتقدم، «آنگاه صادق هستم». نیاز به تلاش اضافی نیست.

اگر بخواهید با من مرادوه کنید، از کجا شروع خواهید کرد؟ باید دریچه ای برای نزدیکی به من داشته باشید. آن شخصیت من است. بگذارید طرحی را ترسیم کنم. از «شخصیت» و «تجلی» که در بالا هستند، زاویه ای رسم کنم که رأس آن بر روی نگرش قرار می گیرد. آن در مورد این است که شما در موقع صحبت با مردم یا تعلیم چقدر تأثیرگذار هستید. آن نشان می دهد که من چقدر مؤثر صحبت می کنم. در مورد این اصلاً غلو نمی کنم و گفته های هذیانی مطرح نمی کنم.

بگذارید زاویه دیگری از پایین به بالا رسم کنم تا قسمتی از زاویه بالایی را بپوشاند. آن یادگیری است. آن چیزی است که انجام می دهم زیرا می خواهم انجام دهم.

بگذارید لغت دیگری را به زاویه بالایی بیفزاییم، «تحریک». بعد از این اگر کسی پیدا شد که ادعا می کند می تواند کارمندان شما، گروه شما، کلیسای شما یا معلمین شما را برانگیزد، می توانید بر چسب حقه باز بر او بزنید. هیچکس نمی تواند دیگری را برانگیزد. زاویه پایینی «انگیزش» است. من به شما جوازی می دهم که از این به بعد مرا تحریک کنید. ولی من بر روی ارزشهایم استوار هستم. من قوی هستم. من یک عروسک خیمه شب بازی نیستم که توسط دیگری به حرکت درآیم. شما می توانید تحریکات خود را بسوی من پرتاب کنید ولی می بینید که نمی توانید روی آن حساب کنید. من خود بخود انگیزه می شوم و هر انسان دیگری نیز چنین است. من زمانی حرکت می کنم که آمادگی حرکت کردن داشته باشم. شما مرا به حرکت در نمی آورید.

عجیب نیست که یادگیری و تعلیم معمولاً تمایل دارند گهگاه در جایی یکدیگر را پوشش دهند، ولی در حد بسیار ناچیزی است. چگونه با من ارتباط برقرار می کنید؟ فکر نکنید که هر روشی مؤثر خواهد بود.

مطالعه زندگی افراد در کتاب مقدس

سعی کنید تمام اشارت مربوط را در آیه یاب پیدا کنید. با توجه به این سؤالات زندگی فرد را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و به سؤالات پاسخ دهید.

چہ کسی؟ کجا؟ چہ موقع؟ چرا؟ چہ؟ چطور؟

[illegible]

۱- فهرستی از خصوصیات و ویژگیهای مثبت زندگی شخصی تهیه کنید. همیشه محل آیات را همراه تحلیل یادداشت کنید.

۲- فهرستی از تمام خصوصیات منفی یا گناهان آن شخص تهیه کنید.

۳- در مورد کلیه روابط آن شخص با خداوند و عملکرد او در مقابل آن تعمق کنید و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

۴- ویژگیهای مثبت و خصوصیات منفی بارز آن شخص را در چند جمله خلاصه کنید.

۵- با وجودی که تمام موارد زیر در زندگی هر فردی وجود ندارد،

آیا در زندگی فرد مورد نظر

۱- نمونه‌ای هست تا از آن پیروی کنیم؟

بله خیر

چه چیزی؟

۲- گناهی برای اعتراف وجود دارد؟

بله خیر

چه چیزی؟

۳- حالت قلبی وجود دارد که بر نتیجه کار تأثیر گذاشته باشد؟

بله خیر

چه چیزی؟

۶- مشخص کردن یک اصل

موضوع یا حقیقتی از زندگی شخص برگزینید و آن را بطور بخصوصی به نیازهای خودتان نسبت دهید. چه آیه(آیاتی) را انتخاب کرده‌اید؟

۱- توضیح دهید که چرا به این حقیقت نیازمندید.

۲- مثالی بزنید و فقدان کاربرد این حقیقت در ایام اخیر زندگی خود را توضیح دهید.

۳- بنویسید برای اینکه حقیقت مزبور جزء زنده‌ای از زندگی شما باشد، از امروز چه باید بکنید؟ راهنمای خدا چیست؟

کارهای انجام شده

برای هفته آینده هر روزی را که درصدد هستید این حقیقت را بکار برید علامت بزنید.

<input type="checkbox"/> یکشنبه	<input type="checkbox"/> دوشنبه	<input type="checkbox"/> سه‌شنبه	<input type="checkbox"/> چهارشنبه
<input type="checkbox"/> پنج‌شنبه	<input type="checkbox"/> جمعه	<input type="checkbox"/> شنبه	

اشخاصی را که هدایت می‌شوید که حقیقت مزبور را با آنها در میان بگذارید نام ببرید.

تکلیف اختیاری: کمکهایی برای موعظه یا عبادت.

رئوس مطالب زندگی شخص مورد نظر را بنویسید.

1981-1982

1983-1984

1985-1986

1987-1988

1989-1990

1991-1992

1993-1994

1995-1996

1997-1998

1999-2000

2001-2002

2003-2004

2005-2006

2007-2008

2009-2010

2011-2012

2013-2014

2015-2016

2017-2018

2019-2020

شروع خدمت شاگردسازی

مطابق فرمایش مسیح، هدف وی از آمدن به جهان این بود که مردم را با پدر مصالحه دهد و یک زندگی پر برکت را برای آنها مهیا سازد. او می‌دانست که مأموریت وی در طول دوران زندگی خودش به پایان رسید و موفقیت آن به فعالیت پیروان بعد از او بستگی دارد. به همین دلیل مسیح خدمت خود را بر دعوت و تربیت کردن متمرکز کرد.

شاگردان، گروهی متشکل از افرادی بودند که متعهد شده بودند مسیح را متابعت کنند، از او بیاموزند و شبیه او گردند. مسیح در پایان خدمتش این شاگردان را برای انجام دو مأموریت فرستاد: ادامه دادن مأموریت خودش یعنی مصالحه دادن افراد با پدر و شاگردسازی افرادی که به نوبه خود به شاگردسازی دیگران خواهند پرداخت.

مسیح شما را فرستاده است تا به عنوان فردی که دعوت وی را برای شاگردسازی پذیرفته‌اید، نه تنها مردم را با پدر مصالحه دهید، بلکه شاگردسازی نمایید. اما سؤال می‌کنید: «معنی شاگردسازی چیست؟ چگونه باید شاگردسازی کرد؟ نقش من به عنوان فردی که شاگردسازی می‌کند چیست؟ من مسئولیت شاگردسازی چه کسی را به عهده دارم؟» بگذارید برای یافتن پاسخی به پرسشهای شما از نمونه مسیح استفاده کنیم.

مسیح به همه نوع افراد و در همه موقعیتهای خدمت کرد. وی در همه محیطها در مورد معنی و شرایط شاگردسازی آشکارا سخن می‌گفت و از افرادی که دارای مشاغل و حرفه‌های مختلفی بودند دعوت می‌کرد تا از او پیروی نمایند. مواردی وجود داشت که تنها به خاطر اینکه اشخاص در محل حضور داشتند، مسیح از آنها دعوت می‌کرد. اما وی با گروه برگزیده‌ای روابط نزدیکتری داشت و نقشه‌های خود را با آنها در میان می‌گذاشت.

مسیح بیشتر وقت خود را برای این دوازده نفر صرف کرد. وی خود را وقف آنها کرد. با آنها در مورد مأموریت خود آشکارتر و فوری‌تر صحبت کرد. وقتی زمان مرگش نزدیک بود، وقت بیشتری را با این دوازده نفر می‌گذراند. مسیح برای انتخاب شاگردان خود دو هدف در نظر داشت (۱) که آنها با او باشند (۲) تا آنها را بفرستد (مرقس ۱۴:۳). مسیح، دوازده نفری را که می‌بایستی دنیا را تغییر دهند با دقت انتخاب کرد. سپس زندگی خود را وقف تعلیم آنها کرد. این افراد نه تنها مأموریتش را ادامه دادند بلکه با شاگردسازی باعث شدند که وی در قلب افراد بیشتری زندگی کند.

حال از روش مسیح چه چیزی می‌آموزیم که می‌تواند در امر شاگردسازی به ما کمک کند؟

معنی مأموریت شاگردسازی

معنی مأموریت شما این است که باید بر تعداد شاگردان مسیح بیفزایید نه اینکه شما نقطه پایانی و نفر آخر باشید. شخص دیگری از شما خواسته است که دعوت مسیح برای شاگردی او را بپذیرید. دیگران در امر رشد شما به عنوان شاگرد کمک کرده‌اند و شما را تشویق نموده و تربیت کرده‌اند. وظیفه شما در این فرآیند این است که حلقه‌ای باشید که سبب تکثیر می‌شود و دیگران را دعوت، کمک، تشویق و تربیت نماید تا آنها نیز بنوبه خود حلقه‌هایی باشند که سبب تداوم این فرآیند شوند. آنها دیگران را دعوت و کمک خواهند کرد.

نقش شما به عنوان شاگردساز

نقش شما در امر شاگردسازی تشویق مردم به شنیدن و پاسخ دادن به دعوت مسیح برای شاگردسازی است. وقتی شخصی به این دعوت پاسخ مثبت داد، آنگاه شما باید نصیحت کننده، کمک کننده، رهبر، معلم، مشاور و درست شخصی در امر رشد او باشید. چهار نقشی که در مقاله معمار دانا (صفحه ۱۷۶) توضیح داده شد، نشان می دهد با افرادی که به رشد روحانی شان کمک می کنید چه رابطه ای باید داشته باشید.

۱- خادم. باید مواظب باشید که احساس برتری نداشته باشید و فکر نکنید که شخصی استثنایی هستید و مزیت خاصی دارید. همچنین باید به خاطر داشته باشید که فرد به دعوت مسیح پاسخ مثبت داده است. بنابراین او شاگرد مسیح است نه شاگرد شما. بعنوان یک شاگرد ساز باید خادم باشید. مانند آقای خویش باید خود را خادم دیگران بدانید، بخاطر داشته باشید که خود مسیح فرموده که آمده است خدمت کند نه اینکه خدمت کرده شود. بزرگترین خوشی شما این است که به ایماندار جدید کمک نمایید تا موفق شود.

۲- ولی روحانی. به خاطر داشته باشید که شما باعث رشد نمی شوید، بلکه این کار خدا است. نقش شما این است که هرآنچه در توان دارید انجام دهید تا رشد او سریعتر صورت گیرد و موجبات پیشرفت او را فراهم آورید. شما می توانید در جاهایی که مردم به شما نیاز دارند به آنها کمک کنید. می توانید دیگران را تشویق کنید که رشد بیشتری نشان دهند و در مسیح که سر است از هر لحاظ ترقی نمایند (افسیان ۱۵:۴).

۳- امانت دار. وقتی که به کار شاگردسازی می پردازید، باید دقت و حکمت کافی داشته باشید که به عنوان یک معمار دانا بر پایه مسیح بنا کنید (اول قرنتیان ۱۰:۳ و ۱۱:۴). شما می توانید تشخیص دهید که میزان پیشرفت افراد در چه حدی است و سپس به طرز درستی به آنها کمک کنید. اگر ایمانداران جدیدی هستند می توانید با تعلیم اصول ساده کتاب راهنمای تازه برای نوایمانان شروع کنید. در عین حالیکه شما با فرد کار می کنید می توانید او را راهنمایی نمایید تا به شرکت در برنامه های تعلیمی کلیسا و کاربرد امکانات ادامه دهد. این نوع تعلیم باعث می شود که فرد برای مراحل بعدی شاگردی آماده گردد. شاید تشخیص دهید باید اول از آموزش زندگی منضبط استفاده کنید. بعداً به تعلیم شاگردسازی بپردازید.

۴- تشویق کننده. شاگردان در هر مرحله از رشد خود احتیاج به تشویق دارند. حتی تشویق کننده ها نیز نیاز به تشویق دارند همانطوری که نور خورشید باعث شکوفه دادن گلها می شود، تشویق نیز برای رشد و نمو شاگردان موقعیت خوبی ایجاد می کند.

روش شاگردسازی

برای شاگردسازی سه روش مختلف وجود دارد.

۱- شاگردسازی خود بخود. صرفاً به این خاطر که شرایط زندگی شما را در کنار شخصی قرار داده و برای شما فرصت شاگردسازی مهیا شده، شما به فرد کمک می کنید تا رشد کند. به خاطر داشته باشید که مسیح در تمام شرایط بصورت آشکار، معنی شاگرد شدن و شرایط آن را شرح می داد و تمام مردم را به پیروی خود دعوت می کرد. شما باید در قبال فرصتهایی که برایتان پیش می آید و مسئولیتی که برای خدمت به رشد دیگر شاگردان دارید، حساس باشید. مثالهای اینگونه شاگردسازی عبارتند از معلم و شاگردان کلاس او، رهبر و گروه آموزش کلیسایی، شبان و جماعتش و یا هر شخص دیگری که مسئول گروه خاصی باشد.

۲- شاگردسازی مداوم. شاگردسازی برنامه ریزی شده اغلب مطابق با فرآیند رشد شخص تداوم دارد. این کتاب مثالی از شاگردسازی مداوم است. شاگردسازی مداوم را می توان در یک گروه و یا بطور انفرادی اجرا کرد. در هر دو صورت شما سعی دارید به افرادی که شاگردسازی می کنید، کمک نمایید تا به عنوان شاگرد به یک هدف خاص و یا مرحله خاصی از رشد و کمال برسند. در مواردی که

شاگردسازی بطور فردی انجام می‌گیرد گاهی لازم است ترتیب مطالب ارائه شده مطابق نیازهای هر شخص عوض شود. اما در مجموع هدف نهایی یک است. علامت مشخص کننده این است که حداقل شرایط شاگرد بودن به عنوان هدف مشخص گردد. برای رسیدن به آن از فرآیند منطقی استفاده می‌شود.

۳- تربیت شاگرد. شاگرد مهارتها، رفتار، معلومات و یا نگرشی را از شخصی که در زمینه خاصی مهارت دارد یاد می‌گیرد. این نوع تعلیم وقتی انجام می‌شود که فردی که در زمینه خاصی مانند تعلیم، رهبری، موعظه، بشارت، خدمت و غیره تبحر داشته باشد، به فرد دیگری در این زمینه آموزش دهد. علاوه بر تعلیم این مهارتها، شاگرد بودن هم تعلیم داده می‌شود.

نحوه انتخاب افرادی که می‌خواهید با آنها شخصاً کار کنید

به خاطر داشته باشید مسیح کسانی را که می‌خواست بیشتر وقت و انرژی خود را بر روی آنها صرف نماید به دقت انتخاب کرد. شما هم باید در انتخاب خود دقت نمایید، چگونه فردی را که باید قسمت عمده زندگی و خدمت خود را بر روی او صرف کنید، انتخاب می‌نمایید؟ تا زمانی که ثمره شاگرد خود را نبینید، نمی‌توانید در مورد صحت انتخاب خود مطمئن باشید. معهذاً، می‌توانید با توجه به چند اصل زیر اشخاص مناسب را انتخاب نمایید.

۱- دعا. مسیح قبل از انتخاب دوازده نفر، یک شب تمام را در دعا گذراند.

۲- آنها را در انواع موقعیتهای مورد ارزیابی قرار دهید. ببینید چه عکس‌العملی نشان می‌دهند. توجه کنید که مقابل توصیه یا کمک چگونه پاسخ می‌دهند. سیرت یک شخص بوسیله طرز عکس‌العمل او به موقعیتهای روزانه آشکار می‌شود. عکس‌العملهای او در زمان سختی و فشار همینطور تعیین کننده هستند. با وجود این، این را عامل تعیین کننده نهایی قرار ندهید. ما احتمالاً هر دوازده نفری را که مسیح انتخاب کرد به یک دلیل یا دلیل دیگری حذف می‌کردیم.

۳- در جستجوی چند ویژگی شخصیتی باشید. با شاگردان آینده وقت کافی صرف کنید تا اساس مناسبی برای ارزیابی داشته باشید. الف - قلبی برای خدا. مسیح مردان تحصیل کرده و با استعدادی انتخاب نکرد، بلکه او از میان کسانی که علاقه‌ای به شناختن خدا و میل به پیروی از او داشتند، شاگردان خود را انتخاب کرد.

ب - قلبی آماده برای خدمت. روابط این اشخاص را با دیگران بررسی کنید. مهم است که اشخاص انتخاب شوند که رابطه خوبی با دیگران دارند و به آنان خدمت می‌کنند.

ج - قلبی موافق با قلب شما. اشخاصی که با آنها کار می‌کنید باید اهداف، ارزشها و الویتهای مشابهی داشته باشند. از خودتان سؤال کنید که آیا همان اهداف، آرزوها و علایقی که شما برای مسیح و ملکوت او دارید، در این افراد نیز هست.

د - امین. مهم‌ترین ویژگی یک شاگرد امانت اوست. خیلی وقتها ممکن است در اشتباه بیفتید که فردی را انتخاب کنید که با شخصیت است ولی در آنچه انجام می‌دهد امین نیست.

ه - قادر به تعلیم دیگران. ممکن است فردی امین باشد ولی نتواند آنچه را انجام می‌دهد به دیگران بیاموزد که انجام دهند. مهم‌ترین ویژگی دیگر در شاگردان تکثیر شونده عبارت است از توانایی تعلیم به دیگران.

و - قابل استفاده. افراد زیادی شاگردان تکثیر شونده عالی خواهند بود ولی آنان در مواقع لزوم در دسترس نیستند و نمی‌توان به حدکافی از آنان استفاده کرد. سعی نکنید برای افرادی که به آنها علاقمندید راه میان‌بری در نظر بگیرید. آنها باید در دسترس باشند یا مایل باشند تا طوری برنامه‌ریزی کنند تا برای چنین آموزشی در دسترس شما باشند زندگی‌تان را وقف آنان کنید.

طرز انتخاب شاگردان

۱- آنان را محبت کنید. مسیح شاگردان خود را چنان محبت نمود که آنان با خوشحالی او را پیروی کردند. از دعای او در باب هفدهم انجیل یوحنا مشخص می‌شود که او چقدر آنها را محبت نمود. در حالی که دیگران را محبت می‌کنید، تعداد زیادی به شما پاسخ خواهند داد. در نتیجه علاقه شخصی شما به آنان و نیازهایشان، آنها بسوی شما و مسیحی که در شماست کشیده خواهند شد. وقتی

خالصانه به مردم محبت کنید و به علایق آنان الویت دهید، آنان محبت متقابل را آغاز خواهند کرد. مشارکت آمیخته با محبت در مسیح، اساسی است که همه شاگردسازها از آن شروع می‌شود.

۲- آنان را خدمت کنید. خدمت از محبت نشأت می‌گیرد و تظاهر مادی و طبیعی آن است. عیسی به شاگردان خود خدمت کرد- حتی پایهایشان را شست. خدمت به دیگران مشارکت مناسب را شکل می‌دهد. از دیگران نخواهید که به شما خدمت کنند. آنها چنین می‌کردند. فریسیان چنان کردند و جدیدالایمانان را جذب کردند. خادمین شاگردانی جذب می‌کنند که دیگران را خدمت خواهند کرد.

۳- چیزی در زندگی خود داشته باشید که دیگران به آن نیازمندند. هیچ فردی شاگرد نمی‌شود مگر اینکه شواهدی ببیند دال بر اینکه فرد شاگرد ساز صفت‌هایی دارد که او می‌خواهد داشته باشد ولی ندارد. مقاله تعیین اهداف زندگی (صفحه ۸۰) را مرور کنید تا خلاصه‌ای از آن نوع زندگی که جاذب شاگردان است، داشته باشید.

الف - بر شالودهٔ مسیح بنیاد نهاده شده. اشخاص در طلب مشارکت نزدیک با مسیح هستند و جذب کسی می‌شوند که مسیح را در ابتدا قرار می‌دهد، زندگی‌اش حول مسیح می‌چرخد و توسط مسیح هدایت می‌شود و از او قدرت می‌گیرد.

ب - شخصیت تازه. اشخاص می‌خواهند افرادی کامل و تعدیل و تصفیه شده باشند، افرادی دارای قدرت و شخصیت. آنان جذب کسی می‌شوند که همهٔ اینها را یکجا داراست.

ج - پیغام زندگی. اشخاص می‌خواهند کسی را پیروی کنند که زندگی‌اش مطابق با اظهاراتش باشد، بر حرف خود بایستد و زندگی‌اش را در مسیر اعتقاداتش قرار دهد.

د - خدمت. اشخاص می‌خواهند خدمت رضایت‌بخشی داشته باشند و بسوی افرادی جذب می‌شوند که آن خدمت را انجام می‌دهند و می‌توانند طرز انجام آن را به آنان نشان دهند.

ه - خانه. اشخاص نیازمند خانه‌ای هماهنگ هستند؛ وقتی می‌بینند که فردی چنین خانه‌ای را اساس خدمت خود گردانیده است، به هیجان می‌آیند. خانه شما آزمون نهایی است. آنها قبل از اینکه خود را کاملاً متعهد به شاگردی شما سازند، معمولاً این جنبهٔ زندگی شما را مورد بررسی قرار می‌دهند.

و - کار روزانه. اشخاص می‌خواهند زندگی روحانی خود را با زندگی دنیوی خود درآمیزند. نمونه شخصی که چنین می‌کند برایشان خوش آیند است.

اگر در این مورد حساسیت دارید، شما درخواهید یافت که بیشتر اوقات بجای اینکه شما شاگردی را انتخاب کنید او شما را انتخاب خواهد کرد. او سؤالاتی خواهد کرد و توصیه‌هایی خواهد خواست. شما باید نیازهای او را برآورده سازید و او را خدمت کنید. اگر به علاقه خود ادامه داد، او را دعوت کنید تا در شهادت دادن یا خدمت به دیگری با شما باشد. به این ترتیب مشارکتی ایجاد خواهد شد و می‌توانید سؤال کنید «آیا علاقه‌مند هستید هر هفته وقتی را با من بگذرانید تا در مورد شاگرد شدن با یکدیگر مطالعاتی داشته باشیم و یا اینکه این خدمت را بیاموزید؟» یا «آیا مایل هستی مشارکت بیشتری داشته باشیم و در مورد شاگردسازی و خدمت کاوش و بررسی بکنیم؟»

۴- فردی را به نزد مسیح هدایت کنید. این طبیعی‌ترین رابطهٔ شاگردسازی است. کار شاگردسازی فردی را که بسوی مسیح هدایت کرده‌اید ادامه دهید تا ویژگیهای تکثیر شونده در او ایجاد شود.

۵- داشتن دید تازه. زمانی که با یک فرد در مورد آموزش شاگردسازی برای رهبران صحبت می‌کنید، بیشتر دید جدید را در نظر قرار دهید تا برنامه جدید یا ایجاد مؤسسه جدید. شاگرد نیازمند برانگیخته شدن توسط استاد و دید اوست. از شاگرد نخواهید بر یک برنامه آموزشی مثل این کتاب تمرکز داشته باشد. برنامه یا روش کار وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. آن مانند قطاری است که در سفر زندگی شما را از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌برد. افراد نیازمندند تا زندگیشان را به چیزی تقدیم کنند که با ارزش و نهایی باشد. تنها خدا و ملکوتش شایسته تسلیم نهایی هستند. دیدی را که خدا برای سهم شدن در نقشه الهی‌اش به شما داده است، با دیگران در میان

بگذارید. به آنها فرصتهایی دهید تا در حالی که یکدیگر را خدمت می‌کنید، دید شما را درک کنند.

نتیجه‌گیری

انتخاب شاگرد کار خداست. ولی ما همکاران او هستیم. عیسی گفت: «شما مرا برگزیدید بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هرچه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند» (یوحنا ۱۵: ۱۶). برای شاگردسازی افرادی که به سهم خود آنچه آموخته‌اید به دیگران خواهند آموخت، باید در جستجوی راهنمایی خدا باشید.

پس از مطالعه این مقاله می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

تمایل من چیست؟

یک بازی برای خودشناسی

۱- هدف این تمرین این است که شما را یاری کند تا در مورد سبک مشارکت و استعدادهای خود در برقراری روابط بدقت فکر کنید. از دستورالعمل پیروی کنید. ورقه نمره گذاری (صفحه ۲۰۶) در جلسه گروهی هفته آینده تفسیر خواهد شد.

۲- دقیقاً از روی خطوط تا بزنید و ببرید.

۳- سری‌ها را با هم نگه دارید (تمام ۱ ها یک سری، ۲ ها یک سری، به این ترتیب). سری‌ها بوسیله شمارهایش که در پایین سمت چپ هر قاب وجود دارد مشخص شده‌اند.

۴- چهار جمله مختلف سری ۱ را بخوانید.

۵- چهار جمله را که بیش از همه با آن موافقت در بالا قرار دهید و آن را که کمترین دیگران با آن موافقت در زیر بگذارید. دو قاب دیگر را بین دو قاب قبلی طوری جایگزین کنید که توسط کارتها توافق نسبی شما با هر مورد نشان داده شود. جملات را از ۱-۴ نمره گذاری کنید به ترتیبی که جمله‌ای که بیشتر از همه با آن موافقت ۱ باشد و الی آخر.

۶- این رویه را برای هر ده سری تکرار کنید. تا زمان نمره گذاری، به وسیله گیره کاغذ سری‌ها را به هم وصل کنید و نگهدارید.

۷- این سری‌ها را برای نمره گذاری و تفسیر، همراه خود به جلسه گروهی بیاورید. تا آن موقع ورقه نمره گذاری را بکار نبرید.

اگر مایل هستید این تمرین چیز جالبی در مورد شما به شما نشان دهد، تا جایی که می‌توانید صادق و بی‌آلایش و بی‌پرده باشید. به بیان دیگر، زمانی که سعی می‌کنید خودتان را بهتر نشان دهید، امکان اینکه این تمرین شما را یاری کند از بین می‌رود.

برایم مهم نیست که دیگران برایم احترام قائل شوند یا خیر.

H 1

حتی کسانی که با من موافق نیستند برایم احترام قائل می‌شوند.

I 1

کسانی که با من موافق هستند برایم احترام قائل می‌شوند.

D 1

تعداد کمی از افراد برایم احترام قائل هستند.

V 1

<p>تفاوت زیادی نمی‌کند که مردم با من موافق باشند یا خیر</p> <p>H 2</p>	<p>معمولاً در اثر برنامه خوب فرد رشد می‌کند</p> <p>V 3</p>	<p>اعتماد به مردم ضرورتی ندارد.</p> <p>H 4</p>
<p>افرادى را که با عقایدشان موافق هستم بطور بخصوصى دوست دارم.</p> <p>D 2</p>	<p>در برنامه‌ریزی زیاد فکر نمی‌کنم</p> <p>H 3</p>	<p>شما باید به مردم اعتماد داشته ولى اغلب ناامید شوید</p> <p>V 4</p>
<p>معمولاً توافقی با افرادی که آنها را دوست دارم آسان است.</p> <p>V 2</p>	<p>اکثر موقعیتها به برنامه‌ریزی خوب نیازمندند.</p> <p>D 3</p>	<p>اکثریت ما وقتی بدانیم که به ما اعتماد کرده‌اند مؤثرتر هستیم.</p> <p>L 4</p>
<p>بطور کلی به مردم علاقمندم، ولى بیشتر از کسانی لذت می‌برم که با آنها توافق داشته باشم.</p> <p>L 2</p>	<p>مردم معمولاً قادر هستند از موقعیتها استفاده کنند چه برنامه ریزی خوب باشد چه نباشد</p> <p>L 3</p>	<p>باید دقت کنیم که به چه کسی اعتماد می‌کنیم.</p> <p>D 4</p>

<p>در کشمکش مجبور نیستم غلبه کنم.</p> <p>L S</p>	<p>من میل ندارم درباره عقیده‌هایم بحث کنم.</p> <p>H 6</p>	<p>نظریات من تنها برای خودم اهمیت دارند.</p> <p>H 7</p>
<p>من اغلب در کشمکش تسلیم می‌شوم.</p> <p>V S</p>	<p>من بحث درباره عقاید را دوست دارم.</p> <p>D 6</p>	<p>نظریات من بسیار مهم هستند.</p> <p>D 7</p>
<p>من از کشمکش لذت می‌برم، بخصوص وقتی غلبه کنم.</p> <p>D S</p>	<p>گاهی عقیده‌های من ارزش بحث کردن را ندارند.</p> <p>V 6</p>	<p>نظریات من همیشه مهم نیستند.</p> <p>V 7</p>
<p>من از کشمکش اجتناب می‌کنم.</p> <p>H S</p>	<p>من دوست دارم از عقاید خوب اشخاص دیگر پشتیبانی کنم.</p> <p>L 6</p>	<p>نظریات من مهم هستند، ولی نظریات اشخاص دیگر هم چنین است.</p> <p>L 7</p>

کار کردن با دیگران آسان است.	V	8	من همیشه مطمئن نیستم که نیازی به کمک من هست.	V	9	وقتی دیگران از من می خواهند که با آنها باشم، بیشتر احساس راحتی می کنم.	V	10
کار کردن با دیگران آسان نیست.	H	8	بدون من کارها بهتر پیش می روند.	H	9	اغلب اوقات از بودن با دیگران لذت نمی برم.	H	10
در صورتی که دیگران به من کمک کنند کار کردن به آنها آسان است.	D	8	من مشتاق هستم به دیگران کمک کنم.	D	9	برایم اهمیتی ندارد که با دیگران باشم یا خیر.	D	10
کار کردن با دیگران همیشه آسان نیست.	L	8	وقتی دیگران نیاز به کمک دارند دوست دارم سودمند باشم.	L	9	از بودن با دیگران لذت می برم.	L	10

نمره گذاری برای «تمایل من چیست»؟
در جلسه گروهی مورد استفاده قرار گیرد

مرحله دوم

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰

مرحله اول

V	D	L	H	
				سری ۱
				سری ۲
				سری ۳
				سری ۴
				سری ۵
				سری ۶
				سری ۷
				سری ۸
				سری ۹
				سری ۱۰
				مجموع

مرحله سوم (درگروه)

_____ :H
_____ :L
_____ :V
_____ :D

زندگی من با خداوند در این هفته

برنامه جلسات تفکیک شده		تاریخ (های) شروع _____، _____	برنامه استاندارد
هفته دوم	هفته اول		
		صرف وقت با خداوند	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	داشتن وقت عبادت شخصی در شش ماه گذشته به چه روشهایی زندگی شما را برکت داده است، نام ببرید. می‌توانید یک یا تعداد بیشتری از فعالیتهای «زندگی در کلام» و «دعای با ایمان» را انتخاب کنید و در وقت عبادت شخصی مورد استفاده قرار دهید.	
		زندگی در کلام	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	هر روز از کتابمقدس خود بخوانید. نکات آشکار شده را یادداشت کنید و درباره آنها دعا کنید.	<input type="checkbox"/>
	<input type="checkbox"/>	با استفاده از مطالعه گام به گام کتابمقدسی یوحنا ۹:۱۷-۲۶ تحت عنوان «خدمت شفاعت» را مطالعه کنید. دعای مسیح را به زبان خودتان در کمتر از ۱۵۰ کلمه خلاصه کنید. ممکن است لازم باشد بیش از یک بار کار خلاصه نویسی را انجام دهید تا شامل تمام مطالب باشد. به راهنماییهای «روش انجام مطالعه گام به گام کتابمقدس» مراجعه کنید (صفحه ۱۲۶).	<input type="checkbox"/>
	<input type="checkbox"/>	متی ۲۸:۲۸-۲۰ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		اول یوحنا ۵:۱۴-۱۵ را حفظ کنید.	<input type="checkbox"/>
	<input type="checkbox"/>	تمام قسمتهای کتابمقدس ذکر شده در جلد دوم کتاب را مرور کنید بقدری که بتوانید آنها را نقل قول کنید.	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>دعای با ایمان</p> <p>هر روز برای کسانی که مشغول خدمت هستند دعا کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		<p>دعا کنید که قلبی آماده برای خدمت داشته باشید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		<p>دعا کنید که خدا شما را یاری کند تا پی ببرید شما برای خدمت در چه زمینه‌ای مناسب‌ترین و مستعدترین هستید. دعا کنید که خدا از طریق شما دیگران را برکت دهد.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>در مورد احتمال اینکه شما گروه زندگی منضبط دیگری را رهبری کنید، یا فردی را شاگرد سازید، دعا کنید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>مشارکت با ایمانداران</p> <p>با بکارگیری سیری در راهنمای خدمت، خدمتی را که برنامه‌ریزی کرده‌اید انجام دهید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		<p>شهادت به دیگران</p> <p>به یکی از افرادی که نامش در فهرست دعای شما هست و انجیل را با او در میان گذاشته‌اید، شهادت دهید. اگر مناسب بود معرفی انجیل را بکار ببرید.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>		<p>خدمت به دیگران</p> <p>ارائه «معمار دانا» را مطالعه کنید تا اینکه بتوانید با یک دوست در میان بگذارید که خدمت شاگردسازی چیست (می‌توانید تصویر را بکار ببرید).</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>گزارش پایان دوره دوم را در آغاز قرار دهید و برای جلسه آینده آماده باشید تا رهبر آنها را امضا کند.</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<p>همانطور که توسط رهبر آموزش داده شده است، «کتابچه اعضا» در «توسعه عطایای روحانی شما» را مطالعه کنید. برای مطالعه آن به</p>	<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>

<input type="checkbox"/>	روشهای متفاوت (هفتگی یا در آخر هفته) آمادگی داشته باشید.	
--------------------------	--	--

طرح مسیح برای رساندن بشارت به جهان اینست که شاگردانی تربیت کنیم که بتوانند شاگرد

تربیت کنند.

مسیحیان را به روشهای مختلف تربیت کنید.

۱- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۲- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۳- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۴- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۵- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۶- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۷- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۸- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۹- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

۱۰- در هر یک از روشهای مختلف، به شاگردان آموزش دهید که چگونه میتوانند به دیگران بشارت دهند. این کار را با استفاده از روشهای مختلف و با استفاده از روشهای مختلف انجام دهید.

طرز رهبری یک گروه کوچک

رهبری یک گروه کوچک می‌تواند مهیج و سودمند باشد. کار کردن با اعضای گروه و روند کار گروهی می‌تواند تجربه آموزنده‌ای برای شما باشد. در حالی که در مورد مسئولیت‌های خود فکر می‌کنید این راهنمایی‌ها را مورد ملاحظه قرار دهید.

نقش خود را بعنوان رهبر دریابید

بعنوان رهبر گروهی کوچک، به اطلاعات یا مهارتهایی لااقل از پنج حیطه نیازمندید، شما به ۱) آگاهی درباره کار؛ ۲) آگاهی از مسئولیتها؛ ۳) مهارت در آموزش؛ ۴) مهارت در بکارگیری روشها؛ و ۵) مهارت در رهبری، نیازمندید.

درحالی که آماده می‌شوید تا رهبری گروهی را بعهده بگیرید، لازم است سؤالات متعددی از خود بکنید. چگونه می‌توانم گروه را در رسیدن به اهدافش یاری کنم؟ چگونه می‌توانم به رشد و آموزش گروه مداومت دهم؟ چگونه گروه را در فعالیتهای معنی‌دار دخیل می‌کنم؟

لازم است به این حقیقت آگاهی داشته باشید که رهبری یک گروه فقط انتقال اطلاعات به حاضرین گرد آمده در یک جا نیست. وظیفه شما پیچیده‌تر و دشوارتر از آن است. عده‌قلیلی فقط بدلیل اینکه کسی به آنها گفته است، در یک گروه شرکت خواهند کرد. لازم است که شما موقعیتی آموزشی بوجود آورید که دیگران را به شرکت و مشارکت تشویق کند.

نقش رهبری شما نباید برای جلال خودتان بکار رود. بهترین یادگیریهای گروهی معمولاً زمانی واقع می‌شود که رهبر در گروه درمی‌آمیزد و بعنوان رهبر خود از گروه مجزا نمی‌داند.

این راهنمایی‌ها را بخوانید و ملاحظه کنید که هر گروه کوچک شما و بر شما بعنوان رهبر، چه اثری خواهند داشت.

۱- محیط: لازم است شما جوی بوجود آورید که هر فرد تشویق شود عقاید و نظریات خود را در میان بگذارد و استعدادهای خود را بروز دهد. حالت پذیرش به راحتی به اعضای گروه منتقل می‌شوند و به آنان آزادی می‌دهد تا آزادانه در بحث شرکت کنند.

۲- اهداف: شما ابتدا باید به این فکر باشید که گروه را در مسیر اهداف تعیین شده قرار دهید. یکی از عملکردهای اصلی شما این است که گروه را متحد و در مسیر هدف مورد نظر یعنی انجام اهداف تعیین شده، نگه‌دارید.

۳- خدمت: لازم است که در مقام یک خادم به گروه خدمت کنید. نقش مسیح بعنوان رهبر را در نظر داشته باشید و فکر کنید که به چه روشهایی می‌توانید با اعضای گروه خود خدمت کنید.

۴- انتقاد: وقتی بعنوان رهبر گروه فعالیت می‌کنید، باید قادر باشید انتقادهای دیگران را بپذیرید و اعضای گروه را از عداوت و خصومت دور نگهدارید. جو گروهی مبتنی بر پذیرش و یک رهبر بالغ فرصتی برای انتقاد سالم و سازنده ایجاد می‌کند تا بتوان به طرز مناسبی با خصومت مقابله کرد.

۵- احساسات: شما باید بعنوان یک عضو گروه در جلسات شرکت کنید و عواطف مثبت و عواطف منفی خود را با آنها درمیان بگذارید. شما رهبر هستید ولی عضوی از گروه نیز هستید و بنابراین حق دارید همانند دیگر اعضای گروه احساسات خود را بیان کنید.

۶- ناتوانیها: لازم است قادر باشید که بر ناتوانیهای خود در امر رهبری فائق آید و گروه را یاری کنید تا بر ناتوانیهای خود چیرگی یابد. بدیهی است که دوره‌هایی از ناامیدی، فقدان علاقه، یا فقدان روحیه خوب پیش خواهد آمد. شما باید قادر باشید از آن مراحل چیزهایی یاد بگیرید و بسوی دوران رشد پیش روید.

۷- کوشش کلی: تلاش کل گروه باید برای شما مهم باشد. پیاد داشته باشید که بعنوان رهبر باید به آنچه در گروه رخ می‌دهد آگاهی داشته باشید و به فکر تشویق گروه برای رشد باشید.

۸- پذیرش: یکی از وظایف ابتدایی شما بعنوان رهبر گروه این است که جوی مبتنی بر پذیرش بوجود آورید و در تداوم آن بکوشید. روشهای متعددی وجود دارد که نشان دهید آنها را می‌پذیرید و به اعضای گروه توجه دارید.

یکی از راههای ابتدائی عبارتست از شنیدن آنچه اعضای گروه می‌خواهند بگویند. اگر می‌خواهید آن چیزی که هر شخص می‌خواهد بگوید واقعاً بشنوید، باید بر آن شخص تمرکز داشته باشید و نه بر تصورات قبلی شما در مورد اینکه فرد چه می‌خواهد بگوید، یا پیش داوریها یا تعصبات شما در مورد آن فرد.

پذیرش اعضای گروه توسط شما، آنها را قادر خواهد ساخت تا در مشارکتها راحت‌تر باشند. وقتی بدانند که شما حضور آنها در گروه را مهم می‌دانید، با احساس مسئولیت گروهی بیشتری در گروه شرکت خواهد کرد. تشویقهای شما برای اعضای گروه آشکار خواهد ساخت که از آنها انتظار دارید که کار ارزشمندی برای گروه انجام دهند. این مسئله آنها را برآن خواهد داشت که بهترین‌های خود را به گروه بدهند. احترامی که برای اعضای گروه قائل هستید شما را قادر خواهد ساخت تا در مقابل آنها صبور باشید و اجازه دهید که هر موقع که آمادگی دارند مسائل را با گروه درمیان بگذارند.

روحیه پذیرش و تشویقهای شما اعضا را یاری خواهد کرد که بدانند شما به آنها و توانائی‌هایشان اعتماد دارید، و این آنها را تشویق خواهد کرد که رشد کنند. اگر در نظر دارید رهبری مؤثر و کارآ برای گروه باشید باید بر گروه تمرکز داشته باشید نه بر خودتان. باید نیازهای آنها را مقدم نیازهای خود قرار دهید.

با اجراء نقش ابتدایی، یعنی رهبری گروه، نقشهای متعددی ایفا کرده‌اید. زمانی که به اعضاء کمک می‌کنید تا مسائل و نظریات خود را بیان کنند، یک رابط هستید؛ زمانی که گروه را در مسیر اهداف تعیین شده پیش می‌برید یک راهنما هستید؛ زمانی که اعضای گروه را می‌پذیرید و به آنان احترام می‌گذارید، یک دوست هستید؛ وقتی کمک می‌کنید تا گروه را ننگه دارید و اعضاء را تشویق به رشد کنید، یک تثبیت کننده هستید. وقتی در زمان نیاز، اطلاعات و منابعی در اختیار آنها می‌گذارید، یک منبع اطلاعاتی هستید.

مرتب کردن مکان برای یادگیری گروهی

وقتی مکان را برای یادگیری مؤثر گروهی آماده می‌کنید، نظم اتاق و محیط فیزیکی را به طور مؤثر بکار می‌برید تا به روند کار گروه کمک کند. پیشنهادات در مورد محیط گروه را برای گروه خود مد نظر داشته باشید.

۱- صندلیها را بصورت دایره یا نیم دایره بچینید تا اینکه اعضا یکدیگر را رودررو ببینند. اعضای گروه همانقدر که با توضیحات کلامی با هم ارتباط برقرار می‌کنند، توسط تظاهرات چهره‌ای یا حالت بدنی خود ارتباط برقرار خواهند کرد.

۲- اگر در کلیسا یکدیگر را ملاقات می‌کنید تمام اجسام غیر ضروری را از اتاق بردارید. اتاقی که درهم ریختگی، اجسام قدیمی و منسوخ یا تجهیزات اضافی در آن وجود نداشته باشد، روند یادگیری را افزایش خواهد داد.

۳- مطمئن باشید که وسایل کمک آموزشی، مثل تخته سیاه یا پروژکتور در جایی قرار گرفته است که همه اعضا بدون دشواری می‌توانند آن را ببینند.

۴- در چیدن صندلیها این موارد را مدنظر داشته باشید: ۱) سعی کنید هیچ صندلی مستقیماً در مقابل یک پنجره بزرگ قرار نگیرد. ۲) سعی کنید صندلیها را طوری بچینید که در ورودی در پشت صندلیها قرار گیرد تا تأخیرکنندگان بتوانند بدون مزاحمت وارد شوند. ۳) نظم اتاق قابل تغییر باشد تا اینکه تغییر مکان راحت باشد و بدون مشکلی بتوانید در آن تغییر ایجاد کنید.

روشهای یادگیری گروهی را بکار ببرید که در آن اعضای گروه هم درگیر هستند

نقش شما در کلاس نقش سنتی معلم و شاگرد نیست که از معلم انتظار می‌رود تمام جوابها را داشته باشد. بلکه نقش شما بعنوان رهبر، عبارتست از نقش کمک کننده یا رهبر. شما باید گروه را یاری کنید تا به مشکلات و سؤالات پی ببرد، پاسخها و راه‌حلها را پیدا کند، و حقایق و اطلاعات را سازمان دهد.

دو نوع روش یادگیری وجود دارد که می‌تواند اعضای گروه را به این طریق درگیر کند: در یک نوع به گروه اطلاعات داده می‌شود و در نوع دیگر از گروه اطلاعات گرفته می‌شود.

زمانی که باید قالبهایی از اطلاعات را به گروه انتقال دهید، بکارگیری این روشهای یادگیری را مورد ملاحظه قرار دهید: بحث در حضور یک هیئت، سمپوزیوم (ارائه مقالات گوناگون درباره یک موضوع)، نقش بازی کردن، مباحثه، یا مصاحبه. زمانی که می‌خواهید اطلاعاتی از گروه گردآوری کنید استفاده از این روشهای یادگیری را مورد ملاحظه قرار دهید: گروههای مهمه (Buzz group)، مطالعات موردی، تجلیات خلاق هنری، ارتباط آزاد، یا گروههای شنیداری. با برنامه‌ریزی و راهنمایی دقیق می‌توانید اعضای گروه را یاری کنید تا فعالانه در روند یادگیری درگیر شوند.

با بکارگیری نقشهای متقابل نحوه کاربرد آن را به اعضاء گروه بیاموزید

شما می‌توانید به اعضاء گروه کمک کنید یاد بگیرند که در گروه به یکدیگر کمک کنند، برای این کار شما باید برای آنها نمونه باشید و سپس آنها را تشویق نمایید از الگوی شما متابعت کنند.

نقشهای متقابل باعث ایجاد تعادل در میزان فعالیت افراد گروه می‌شود و موجباتی فراهم می‌سازد که افراد خجالتی و بی‌میل در فعالیت‌های گروه شرکت کنند. همچنین باعث کنترل افرادی می‌شود که پرنفوذ و مسلط بر گروه هستند. بعلاوه گروه را در مسیر درستی قرار می‌دهد، و آنها را به سوی اجرای هدف مشخص شده هدایت می‌کند.

۱- خلاصه کننده: در طی بحث گروهی چندین بار ممکن است نیاز باشد که شخصی اطلاعات ارائه شده را خلاصه نماید. این کار به گروه کمک می‌کند بخاطر داشته باشد از کجا شروع کرده و در مورد چه چیزهایی تفکر کرده است.

۲- میانجی: گاهی در میان افراد گروه اختلاف نظر و کشمکش ایجاد می‌شود و در این صورت باید کسی قدم بردارد و با اشاره به نکات مثبت هر دو طرف میانجیگری کند.

۳- ایجاد کننده فرصت برای اظهار نظر: گاهی چند نفر از گروه ممکن است بحث را در اختیار خود بگیرند. در این صورت لازم است

شخصی توجه آنها را به دیگر افراد گروه جلب نماید. این شخص می‌تواند با گفتن جمله‌ای نظیر «تام می‌توانی برای مری بگویی که.....» توجه آنها را به دیگر افراد گروه جلب نماید.

۴- آغازکننده: گاهی ممکن است گروه برای شروع بحث در مورد مسئله خاصی با اشکال مواجه شود. شخص آغازکننده می‌تواند با بیان نکته‌ای بحث را شروع کند.

۵- اطلاعات دهنده: تقریباً در هر گروه‌ای لازم است حداقل یک نفر اطلاعات لازم را در اختیار گروه بگذارد. اطلاعات دهنده این نقش را ایفا می‌کند.

۶- اطلاعات جوینده: گاهی ممکن است در کار گروهی اعضاء بدون داشتن دلائل کافی و محکم نتیجه‌گیری کنند و یا اطلاعاتی را بپذیرند که صحت و سقم آنها مشخص نیست. در این صورت لازم است، اطلاعات جوینده وارد بحث شود و بگوید «فکر می‌کنم ما به دلائل بیشتری نیاز داریم».

۷- کاوش‌کننده: ممکن است گروه خسته و سست شود و برای موضوعی رُت کافی اختصاص ندهد. یا ممکن است به موضوع اصلی مسئله مورد بحث نپردازد. در اینگونه موارد کاوش‌کننده وارد بحث می‌شود و می‌گوید: «دلیل شما برای گفتن این حرف چیست؟ منظورتان از این حرف چیست؟»

۸- مهیاکننده: فرصت استراحت: هر گروهی نیاز دارد که مدتی از کار دست بکشد تا افکار اعضاء گروه کمی آرام بگیرد. مهیاکننده فرصت استراحت، با گفتن «بگذارید برایتان داستان....» را تعریف کنم» این فرصت را برای گروه ایجاد می‌کند.

۹- تشویق‌کننده: افرادی از گروه که اطلاعات زیادی در اختیار گروه می‌گذارند و یا در امر رسیدن به هدف کمک قابل ملاحظه‌ای انجام می‌دهند باید پاداش بگیرند. تشویق‌کننده این وظیفه را به عهده می‌گیرد. این شخص می‌تواند بگوید «سام به نکته بسیار خوبی اشاره کردید، تلاش شما قابل ستایش است».

۱۰- هدایت‌کننده: برای هر گروهی اتفاق می‌افتد که از موضوع بحث منحرف شود و در مورد مسائلی صحبت کند که هیچ ارتباطی به هدف ندارد. هدایت‌کننده بحث گروه را به هدف اصلی برمی‌گرداند.

۱۱- معرفی‌کننده: افرادی که دیر می‌رسند برای هر گروهی ایجاد مزاحمت می‌نمایند. جهت دهنده در این امر به گروه کمک می‌کند و به اشخاصی که دیر آمده‌اند می‌گوید: «قبل از اینکه شما بیایید ما در مورد.... صحبت می‌کردیم»

۱۲- ارزیابی‌کننده: گروه باید بداند که تا چه حد به هدف نزدیک است. ارزیاب گروه این وظیفه را به عهده می‌گیرد. مثلاً می‌گوید «تا کنون ما به دو هدف از اهداف گروه رسیده‌ایم».

۱۳- روشن‌کننده مطالب: در بحثهای گروهی، گاهی ممکن است فردی گیج شود یا مطلبی را اشتباه بفهمد. شخصی که مسئولیت روشن ساختن مطالب را بر عهده دارد می‌تواند مجدداً اطلاعات ذکر شده را تکرار نماید یا بگوید: «من فکر می‌کنم منظور مریان این بود که.....»

وقتی هر یک از اعضاء گروه یکی از این وظایف کمکی را به عهده می‌گیرد، در مسئولیت هدایت گروه با رهبر خود شریک می‌شود. نقشهای کمکی باعث می‌شوند همه افراد با احساس مسئولیت و بصورت خلاق در رسیدن به اهداف گروه شرکت داشته باشند.

چگونه کاربرد فوری آموخته‌ها را میسر سازید

یکی از فعالیتهای شما بعنوان رهبر گروه اینست که کاربرد فوری آموخته‌ها را برای اعضای گروه میسر سازید. اگر اعضاء باید از آنچه آموخته‌اند نفع ببرند، می‌بایست دانش جدید خود را در موقعیتهای زندگی واقعی بکار برند. تا زمانی که آموخته‌ها بکار برده نشود، یادگیری کامل نیست، کاربردهای برنامه‌ریزی شده می‌تواند اعضای گروه را یاری کند تا نیازهای خودشان، خانواده‌شان، کلیسا و اجتماعشان را برآورده سازند.

۱- طرحی برای کاربرد- همراه اعضای گروه شروع به برنامه‌ریزی کنید. نظرات اعضای گروه را بنویسید. فهرستی از تمام منابع ضروری برای تکمیل کاربردی تهیه کنید. اهداف کاربردی را تعیین کنید.

۲- تنظیم کار- فعالیتهای کاربردی ممکن را به گروه پیشنهاد کنید و به راحتی درباره آنها بحث کنید. ممکن است افراد بخواهند بطور انفرادی یا بعنوان عضو یک گروه در فعالیتهای کاربردی مشغول به کار شوند. وقتی فعالیتهایی را پیشنهاد می‌کنید و کارهای مشکل‌تری واگذار می‌کنید، علایق، نیازها و تواناییهای فردی را مدنظر داشته باشید.

۳- ارزیابی کار- همیشه فعالیتهای کاربردی را ارزیابی کنید. این سؤالات را در مورد فعالیتهای مدنظر داشته باشید. آیا گروه به فعالیتهای علاقمند بود؟ آیا فعالیت موفق بود؟ آیا به هدف اصلی دست یافتید؟ چند نفر در کار دخیل بودند؟ آیا در اثر این فعالیتهای در زندگی اعضای گروه تغییری ایجاد شده؟ آیا به اعضا فرصت داده شد تا در مورد فعالیتهای گزارش دهند؟

بعنوان رهبر یک گروه کوچک وظیفه خطیری به عهده دارید. اگر برای تربیت و مراقبت و برنامه‌ریزی وقت کافی صرف کنید پاداش تجربه خود را خواهید یافت و مسائلی برای شما روشن خواهد شد و خواهید آموخت.

پس از مطالعه این مقاله می‌توانید آن را در قسمت «خدمت به دیگران» قرار دهید.

زندگی من با خداوند در این هفته

صرف وقت با خداوند

عبادت شخصی

☐ یکشنبه ☐ دوشنبه ☐ سه‌شنبه ☐ چهارشنبه ☐ پنج‌شنبه ☐ جمعه ☐ شنبه
☐ نقشه

طرح زندگی در کلام

☐ شنیدن کلام☐ خواندن کلام☐ مطالعه کلام☐ حفظ کردن کلام: متی ۲۰:۱۸☐ مرور کلام

طرح دعای با ایمان

☐ درخواستها

☐ برکتها

طرح مشارکت با ایمانداران

☐ نقشه

☐ نتایج

طرح شهادت به دنیا

☐ نقشه

☐ نتایج

طرحهای آموزش و یا خدمت

☐ مقدمه را بخوانید و فعالیتها را انجام دهید

☐ نقشه

نقشه ☐

☐ نقشه

1. *مقدمه*
 2. *روش تحقیق*
 3. *نتایج و بحث*
 4. *نتیجه‌گیری*
 5. *پیشنهادات*
 6. *منابع*
 7. *ضمیمه*
 8. *فهرست منابع*
 9. *فهرست مطالب*
 10. *فهرست تصاویر*
 11. *فهرست جداول*
 12. *فهرست نمودارها*
 13. *فهرست معادلات*
 14. *فهرست فرمول‌ها*
 15. *فهرست اصطلاحات*
 16. *فهرست واژه‌ها*
 17. *فهرست کلمات*
 18. *فهرست حروف*
 19. *فهرست اعداد*
 20. *فهرست علائم*
 21. *فهرست نمادها*
 22. *فهرست شکل‌ها*
 23. *فهرست تصاویر*
 24. *فهرست جداول*
 25. *فهرست نمودارها*
 26. *فهرست معادلات*
 27. *فهرست فرمول‌ها*
 28. *فهرست اصطلاحات*
 29. *فهرست واژه‌ها*
 30. *فهرست کلمات*
 31. *فهرست حروف*
 32. *فهرست اعداد*
 33. *فهرست علائم*
 34. *فهرست نمادها*
 35. *فهرست شکل‌ها*
 36. *فهرست تصاویر*
 37. *فهرست جداول*
 38. *فهرست نمودارها*
 39. *فهرست معادلات*
 40. *فهرست فرمول‌ها*
 41. *فهرست اصطلاحات*
 42. *فهرست واژه‌ها*
 43. *فهرست کلمات*
 44. *فهرست حروف*
 45. *فهرست اعداد*
 46. *فهرست علائم*
 47. *فهرست نمادها*
 48. *فهرست شکل‌ها*
 49. *فهرست تصاویر*
 50. *فهرست جداول*
 51. *فهرست نمودارها*
 52. *فهرست معادلات*
 53. *فهرست فرمول‌ها*
 54. *فهرست اصطلاحات*
 55. *فهرست واژه‌ها*
 56. *فهرست کلمات*
 57. *فهرست حروف*
 58. *فهرست اعداد*
 59. *فهرست علائم*
 60. *فهرست نمادها*
 61. *فهرست شکل‌ها*
 62. *فهرست تصاویر*
 63. *فهرست جداول*
 64. *فهرست نمودارها*
 65. *فهرست معادلات*
 66. *فهرست فرمول‌ها*
 67. *فهرست اصطلاحات*
 68. *فهرست واژه‌ها*
 69. *فهرست کلمات*
 70. *فهرست حروف*
 71. *فهرست اعداد*
 72. *فهرست علائم*
 73. *فهرست نمادها*
 74. *فهرست شکل‌ها*
 75. *فهرست تصاویر*
 76. *فهرست جداول*
 77. *فهرست نمودارها*
 78. *فهرست معادلات*
 79. *فهرست فرمول‌ها*
 80. *فهرست اصطلاحات*
 81. *فهرست واژه‌ها*
 82. *فهرست کلمات*
 83. *فهرست حروف*
 84. *فهرست اعداد*
 85. *فهرست علائم*
 86. *فهرست نمادها*
 87. *فهرست شکل‌ها*
 88. *فهرست تصاویر*
 89. *فهرست جداول*
 90. *فهرست نمودارها*
 91. *فهرست معادلات*
 92. *فهرست فرمول‌ها*
 93. *فهرست اصطلاحات*
 94. *فهرست واژه‌ها*
 95. *فهرست کلمات*
 96. *فهرست حروف*
 97. *فهرست اعداد*
 98. *فهرست علائم*
 99. *فهرست نمادها*
 100. *فهرست شکل‌ها*
 101. *فهرست تصاویر*
 102. *فهرست جداول*
 103. *فهرست نمودارها*
 104. *فهرست معادلات*
 105. *فهرست فرمول‌ها*
 106. *فهرست اصطلاحات*
 107. *فهرست واژه‌ها*
 108. *فهرست کلمات*
 109. *فهرست حروف*
 110. *فهرست اعداد*
 111. *فهرست علائم*
 112. *فهرست نمادها*
 113. *فهرست شکل‌ها*
 114. *فهرست تصاویر*
 115. *فهرست جداول*
 116. *فهرست نمودارها*
 117. *فهرست معادلات*
 118. *فهرست فرمول‌ها*
 119. *فهرست اصطلاحات*
 120. *فهرست واژه‌ها*
 121. *فهرست کلمات*
 122. *فهرست حروف*
 123. *فهرست اعداد*
 124. *فهرست علائم*
 125. *فهرست نمادها*
 126. *فهرست شکل‌ها*
 127. *فهرست تصاویر*
 128. *فهرست جداول*
 129. *فهرست نمودارها*
 130. *فهرست معادلات*
 131. *فهرست فرمول‌ها*
 132. *فهرست اصطلاحات*
 133. *فهرست واژه‌ها*
 134. *فهرست کلمات*
 135. *فهرست حروف*
 136. *فهرست اعداد*
 137. *فهرست علائم*
 138. *فهرست نمادها*
 139. *فهرست شکل‌ها*
 140. *فهرست تصاویر*
 141. *فهرست جداول*
 142. *فهرست نمودارها*
 143. *فهرست معادلات*
 144. *فهرست فرمول‌ها*
 145. *فهرست اصطلاحات*
 146. *فهرست واژه‌ها*
 147. *فهرست کلمات*
 148. *فهرست حروف*
 149. *فهرست اعداد*
 150. *فهرست علائم*
 151. *فهرست نمادها*
 152. *فهرست شکل‌ها*
 153. *فهرست تصاویر*
 154. *فهرست جداول*
 155. *فهرست نمودارها*
 156. *فهرست معادلات*
 157. *فهرست فرمول‌ها*
 158. *فهرست اصطلاحات*
 159. *فهرست واژه‌ها*
 160. *فهرست کلمات*
 161. *فهرست حروف*
 162. *فهرست اعداد*
 163. *فهرست علائم*
 164. *فهرست نمادها*
 165. *فهرست شکل‌ها*
 166. *فهرست تصاویر*
 167. *فهرست جداول*
 168. *فهرست نمودارها*
 169. *فهرست معادلات*
 170. *فهرست فرمول‌ها*
 171. *فهرست اصطلاحات*
 172. *فهرست واژه‌ها*
 173. *فهرست کلمات*
 174. *فهرست حروف*
 175. *فهرست اعداد*
 176. *فهرست علائم*
 177. *فهرست نمادها*
 178. *فهرست شکل‌ها*
 179. *فهرست تصاویر*
 180. *فهرست جداول*
 181. *فهرست نمودارها*
 182. *فهرست معادلات*
 183. *فهرست فرمول‌ها*
 184. *فهرست اصطلاحات*
 185. *فهرست واژه‌ها*
 186. *فهرست کلمات*
 187. *فهرست حروف*
 188. *فهرست اعداد*
 189. *فهرست علائم*
 190. *فهرست نمادها*
 191. *فهرست شکل‌ها*
 192. *فهرست تصاویر*
 193. *فهرست جداول*
 194. *فهرست نمودارها*
 195. *فهرست معادلات*
 196. *فهرست فرمول‌ها*
 197. *فهرست اصطلاحات*
 198. *فهرست واژه‌ها*
 199. *فهرست کلمات*
 200. *فهرست حروف*
 201. *فهرست اعداد*
 202. *فهرست علائم*
 203. *فهرست نمادها*
 204.

مقدمه

برایتان عجیب نیست که مقدمه‌ای در آخر یک کتاب ببینید؟ نه واقعاً، این مقدمه خدمت است. سفر دلپذیری با یکدیگر داشتیم - نه همیشه آسان، ولی لذت بخش و مفید. نظری به عقب به زمانی که با هم شروع کردیم بیندازیم. زندگی خود را از نظر روحانی مورد بررسی قرار دادید. شاید علاقمند باشید آن را مجدداً انجام دهید. به جلد اول کتاب (صفحه ۲۳) رجوع کنید. پاسخهای قبلی خود را با یک تکه کاغذ بپوشانید و شاگردی خود را در زمان حاضر را ارزیابی کنید.

حال پاسخهای خود را با پاسخهایی که ماهها قبل داده‌اید مقایسه کنید. آیا تفاوتی می‌بینید؟ بدون شک، اکنون درک بهتری از هر یک از این موضوعات دارید. خدا چیزهای زیادی در شما نهاده است، همچنین رهبر و گروه شما. اینک، بعنوان ناظری خوب آماده هستید آن را به دیگران انتقال دهید.

اگر عطایای روحانی خود را کشف نکرده‌اید، در حالی که گروه «کشف عطایای روحانی» را مطالعه می‌کند، به این مهم خواهید رسید. برای فرصت مهیج کشف گنج مدفون آماده شوید.

بعد چه؟ شما اختیارات متعددی دارید، ولی هیچ کاری نکردن یکی از آنها نیست. توسط «استاد» تسلط یافته‌اید. مأموریت شما همان مأموریت اوست - نجات مردم جهان و بنیاد نهادن ملکوت آسمان!

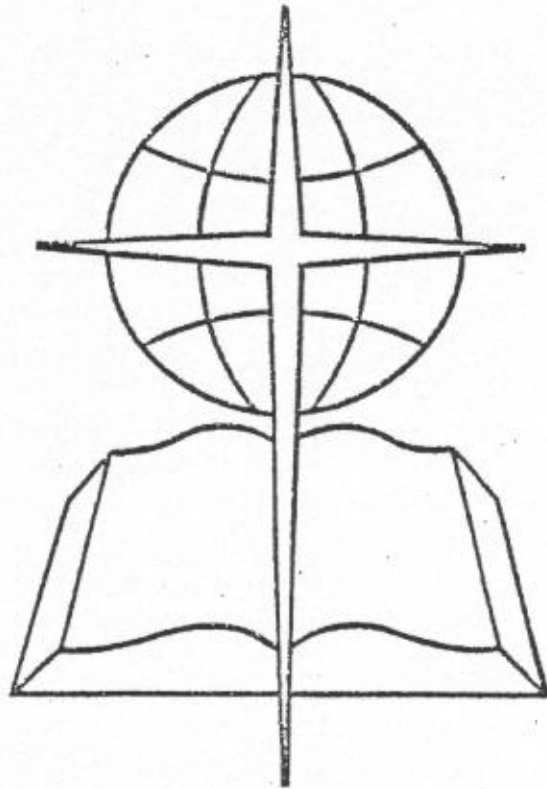
خدمتهای متعددی را که از انضباط اساسی صلیب شاگرد نشأت می‌گیرد، مورد بررسی قرار داده‌اید. ممکن است احساس کنید که هدایت شده‌اید در یکی از آنها بیشتر از موارد دیگر تخصص کسب کنید، با این وجود همیشه در خدمت تعلیم / موعظه، تربیت (تغذیه)، شفاعت، بشارت و کمک به دیگران، درگیر خواهید بود. ممکن است در حین خدمت بخواهید مطالعات پیشرفته‌ای انجام دهید. رهبر شما در مورد فرصتهای دیگری که توسط برنامه آموزشی کلیسا در همکاری با دیگر سازمانها و مؤسسات کلیسایی ارائه می‌شوند، با شما مشاوره خواهد کرد. ممکن است بخواهید مستقیماً به خدمت مشغول شوید و در حین خدمت بیاموزید.

شاید احساس کنید که علاقمندید از طریق رهبری یک گروه زندگی منضبط دیگران را یاری کنید تا مثل شما رشد کنند. در مورد این سرمایه‌گذاری تمام عیار در زندگیهای دیگران، با رهبر و شبان خود صحبت کنید. خدمت شما هر چه باشد، شما باید رهبرانی تربیت کنید که خدمت کنند، شاید در یک گروه، شاید توسط روابط عینی. مطمئناً شما دید تکثیر مداوم شاگردان را که در کتاب اعمال به وضوح دیده می‌شود، دریافته‌اید.

در هفته‌ها و ماههایی که در پیش است، انضباط شخصی خود را به دقت تحت نظر داشته باشید و این کار را ادامه دهید. فرمهای تهیه شده یا فتوکپی آنها را برای کاربرد شخصی مورد استفاده قرار دهید. برای انجام تکالیف می‌توانید از کاغذ استفاده کنید.

در آغاز هر هفته برنامه‌ریزی کنید که در طول هفته چه خواهید کرد. تصمیم بگیرید که در انضباط اساسی و در خدمت چه باید انجام دهید. رفتار خودتان را مورد بررسی قرار دهید. درحالی که به دیگران کمک می‌کنید، بگذارید آنها بررسی کنند که نقشه‌هایی را که برای خود طرح‌ریزی کرده‌اید چگونه انجام داده‌اید. هر ماه مدت زمانی طولانی در دعا با استاد باشید تا زندگی‌تان را با او مرور کنید و برای ماه آینده برنامه‌ریزی کنید.

بعنوان آخرین تکلیف در کتاب زندگی منضبط، به تصویر زیر نگاه کنید و برای تمام مواردی که سمبل وار در آن آمده است، تفسیری شخصی بنویسید.



چه اتفاقی خواهد افتاد اگر تمام مسیحیان آن را مثل شما تفسیر کنند و مطابق آن زندگی کنند. شما می‌توانید یاری کنید تا این امر محقق شود! همراه با دیگر همکاران سرتاسر دنیا، شما مراحل تکمیل بزرگترین مأموریت ممکن در نسل حاضر را اجرا می‌کنید. «چنانکه پدر مرا فرستاد من نیز شما را می‌فرستم» (یوحنا ۲۰:۲۱).